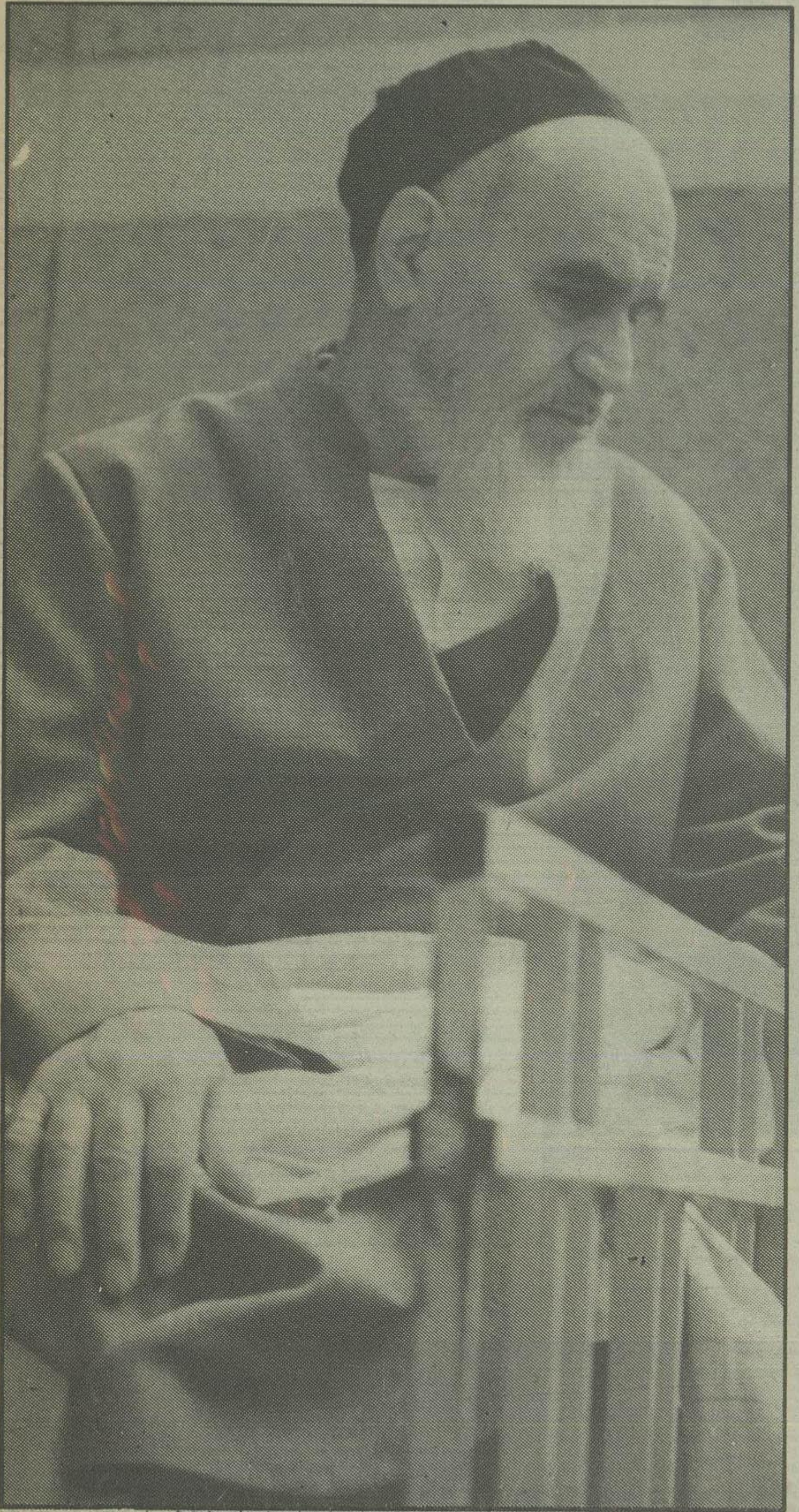
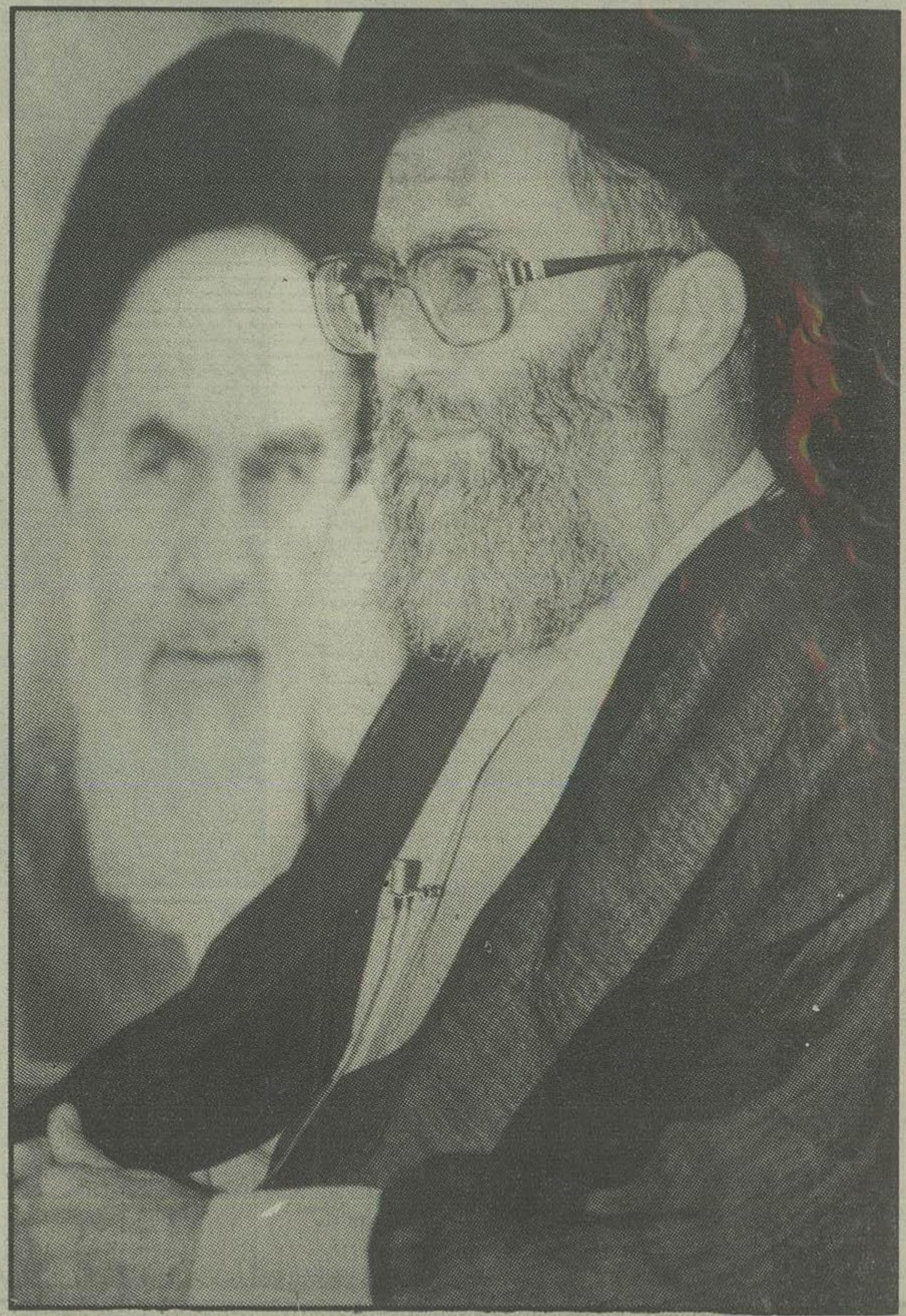
# ترسیم حرکت تکاملی انقلاب در پیام و کلام امام




رایگان

اطلاعات

پنجشنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۶۸ ـ ۹ ذیحجه ۱۴۰۹ ـ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹ ـ شماره ۱۸۷۹۹ ۱۲ صفحه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی:

## امام خمینی پدر، بانی، معلم و رهبر بزرگترین حماسهٔ روزگار ماست

### سخن روز

## آیه‌های زمینی

آسمان و زمین، خورشید و ماه و ستارگان، کوه و دریا و درخت و دشت و دمن، همه از آیات الهی است. نشانه‌های قدرت و عظمت اوست. امام خمینی، عبد صالح خداوند، با روحی به فراخنای آسمان و گستردگی زمین، با دلی به عمق دریا و طراوت درخت، با ایمانی به صلابت کوه و وسعت دشت و دمن و با چشم و چهره‌ای به زیبائی ماه و ستاره و خورشید، آیت عظمای الهی بود.

کلام و پیام او، قول و عمل او، اخلاق و رفتار او، هر کدام آیه‌ای از آیه‌های خداوند بود و اینك او خود نیست، امّا آیات خدائی او در میان ما و میراث انقلاب ما است. سخنان او، پیامهای او، نوشته‌های او، وصیتنامه او، الهام گرفته و تعلیم یافته از آیات قرآنی است. او بزرگترین افتخارش، شاگردی و دانش آموزی و تبعیّت در برابر اسلام و قرآن و آیات کتاب خداوند بود. امّا اکنون، پیام و کلام او، خود، آیه‌ای است در ذیل آن آیات.

ما امروز به آیه، آیه‌ی وصیتنامه او و پیامهای او محتاجیم. وقتی روا است که او را آیت الله العظمی بخوانیم و حق همین بوده است، اکنون چگونه می‌توانیم کلام و پیام او را در طول عمر پر برکتش آیه‌های زمینی ندانیم و تنامیم؟ وقتی باغ و راغ و چمن را آیه الهی می‌دانیم، چگونه باغی از کلام و پیام او را ـ که امام خداپرستان و موحدان عصر ما است ـ باغی از آیه‌های زمینی خداوند نخوانیم؟ «روا باشد انا الحق از درختی، چرا نبود روا از نیك بختی»؟!

وصیت نامه حضرت امام خمینی ـ رضوان الله تعالی علیه ـ تفسیر قرآن و اسلام است و دیگر پیامها و نوشته‌های آن عزیز خصوصاً آنچه در واپسین سالهای عمر در منتهای درایت و فراست و پختگی و رشد و تکامل روز افزون خویش با قلمی استادانه بر کتیبه رخدادهای زمانه نقش کرد، تفسیر و تشریح همان وصیت نامه است.

شجاعتی که امام خمینی ـ قدس الله نفسه الزکیه ـ در گشودن دروازه‌های تفکر و تفقه و آنگاه فتح قلعه‌ها و حصارهای استوار فکری و فقهی، بویژه در دو سه ساله اخیر، از خود نشان داد، شجاعتی بی مانند بود و از شجاعت سیاسی و مبارزاتی او در عرصه‌های دیگر نه تنها کمتر نبود بلکه فزونتر نیز بود.

پیام حج سال ۶۶ که منشور انقلاب نام گرفت، پیام حج سال ۶۷ که پیام استقامت نامیده شد، پاسخ به نامه حجت الاسلام انصاری که بعنوان منشور برادری شهرت یافت، پیام پایانی سال ۶۷ خطاب به مراجع و علما و ائمه جمعه و روحانیون سراسر کشور، پاسخ به نامه‌های بزرگان ومتفکران و مسئولان و مدیران نظام جمهوری اسلامی و بسیاری دیگر از این قبیل، هرکدام سندی از اسناد بزرگترین انقلاب فکری و عقیدتی و بینشی و نیز آیه‌ای ازآیات هدایت کننده‌ی زمینیان است.

آنچه بیش ازهر چیز قابل توجه است اینست که مجموعه اصول و آرمانها و معتقداتی، که در این مجموعه رقم زده شده، ثبات وجاودانگی و صلابت را با انعطاف و پویایی و قابلیت پذیرش مقتضیات و وضعیت‌های گوناگون زمانی و مکانی در هم آمیخته بلکه به وحدتی طبیعی رسانده است. می بینیم که تغییر و تبدیل در سنن وقوانین و اصول راه ندارد، امّا واقع گرائی مثبت و سازنده وتوجه کافی به تحولات و تنوّعات زمان و مکان و موضوعات و مصادیق نه تنها از نظر پنهان نمانده بلکه در حریم و حصار ویژه‌ای به رسمیت شناخته شده و این نیز صراحتاً ازمتن تعالیم اسلام اخذ شده است.

یکدستی، یگانگی، عدم تناقض، هماهنگی و همخوانی از صفات بارز این مکتوبات و وصایا و پیامها است. آنچه در سال ۶۱ نگاشته شده با آنچه در واپسین بهار حیات اظهار شده است، جلوه‌های یك فروغ ابدی است.

هرکس از اهل دانش و بصیرت، این مجموعه را با دقت و مراقبت بررسی کند، آنرا به اصطلاح امروز، یك مکتب منسجم و موفق فکری و فقهی و سیاسی واجتماعی خواهد یافت. این، راهی است که امام خمینی در برابر همگان گشود. با گشوده شدن این راه و این باب، حجت بر فقها ومجتهدین و طلاب حوزه‌های علمیه تمام شد. امام همچنانکه بر حرمت و عظمت فقه سنتی و میراث فقهای صالح سلف و شیوه‌های مرضیه آنان اصرار ورزید و پای فشرد، ازاجتهاد سیاسی واجتماعی و حکومتی نیز تعریف تازه‌ای را ارائه کرد. ممکن است این تعریف برای «متعمقین»، کاملاً تازه و نوظهور نباشد، امّا باتوجه به جوّ حاکم برمحیط علمی و تحصیلی قرون اخیر می‌توان گفت آنچه رخ داده است رخداد تازه و نوظهوری بوده است. امام زمان (عج) نیز آنچه به ارمغان خواهد آورد، عین دین و عین حق است و چیزی بیرون از آن نیست، امّا چندان زمانه

بقیه در صفحه ۱۲

### اشاره

برآن بودیم که برای مقدمه این بخش از پیامهای تاریخساز و سفارشهای زندگی بخش حضرت امام خمینی قدس سره الشریف، کلامی داشته باشیم و برای این منظور، مقدمه فصیح و پرجاذبه و روشنگر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، بر مجلدات صحیفه نور را برگزیدیم که طی آن، ویژگیهای رهبر معظم انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و خطوط حماسه بزرگ این روزگار، یعنی انقلاب اسلامی، به وضوح و با شیواترین کلام بیان شده است.

مقدمه حاضر که در بهمن ماه سال ۱۳۶۱ نگاشته شده است، به روشنی نشان می دهد که رهبر امروز انقلاب اسلامی، به حق شاگرد خلف و مقلد خالص و عاشق پاکباخته حضرت امام است و حرف حرف هر کلام و پیام آن حضرت را، به گوش جان نیوشیده است و بی سبب نیست که خبرگان ملت با اکثریتی قاطع، رسالت خطیر و استمرار راه رهبر مستضعفان جهان، خمینی کبیر را به او سپرده اند.

> * پیامهای امام در عین حال زبان گزارشگر صادق و آیینه‌ی تاریخ مکتب و ملتی است که هر لحظه آن با حوادث عظیم همراه و عجین بوده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی هدینا لهذا و ماکنا لنهتدی لولا ان هدینا الله

وافضل الصلوات والسلام علی بشیر رحمة الله و نذیر نقمته محمدصلی الله علیه و آله وسلم

انقلاب اسلامی، در این دوران با فریاد رسا و خاموش نشدنی امام خمینی آغاز گردیده است. در جامعه‌ی محکوم و مستضعف و ستم زده‌ی ایران، که اقتدار خداوندان زر و زور ناله‌ی ستمدیدگان را در حنجره شان خشکانده بود یکباره فریاد پرطنین این فقیه و حکیم بزرگ عصر، نقاب ظلم را از هم درید و رهائی و آزادی را بشارت داد.

از لحظه‌ای که این «تنها فریاد» مردم را به بیداری فراخواند تا روزی که همه‌ی ناله‌های این ملت به فریادی پرخروش بدل شد، سالهای سخت و خونباری بر ملت مظلوم و محروم ما گذشت. سالهائی که در آن، خون رشیدترین فرزندان این سرزمین خدائی، در راه برپائی حق و عدل و قسط، بدست جنایتکاران وابسته، به خاك ریخته شد.

ملت، همه‌ی دشواریها را با یاد و نام مردی تحمل کرد که تمام عمر پربرکتش را در راه اسلام گذرانیده و اکنون با همه‌ی وجود، خود را وقف تحقق آرمانهای اسلامی و احیای آئین محمدی کرده بود و در این راه، پیشاپیش همه‌ی امت اسلامی، با طراحان و مجریان انزوای اسلام و استضعاف ملتها می جنگید.

شخصیت عظیم و قاطعیت بی‌مانند این رهبر بزرگ، سرانجام یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های تاریخ یعنی انقلاب اسلامی را ببار آورد و استقلال و آزادی را در کشوری که قرنها در هجران آزادی و استقلال گذرانیده بود مستقر ساخت.

بدین ترتیب انقلاب و امام خمینی دو پدیده‌ی انفکاك ناپذیرند.

تحلیل انقلاب اسلامی ایران بدون شناخت شخصیت رهبر بزرگ آن و تحلیل شخصیت چند بعدی و کم نظیر این چهره‌ی استثنائی زمان، جدا از شناسائی انقلاب، ممکن نیست.

او انقلاب اسلامی را آغاز کرده و به برگ و بار آورد و انقلاب اسلامی، او را در رفیعترین جایگاه یك انسان افسانه‌ای نشاند و از او چهره‌ای جاودانه ساخت و این نبود مگر به توفیق الهی و به یمن هماوائی متقابل امام و امت.

او فرهنگ «تسلیم» را در جامعه دگرگون کرد و حصار ترس را فرو ریخت و ملتی را به سر چشمه‌ی پاك و زلال فطرت خدائی رهنمون شد. او بانی، رهبر، معلم و پدر انقلابی است که بزرگترین پدیده‌ی روزگار ما است.

انقلاب اسلامی، بی نام خمینی، در هیچ جای جهان شناخته نیست چرا که آغازگر زمزمه‌ی انقلاب اوست و هم اوست که آن را در لحظات سخت و دشوار رهبری کرده و از تنگناها گذرانیده و از انقلاب اسلامی مردم ایران، پدیده‌ای عظیم و اسوه‌ای جهانی پدید آورده است.

شك نباید کرد که هیچ انقلابی تنها با وجود و حضور رهبر به ثمر نمی رسد و در انقلاب ما نیز برکت حضور امام خمینی و نعمت بی بدیل رهبری او را دو عنصر دیگر تکمیل کرد: ایمان اسلامی و حماسه‌ی مردمی.

اما امام خمینی جدا از رهبری انقلابی، فقیه اسلامی یعنی: «مظهر آن ایمان» و مرجع تقلید یعنی: «تبلور اعتماد و دلبستگی مردم» نیز بوده است. او مانند پیامبران، با وجود خود دین، سیاست، انقلاب، خدا و مردم را یکجا به بیننده‌ی کاوشگر ارائه می‌دهد و قیام او، قیام انبیاء الهی را به یاد می‌آورد.

او احیاء کننده‌ی بینش دینی و برافروزاننده‌ی شعله‌ی ایمان و آفریدگار عظیمترین حماسه‌ی مردمی دوران ما است

و این همه را با سخنان و پیامهای خویش به انجام رسانده است.

مردم ما و مردم جهان، امام خمینی را از این سخنان و پیامها شناختند و امروز نیز همین سخنان و پیامهاست که جهت حرکت انقلاب اسلامی را در ایران و جهان ترسیم می کند.

پیامهای امام خمینی که از سالیان دراز تا امروز دلهای مبارزان را گرم و آتش مبارزه را روشن و مشتعل نگهداشته است، سه ویژگی اساسی دارد:

۱ـ برانگیزندگی خلق

۲ـ هدایت و ترسیم خط انقلاب

۳ـ ثبت دقیق تاریخ قیام و مبارزه‌ی مردم

***

مشخصه‌ی بارز پیامهای امام، تأثیر قاطع آن در برانگیختن مردم بود و هست. نه تنها در گذشته، که امروز نیز کلام ساده و بی پیرایه‌ی این مرشد و رهبر، جان شیفتگان حق و عدالت را مشتعل می کند و در آن شور و هیجان می آفریند.

اقیانوس بی‌تلاطم و بی‌هیجان این ملت را که در طول سالیان متمادی، با تسلیم و سکون همچون خصلتی طبیعی خو گرفته بود، هیچ چیز جز این فریاد شورآفرین نمی‌توانست چنین متلاطم و خروشان کند.

حکام ستمگر در طی قرون و اعصار، نیروی زیادی را صرف این کرده بودند که از ما، ملتی دلمرده و ناامید بسازند و دورنما و نتیجه‌ی هر نوع مبارزه با ستمگری را تاریك و محکوم به شکست جلوه دهند. فرهنگ، ترس و یأس حاکم بر روابط اجتماعی، مبارزه‌ی ملت و قدرت طاغوت را بمثابه‌ی حکایت مشت و سندان، تبلیغ میکرد و شگفتا که در این تبلیغ، ظاهرا موفق هم شده بود. حکایت قدر قدرت بودن شاهان ستمگر، عرصه‌ی ادبیات، شعر، سرود، ترانه، افسانه، ضرب المثل و همه‌ی مظاهر فرهنگی جامعه را تحت سیطره‌ی خود قرار داده بود. در این فرهنگ منحط، مستضعفان بصورت قشری ناآگاه، مأیوس و بی‌آینده تصویر می‌شدند. و این اصل بی اساس که ستمگران برای حکومت کردن و ستمدیدگان برای زیر سلطه ماندن آفریده شده اند، از دوران دور تاریخ تا روزگار ما بصورت اصلی ثابت و محتوم ترویج می‌شد.

در دوران سلطه‌ی چنین فرهنگی که برانگیختن مردم به مبارزه با حکومتی جابر و جائر، به زبان و قلمی همتای زبان و قلم انبیاء نیازمند بود، کلام امام، دیوار سکوت قرنها را فرو ریخت و مرگ را و جلاد را در نظر مردمی که به او امید بسته بودند، به یك اندازه خوار و حقیر و بیمقدار کرد. اغراق نیست اگر بگوئیم که رژیم ددمنش برای خنثی کردن هر جمله از سخن و پیام امام، صدها گلوله بسوی پیروان او شلیك کرد و ناموفق ماند.

نگاهی به روزهای تاریخساز دوران اخیر، نشان می دهد که کلام امام چه آتشی در سینه‌ی آرزومندان و طالبان حق و قسط و آزادی برمی‌افروخت و دژخیمان طاغوت در برابر آن، چه می کردند.

از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۱۷ شهریور ۵۷، صدها روز سرنوشت ساز در شهرها و روستاهای این کشور آفریده شد که در آن، رگبار گلوله‌ی مزدوران شاه سعی در خاموش کردن فریاد خلق داشت، در همه‌ی این روزها، نفس گرم امام آتش مبارزه را شعله‌ورتر و فریاد خلق را رساتر کرد.

> * شخصیت عظیم و قاطعیت بی مانند این رهبر بزرگ سرانجام یکی از شگفت انگیزترین پدیده های تاریخ، یعنی انقلاب اسلامی را به بار آورد و استقلال و آزادی را در کشوری که قرنها در هجران آزادی و استقلال گذرانیده بود، مستقر ساخت.
>
> * آخرین فصل مبارزه بر ضد رژیم تحمیلی شاه، یعنی از اوایل سال ۵۶ تا ۲۲ بهمن سال ۵۷، سرشار از حوادثی است که در هر کدام نقش رهبری امام که در پیامها گفتارها و اعلامیه هایش متجلی بود، برجسته‌تر و نمایان‌تر از گذشته است.

این سخن آتشین شعوربخش شورآفرین که روزی تنها در حوزه‌ی درس و بحث به گوش مستمعان می‌رسید و روح تشنه‌ی شاگردان متعهد را سیراب می کرد، پس از اندك زمانی، عامل تهییج همه‌ی ملت شد و اکنون در اقصی نقاط گیتی، زبان آرزوها و آمال میلیونها مسلمان انقلابی جهان است.

اکنون این کلام که در کشورهای تحت سلطه به محرومان و ستمدیدگان امید می‌بخشد، افقی روشن در برابر دیدگان منتظرشان گشوده و خواب از چشم سلطه‌جویان ربوده است.

ابرقدرتها، این بتهای جدید جهانی امروز از نهیب این مرد لرزیده اند. زودا که به طنین فریاد پیروان او در سراسر جهان به خاك فرو غلتند. و چنین است که

امام پس از آزادی از زندان و حصر ـ که در شب پانزدهم خرداد شروع شده و چند ماه بطول انجامیده بود ـ در اولین سخنرانی خود که پس از عطش چندین ماهه‌ی مردم، ذره ذره جان آنان را سیراب می کرد. همه‌ی تردیدها را برطرف کرد و با ستایش از حرکت مردم در پانزدهم خرداد و تجلیل از شهدای حادثه و بازماندگانشان آن روز و آن قیام و آن شهیدان را سازندگان تاریخ انقلاب و راهگشای راههای بعد ساخت.

سال بعد از حادثه‌ی خرداد در ماجرای مصونیت اتباع امریکائی که یادآور کاپیتولاسیون ننگین بود هیچکس از مردم و مبارزان نمی‌دانستند چه باید کرد و راه، کدام است. آن به اصطلاح مصلحان اجتماعی و ریش جنبانان فرنگ رفته و حقوق خوانده و ایران پرست که هیچ، مدعیان انقلابیگری و مبارزه با امپریالیسم و

او را امید مستضعفان جهان و ابراهیم زمان دانسته‌اند.

***

خصوصیت دوم پیامهای امام، هدایت امت و ترسیم خط حرکت انقلابی است. سخن گیرا و روحبخش امام پیوسته در لحظات تصمیمهای سرنوشت ساز، تردید و ابهام را در دلها شکسته و راه روشن را ارائه کرده است.

در یك حرکت انقلابی، لحظاتی و مقاطعی پیش می‌آید که راه بر انقلابیون بسته شود و هنگامیکه این حرکت از یك جمع کوچك و مخصوص به سطح وسیع ملت منتقل گردد چنین مواردی بیشتر می‌شود، و نهضت خونبار ما چه لحظات دشواری از این قبیل را گذرانیده و دلهای مخلص و عاشق مبارزه، چه‌ها از دست کسانیکه تخم تردید و ابهام می افشاندند، کشیده است.

در نخستین طلیعه‌های نهضت در سال ۴۱، در بروز اولین برخوردهای خشن و جدی، در هنگام رفراندوم فرمایشی محمدرضا، در حوادث پیاپی و بیسابقه‌ی سال ۴۲ و گذرگاههای خطرناکی که روحانیت و طیف پیرامون آن و نیز همه‌ی مردم که در جریان آن قرار می گرفتند هرگز پیش بینی آن را نکرده و نظیرش را از گذشته بیاد نداشتند، در حادثه‌ی استثنائی عاشورای آن سال که به قیام ۱۵ خرداد منتهی شد و در حوادث تلخ و خونین بعد از آن و آنگاه در همه‌ی مقاطع مهم سالهای بعد تا هنگامه‌ی شکوفائی نهضت، موارد بیشماری را می‌توان یافت که در آن، کاروان پر تلاش و پرانگیزه‌ی یاران انقلاب به دوراهیهای صعب و پرحیرتی رسیده و راه را ندانسته است.

معمولا در چنین مقاطعی، سرنوشت نهضت بسیار اضطراب‌انگیز و نگران کننده می شود. گمان کشانده شدن به انحراف و سازش یا به کاری نسنجیده و زیانبار یا به اختلاف و دوگانگی در عناصر اصلی مبارزه و آنگاه در همه‌ی مردم، در این موارد و در همه‌ی نهضت‌ها بسیار است و امید به سلامت جستن نهضت بدون داشتن راهنما و معلمی حکیم، بسیار کم.

در این لحظات حساس، در این هنگامه‌های ابهام و اشتباه و احیانا یأسی که از ندانستن و راه نبردن برمی‌آید، رهبری امام خمینی همواره مشکل را گشوده و راه را نموده است. سخن امام، اطلاعیه‌ی کوتاه یا بلند امام، نوار سخنرانی امام که چون پیام‌آور قاطعی همه جا می رفت و به آنسوی همه‌ی درهای بسته می رسید، تردیدها را برطرف کرده و راه اختلاف را بسته است. همه فهمیده اند که چه باید کرد و چه باید گفت و چگونه... «اطلاعیه» یا «نطق» امام دهان مخالفان را بسته و منطقشان را ضعیف کرده و ایمانی واضح و بی‌تردید در راهروان دمیده است.

بعد از پانزدهم خرداد ـ اولین حادثه‌ی خونین و دسته جمعی که کشتگان آن را تا هزارها نفر شمردند ـ از سوی چپ‌ترین تا راست‌ترین عناصر و جناحها زمزمه‌ی شك و تردید آغاز شد: چپ‌ها که به کمك پشتیبانان خارجی بزرگشان میتوانستند صدای خود را در همه جا پیرا کنند آنرا یك شورش کور خواندند، کاری که از آن باید پشیمان بود و راه منتهی به آن را قطع کرد. بعضی از نام و نشان دارترین اسلامی‌ها هم آن را ضایعه‌ای می دانستند که بهترین و متدین‌ترین جوانان ما را که باید مروج اسلام باشند به کام مرگ داد و ما را تنها گذاشت!

میان ایندو قطب، کم نبودند عناصر دلبسته به سخن این و آن که نه فقط در آینده که حتی در گذشته ـ گذشته‌ای که خود در آن سهم داشتند نیز ـ به چشم تردید و بدبینی می نگریستند.

این گفته ها فضا را با شك و دودلی آلوده بود...

استبداد و امثاله، نیز با آن همه ادعا و مدعا، نفسی نکشیدند و اعتراضی نکردند و این خیانت تحقیرآمیز و حیثیت بر باد ده را با سکوت و ترس و تردید گذرانیدند. ملت از سوی هیچیك از مدعیان، راهنمائی نشد. تنها فریاد امام خمینی و آن نطق افشاگر و روشنگر بود که با ذکر جزئیات، همه چیز را بر ملا و مردم را به معنای واقعی، رهبری کرد.

در طول تبعید، در سنگر تدریس فقه اسلام و در بالاترین و وزین ترین کرسی حوزه‌های علمیه و از حنجره‌ی یك مرجع تقلید محبوب و مردمی و شجاع در طول سالیان اختناق همواره راه دراز و دشواری را که در مقابل مردم ایران بود به آنان نمود و خط حرکت را ترسیم کرد. همیشه در دوراهیها راه درست را مشخص ساخت. همیشه در گیرودار ترفندهایی که دشمن در داخل کشور می‌ساخت و شعارهائی که برای فراموش شدن شعارهای اصلی سر می‌داد، و مایه‌های اختلافی که میان مردم می‌آفرید و جناح بندیهایی که از عناصر مبارز پدید می‌آورد، و همچنین در هنگامه‌ی شدت عملهائی که نشان می‌داد و تهاجماتی که نسبت به قشرهای مؤثر مانند روحانیون و دانشجویان می کرد و فشارهای بیشتر از اندازه‌ای که اینجا و آنجا می‌آورد... سخن، پیام و نظر امام بود که علاج و داروی قطعی محسوب می گشت. در این موارد همه بطور طبیعی منتظر بودند ببینند از نجف، از امام چه می رسد و هنگامیکه می‌رسید همه آنرا می‌نوشیدند و می نیوشیدند و دست به دست می گرداندند و آهنگ آن کلام در زمانی کوتاه همه جا را و همه‌ی دلها را می گرفت، در سطح کشور پراکنده می شد و هیچکس و هیچ جا را بی نصیب نمی گذاشت.

در سالهای آخر اختناق، این راهنمائیها شتاب، قاطعیت و صراحت پیامبرانه‌ای

> * سخن گیرا و روحبخش امام، پیوسته در لحظات تصمیم‌های سرنوشت ساز، تردید و ابهام را در دلها شکسته و راه روشن را ارائه کرده است.

گرفته بود. بر همه‌ی نظرات و سلیقه ها، بر همه‌ی تردیدها و دودلیها، بر همه‌ی ضعفها و سستی ها فائق می‌آمد و در میان کوهی از مشکلات، ناباوریها و ناتوانیها راهی به وسعت عبور یك ملت می گشود.

آخرین فصل مبارزه بر ضد رژیم تحمیلی شاه، یعنی از اوایل سال ۵۶ تا ۲۲ بهمن سال ۵۷ سرشار از حوادثی است که در هر کدام نقش رهبری امام که در پیامها، گفتارها و اعلامیه‌هایش متجلی بود، برجسته‌تر و نمایانتر از گذشته است:

ـ کشانیدن مردم به مقاومت در برابر کشتارهای جمعی و ایجاد سلسله‌ی اربعینات.

ـ روشنگری در باب نقش رژیم در فاجعه‌ی سینما رکس آبادان.

ـ وادار کردن مردم به مقاومت در برابر تهاجم مسلحانه و خونین رژیم.

ـ آماده سازی مردم برای بهره برداری از محرم سال ۵۷ و اعلام «پیروزی خون بر شمشیر».

ـ طرح شعار «شاه باید برود» آنهم در هنگامیکه هیچکس در داخل و خارج کشور به فکر این نسخه برای دردهای ایران نبود و هرگز کسی جرأت طرح آن بصورت فرضیه را هم نمی کرد.

ـ اعلام مواضع قاطع در برابر دولتهای ناپایدار ماههای اخیر و سلب هیبت و ابهت حکومت نظامی و سپس دولت نظامی.

ـ افشای چهره‌ی سالوس دولت مدعی ملیگری و ایستادگی قاطع در برابر تقاضای ریاکارانه‌ی رئیس آن دولت که می‌خواست در پاریس با امام ملاقات کند.

ـ پس از ورود به ایران، اعلام خلع دولت دست نشانده و تعیین دولت موقت، و آنگاه موضعگیری در برابر حوادث لحظه به لحظه‌ی انقلاب و خط دهی و راهنمائی مردم در عبور از مهمترین گذرگاه تاریخ این کشور در طول چندین قرن.

در همه‌ی این حوادث سخن امام و پیام روشن و بی ابهام او در میان اضطراب و تشویش گروهی و حیرت یا جهالت گروهی دیگر، همیشه حرف آخر را با قاطعیت گفته و راهی را که مردم باید بپیمایند به آنان نشان داده است. و البته بدون استثناء مردم هم همان راه را برگزیده و پیموده اند.

پس از پیروزی انقلاب در دهها واقعه‌ی بزرگ و تعیین کننده، تنها کلام متین و سنجیده‌ی امام بود که خط انقلاب را از خطوط دیگر مشخص ساخته و مردم را بدان سوق داده است. مردم از این دریچه همواره اراده‌ی خدا را شناخته و رفع شبهه‌ها و پاسخ سئوالهای خود را یافته‌اند.

و به کجا میرفت کاروان انقلاب، اگر این رهبری الهی نمی‌بود و این ناطقه‌ی الهی نمی گفت؟!

***

پیامهای امام در عین حال زبان گزارشگر صادق و آئینه‌ی تاریخ مکتب و ملتی است که هر لحظه‌ی آن با حوادث عظیم همراه و عجین بوده است.

و این، سومین ویژگی این پیامها و سخنهاست.

در این آئینه، راستی‌ها و درستی های انقلابی که ریشه در صدر اسلام دارد، منعکس است و این فرصت مغتنمی است برای ملت انقلابی ما که بتواند انقلاب اسلامی را از تحریف تاریخی که از آفات هر انقلاب است مصون بدارد. و نیز برای بینندگان و تحلیل گران که درست‌ترین روایتهای تاریخی از این انقلاب بزرگ را در خلال این سندهای ارزشمند بجویند و از آن بهره ببرند.

بقیه در صفحه ۱۲

■ پاسخ امام به نامه‌ی حجت‌الاسلام والمسلمین انصاری در مورد وحدت جناح‌ها:

# کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی، به تفکر، وحدت و برادری نیاز دارد

● رهبر معظم انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به نامه حجت‌الاسلام انصاری از اعضای دفتر امام که خواستار روشن شدن افکار اقشار مختلف مردم نسبت به مواضع و جناح‌های فکری موجود جامعه و ارائه رهنمودهای لازم از سوی مقام معظم رهبری در این رابطه شده بود. مطالب مهمی مرقوم فرمودند.

متن نامه حجت‌الاسلام انصاری و جوابیه حضرت امام به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

محضرمبارك رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله‌العالی.

با ابلاغ سلام و تحیات خالصانه و آرزوی طول عمر قرین با صحت و عافیت کامل برای آن وجود مبارك. ابتدا از الطاف بی کران پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه‌الله ارواحنافداء خاضعانه سپاسگزاری میکنم که توفیق خدمت و نعمت بزرگ تشرف در جوار مقدستان را به من ارزانی کرد. با اعتراف کامل به اینکه هنوز از عهده درك این موهبت عظمی بر نیامده‌ام، از ذات اقدس خداوند می‌خواهم که توفیق شناخت و شکر این نعمت بزرگ را در عمل عنایت فرماید و حیات و مماتم را در مسیر پیشبرد اهداف بلندتان قرار دهد. حضرتعالی با بزرگواری و کرامت همواره قصور و تقصیرات ما را تحمل کرده‌اید، انشاءالله این مزاحمت جدید را نیز مورد عفو قرار می‌دهید. مسئله مهمی که موجب این نوشته گردید، این است که از اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تاکنون که درخدمت بوده‌ام، شاهد ظهور و افول جریانات فکری و عقیدتی ـ سیاسی فراوان و متنوعی بوده‌ام که بحمدالله تعالی جریانات انحرافی و الحادی منزوی شده‌اند ولی

> ■ اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرت‌ها برطرف می‌گردد.

دو جریان عقیدتی و سیاسی که هر دو نیز وابسته به انقلاب و مدافع اسلامند و طرفداران زیاد و شخصیت‌های معتبر دارند، امروز به شکل جدی‌تری در میدان رقابت با یکدیگر قرار گرفته‌اند که این رقابت صرفا در جنبه تئوری نیست بلکه در تمامی میدان‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بروز کرده است و احتمالا هر چه جلوتر برود، بردامنه رقابت‌ها و در حقیقت تضادهای خواسته و ناخواسته افزوده می‌شود که جدای از آن تبعات و آثاری که درکشور به بار می‌آورد، در مقطع کنونی یك نوع حیرت و سرگردانی شدید در میان طرفداران و افراد هر دو گروه به وجود آورده است که حقیر از جمله این افرادم و نمی‌دانم وظیفه چیست و چه باید کرد و آن چیزی که این تحیر را افزون می‌کند، این است که از یك طرف می‌بینیم اجرای نظریات کلی و سیاسی و اقتصادی هرکدام از این دو جریان درکشور و انقلاب منتهی به نتایجی میشود که طرف مقابل آنرا خلاف مصلحت می‌داند، به همین دلیل است که در انتخابات مجلس و دولت و امثال اینها رقابت‌ها فشرده‌تر و جدی‌تر گردیده و از طرف دیگر در مواضع کلی و اصولی انقلاب، مانند دفاع از اسلام و محرومین و مبارزه با شرق و غرب آنقدر مرز مواضع نزدیك و درحقیقت آمیخته است که چیزی به نام اختلاف مشاهده نمی‌شود و مزید براین مسئله همه می‌دانیم که اکثر رهبران و افراد مسئول این دو جریان از چهره‌های مبرز و شخصیت‌هایی هستند که بالاترین شاخص اعتبار آنان ارتباط طولانی با حضرتعالی در کسب فیض علمی و اخلاقی و سیاسی بوده است و هرکدام بگونه‌ای در انقلاب سهیم بوده‌اند و مهم‌تر از همه اینها اینکه در جریان تائیدات حضرتعالی می‌بینیم که اکثر افراد این دو جریان با هم مورد حمایت و عنایت بوده‌اند و هرگاه یکی از این جریان تائید شده است، مدتی بعد جریان دیگر تائید گردیده و نمونه‌ها زیاد است. مثلا وقتی افراد جامعه مدرسین یا سازمان تبلیغات حمایت می‌شوند درکنار آن افراد دفتر تبلیغات تائید می‌گردند، از یك طرف شورای محترم نگهبان، از طرف دیگر شورای مصلحت، از یك سو جامعه روحانیت مبارز تهران، ازطرف دیگر روحانیون مبارز، از یك سو آقای محتشمی و آقای نخست‌وزیر ازسوی دیگر آقای ناطق نوری و آقای آذری. برای حضرتعالی که در تعقیب اهداف بسیار بزرگتر از فکر و استعداد ما هستید، مسئله روشن است ولی متأسفانه ما نتوانسته‌ایم آنرا درك و حل نماییم و از آنجا که ما برای افکار و اندیشه‌های خود بدون تائید ولایت هیچگونه اصالت و ارزشی نمی شناسیم وشدیدا محتاج به رهبری و هدایت حضرتعالی می‌باشیم، احساس می کنم که این مسئله از حوادث واقعه ایست که اکثر مردم و خصوصا جوانان پرشور و انقلابی کشور و دانشگاه‌ها و حوزه‌ها باآن مواجهند و حل این مسئله فقط از مسیر نظریات و رهنمودهای حضرت مستطاب عالی امکان‌پذیر می شود.

والامر الیکم
۶۷/۷/۲۹ـ محمدعلی انصاری کرمانی

متن نامه امام امت:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ محمدعلی انصاری دامت افاضاته. نامه شما را مطالعه کردم مسئله‌ای را طرح کرده اید که پاسخ به آن کمی طولانی می گردد ولی از آنجا که من به شما علاقمندم شما را مردی متدین و دانا البته کمی احساساتی می‌دانم و از محبتهای بی دریغت نسبت به من همیشه ممنونم به عنوان نصیحت به شما و امثال شما که تعدادشان هم کم نیست مسائلی راتذکر می‌دهم. کتابهای فقهاء بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشتها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد وحتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود از اختلاف اخباریها و اصولیها بگذریم، از آنجا که در گذشته این اختلافات درمحیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهای علمی آن هم عربی ضبط می گردیدقهراً توده‌های مردم از آن بی خبر بودند و اگر باخبر هم می شدند تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت حال آیا می توان تصور نمود که چون فقهاء با یکدیگر اختلاف نظر داشته اند نعوذبالله خلاف حق و خلاف دین خدا عمل کرده‌اند، هرگز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای فقها و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه کشیده شده است چرا که نیاز عملی به این بحثها و مسائل است، مثلا در مسئله مالکیت و محدوده آن در مسئله زمین و تقسیم‌بندی آن. در انفال و ثروتهای عمومی. در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری. در مالیات در تجارت داخلی و خارجی در مزارعه و مضاربه و اجاره و رهن. در حدود و دیات، در قوانین مدنی، درمسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم چون عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره. در حفظ محیط زیست و سالم‌سازی طبیعت و جلوگیری ازقطع درختها حتی در منازل و املاك اشخاص. درمسائل اطعمه و اشربه. در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید. درحل معضلات طبی همچون پیوند اعضاء بدن انسان و غیره به انسانهای دیگر. درمسئله معادن زیرزمینی و رو زمینی و ملی. تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع تضییق و بعضی از احکام در ازمنه و امکنه مختلف در مسائل حقوقی و حقوق بین‌المللی و تطبیق آن با احکام اسلام. نقش سازنده زن در جامعه اسلامی و نقش تخریبی [illegible] درجوامع فاسد و غیر اسلامی. حدود آزادی فردی و اجتماعی. برخورد با کفر و شرك و التقاط و بلوك تابع کفر و شرك. چگونگی انجام فرائض در سیر هوائی و فضائی و حرکت بر خلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعتی بیش از سرعت آن و یا در صعود مستقیم و خنثی کردن جاذبه زمین و مهمتر از همه اینها ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه‌ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است و اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقهاء امروز باید برای آن فکری بنمایند. لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضاء می کند که نظرات اجتهادی فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد، بلکه یك فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را بدست گیرد.

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانیکه اختلاف و موضع گیریها در حریم مسائل مذکور است تهدیدی متوجه انقلاب نیست، اختلاف اگر زیربنائی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفا سیاسی است، ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول باهم مشترکند و بهمین خاطر است که من آنان را تایید می نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هرکدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هردو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد. هردو می‌خواهند سیطره و شر زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هردو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان زندگی پاك و سالمی داشته باشند. هردو می‌خواهند دزدی و ارتشاء در دستگاه‌های دولتی و خصوصی نباشد. هردو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی بصورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند. هردو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان بسوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند. هردو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟

> ■ اگر انتقاد به حق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند، البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است.

اختلاف برسر این است که هردو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به این همه است، ولی هردو باید کاملا متوجه باشند که موضعگیریها باید به گونه‌ای باشد که درعین حفظ اصول اسلام، برای همیشه تاریخ حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه داری غرب و در رأس آن آمریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین‌الملل ودر رأس آن شوروی متجاوز باشند. هردوجریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آنرا با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترك دارند که به هیچیك از آن دوجریان رحم نمی کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب آمریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که آمریکای حیله گر دشمن شماره یك آنها است، ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشك شوروی شهید گشته‌اند. هر دوجریان از حیله گریهای این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که آمریکا وشوروی بخون اسلام و استقلالشان تشنه‌اند. خداوندا تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود دانند.

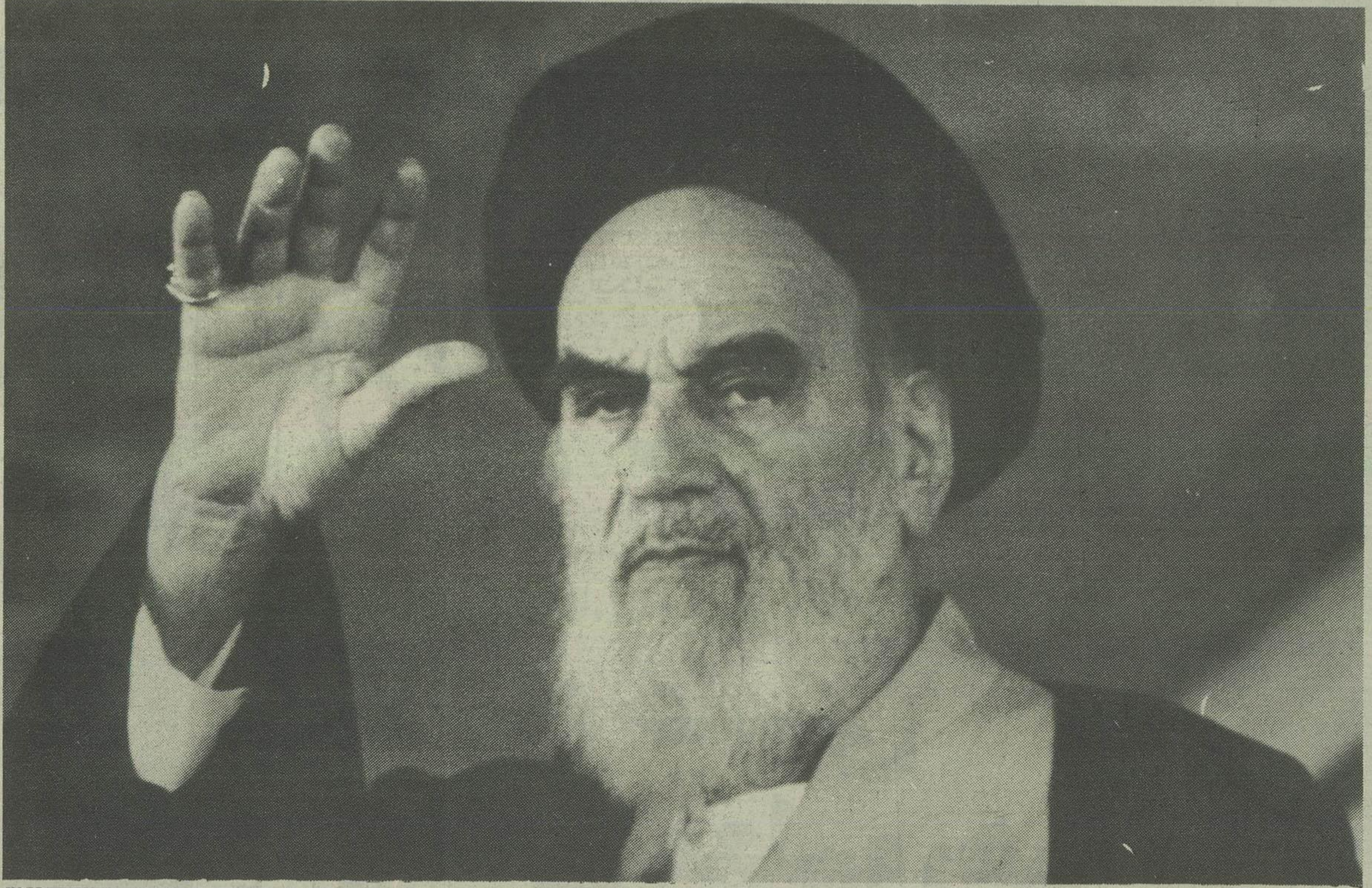
البته یك چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد که همه باید از شر آن بخدا پناه ببریم که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی شناسد، رئیس جمهور و رئیس مجلس و نخست وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و شورای عالی قضائی و شورای نگهبان، سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، نظامی، غیر نظامی، روحانی و غیر روحانی، دانشجو، غیر دانشجو، زن و مرد نمی شناسد و تنها یك راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم.

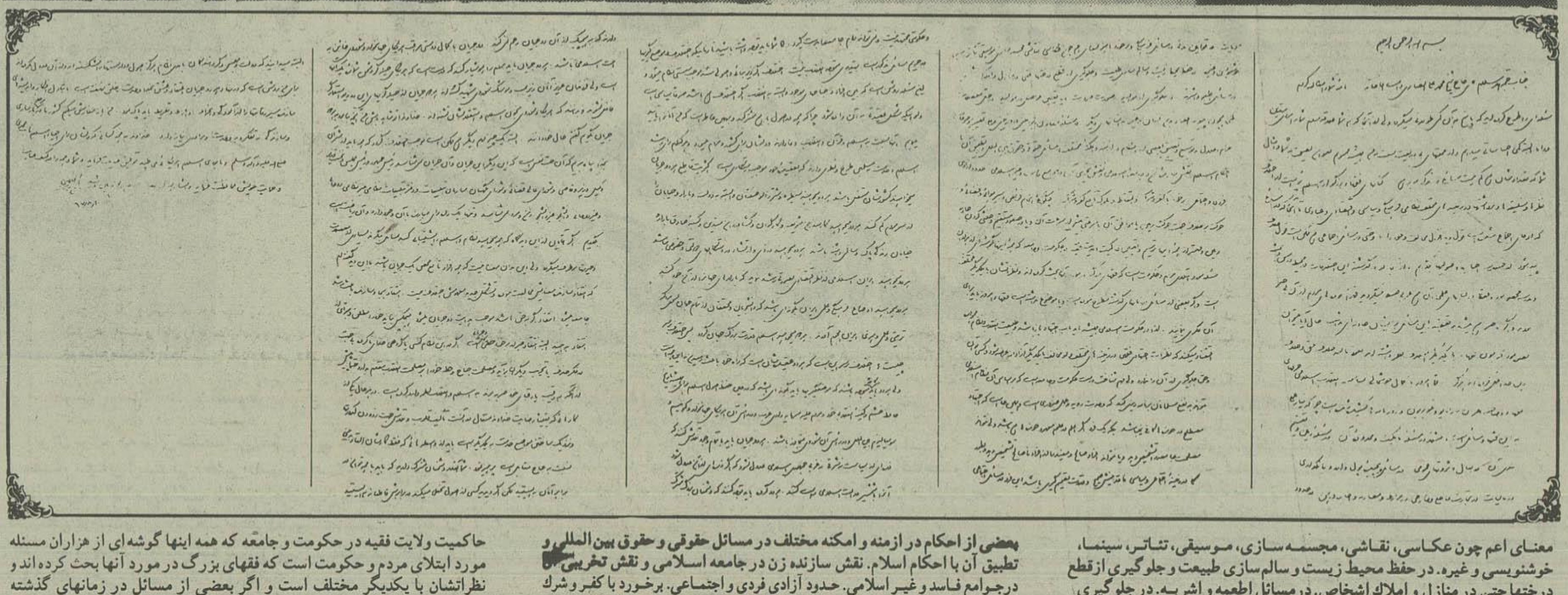
اگر آقایان از این دیدگاه که همه می خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند، به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرتها برطرف می گردد، ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یك جریان باشند، با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده وتشکل جدید مفهومش اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر به حق باشد، موجب هدایت دو جریان می شود، هیچکس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند البته انتقاد غیر ازبرخورد خطی و جریانی است.

اگر دراین نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتما پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند، به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهائی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آنست، تالیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیك ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هائی که فقط کارشان القاء بدبینی نسبت به جناح مقابل است پرهیز نمود. شما آنقدر دشمنان مشترك دارید که باید با همه توان در برابر آنان به‌ایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می کند در برابرش قاطعانه به‌ایستید. البته می‌دانید که دولت و مجلس و گردانندگان بالای نظام هرگز اصول و دار بستها را نشکسته‌اند و از آن عدول نکرده‌اند. برای من روشن است که در نهاد هر دو جریان اعتقاد و عشق بخدا و خدمت به خلق نهفته است. با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده مسیر رقابتها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاك نمود.

من باز سفارش می کنم کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی، به تفکر و به وحدت و برادری نیاز دارد. خداوند به همه کسانی که دلشان برای احیاء اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله و سلم و نابودی اسلام آمریکائی می طپد توفیق عنایت فرماید و شما و همه را در کنف عنایت و حمایت خویش محافظت فرماید و انشاءالله از انصار اسلام و محرومین باشید.

روح‌الله الموسوی الخمینی ـ ۶۷/۸/۱۰





## امام: امروز باید با جمود و سکون و سکوت مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پابرجا داشت

متن پیام امام امت به مهاجرین جنگ تحمیلی:

بسم الله الرحمن الرحیم ـ خدمت خواهران و برادران و فرزندان عزیز مهاجرین جنگ تحمیلی ایدهم الله تعالی

با سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم و استکبار، سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام برغیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درك می کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می شوند.

سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می کنند و سلام بر شما خواهران و برادران مهاجر که بدون شك در جنگ تحمیلی از کسانی هستید که صدمه فراوان روحی و جسمی و مالی خورده‌اید.

شما عزیزان در زمان یورش وحشیانه صدام، پس از روزها دفاع قهرمانانه اضطراراً محل زندگی و راحتی خود را ترك نموده و حقیقتا به زندگی پرمشقت در نقطه‌ای دور از خانه و کاشانه خویش تن داده‌اید.

شما مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی لحظه لحظه جنگ و سختی‌های آنرا درك کرده‌اید، انشاءالله جمهوری اسلامی در آینده‌ای نه چندان دور، شهرها و روستاهای شما را بهتر از قبل در اختیار شما خواهد گذاشت ولی باید خود به کمك مسئولان آمده و در نوسازی و مهیاسازی شهر و روستاهایتان آنان را یاری نمایید.

بحمدالله فرزندان خردسال آن روز شما، امروز جوانانی شده‌اند که مانند سایر برادران و خواهران خود از میهن اسلامیشان دفاع خواهند کرد. همه می‌دانند که تحمل هشت سال فشار و سختی فقط برای اسلام عزیز بوده است، لذا مسئولین باید در دفاع از اسلام محکم‌تر از همیشه با تمام توان در مقابل تجاوز نظامی، سیاسی و فرهنگی جهانخواران بایستند، چرا که امروز دنیای استکبار خصوصا غرب خطر رشد اسلام ناب محمدی (ص) علیه منافع نامشروع خود را درك کرده است.

امروز غرب و شرق به خوبی می‌دانند، تنها نیرویی که می‌تواند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است. آنان در این ده سال انقلاب اسلامی ایران ضربات سختی از اسلام خورده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که به هروسیله ممکن آنرا در ایران که مرکز اسلام ناب محمدی است، نابود کنند. اگر بتوانند با نیروی نظامی، اگر نشد با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچکدام از اینها نشد، ایادی خودفروخته خود از منافقین و لیبرالها و بی‌دینها را که کشتن روحانیون وافراد بی گناه برایشان چون آب خوردن است و در منازل و مراکز ادارات نفوذ می‌دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند و نفوذیها بارها اعلام کرده‌اند که حرف خود را از دهان ساده اندیشان موجه می‌زنند.

من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد، عقد اخوت نبسته‌ام. چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب‌الله، اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندانشان در سر سفره افطار گوش تا گوش بریدند.

ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده‌های همکاری آنان با آمریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می کنند، پیش ملت عزیز و شهید داده ما راهی ندارند.

اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول خورده که بدون توجه، بلندگوی دیگران شده‌اند، از این حرکات دست برندارند، مردم ما آنها را بدون هیچگونه گذشتی طرد خواهند کرد.

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداء است که خداوند بر همه مسلمانان وجهانیان منت نهد وظهور وفرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

مسائل اقتصادی ومادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ وخیانتی سهمگین را به دنبال دارد.

باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی وتوان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

مردم عزیز ایران که حقاً چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند باید سعی کنند که سختی‌ها وفشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسیشان که نشر اسلام در جهان است برسند واز آنان بخواهند که تنها برادری وصمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام ومسلمین در نظر بگیرند.

چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند وگرانی وکمبود بر طبقه مستضعف فشار می‌آورد؟ ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دون دنیای امروز وپایه ریزی فرهنگی جدید وبر مبنای اسلام در جهان وبرخورد قاطع اسلامی با آمریکا وشوروی فشار وسختی وشهادت وگرسنگی را به دنبال دارد ومردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند وبهای آنرا هم خواهند پرداخت وبر این امر هم افتخار می کنند.

این روشن است که شکستن فرهنگ شرق وغرب بی شهادت میسر نیست. من بار دیگر از مسئولان بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس واز هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند وکمرها را ببندند ودست از مبارزه وجهاد علیه فساد وفحشاء سرمایه داری غرب وپوچی وتجاوز کمونیسم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی علیه غرب وشرقیم. مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهانخواران شکست می‌خوریم ونابود می شویم مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت وتحجر معرفی می کنند مگر بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل ومنحرف خود در محافل ومنازل، عزت اسلام ومسلمین را پایکوب می کنند مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه‌های دار می روند. مگر بیش از این است که زنان وفرزندان خرد سال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می شوند بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم.

امروز بیشتر از هر زمانی کینه ودشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی بر ملا شده است بسیج عمومی آنان در دفاع از یك خود فروخته ونویسنده مزدور گویای این واقعیت است وشاید آنان این همه فضاحت وبی آبرونیشان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش بینی نکرده بودند که امروز با سرافکندگی وخواری از کرده خود پشیمان وبا ذلت مراجعت می کنند.

احتمالاً قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کمرنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم(ص) می باشد، گرچه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملتهای اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان ودختران مسلمان به رفع حجاب عین دمکراسی است وفقط ما که گفته‌ایم کسی به پیغمبر اسلام(ص) توهین کند واجماع فقهای مسلمین، فتوا به اعدام آن می دهند خلاف آزادی است.

راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاهها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است، جز این است که تفسیر وتاویل آزادی واستفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند.

امروز خداوند ما را مسئول کرده است نباید غفلت نمود. امروز با جمود وسکون وسکوت باید مبارزه کرد وشور وحال حرکت انقلاب را پا برجا داشت. من باز می گویم که همه مسئولان نظام ومردم ایران باید بدانند که غرب وشرق تا شما را از هویت اسلامیتان به خیال خام خودشان بیرون نبرند آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید ونه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت وبا چشمانی باز به دشمنان خیره شوید وآنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی گذارند.

البته ما از زحمات وزارت امور خارجه قدردانی می کنیم وآنها باید با جدیت به کار خود ادامه دهند که انشا الله در انجام وظیفه بزرگ الهی وسیاسی خود موفق خواهند بود.

از خداوند متعال می‌خواهم تا مهاجرین عزیزمان را هر چه زودتر به خانه وکاشانه خود برساند وتلخی غربت‌ها وسختی‌ها را به شیرینی مراجعتشان مبدل سازد.

در خاتمه لازم است از همه کسانی که از مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی پذیرایی کرده ومی کنند وهمچنین از مسئولین محترم بنیاد مهاجرین که زحمات زیادی متحمل شده‌اند تشکر وقدردانی نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله
۲ فروردین ۱۳۶۸
روح الله الموسوی الخمینی

پیام امام به جهادگران:

## جهاد شمائل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت و ذلت است

پیام حضرت امام به سمینار مسئولان واعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی سراسر کشور وسازمان‌های وابسته در تهران

بسم الله الرحمن الرحیم

زحمات بی وقفه جهاد این سنگرسازان بی سنگر در دفاع مقدسمان از جمله مسائلی است که ترسیم آن درقالب الفاظ نمی گنجد. عشق جهاد در خدمت به اسلام ومردم چشم دل عشاق خدمت به دین ومردم را روشن نموده است. شجاعت دلیر مردان وشیرزنان جهادیمان در جهادمان علیه کفر وبیداد زبانزد خاص وعام است. وسعت دامنه گذشت وایثار مردان وزنان جهاد، جنگ وصلح، بزرگ وکوچك، فقیر وغنی این مرزوبوم رافراگرفته است جهاد شمائل دنیای آزادی واستقلال در عرصه کار وتلاش وپیکار علیه فقر وتنگدستی ورذالت وذلت است.

فرزندان عزیز جهادیم، به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم است. اسلامی که غرب ودر راس آن آمریکای جهانخوار وشرق ودر راس آن شوروی جنایتکار را به خاك مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان ومظلومین وفقرای جهانند. ودشمنان آن ملحدان وکافران وسرمایه داران وپول پرستانند اسلامیکه طرفداران واقعی آن همیشه از مال وقدرت بی بهره بوده‌اند ودشمنان حقیقی آن زراندوزان حیله گر وقدرتمداران بازیگر ومقدس نمایان بی هنرند.

شما عزیزان با خدمات شایسته خود در پشت جبهه‌ها چون جبهه‌ها دل امام زمان روحی له الفدا را شاد کرده‌اید. امیدوارم از سیاست صخره‌های سخت نه شرقی ونه غربی جمهوری اسلامی عبور کنید که اگر ایران را برپایه استقلال واقعی پایه ریزی نکنیم هیچ کاری نکرده‌ایم. چشم امید من به شما سازندگان پرشور ونشاط اسلامی است.

والسّلام علیکم ورحمت الله
روح الله الموسوی الخمینی

امام، خطاب به خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز

## شجاعت شما دل تمامی میهن دوستان و اسلام باوران را شاد کرده است

لوح دستخط حضرت امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تقدیر از فرماندهان و خلبانان شجاع هوانیروز باختران که در عملیات بزرگ و غرورآفرین «مرصاد» دلاوریها و مجاهدتهای بی‌دریغ آفریدند، طی مراسمی به آنان اهداء شد.

متن دستخط امام امت، به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

توسط تیمسار سرتیپ ستاری فرمانده محترم نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران و تیمسار سرتیپ دوم انصاری فرمانده هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران.

خلبانان عزیز و قهرمان نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران و خلبانان دلیر و شجاع هوانیروز، اینجانب از زحمات طاقت فرسای شما و تمامی افراد متعهد و دلسوزی که بنحوی از انحاء درآمادگی های پروازها دست دارند تشکر می نمایم. شما در طول جنگ تحمیلی بخصوص در شرایط حساس امروز از رزمندگان صحنه‌های نبرد و میهن اسلامیمان با تمام توان دفاع نموده و می نمائید:

شجاعت شما دل تمامی میهن دوستان و اسلام باوران را شاد کرده است. شما در صحنه‌های سخت کارزار به دشمنان میهن عزیزتان آموختید که دیگر خیال تعرض به کشورمان و مکتب حیات بخش هم میهنانمان را ننمایند. اینجانب دست یکایك شما را میفشارم و از صمیم جان به شما دعا می کنم. خدا یار و نگهدارتان باد.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی
والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته
روح‌الله الموسوی الخمینی

## ■ پاسخ امام به نامه‌ی شورانگیز مادر یك شهید

انسانی با قلبی زلال، عاشق، با همه چیز در طبق اخلاص در یك حالت سوز و جذبه، با تمام وجودش پرده از اسرار می‌درد که من از مرزهای قراردادی گذشته‌ام و مریدم و در پی مراد می روم. و این انسان در این لحظات اگر قلم در دست داشته باشد، حتی اگر نویسنده نیز نباشد، اثری بزرگ می آفریند. از عمق دل می‌نویسد و سخن او چون از دل بر می‌خیزد لاجرم بردل می نشیند.

آنچه خواهید خواند، نامه‌ای کوتاه است، نامه‌ای از آن هزاران که هر کدام از این امت همیشه عاشق به امام می نویسد، یا در دل دارد که بنویسد. نامه‌ای است که سراسر از صفا و صمیمت حکایت می کند. نامه‌ای است که بزرگی روح و دریادلی نویسنده آن را به تصویر می کشد. سراسر این نامه نه نوشته‌ای ساده، بلکه واقعیت انگار ناپذیر تصویرهای قوی ارتباط ناگسستنی امت با امام است. کمتر کسی است که این نامه را بخواند و اشك در چشمانش حلقه نزند. اشك شوق، اشکی که معمولا در بزرگترین فرازهای زندگی هر انسانی بدون اختیار از چشمانش جاری می‌شود.

این نامه اثری تکان دهنده و بزرگ است، اثری به بزرگی روح نویسنده آن. نویسنده این نامه بسیار صمیمانه‌تر گفته است:

رشته‌ای برگردنم افکنده دوست
می کشد هر جا که خاطر خواه اوست

در یك کلام او هم مانند بقیه پر صلابت، محکم و مطمئن. به عنوان یکی از میلیون‌ها امت، پشت سر امام ایستاده است. و رساتر از این نامه کلام امام است. کلامی که به زلالی و پاکی چشمه ساران بر کاغذ روان شده و به حق شایسته او است. کلامی که اگر در بطنش بکاوی، هیچ تفسیری برآن نمی‌توانی نوشت. چرا که برای لغت «شفاف» اگر تفسیری جز «شفاف» نوشته شود خطاست.

و اینك دستخط مبارك حضرت امام

بسمه تعالی

فرزند عزیزم خانم حاجیه شمس نورانی نامه پراحساس شما را خواندم. از شما و افرادی مانند شما نمیدانم چگونه باید قدردانی کرد. من که در مقابل اینهمه محبت و صفا غیر از تشکر و دعا کاری نمی‌توانم انجام دهم. دست بندت را برایت می‌فرستم تا از جانب من هدیه‌ای باشد برای تو و معادل آنرا با نذر حقوق ششماهه‌ات من خود به جبهه می‌فرستم. از قول من به فرزندان عزیزت این عزیزان ملت شریف ایران سلام گرمم را برسان. خدا یار و نگهدارت باد.

روح‌الله موسوی الخمینی
۶۷/۵/۲۳

نامه شورانگیز مادر شهید

بسم‌الله الرحمن الرحیم

محضر مقدس رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی (روحی‌فدا) سلام علیکم

از آنجا که مایل نیستم در این شرایط حساس وقت شریف را تصدیع نمایم بدون مقدمه سخنانم را آغاز می کنم.

من مادر یك شهید به نام سیدعلی اصغرکیاء از خیل عظیم شهیدان اسلام عزیز هستم. خود در اوایل زندگی بر اثر حادثه‌ای همسر عزیز خود را که از سادات بود از دست دادم و با چهار فرزند به یادگار از آن مرحوم مانده زندگی را ادامه دادم و یکی از آنها را در جنگ تحمیلی تقدیم اسلام و آن حضرت نمودم و اکنون نیز آماده انجام تکلیف می‌باشم.

اماما، پیام پر ازدرد و محنت شما در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آسایش را از روح و جسم ملت ایران و مستضعفان جهان بویژه خانواده شهیدان گرفت و مطمئن باشید که آنها هم همانگونه که فرمودید آن را مانند جرعه زهری نوشیدند ولی تحمل هر چیزی برای رضای خدا و مصلحت اسلام عزیز گواراست.

دشمنان قسم خورده اسلام عزم خود را جزم نموده‌اند که دین مقدّس اسلام را منهدم و نابود نمایند و این را از اجداد و پیشینیان پلید خود به ارث برده‌اند. اما زهی خیال باطل.

خدایا تو شاهد باش که ما هم با تاسی به پیشوایان بزرگمان همچون ابراهیم و محمد و علی و زهرا و فرزندان معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین و با تقلید از مرجع و ملجاء عظیم‌الشان انقلاب عزم خود را جزم نموده‌ایم که تا آخرین نفر و آخرین نفس با اهداف نامبارك آنها مبارزه کنیم.

اماما، راهپیمائی روز عید غدیر ثابت کرد که مردم شریف ایران مرگ را تحمل می کنند ولی ننگ خواری و ذلت در مقابل دشمنان اسلام را نه. آنها با این حضور نشان دادند که همواره گوش به فرمان رهبر الهی خود هستند و این اطاعت را به حکم آیه شریفه (اطیعواالله و اطیعواالرسول) تکلیف شرعی خود می‌دانند.

اماما، مبادا که شرایط روز دامان کبریائی شما را غبارآلود و دل مبارکتان را رنجور نموده باشد. ما به شما اطمینان می دهیم که با اشك چشمانمان دامان و دلتان را شستشو با خونمان نهری و با اجسادمان سدی در مقابل دشمنان اسلام ایجاد خواهیم کرد که در آن غرق و زمین گیر شوند.

اماما، اینجانبه هدیه‌ای ناقابل را که ذخیره‌نموده و دهها فکر و خیال برای مصرف آن جهت رفاه خود و فرزندانم داشتم بمنظور رفع نیاز جبهه‌های جنگ تقدیم می نمایم و همچنین نذر نموده‌ام که حقوق شش ماه خود را تقدیم نمایم. لذا اکنون هدیه مذکور (یك قطعه دستبند طلا) را به همراه مبلغ سی هزار ریال (حقوق یکماه) تقدیم و بقیه را نیز تحویل خواهم داد. انشاءالله

در خاتمه آرزوی دعای خیر و تقاضای عاجزانه دارم که با دستخط مبارك (ولو کوتاه) جواب نامه را مرقوم فرمائید.

از خداوند تبارك و تعالی به همراه همه مستضعفان و مسلمین و شیعیان طول عمر آن حضرت را با سلامت کامل خواهانم.

حاجیه شمس نورانی، از طلاب علوم دینیه و از خدمتگزاران امداد امام خمینی کاشان والده شهید سیدعلی اصغرکیاء

والسلام علیکم و رحمة‌الله
پانزدهم مرداد ماه شصت و هفت

■ پیام امام به خانواده‌های ایثارگران:

## دشمنان خدا و خلق خدا، آنی غافل نیستند و در کمین نشسته‌اند تا آنچه را خدایی است، نابود کنند

به مناسبت دومین روز از هفته دفاع مقدس که روز تجلیل از ایثارگران نامگذاری شده است، امام امت طی پیامی که در گلزار شهدا در بهشت زهرا قرائت شد فرمودند: خانواده‌های شهدا تا همیشه تاریخ، این مشعلداران راه اولیاء افتخار روشنایی طرق الی الله را بعهده گرفته‌اند. مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده‌اند که در گوشه گوشه این مرزوبوم به دین باوران، راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می‌دهند.

پیام حضرت امام به این شرح است:

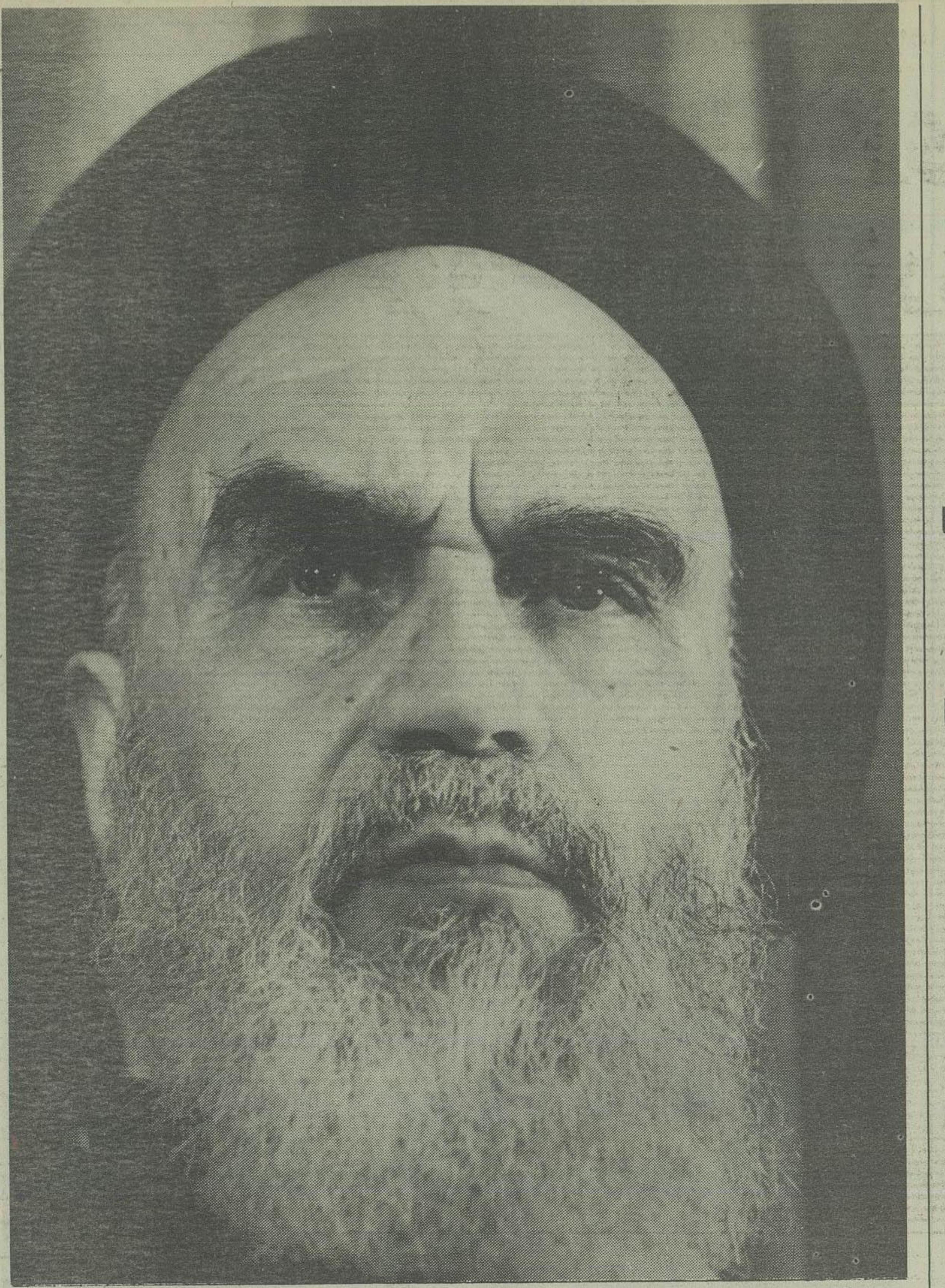
«بسم الله الرحمن الرحیم»

خداوندا: همه چیز تونی و غیر از تو همه هیچ
خداوندا: تو عزیزی و غیر از تو همه ذلیل
خداوندا! تو غنیبی و غیر از تو همه فقیر. هفته جنگ امسال حال و هوای دیگری دارد و پس از سالها دفاع مقدس، یاری دین خدا صورت دیگری به خود گرفته است.

آمادگی جنگی ضرورت بیشتری یافته است و دشمنان خدا و خلق خدا، آنی غافل نیستند و در کمین نشسته‌اند تا آنچه را خدائی است، نابود کنند. خانواده‌های شهداء تا همیشه تاریخ، این مشعلداران راه اولیاء افتخار روشنایی طرق الی الله را به عهده گرفته‌اند. مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده‌اند که در گوشه گوشه این مرز وبوم به دین باوران، راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان میدهند. راه رسیدن به خدای کعبه را اسراء در چنگال دژخیمان، خود سرود آزادیند و احرار جهان آنانرا زمزمه می کنند. مفقودین عزیز محور دریای بیکران خداوندیند و فقرای ذاتی دنیای دون در حسرت مقام والایشان در حیرتند. از شهداء که نمیشود چیزی گفت، شهداء شمع محفل دوستانند شهداء در قهقهه مستانه شان و در شادی وصولشان «عندربهم یرزقون»اند.

و از نفوس مطمئنه‌ای هستند که مورد خطاب «فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی» پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق و قلم در ترسیمش بر خود می شکافد.

والسلام
روح‌الله الموسوی الخمینی



### پیام امام امت به مناسبت حج ۱۳۶۶
### ذی الحجه ۱۴۰۷ ـ مرداد ۱۳۶۶

# منشور انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله، ثم یدر که الموت فقد وقع اجره علی الله.

الحمدلله علی الائه و الصلوة والسلام علی انبیائه سیما خاتمهم و افضلهم و علی اولیائه و خاصة عباده سیما خاتمهم و قائمهم ارواح العالمین لمقدمه الفداء.

قلمها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی پایانی که نصیب عالمیان شده و می شود. خالقی که با جلوه سراسر نورانی خود، عوالم غیب و شهادت و سر و علن را به نعمت وجود آراسته و به برکت برگزیدگانش به ما رسانده که «الله نور السموات والارض» و با ظهور جمیلش، پرده از جمالش برافکنده که «هوالاول والاخر والظاهر و الباطن» و به کتب مقدس آسمانیش که از حضرت غیب بر انبیائش از «صفی الله» تا «خلیل الله» و از «خلیل الله» تا «حبیب الله» صلوات الله و سلامه علیهم و سلم نازل فرموده، راه وصول به کمالات و فنای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوك الی الله را گوشزد کرده. چون کریمه «و من یخرج من بیته مهاجر الی الله» و طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته «محمدرسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» و هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی الله علیه واله و سلم قرار داد، افضل و اشرف موجودات و از پیروان قرآن مجید، اعظم و اشرف کتب مقدسه و صورت کتبیه حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات به صورت وحدت جمعیه و ضمانت حفظ و صیانت آنرا از دستبرد شیاطین انس و جن فرموده «انا نحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون» قرآنی که نه یك حرف بر ان افزوده شده و نه یك حرف کاسته. کتاب کریمی که ما را از برخورد انبیاء معظم الهی با مستکبرین جهان و جهانخواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم الرسل صلی الله علیه وآله و سلم با مشرکان و زورگویان و کفار و در راس آنان منافقان مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری است.

در این کتاب جاوید می بینیم که فرموده «قل ان کان ابائکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیله فتربصوا حتی یأتی الله بامره و الله لایهدی القوم الفاسقین». خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران و متاسفان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حب خدای تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه واله در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید. از ذلت و اسارت و بر باد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آنرا داشتید، از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت از واج و عشیره و بدیهی است که همه اینها پیامد ترك جهاد خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه «فلیحذر الذین یخالفون من امره ان تصیبهم فتنة اویصیبهم عذاب الیم» و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشمنان اسلام خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومت هائی مثل ستمشاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و برباد رفتن حرث و نسل ملت، برسر کشور و ملت ایران آن اید که برسر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.

وحمد و شکر بی پایان بر ذات مقدس ربوبیت که با تربیتهای معنوی خود ملت ایران را از غرقاب فساد و ستمشاهی نجات بخشید و راه و رسم زیستن مستقل در پناه بیرق شکوهمند اسلام را به آنان آموخت و امروز در جهان کشوری نیست جز ایران که از دخالت ابرقدرتها پیراسته باشد و سرنوشت خویش را خود براساس اسلام عزیز تعیین کند و دست به سینه اغیار زند و خداوند بر ما منت نهاد که در سایه این ملت زندگی می کنیم و شکر بی پایان بر عنایات حق جل وعلا که در آستان عزیمت حجاج محترم ایرانی به سوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت به سوی خدای تعالی و رسول معظمش صلی الله علیه واله و سلم ندای اسلام بر اقصی بلاد جهان طنین افکنده و بیرق معنوی اسلام در اقطار عالم به اهتزاز درآمده و چشم های جهانیان به سوی کشور ولی الله اعظم ارواحنا لمقدمه الفداء دوخته شده و برغم بدخواهان و منحرفان که کوس رسوائیشان برسر بازارها زده شده و برخلاف خواب های خرگوشی آنان که وعده سقوط جمهوری اسلامی را در سه ماه یا یکسال به خود و اربابان خود می دادند. امروز پس از سالها، کشور عزیز اسلامی ایران از همیشه پایدارتر و ملت عظیم آن سرافرازتر و قوای مسلحه آن پرقدرت تر و جوانان و سالمندان آن مصمم تر و حوزه های مقدس علمیه آن در سایه مراجع معظم و علماء اعلام کثرالله امثالهم پرشورتر و پیوند حوزه ها و دانشگاهها استوارتر و قوای سه گانه آن فعال تر و جهات سیاسی و فرهنگی و نظامی آن رو به رشدتر، و دشمنان آن که در حقیقت دشمنان اسلام و استقلال کشور هستند ضعیف تر و زبون تر و کاخهای مستکبران لرزان تر و رسوائی کاخ سیاه برملاتر و پریشان گوئی و دلهره کاخ نشینان افزون تر و سردرگمی رسانه های گروهی جهان که انعکاس سردرگمی کاخ نشینان است، واضح تر گردیده است.

لازم است در این جوی که پیش آمده است، مسلمین و مستضعفان جهان، آگاهانه از آن استفاده کرده و جمیع فرق مسلمین و مستضعفان دست در دست هم داده و خودشان را از قید اسارت ابرقدرتها خارج نمایند.

اینك تذکراتی را عرض می کنم:

۱ـ اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمائی هایی، با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیر ایرانی با هماهنگی کامل با مسئولین حج و نماینده اینجانب جناب حجت الاسلام آقای کروبی در کلیه مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان آمریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند.

مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین ومنافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه وخانه امن و طهارت و ناس که دران به هرچه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «الست بربکم» بت الهه ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر(ص) در «واذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر» زنده بماند و تکرار شود. چرا که سنت پیامبر(ص) و اعلان برائت، کهنه شدن نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم منحصر نشود که باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین ومنحرفین گوش فرا ندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملتها بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حیله‌ها و تزویرها و چهره های گوناگون متمسك می‌شوند و روحانی نماها و آخوندهای درباری و اجیر شدگان سلاطین و ملی گرایان و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می اورند و برای خلع سلاح های مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد(ص) به هرکاری دست می‌زنند.

و چه بسا جاهلان متنسك بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمائی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است، نه میدان صف آرائی و رزم؛ و نیز چه بسا عالمان متهتك القاء کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز کار دنیاداران و دنیاطلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی آن هم در ایام حج، دون شأن روحانیون و علما می باشد که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهان‌خواران به شمار می رود که مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایندو به این بی خبران و دل مردگان پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله را به صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند؛ و از همه جا و همه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق به جنود خدا متصل شوند و زائران عزیز از بهترین و مقدس‌ترین سرزمین های عشق و شعور و جهاد به کعبه بالاتری ره سپار شوند و همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از توضوء زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب، که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرك را.

به هرحال اعلان برائت در حج تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرك و بت پرستها است و به شعار هم خلاصه نمی شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه ومسجد و محراب سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیاء نیست پس مامن و پناهگاه آنان در کجاست؟

خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ماست و در هرعصر و زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های متناسب خود را می طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرك همه موجودیت توحید را به خطر انداخته اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملتها را بازیچه هوسها و شهوتها نموده اند چه باید کرد؟

آیا باید در خانه ها نشست و با تحلیل های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القاء روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیاء با بت و بت پرست‌ها منحصر به سنگ و چوبهای بی جان بوده است و نعوذبالله پیامبرانی چون ابراهیم در شکستن بتها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران صحنه مبارزه را ترك کرده‌اند؟ و حال آنکه تمام بت‌شکنی ها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره پرستان مقدمه یك هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی‌ذرع و ساختن بیت و فدیه اسمعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که دران، ختم پیام آوران سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی «اننی بری مماتشرکون» ابلاغ می‌نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم اصلاً در زمان معاصر، بت و بت‌پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت‌پرستی جدید و مدرن را در شکلها و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالك اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند خبر نداشته باشد؟

امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و اذناب آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه‌اش به غارت رفته است.

فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم کشیده افغانستان است و من متاسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد. بارها گفته‌ام و اکنون نیز تذکر می‌دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید. مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده و استقلال واقعی خود را تضمین می کنند و به ولایت کرملین یا قیمومت امریکا احتیاج ندارند و مسلماً بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان به سلطه دیگری گردن نمی نهند و پای آمریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد می شکنند.

و نیز فریاد برائت ما، فریاد مردم مسلمان افریقاست، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم سیه روزان بی فرهنگ نژادپرست را می خورند.

فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای دیگری است که ابر قدرت های شرق و غرب خصوصاً امریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل کرده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمین های آنان چنگ انداخته‌اند و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند.

فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن امریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسلها باشند.

فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندانهٔ ملتهائی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است.

فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهی دستی گرسنگان و محرومان و پابرهنه‌هائی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون دل ملتهای فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمت کشان به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیزم و کمونیزم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.

فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمانها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند و هیهات که امت محمد صلی الله علیه واله وسلم و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت بار به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیهات که خمینی در برابر تجاوز دیو سیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد صلی الله علیه واله وسلم پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.

من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضهٔ دفاع ازمسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی هم یکه وتنها بماند بـه راه خود کـه راه مبارزه با کفروظلم وشرك وبت پرستی است ادامه می دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت رااز دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می نمایند سلب خواهد کرد.

آری شعار «نه شرقی و نه غربی» ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کنندهٔ سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهائی است که در آیندهٔ نزدیك و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق شوروی که انشاءالله تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به طور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم وائمه هدی علیهم السلام است ونهایتا مرگ کشورو ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست ملاك ابدی عمل مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است، چرا که شرط ورود به صراط نعمت حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.

مسلمانان بعداز شرکت در راهپیمائی های برائت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمین های اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاه های نظامی شرق و غرب ازکشورهای خود تلاش نمایند و نگذارند دنیا خواران از امکانات آنان در جهت منافع خود ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشور و سران ممالك اسلامی است که بیگانگان به مراکز سری و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند.

مسلمانان از هیاهو و طبل‌های توخالی و تبلیغات ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرتهای نظامی و سیاسی استکبار جهان همانند لانهٔ عنکبوت، سست و در حال فرو ریختند.

مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خودفروخته بعضی کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملت های اسلامی را به باد فنا می‌دهد بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره گر صحنه شکست اسلام و غارت سرمایه‌ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند.

ملتهای مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحهٔ رهبران ننگین و خودفروخته‌ای که به نام فلسطین آرمان مردم سرزمین های غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده‌اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان برسر میز مذاکره‌ها و رفت و آمدها حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را خدشه‌دار کنند که این انقلابی نماهای کم شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به امریکا و اسرائیل متوسل شده‌اند.

عجبا که هرروز از فاجعهٔ خونبار غصب فلسطین بیشتر می گذرد سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب بیشتر وحتی از تبلیغ و شعار رهائی بیت‌المقدس هم خبری به گوش نمی‌رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود نیز در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می‌زند او را محکوم می کنند وحتی از اینکه یك روز هم به نام قدس برگزار شود وحشت نموده‌اند نکند که اینان تصور کرده‌اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنایت‌های اسرائیل و صهیونیزم را دگرگون ساخته است و گرگهای خون‌آشام صهیونیزم از فکر تجاوز و غصب سرزمین‌های از نیل تا فرات دست برداشته‌اند؟

مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملت‌های اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمدصلی الله علیه وآله‌وسلم و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرده و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله در سراسر جهان، اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمین‌های غصب شده مسلمانان را ازچنگال آنان خارج کرد.

و من همانگونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده‌ام. مجددا خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیزم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می کنم و حمایت بی‌دریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملت‌ها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس اعلام می نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام و خواری و ذلت جهانخواران گردیده اند تشکر می کنم و برای موفقیت همه عزیزانی که در داخل سرزمین‌های اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده با تکیه به سلاح ایمان و جهاد به اسرائیل و منافع آن ضربه می‌زنند دعا می کنم و اطمینان می‌دهم که ملت ایران شما را تنها نخواهند گذاشت.

به خدای تعالی توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بهره جوئید و با سلاح تقوی و جهاد و صبر و مقاومت بر دشمنان حمله برید که «ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم».

۲ـ از آنجا که جنگ در راس امور و برنامه‌های کشور ماست، جهانخواران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و رو بزوال عفلقیان تلاش گسترده‌ای را در جهت مشوه ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته‌اند تا بعد از آن همه تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین المللی، ما را جنگ طلب معرفی نمایند و چه بسا با این حربه جدید افراد ناآگاهی را تحت تاثیر قرار داده باشند لازم است برای روشن شدن افکار عمومی ملتهای دربند و خصوصا زائران محترم نکاتی را یادآور شوم.

دنیا از آغاز جنگ تاکنون و در تمام مراحل دفاعی ما هیچگاه با زبان عدالت و بی طرفی با ما سخن نگفته است. آن روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بی‌خردی به منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود و قراردادهای بین‌المللی را پاره کرد و شخصا تجاوزات هوایی و دریایی و زمینی ارتش را رهبری می‌نمود و نه تنها خانه‌های یك شهر و روستا که مراکز دهها شهر و صدها روستا را با خاك یکسان می کرد و کودکان معصوم ملت ما را در آغوش مادرانشان به شهادت می‌رساند و تجاوزات و وحشی گری ها را تا آنجا ادامه داد که قلم از نوشتن و زبان از بیان آنان شرم می کند، و نیز در آن روزی که صدام اولین جرقه و شعله‌های آتش جنگ را در خرمن امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت. هیچکس از این مدعیان صلح جلو آتش افروزی او را نگرفته و از امکانات و اهرمهای فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره نجست و به دفاع از ملت مظلوم و ستم دیده ایران و عراق برنخاست و به صدام این آغاز کننده جنگ نگفت که به کدام گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند و به کدام گناه میلیون‌ها زن و مرد و پیر و جوان آواره شوند و یا خانه و کاشانه‌شان ویران گردد و به کدام جرم و گناه حاصل زحمات دهها ساله تلاش و سرمایه‌گذاری یك ملت در صنایع و کارخانجات و مزارع و کشتزارها سوخته و برباد برود؟

آیا جرم ما ایرانی بودن ماست؟ جرم ما فارس بودن ماست؟ جرم ما اختلافات و تنازعات گذشته مرزی ماست؟

خیر، چنین نیست. امروز همه می‌دانند جرم واقعی ما از دید جهانخواران و متجاوزان دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت ستمشاهی است. جرم و گناه ما احیاء سنت پیامبر صلی الله علیه واله و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم آفریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با آمریکای جهانخوار بوده است و نزد جهانخواران و نوکران بی‌اراده آنان چه گناهی بالاتر از این که کسی از اسلام و حاکمیت آن سخنی بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند؟

ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی، که از روز نخست شروع مبارزه و از پانزده خرداد تا بیست ودوم بهمن رسیده ایم و به خوبی دریافته‌ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی الهی باید بهای سنگینی پرداخت نمائیم و شهداء گرانقدری را تقدیم کنیم و جهان‌خواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجیشان به ما شبیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوچه‌ها و خیابان ها و مرزهایمان جاری می کنند و همین گونه شد.

وقتی که فریاد اسلام‌خواهی مردم کشور ما در پانزده خرداد به گوش آمریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگزرانش در ایران شکسته شد و آمریکا متوجه اقتدار و رهبری علماء و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید به نوکر بی اراده و وطن‌فروش و فرومایه خود محمدرضاخان دستور داد که صدای اسلام خواهی ملت ما را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر امریکا قد علم کرده‌اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائنان و سرسپردگان در این ماموریت شوم لحظه‌ای درنگ ننمودند و به نام ماموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ از کشته های این ملت پشته ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب به خون عزیزان و جوانان تکبیر گوی پیر و خدا و رسول خدا (ص) رنگین کردند و در شرایطی که جلادان رژیم ستمشاهی پروبال و برگ و شاخه شجره طیبه آزادی را می شکستند همه جهانخواران در یك اقدام هماهنگ تبلیغاتی و بین المللی شاه را متمدن و مترقی و آزادی‌طلبان و مسلمانان را مرتجع و خواسته‌های اسلامی آنان را ارتجاع سیاه معرفی کردند.

و در ادامه همان سیاست سرکوب بود که در کربلای خون رنگ ایران جنایات یزیدیان را دهها بار در عاشوراها و تاسوعاها تکرار نمودند و مملکت ما را به جزیره آرام و ثبات آمریکا و به قبرستان و خرابه این ملت مبدل ساختند که من در روز ورود به کشور عزیز ایران در بهشت زهرا گفتم که شاه مملکت ما را ویران و قبرستان‌های آنرا آباد نمود و الان نیز همان سخن را تکرار می کنم که شاه کشور ما را ویران و قبرستان ها را آباد کرد ولی شاه که بود و به دستور چه کسی عمل می کرد که اگر او به تنهایی و به فکر فاسد و تبهکار خود عمل می کرد، چه بسا قضایا بعد از رفتن او خاتمه می‌یافت ولی چه کسی است که نداند شاه نوکر و مأمور آمریکا و تمامی شهیدان و عزیزان ما خون‌بها، و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی از آنان گرفته شد و کار او مأموریتی بوده است که برای اربابان خود به انجام رسانید و تا توانست انتقام امریکا را از اسلام و مسلمین گرفت. ولی کارگزار اصلی ماجرا یعنی خود آمریکا در پشت صحنه باقی مانده بود آمریکایی که از اسلام راستین می‌ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل واهمه داشت. آمریکا به تصور اینکه ملی گراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او به زودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او به حرکت درمی آورند چند روزی سیاست خوف و رجاء را در پیش گرفت و به طرح و اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره های وابسته خود و نیزبه ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما منت نهاد و در صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان مردم ایران برائت مجدد خویش را از آمریکا و اذناب آن اعلام کردند که دوباره آمریکا همان تیغی که به دست محمدرضاخان سپرده بود در کف صدام این زنگی مست نهاد.

صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری را که شاه قبل از انقلاب انجام داده بود انجام نداد؟ شاه قبرستان‌های ما را از سروهای بلند آزادی پر نساخت؟ آیا صدام که از قدرت برتر و مانور بیشتری برخوردار بود، غیر از این کرد؟ آیا شاه کشورمان را به امریکا نفروخته بود؟ آیا صدام برای فروختن ایران به آمریکا به صورت دیگری عمل نکرد؟ گفتم که خرابی‌های شاه را اگر مهلتمان دهند با تلاش همه دست‌اندرکاران و ملت شریف در بیست سال هم نمی‌توانیم آباد کنیم. آیا خرابی‌های صدام را می‌شود در کمتر از بیست سال آباد نمود؟

مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادی خواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خویش بایستند باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند.

تجربه انقلاب اسلامی در ایران با خون بهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمب گذاری‌ها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است.

ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده و با فداکاری‌ها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است و ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملتهای دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دیگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادی خواهان باید با روشن بینی و روشن گری راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرتها، خصوصاً آمریکا را برمردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند.

من با اطمینان می گویم اسلام ابرقدرتها را به خاك مذلت می‌نشاند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.

ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده اید، آنقدر گران بهاء و پرقیمت است که اگر صدها بار ایران با خاك یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده‌اید که سود زیستن در کنار اولیاءالله را برده اید و در جهان، ابدی شده اید و دنیا بر شما رشك خواهد برد، خوشا به حالتان.

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همهٔ دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم و همانگونه که در تنهائی و غربت و بدون کمك و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم و همانگونه که در جنگ نیز مظلومانه‌تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمك حتی یك کشور خارجی، متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پرنشیب و فراز را با اتکاء به خدا تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد. یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت رو می‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می کنیم، ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ماست و دعا را هم فراموش نمی کنیم.

خداوندا بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملتها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.

حال با این مقدمه ها قضاوت در جنگ با خود مسلمانان است که تعقل و اندیشه کنند که ما در مسیر چه هدف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته‌ایم و شهیدان گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم کرده‌ایم و صدام پلید چه نیاتی را از تهاجم خود در سر پرورانده است و دنیا نیز به چه انگیزه‌ای به‌حمایت ضمنی و علنی از او برخاسته است و تا امروز هم متجاوزین در تنگنای تسلیحات و امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی نبوده‌اند و دنیا هر روز به بهانه‌ای آنان را به بهترین و مدرن‌ترین سلاح‌ها مسلح نموده است، ولی از دادن امکاناتی که حق مسلم ملت ماست وحتی پول آنها را گرفته‌اند خودداری نموده است ولی با تمام این احوال ما افتخار می کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه بر سلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیةالله عجل‌الله تعالی فرجه و اعتماد به نفس و همت دلاورمردان و شیرزنان صحنه کارزار به پیروزی رسیده‌ایم، و خدا را سپاس می گذاریم که منت هیچ قدرت و کشور و ابرقدرتی در جنگ بر گردن ما نیست و مردم کارآزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یکه و تنها و مظلومانه بر مشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده است و علاوه بر موفقیتهای اعجازگونه در صحنه‌های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه‌اندازی کارخانجات و دگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آنهم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچگونه کمك خارجی دست یافته‌ایم و هم اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده‌ایم و قدم‌های آخرمان را برمی‌داریم، صدای ناآشنای صلح طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان به گوش می رسد و در جهان غوغا به راه انداخته و عزا و ماتم صلح‌طلبی برپا نموده است و مدافع آزادی و امنیت انسان‌ها شده و برای خون جوانان و سرمایه‌های مادی و معنوی دو کشور ایران و عراق مرثیه‌سرایی می کند.

راستی چه شده است استکبار جهانی و در رأس آن امریکا اینقدر طرفدار ملتها شده است و جنگ افروزان و آتش بیاران معرکه‌ها و جلادان قرن به شرف انسانیت و همزیستی مسالمت‌آمیز اعتقاد پیدا کرده‌اند و از عطش سیراب ناشدنی و خصلت خونخواری خود که طبیعت فرهنگ سرمایه‌داری و کمونیسم است منصرف شده‌اند و شمشیرها و خنجرها و قداره‌های فرو رفته در قلب و جگر ملتها را به غلاف کشیده‌اند؟

آیا این حقیقت است یا فریب؟ و آیا این همان جلوه‌های دیگر شبیخونها و بی‌انصافیهایی نیست که روزی سکوت را مصلحت خویش می‌دید و امروز صلح طلبی را؟ آیا به راستی از این طریق جهان‌خواران نمی‌خواهند از ضربه آخر ما جلوگیری کنند و برای حفظ منافع خویش سیاست جنگ و صلح جهانی را به تصمیمات و فکرهای پوسیده و شیطانی خود گره بزنند و عملا جان و مال و مملکت و امنیت ملل عالم را به قبضه قدرت خود درآورند؟ که به طور قطع و یقین علت و فلسفه سماجت و اصرار جهان خواران در تحمیل صلح بر ملت ایران نشأت گرفته از همین تفکر است و از همه اینها که بگذریم این مسئله که چه کسی خواهان صلح واقعی و چه کسی جنگ طلب است. خود اول بحث ماست.

آیا واقعاً صدام از گذشته‌ها و کرده‌ها و تجاوزات و ظلم‌ها و ستمهای خود پشیمان شده است و اظهار ندامت می کند و از خیانتی که به ملتها و کشورهای اسلامی و در جهت تضعیف بنیه دفاعی ملل اسلامی نموده است عذر تقصیر می‌خواهد؟ آیا صلح طلبی صدام از روی دلسوزی و تنبه و آگاهی اوست و اصلا با این همه جنایت و غارتگری‌ها برای صدام وجدان و شعور و عاطفه‌ای می‌توان تصور کرد؟ یا اینکه این افعی زخم خورده به خاطر استیصال و درماندگی خود به طناب صلح طلبی چسبیده است؟ و عجبا که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیش چگونه طرح می‌دهند و با تحریف آیات کتاب خدا و استناد به سنت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم مسیر عزت و کرامت مسلمین را دیگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد برحذر می‌دارند؟ که خداوند را سپاس می گذاریم که به ملت ایران آگاهی و رشد مرحمت فرموده است که نه تنها تحت تأثیر این القائات نرفته و نمی رود، بلکه این موضع گیری‌های ناشیانه و بچگانه را دلیل کمبود و ضعف مبانی فکری و عقیدتی صاحبان این تحلیلها دانسته و به آن لبخند تمسخر می‌زند.

کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فداکردن هزاران قربانی بزرگ از نبرد با دشمن رو به احتضار مکتب و جامعه و کشور خود چشم پوشی نموده و به او مهلت و توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟ آیا ریاست چند روزه دنیا ارزش این همه خفت و زبونی را دارد؟

دنیا در شروع تجاوز به ما پیشنهاد می نمود که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورتان حاکمیت و خواسته‌های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدام گردن نهید و امروز هم در راستای همان سیاستها و در زیر بمباران مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و حمله به نفتکش‌ها و هواپیماهای غیرنظامی و قطارهای مسافربری، به زبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می کند و این را دیگر همه آگاهان جهان درك کرده‌اند که نه تنها صدام از خلق و خوی سبعیت و درندگی ذره‌ای عدول ننموده است که متأسفانه با حمایت جهان خواران و یا سکوت سازمان‌ها و مراکز بین المللی به گرگ زخم برداشته‌ای بدل شده است و می رود تا شعله های آتش و جنگ را در کشورهای منطقه و خصوصا خلیج فارس برافروزد.

و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرت‌های شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی هشدار می‌دهم و آنان را از دخالت و ماجراجویی و تصمیمات عجولانه برحذر می‌دارم و به ملت امریکا از اینکه عنان عقل و اراده خویش را در مهم‌ترین مسائل سیاسی و بین‌المللی و نظامی به دست افرادی چون ریگان بسپارند نصیحت می کنم. چرا که ریگان در کارها و خصوصاً در مسائل سیاسی و تصمیم گیریها ناتوان شده است و به کمك عقلا و اندیشمندان نیازمند شده است که مردم امریکا را به ورطه سقوط نکشاند.

من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می کنم که به خاطر یك عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید وبا توسل به دامن امریکا ضعف وناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید.

ابرقدرتها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضاء کند، شما و قدیمی‌ترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد، آنان منافع خود را ملاك قرار داده‌اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند. چه خوب است که بعض سران سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زر و زور و تزویر خود این نکته را جدی گوشزد کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویید، برای اینکه همین مسأله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که امریکا و فرانسه و انگلیس چه منافعی در آبهای خلیج فارس دارند که تا پای دخالت نظامی و جنگ هم می‌خواهند آن را حفظ کنند؟

البته سیاست ما در مورد خلیج فارس از اول تاکنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس اهمیت زیادی می‌دهد و به همین دلیل و علی‌رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریائی و هوائی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدمه وارد کردن به کشتیها و نفت کشها و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاهها و بنادر منطقه تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط درحد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور وتوانائی خود و مقابله به مثل وارد عمل گردیده است و دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی شود، بلکه قوی‌ترین قدرتها و ابرقدرتها هم اگر مثل امریکا تمامی امکانات هوائی و دریائی جاسوسی خبری خود و هم پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند که حتی یك کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند. از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می‌شوند.

وعلی رغم آنهمه مقدمات و تمهیدات و جار و جنجالهائی که در جهان امریکا برپا نموده است و دهها خبرنگار و فیلمبردار را به منطقه گسیل داشته‌اند تا خبر موفقیت نقشه‌های شوم امریکا را مخابره کنند، خداوند زمینه رسوائی و زبونی امریکا را به دست غیب خود فراهم می‌آورد و اقتدار معنوی پرچم لااله الاالله وا بر پرچم کفر به نمایش می گذارد و دل بندگان خالص خویش را شادمان می سازد و چه بهتر که آمریکا و ریگان از سیر سیاست مین گذاری شده خلیج فارس که کوس رسوائی آنان را در جهان به صدا درآورده است مجددا عبور نکند و بر مرکب غرور و جهلی که تا بـه حال دهها بار صاحب خود را برزمین کوبانیده است، سوار نشود و لااقل شبح قدرت و قدرت نمایی خود را پیش نوکرانی مثل کویت حفظ کند و بیش از این آنان را از شکست و خفت خود شرمسار و سرافکنده نسازد و مطمئن باشند که ادامه جولان در خلیج فارس منطقه را به کانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود آنان سوق می‌دهد و دنیا اگر خودش را آماده بحران نفت و بهم خوردن همه معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده‌ایم و کمربندها را محکم بسته‌ایم و همه چیز برای عملیات آماده است.

و حتما آمریکا باید به این نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس صرفا یك آزمایش نیست کـه یك دام بزرگ و یك بازی خطرناك است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالك اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران ودر ادامه حمایت از صدام تلقی می کنیم.

مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندانهای امریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره گر شکوفائی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.

البته لازم است این نکته را برای چندمین بار به سران کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بازگو کنم که القاء شبهه و بزرگ جلوه دادن خطر اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای منطقه همان ترفند قدیم و جدید جهان خواران بوده و هست که از این طریق از پیدایش جو تفاهم و همکاری مسالمت‌آمیز جلوگیری نمایند و احساس نیاز کشورها را به شرق و غرب تشدید کنند.

جمهوری اسلامی ایران مایل است براساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملت های اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث تحمیلی سیاسی نظامی از ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و درجهت کنترل و نفی سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه‌ای قوی و دقیق ارائه دهد، ولی ما مطمئنیم که با وجود صدام و حزب عفلقی عراق این مساله به کندی پیش می رود، چرا که به همان میزانی که ابرقدرتها از ائتلاف و وحدت ملتهای اسلامی واهمه دارند، صدام نیز از همکاری ایران با کشورهای اسلامی در هراس است.

به هر حال اصرار ما در نبرد تا رفتن صدام و حزب کثیف عراق و رسیدن به شرایط بر حق و عادلانه دیگرمان یك تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخطی نمی کنیم که انشاءالله با تحقق آن در کنار کشورهای اسلامی سیاستی محکم و بنیادین برای همه کشورها و ملتهای اسلامی پایه ریزی شده است و در پرتو آن منافع مردم از افت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ خواهد ماند و همه کسانی که به فکر تجاوز به حریم کشورهای اسلامی افتاده اند از سرنوشت صدامیان عبرت می گیرند و خودشان را به غضب و خشم ملتها گرفتار نخواهند ساخت.

امروز بدون شك سرنوشت همه امتها و کشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است و جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی همه مسلمانان و خدای نخواسته شکست آن به ناکامی و شکست و تحقیر همه مومنان می انجامد و رها کردن یك ملت و یك کشور و یك مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست. لذا تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و انشاءالله تا رسیدن به این هدف فاصله چندانی نمانده است و خدا را سپاس می گزاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه، و بسیج و نیروهای مردمی و همه اقشار دلاور کشورمان در آمادگی کامل به سر می برند و همه اهل جنگ و هنرآفرینان مدرسه عشق و شهادتند و به خوبی از پس توطئه های استکبار و ایادی جاسوس و منافق آنان برآمده اند و می روند که به یاری خداوند بزرگ آخرین معابر پیروزی را باز کنند و علاوه بر حضور برتر خود در خلیج فارس و جزایر و سواحل و مناطق غرب و جنوب هم اکنون نیز به سازماندهی و بسیج و تشکل مردم ستمدیده عراق پرداخته اند که این از مهم‌ترین خواسته ها و هدف های ما بوده است. چرا که از اول جنگ به صراحت اعلام کرده ایم که ایران حتی به یك وجب از خاك عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم گیری ها و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آنکه قبل از سقوط حاکمیت مطلق بعث عراق به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه های نبرد، حکومت دلخواه و مورد نظر خود را انتخاب کنند که بحمدالله طلیعه این حرکت بزرگ آشکار شده است و همه ابرقدرتها و حامیان رژیم رو به زوال بعث مطمئن باشند که بین المللی کردن درگیری ها در جنگ و ایجاد جو فشار و جریانات ساختگی سیاسی تبلیغاتی و دیپلماسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان و دخالتهای نظامی و غیر نظامی در خلیج فارس و بزرگ نمایی مشکلات و اختلاف تراشی و ارائه تحلیل های کور و بی ثمر ما را از هدف سرنگونی صدام و حزب بعث عراق و تنبیه متجاوز باز نخواهد داشت و بـه لطف خدا تمامی فشارها و محاصره‌های جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ تحمل می کنیم و از جنگ کردن در راه خدا خسته نمی شویم و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرك و فریاد او برای ادامه راه بیشتر می شود.

البته ممکن است غرب زده ها و بزدلان و همانهائی که نه در روزهای آغازین در میدان دفاع بوده اند و نه تا به امروز به حمایت از حماسه آفرینان و وطن بـه آنان خدمتی کرده‌اند و نه در آینده لیاقت حضور در جنود و سربازان خدا را خواهند یافت، برای خوش خدمتی به اربابان و دلگرم نمودن آنان، از خستگی و بن‌بست در جنگ تحمیلی داد سخن دهند و بـه خیال خام خود آفکار را از جنگ منحرف نمایند و احیانا آنها که در خارج از مرزها نشسته اند باورشان بیاید که مردم و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است و حال آنکه بـه‌لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامی ما اختلافی بر سر مواضع اصولی سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصممند تا توحید ناب را در بین الملل اسلامی پیاده نموده و سر خصم را به سنگ بکوبانند تا در آینده‌ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند.

الحمدلله این کشور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امروز میلیونها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و بـه همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می‌برند و ملاك ارزش و برتری در نزد آنان تقوی و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعن‌ها و خودنمائی های جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خود را خادم یك چنین ملتی می‌دانم و به این خدمت افتخار می کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین صلی الله علیه و آلـه و سلم می‌دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت و ایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره‌های فضیلت و تقوی دعوت نموده و در این فرصت بـه همه مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها هیچ ارزش و ملاکی مهم‌تر از تقوی و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی بایـد معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود. چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح چه امروز و چه فردا که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند کـه بایـد هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجرکشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌هـا و در یك کلام مصلحت پابرهنه‌هـا و گودنشینهـا و مستضعفین بر مصلحت قـاعدین در منازل و مناسك و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهـه و جهاد و تقوی و نـظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه رسیده ها و دین به دنیا فروشان چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه‌دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بی خبر از خدا را بر دامن مسئولین نچسبانند و آنهایی که در خانه های مجلل راحت و بی درد آرمیده انـد و فارغ از همـه رنجها و مصیبتهـای جانفرسای ستـون محکم انقلاب و پـابرهنـه های محـروم تنها نـاظر حوادث بوده اند وحتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته اند، نباید به مسئولیتهای کلیدی تکیه کنند که اگر به آنجا راه پیدا کنند، چه بسا انقلاب را یك شبه بفروشند و حاصل همه زحمات ملت ایرآن را بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بی خبران مشاهده نکرده اند و از همه زجرها و غربت‌های مبارزان و التهاب و بی قراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده اند غافل و بی خبرند.

۳ـ روحانیون و مدیران و مسئولین محترم کاروانها و حج با توجه بـه مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائرین محترم پذیرفته اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنائی کشور جمهـوری اسلامی ایـران، بایـد تمام همت و تـلاش خـود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند و با سعه صدر و به دور از هرگونه توقع و منتی زائران محترم بیت‌الله را در آموزش و تعلیم مناسك و مسائل حج همـراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهـای مختلف اعم از بی سواد و بـاسواد بـرای آنان برنامه‌ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تـاثیر بـزرگی که حج برای همیشـه در سرنوشت انسان می گذارد غافل نشوند، چرا که در آن فضـا و شرایط معنـوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است لذا از اعمال نظرهای شخصی در امـور حج و خصوصاً در مسائل و مناسك جدا خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعـه به اشخـاص مطلع و یـا منابـع فقهی آن بیان فرمایند چرا که در اعمال و مناسك حج مسائل جدیـد و مورد ابتـلاء فراوان است و خدای ناکرده بیان نـاقص و غلط مسـائل موجب بـطلان عمل و گـرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج می گردد.

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائل را به طور واضح و دقیق بیان می کنند ولی از مشکل‌تراشی و حالت های وسواس گونـه که زائـران را در شك و تـردید و احتیاطهای بی مورد قرار می دهند خودداری کننـد چرا کـه وسواس در بـرنامـه و مراسم و عبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی توجهی در واجبات می شود.

و یکی از فرصت های بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون ارتباط بـا صاحب نظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است. هرچند که استکبار جهانی و یا سران بعضی کشورهای اسلامی به شدت از این نوع مـلاقات هـا و رابطه هـا بیمناك و از آن جلوگیری و مراقبت می نمایند، ولی برنـامـه ریـزی سالم و استفـاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و انـدیشه هـا و پیدا کـردن راه‌حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فـرصت مغتنم روحانیـون معظم و مسئـولین تبلیغات حـج بـرای انتقـال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی های سیاسی در پرتـو احکام قـرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه نقش کارسازی باید ایفاء بنمایند.

متاسفانه نه تنها مردم کشـورها، بلکـه روحانیـون ممالـك اسلامی اکثـرا از کارآئی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاستهای بین المللی بی خبر هستند و متاثر از القائات و برداشتهای مادی تصور می کنند که در عصـر تمدن و تکنیك و صنعت و تحـولات علمی و پیشرفتهـای مادی نفـوذ روحانیت کم شده است و نعوذبالله اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است که بحمدالله پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبـری روحـانیت، خـلاف این تصورات را ثـابت نمود و علی‌رغم همه کارشکنی‌ها و سنگ اندازی‌ها و توطئه های شرق و غرب و حسادت و کینه‌توزی ایادی آنان توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید کـه من از تمامی علماء و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعـوت می کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آنرا به مملکتی غرب زده و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می رفت تا پایگاهی برای اسلام زدائی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود فکر نمایند و همچنین بـه بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین و مقررات این کشور را وحی و اسلام معین نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرك و معاصی علنی حتی المقدور بـرچیده شـده و علی‌رغم همـه نغمـه های شـوم التقـاطی‌هـا و چپ‌ها و راست‌هـا و ملی گراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان برمی‌خاست خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور مـا قوانین و بـرنامـه‌های اسلامی در حال پیـاده شدن است و از میـدان‌هـای نبـرد و کـارزار گـرفتـه تـا مـراکـز تحقیقـات علمی، دانشگـاههـا و حـوزه‌هـا و از مجـالس قـانـون گـذاری و تـدوین همـه

بقیه در صفحه ۴

■ امام خمینی در پیامی به مناسبت شهادت علامه عارف حسین الحسینی:

# امروز روشن ساختن مرز بین اسلام پابرهنگان و اسلام متحجرین و سرمایه‌داران خدانشناس از واجبات سیاسی بسیار مهم است

امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به تلگرام‌ها و پیام‌های مردم و علمای پاکستان، به مناسبت شهادت علامه عارف حسین حسینی پیامی خطاب به علماء و مردم پاکستان ارسال داشتند. این پیام که متن آن در پی خواهد آمد در آستانه اربعین شهادت عالم بزرگوار پاکستانی صادر شده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام و ملت بزرگوار پاکستان، ایدهم الله تعالی.

پیام‌ها و تلگرام‌های تبریك و تسلیت شما در رابطه با شهادت جناب حجت الاسلام آقای سید عارف الحسین الحسینی این یار وفادار اسلام و انقلاب و مدافع محرومان و مستضعفان و این فرزند راستین سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام واصل گردید. گرچه این حادثه بزرگ قلوب مسلمانان و خصوصا روحانیت متعهد اسلام را جریحه‌دار نمود، ولی مسئله‌ای دور از انتظار ما و ملت‌های مظلوم جهان و خصوصا ملت بزرگوار پاکستان که خود طعم تلخ استعمار را چشیده است و با مبارزه و جهاد و شهادت استقلال خویش را بدست آورده است نبود. درد آشنایان جوامع اسلامی، هم آنان که با محرومان و پابرهنگان میثاق خون بسته‌اند، باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه‌اند، و برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی درپیش دارند و برای امثال علامه عارف حسین حسینی بشارتی بالاتر از این نبوده است که از محراب عبادت حق عروج خونین «ارجعی الی ربك» خویش را نظاره کند و جرعه وصل یار را از شهد شهادت بیاشامد و شاهد وصول هزاران تشنه عدالت به سرچشمه نور گردد.

بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی نماها در همین است که علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهانخواران بوده‌اند، و اولین تیرهای حادثه قلب آنان را نشانه رفته است ولی روحانی نماها در کنف حمایت زرپرستان دنیا طلب، مروج باطل با ثناگوی ظلمه و موید آنان بوده‌اند. تابحال یك آخوند درباری، یا یك روحانی وهابی را ندیده‌ایم که در برابر ظلم و شرك و کفر خصوصا در مقابل شوروی متجاوز و امریکای جهانخوار ایستاده باشد. همانگونه که یك روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین، لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد. و تا سرمنزل جانان علیه کفر و شرك مبارزه نکرده باشد. و عارف حسینی اینگونه بود و ملت‌های اسلامی حتما دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایران مطهری‌ها و بهشتی‌ها و شهدای محراب و سایر روحانیون عزیز و در عراق صدرها و حکیم‌ها و در لبنان راغب حرب‌ها و کریم‌ها و در پاکستان عارف حسینی‌ها و در تمامی کشورها روحانیون دردآشنای اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) هدف توطئه و ترور می‌شوند. ملت شریف و مسلمان پاکستان که به حق ملتی انقلابی و وفادار به ارزش های اسلامی بوده‌اند و با ما رابطه دیرینه گرم، انقلابی، عقیدتی و فرهنگی دارند باید تفکر این شخصیت شهید را زنده نگه دارند و نگذارند شیطان زادگان جلوی رشد اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) را بگیرند. امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است راه ترور و از میان بردن شخصیتهای دینی و سیاسی را از یك طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام امریکایی را از طرف دیگر به آزمایش گذاشته است. ای کاش هم تجاوزات جهانخواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسلمان و قهرمان پرور افغانستان علنی و رودررو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را درهم می‌شکستند. ولی راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد، که متاسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین اسلام امریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد کاملا مشخص نشده است و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یك مکتب و در یك آئین، دو تفکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد، از واجبات سیاسی بسیار مهمی است که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما، عارف حسینی در بین ما بود.

وظیفه همه علماست که با روشن کردن این دو تفکر، اسلام عزیز را از ایادی شرق و غرب نجات دهند. البته خون این شهیدان عزیز تمامی خار و خاشاك‌ها را از مسیر اعتلای ارزش های معنوی ریشه کن می‌سازد، و همه مروجین باطل را به دریا می‌ریزد. ولی نباید از این مسئله غفلت کنیم که امروز، روز آماده باش همه دشمنان اسلام است. روز بیدارباش همه جهانخواران است. آن روزی که استعمار شرق و غرب مسلمانان را خواب کرده بود و بر مرکب مراد سوار بود، از خطر بزرگ و بالقوه‌ای به نام اسلام و قرآن سخن می گفت و اما امروز، که شوروی و امریکا به دنبال انقلاب مقدس اسلامی ایران، صدها ضربه سیاسی، نظامی و فرهنگی خورده‌اند و در همه جای عالم زنگ خطر اسلام علیه منافع حیاتی شان به صدا درآمده است، باید با دقت تمام، کید و فریب استکبار شرق و غرب را شناخت و خنثی نمود.

ملت‌های مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرتها با خود بگذارند. مگر اینکه خلاف عینی و عملی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند. ما به حبل ولایت خدا و پیامبر و ائمه معصومین (ع) چنگ زده‌ایم، و جدا باید از هرآنچه غیررضایت آنان است متنفر و بیگانه باشیم و از این بیگانگی هم بر خود فخر و مباهات کنیم.

شهادت جناب حجت الاسلام آقای سید عارف حسین حسینی را به روحانیون متعهد اسلام و خانواده محترم این شهید و ملت مسلمان پاکستان تبریك و تسلیت عرض نموده و به همه برادران و خواهران مسلمان خود در آن کشور اطمینان می‌دهم که ایران اسلامی در کنار شما و به عنوان یاری امین و سنگری محکم از شرافت، استقلال، عزت و اعتبار اسلامی‌تان دفاع خواهد نمود. اینجانب فرزند عزیزی را از دست داده‌ام، خداوند تعالی به همه ما توفیق تحمل مصائب و توان ادامه راه پرفروغ شهیدان را بیشتر از پیش کرامت فرماید. و توطئه و مکر ستمگران را به خودشان برگرداند و ملت پر کرامت اسلام را در مسیر جهاد و شهادت ثابت قدم نگهدارد.

والسلام علی عباد‌الله الصالحین - ۲۳ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی.



# پیام مهم و تاریخی امام در آستانه انتخابات سرنوشت ساز مجلس سوم

حضرت امام خمینی رهبر معظم انقلاب اسلامی، در آستانه برگزاری انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، پیام مهمی خطاب به مردم، مسئولین و داوطلبان نمایندگی در مجلس سوم صادر فرمودند. متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

در آستانه انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم گمان نمی کنم که نقش و اهمیت انتخابات و مجلس شورای اسلامی برکسی پوشیده باشد. بحمدالله هرچه از عمر با برکت انقلاب شکوهمند اسلامی ما می گذرد. مردم مسلمان و متعهد کشورمان به اهمیت حضور و نقش تعیین کننده خود در تمامی صحنه‌های انقلاب آشناتر می شوند. و راز دوام و بقاء و استحکام قیام الهی خود را بهتر کشف می نمایند. هم اکنون با توجه به آگاهی و شعور بالای سیاسی مردم خداجوی ایران شاید ضرورتی به یادآوری اهمیت شرکت در انتخابات نباشد ولی برای احتیاط در ادای تکلیف شرعی سیاسی خودنکاتی را متذکر می شوم.

۱ـ از آغاز انقلاب تاکنون یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمان‌های اجتماعی ـ سیاسی اسلام بوده است که درراه تحقق آن به انواع حیله‌ها و ترفندهای گوناگون متوسل شده‌اند که بحمدالله سرشان به سنگ خورده است و ملت پیروز و سرافراز ایران با نمایش قدرت عظیم خود در حوادث گوناگون انقلاب، این حقیقت و واقعیت را به اثبات رسانیده و نشان داده‌اند که از دریای خروشان وحدت و انسجام آنان چیزی کم نشده و نخواهد شد و جهانخواران انشاءالله تا ابد حسرت گسستن اتحاد مقدس مردم ما را به گور خواهند برد بعید بنظر نمی رسد که در این روزها یکی از اهداف شرارت‌های اخیر صدامیان در تهدید و ارعاب و ادامه بمبارانها و موشك باران مناطق مسکونی علاوه بر سرپوش نهادن بر شکست‌های پیاپی خود در صحنه‌های نبرد، رسیدن به این هدف باشد که حضور مردم را تحت الشعاع این جنایات قرار دهد. و از هم اکنون همه باید مطمئن باشیم که رسانه‌های استکباری از عدم حضور مردم در صحنه انتخابات سخنها خواهند گفت و با تحلیل‌های موذیانه و القائات توأم با تهدید و ارعاب تلاش خواهند نمود، ذهنها را به مسائل دیگر معطوف نمایند. غافل از آنکه امت اسلامی ایران سالهاست نشان داده‌اند که از این هیاهوها نمی‌ترسند و مقاوم و استوار در مقابل تمام ابرقدرت‌ها و قدرتها می ایستند و به یاری خداوند متعال ملت شریف ایران با حضور گسترده خود انتخابات را در موعد مقرر و با قدرت و قاطعیت برگزار می کند و مطمئنا در زیر موشك و بمب هم اگر قرار بگیرد به پای صندوق‌ها می روند و به تکلیف شرعی و الهی خود عمل خواهند نمود و اینجانب تحت هرشرایطی در انتخابات شرکت می کنم و انشاءالله دنیا خواهد دید که مردم عزیز ایران چگونه حماسه حضور گذشته خویش را در سراسر میهن اسلامی تکرار خواهد کرد.

۲ـ همانطور که بارها گفته‌ام مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارد. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش های والای آن وحاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است و مردم با متعهدین و معتمدین خویش مشورت می نمایند و افراد و گروهها و روحانیون در حد تذکرات قبلی در حوزه خود می‌توانند کاندیدا معرفی نمایند، ولی هیچکس نباید توقع داشته باشد که دیگران اظهارنظر و اظهار وجود نکنند در هر حال مردم با بصیرت و درایت و تحقیق، کاندیداها را شناسائی کرده و به سوابق و روحیات و خصوصیات دینی و سیاسی نامزدهای انتخاباتی توجه نمایند. مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رای دهند که متعبد به اسلام و وفادار مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند و طعم تلخ فقر را چشیده باشند و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج دیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاك طینتان عارف و در یك کلمه مدافع اسلام ناب محمدی صلی‌اله علیه و آله و سلم باشند و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت طلبان و در یك کلمه اسلام امریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند و از آنجا که مجلس خانه همه مردم و امید مستضعفین است در شرایط کنونی نباید کسی انتظار داشته باشد که حتما نمایندگان باید از گروه و صنف خاصی باشند باید توجه داشت که هنوز خیلی از مسائل وجود دارد که به نفع محرومین باید حل و فصل شود. و تمیز بین کسانی که در تفکر خود خدمت به اسلام و محرومان را اصل قرار داده‌اند با دیگران کار مشکلی نیست.

۳ـ نصیحتی است از پدری پیر به تمامی نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چهارچوب تعالیم و اخلاق عالیه اسلام انجام شود و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد، جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف ازانتخاب در نهایت حفظ اسلام است، اگر در تبلیغات حریم مسایل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده بکسی توهین نگردد. و در صورتی که رقیب انتخاباتی به مجلس راه یافت به دوستی و برادری که چیزی شیرین‌تر از آن نیست، لطمه‌ای نخورد. ملت شهیدپرور ایران بدانند. این روزها روز امتحان الهی است، روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند، روز انتقام از کفر و نفاق است، روز فداکاریست، امروز، روز عاشورای حسینی است، امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید، جهزو انفسکم بالصلاح والسلاح، نهراسید که نمی‌هراسید، کمربندهایتان را محکم کنید، ای آزادگان و احرار بپاخیزید، قدرتهای بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگال های کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگوئید، امروز، روز مقاومت است، چنان برصدام و آمریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند، امروز، روز درنگ نیست، امروز، روز صیقل انسانیت انسانهاست،روز جنگ است، روز احقاق حق است و حق را باید گرفت و انتظار آنکه جهان‌خواران ما را یاری کنند بی‌حاصل است. امروز، روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است، روز نشاط عاشقان خداست، روز جشن و سرور عارفان الهی است، امروز روز نغمه‌سرائی فرشتگان در ستایش انسانهای مجاهد ما است. درنگ امروز، فردای اسارتباری را بدنبال دارد. امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون نمود، و زره جهاد و مقاومت پوشید و در افق طلیعه فجر تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن بقاء خون شهیدان بود.

فرزندانم، دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است. و با حمله شیمیائی به مردم بی‌دفاع عراق حتی پایه‌های حمایت حامیان خود را نیز سست نموده است. به سوی جبهه‌ها هجوم برید تا ضربات بی دربی شما توان و امان او را بگیرد. که انشاءالله پیروز خواهید شد.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

۶۷/۱/۱۱

■ طی پیامی خطاب به مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

# امام: شما آئینه مجسم مظلومیت‌ها و رشادتهای این ملت بزرگ در صحنه نبرد و تاریخ مصور انقلابید

امام خمینی فرمانده کل قوا پیامی خطاب به فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرکت کننده در مجمع بزرگ فرماندهان سپاه صادر فرمودند. متن این پیام، به این شرح است:

فرزندان عزیزم، فرماندهان و مسئولین محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پایان قریب هشت سال دفاع مقدسی که منتهی به استقلال و تمامیت ارضی کشور و شکست طرح‌های توسعه‌طلبانه دشمنان انقلاب اسلامیمان گردید، نمیدانم با چه بیانی احساسات و علاقه خویش را به شما سربازان گمنام و سرداران دلاوری که طوفان خشم این امت حزب‌الله از سینه صحنه کارزار شما جوشیده است، بیان نمایم. در نزد موحدین و سالکان طریقت، سخن از اجر و پاداش دنیایی اسائه ادب به منزلت و مقام آنانست و دنیا با همه زرق و برقها و اعتباراتش بمراتب کوچکتر از آنست که بخواهد پاداش و ترفیع مجاهدان فی سبیل الله گردد. و مجاهد فی سبیل‌الله بزرگتر از آنست که گوهر زیبای عمل خود را به عیار زخارف دنیا محك بزند.

اما من که وظیفه‌ام دعاگویی و سپاس و تشکر از همه سپاهیان و بسیجیان و ارتشیان است، باید به همه نیروهای مسلح کشور و به شما اطمینان بدهم که تا من زنده هستم و تا رمق در جسم و جان دارم، از حمایت و دعای خیر برای شما دریغ نخواهم کرد و شما را از بهترین عزیزان و همراهان خود می‌دانم و همانگونه که در ایام جنگ در کنار شما بوده‌ام و شاید یکایك شما محبت و ارادتم را بخود احساس کرده‌اید، بعد از این نیز چنین خواهم بود. شما آینه مجسم مظلومیتها و رشادتهای این ملت بزرگ در صحنه نبرد و تاریخ مصور انقلابید. شما فرزندان دفاع مقدس و پرچمداران عزت مسلمین و سپر حوادث این کشورید، شما یادگاران و هم‌سنگران و فرماندهان و مسئولان بیداردلانی بوده‌اید که امروز در قرارگاه محضر حق ماوای گزیده‌اند و از آنجا که من بین خودم و شما فاصله‌ای نمی بینم و سخن دل شما همه عاشقان انقلاب اسلامی را پیش از این که به کاغذ و قلم کشیده شود، درك می نمایم، تصور می کنم که شما به خاطر آن غرور مقدس و آن روح پرحماسه‌ای که سالها در میدان‌های نبرد و در هنگامه آتش و خون و از دل صخره‌های صعب مشکلات، در فضای سرد و گرم حوادث آبدیده شده است و همه ذرات وجودتان با شجاعت و بی‌قراری عجین گردیده، از سکون و آرامش رنج ببرید و دلتان در همان حال و هوای خیمه جنگ، و چه بسا از خود بپرسید که در شرایط صلح چه نیازی بوجود ماست که اینهم از برکات معنویت و تحول در کشور ماست که پس از هشت سال دفاع مقدس در خود احساس خستگی نمی کنیم. ولی من بطور جد و اکید میگویم که انقلاب و جمهوری اسلامی و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بحق از بزرگترین سنگرهای دفاع از ارزشهای الهی نظام ما بوده و خواهد بود، بوجود یکایك شما نیازمند است، چه صلح باشد و چه جنگ، من باز تاکید می کنم که ما در سیاست خود برای رسیدن به صلح در چارچوب قطعنامه شورای امنیت جدی هستیم و هرگز پیشقدم در تضعیف آن نخواهیم بود، ولی آثار کارشکنی را در سیاست و رفتار نظامی عراق مشاهده می کنیم، که بعید به نظر نمی رسد که دست بعضی از قدرتها و ابرقدرتها در این قضایا پنهان باشد و چه بسا صدامیان بخواهند بخت سیاه و تیره گون خود را مجددا آزمایش کنند. در هر حال ما باید آماده و مهیا باشیم. روزهای حساس و تعیین کننده‌ای در پیش رو داریم و انقلاب اسلامی هنوز سالها و ماههای تعیین کننده‌ی دیگر در پیش خواهد داشت که واجب است پیش کسوتان جهاد و شهادت در همه صحنه‌ها حاضر و آماده باشند و از کید و مکر جهانخواران و آمریکا و شوروی غافل نمانند و حتی در شرایط بازسازی نیروهای مسلح، باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد. چرا که در هنگامه نبرد مجال پرداختن به همه جهات قوتها و ضعفها و طرحها و برنامه‌ها و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه جانبه نبوده است، ولی در شرایط عادی باید با سعه صدر و بدور از حب و بغضها، به این مسائل پرداخت و از همه اندوخته‌ها و تجربه‌ها و استعدادها و طرحها استفاده نمود و در جذب هرچه بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب همت گماشت و تجارب را به دیگران منتقل ساخت و در تجهیز کلیه آحاد و افراد این کشور براساس اصول و فرمول خاص دفاع همه جانبه و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست میلیونی کوشش نمود، و در کنار این مسئولیت بزرگ و پیروی از خطوط کلی سیاست نظامی کشور باید همان محافل انس و نورانیت و برادری و وحدتی را که در میدان‌های نبرد و در جبهه بوده است و همان ارتباط معنوی که میان شما و روحانیون عزیز برقرار بود، به مجامع داخلی و به همه محیط‌های سیاسی و اجتماعی و نظامی کشانده شود تا انقلاب اسلامی ما از خطر آفتها و تفرقه‌ها و بی‌تفاوتی‌ها محافظت گردد و مبادا که این سرمایه‌های عظیمی که محصول سالها تجربه و تلاش در عسرتها و فراز و نشیبها بوده است، در مسیر زندگی روزمره به فراموشی سپرده شود. من به شما دعا می کنم و عزت و سعادت دنیا و آخرتتان را از پیشگاه مقدس خداوند مسئلت دارم.

انشاءالله در لوای عنایت پروردگار و در ظل توجه حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه پایدار و سرفراز باشید.

والسلام علیکم و رحمة‌الله

روح‌الله الموسوی الخمینی

بیست و ششم شهریور سال ۱۳۶۷ هجری شمسی

در پاسخ به نامه شورای مدیریت حوزه علمیه قم

# تاکید امام امت بر ترویج اجتهاد جواهری و استفاده از علوم جدید در حوزه‌های علمیه

■ *طلاب انقلابی و مبارز پیشتازان انقلاب اصیل اسلامیمان می‌باشند. چهره گلگون و روشن فیضیه‌های ایران در جهان اسلام مرهون زندان‌ها و شکنجه‌های این عزیزان است.*

پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه‌ی شورای مدیریت حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای مدیریت حوزه علمیه قم دامت افاضاته

با سلام و دعا برای شما عزیزان. زحمات شما عزیزان چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد انشاءالله با کمك همه دست اندرکاران امور حوزه موفق شوید پاسخگوی سئوالات جهان اسلام شوید.

این مسئله نباید فراموش شود که بهیچوجه از ارکان محکم فقه و اصول رایج در حوزه‌ها نباید تخطی شود.

البته در عین اینکه از اجتهاد جواهری بصورتی محکم و استوار ترویج می‌شود از محاسن روش های جدید و علوم مورد احتیاج حوزه‌های اسلامی استفاده گردد. بار دیگر به فرزندان خوب و انقلابیم سفارش می کنم که شورای مدیریت حوزه علمیه قم مورد تایید اینجانب می باشند. سعی کنند تندروی نکنند که تندروی باعث شکست خودشان می گردد.

باید طلاب جوان، اساتید محترم حوزه را که در خدمت انقلاب و اسلام و علوم اسلامی می باشند یاری کنند تا آنان بتوانند به هدف های مهم تعلیم و تربیت برسند. شورای مدیریت و اساتید عزیز هم توجه داشته باشند که بدون طلاب انقلابی بهیچیك از خواسته های مشروع خود نخواهند رسید. طلاب انقلابی و مبارز پیشتازان انقلاب اصیل اسلامیمان می باشند. چهره گلگون و روشن فیضیه های ایران در جهان اسلام مرهون زندان‌ها و شکنجه های این عزیزان است. این مسئله باید در نظر گرفته شود که شورای مدیریت حوزه علمیه قم از خدا می خواهند که طلاب عزیز در فراگیری علم و دانش با مشکلات روبرو نشوند اگر در بعضی جهات بدین نتیجه نمی رسند لابد در حد توانشان نیست. شعار همیشه از آن کسانیست که وارد گود اجراء نیستند. از خداوند متعال توفیق سرداران و سربازان علوم اسلامی را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

۶۸/۲/۱۷

# منشور انقلاب اسلامی

بقیه از صفحه ۳

مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست اندرکار حل و فصل بزرگترین مسایل اداری و اجرائی یك کشور بزرگ و درحال جنگ و محاصره و با جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضائی که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس واموال و شخصیت یك جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی وانتظامی که مسئولیت امنیت مرزها و داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلو تخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب و اشاعه فحشاء و منکرات ودزدی‌ها و قتل‌ها و مواد مخدر را بگیرند که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام اداره می‌شود و خدا را سپاس می نهیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته‌ایم کشورمان را از وابستگی‌ها نجات دهیم.

البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی و عمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می‌دهیم و در عمل به همه غرب زدگان و شرق زدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کریم واهمه داشته‌اند نشان می‌دهیم که چگونه می‌توان جامعه را از سرچشمه‌های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود که بحمدالله همه اینها از برکات ورود علماء در مسائل سیاسی و استنباط احکام و مسایل مستحدثه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفاء ننموده است و با دخالت در مهمترین مسایل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی‌تعهد و علم فروشان بی‌عمل باشد.

وتعجب است که چگونه بسیاری از علماء و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملتها را درك نمی کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بی خبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته‌اند، که در همین شرایط پر زرق و برق حاکمیت علوم و تمدن مادی بر نسل معاصر، علماء و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم می‌توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن درآورند و جلو این همه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچك و بزرگ، خصوصا آمریکا در ممالك اسلامی جلوگیری کنند وبه جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسایل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگمارند و با استفاده از این دریای بیکران ملتهای اسلامی هم عزت خود را، و هم اعتبار امت محمدی صلی الله علیه و آله وسلم را پایدار نمایند.

آیا برای علماء کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالك اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاست گزاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالك اسلامی صادر کنند؟ علماء بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطرهٔ قدرت حکومتهای جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلو تهاجم فرهنگهای مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملتها منتهی شده است را بگیرند وبه مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خودباختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولتها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان کشی در جهان به راه انداخته‌اند گوشزد کنند.

من مجددا تاکید می کنم که دنیا امروز تشنه حقائق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علماء و روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سرحد شهادت پیش رفته‌اند و برای بیرون کردن متجاوزان خود رابه دریای حوادث و بلا زده‌اند و زندان‌ها و شکنجه‌ها را به جان خریده‌اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب الله لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده‌اند و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته‌اند چه حجتی بالاتر از این وچه بهانه‌ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیه کردن‌های بی مورد مانده است؟

علماء و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند کار از کار می گذرد. البته ما درد تنهائی بعضی از علماء و متعهدینی که در شهرها و کشورهایشان در محاصره سرنیزه‌ها و فشار تحلیل‌ها و حکمهای نامشروع علماء سوء و درباری گرفتار آمده‌اند احساس می کنیم ولی به همه این عزیزان که در فشار جباران می‌باشند موعظه خدا را یادآور می شویم که «ان تقوموالله مثنی و فرادی ثم تتفکروا» برای خدا قیام کنید و از تنهائی و غربت نهراسید.

مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسب‌ترین میدان تشکل وبیان مصالح مسلمین می‌باشند امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگرچه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند و همچون دولت هند مسلمانان بی گناه و بی پناه و آزاده را قتل عام می کنند ولی هرگز جرأت وقدرت تعطیل مساجد ومعابد مسلمین را برای همیشه ندارند ونور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند ودرعین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی وسیاسی علماء اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علماء اسلام در ملاء عام بدار کشند. خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می‌شود.

مگر نه این است که خداوند از علماء پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگر نه این است که علماء حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علماء و روشنفکران و محققـان بـه داد اسـلام بـرسنـد و اسـلام را از غـربتـی که دامن گیرش شده است نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهان خواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست، چهره منور و پر اقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دو چهره‌ها و روحانی نمایان و دین به دنیا فروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علماء سوء و تملق گویان ظلمه و ستمکاران خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امتهای اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علماء اسلام سوء استفاده کنند.

روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علماء مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بی خبران هستند که حکومت جابران و ظلم سران وابسته را توجیه، و مظلومین را از استیفاء حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادی خواهان در راه خدا حکم می‌دهند، که خداوند همه ملتهای اسلامی را از شرور و ظلمت این نا اهلان و دین فروشان نجات دهد.

و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علماء و فقهاء و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است. هرچند که این بلیه دامنگیر همه ملتهای جهان گردیده است و عملا بردگی جدیدی بر همه ملتها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم گیری در مسایل اقتصاد جهان ازآنان سلب شده است و علی رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصلخیز جهان و آبها و دریاها و جنگلها و ذخایر به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیستها و زراندوزان و سرمایه‌داران با ایجاد روابط گرم با جهان خواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملیتی، عملا نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راههای صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا وحتی نرخ گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند و با القاء تفکرات و تحقیقات خود ساخته به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الا راهی برای ادامه حیات پابرهنه‌ها جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یك لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندك هم از پرخوری و اسراف و تعیش‌ها جانشان به لب آید. به هرحال این مصیبتی است که جهان خواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی بواسطه ضعف مدیریتها و وابستگی به وضعیتی اسف بار گرفتار شده‌اند که این به عهدهٔ علماء اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم برجهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و در برگیرنده منافع محرومین و پا برهنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت بدر آورند.

البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصا برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست. و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی هم چون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد ولی ارائه طرحها و اصولا تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهی دستی به شمار می رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری از این جهت بر فقراء ندارند و ابدا اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت مسلم راه شکوفائی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می کند.

وتذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید درحکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند مال و ثروت خود را بهانه فخر فروشی و مباهات قرار بدهند و به فقراء و مستمندان و زحمت کشان افکار و خواسته های خود را تحمیل کنند. این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق گوئی‌ها می گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهاء بیشتر و فزون‌تر از آن کس است که تقوی داشته باشد نه ثروت و مال و قدرت، و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام حکومت عدل موظفند که با فقراء و مستمندان و با برهنه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تامتمکنین ومرفهین و درکنار مستمندان و پابرهنه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن افتخار بزرگی است که نصیب اولیاء شده و عملا به شبهات و القاءات خاتمه می‌دهد که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقر زدائی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهی دستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.

خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست. دامن حرمت و پاك روحانیت از آن منزه است، تا ابدهم باید منزه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پا برهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. و از آنجا که محرومیت زدائی عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهان خواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند، و برای ناتوان ساختن دولت و دست اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگ تر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس ووحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شك جهانخواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدائی و دفاع از محرومان حرکت کند امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزارساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بی‌دریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.

البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه‌ها شده‌اند و مقصد، خداست و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی کنند و با کمبودها از میدان بدر نمی روند، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا می کند به خاطر شکم و دنیا از پا درنمی آید ولی وظیفه ما و همه دست‌اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریك باشیم، که گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد.

راستی وقتی که پابرهنه‌ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما امتحان وتقید خود را به احکام اسلامی تا سرحد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده‌اند و در همهٔ صحنه‌ها بوده‌اند و انشاءالله خواهند بود و سر و جان را در راه خدا می‌دهند چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم؟ ما مجددا می گوئیم که یك موی سر این کوخ نشینان و شهیدداد‌گان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد.

و آخرین نکته که در اینجا ضمن تشکر از علماء و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده زیستی و زهدگرائی علماء و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یك پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علماء و روحانیون منت نهاده است و اداره یك کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست، که بحمدالله روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه‌دار کردن چهره این مشعل‌داران هدایت و نور دست به کار شوند و با کمترین سوژه‌ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که انشاءالله موفق نمی شوند.

و اما زائران محترم ایرانی که انصافاً شخصیت و شعور و رشد سیاسی و اجتماعی خود را در مراسم حج سالهای گذشته به نمایش گذارده‌اند و باعث حفظ آبرو اعتبار جمهوری اسلامی ایران شده‌اند امسال نیز علاوه بر دقت و توجه باعمال و واجبات حج و استفاده از این نعمت بزرگ تشرف به مکه مکرمه و مدینه منوره و زیارت خانه خدا و مرقد پاك نبی اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم و بقیع و تشرف به جوار تربت مطهر حضرت زهرا سلام‌الله علیها وائمه معصومین علیهم السلام، در راهپیمایی کوبنده برائت با هماهنگی و انسجام کامل در صفوف و شعارها و برنامه‌ها شرکت نمایند و از برکات این اجتماع مقدس عبادی سیاسی که نشان دهنده اقتدار مسلمین و کشور عزیز و اسلامی ایران است بهره‌مند شوند و با برخوردهای اخلاقی و سالم و سازنده در تمام مراسم حج و خصوصاً در مسیر راهپیمائی با مردم سایر کشورها و یا مأمورین کشور عربستان سعودی، آنان را به ضرورت حضور در این اجتماعات دعوت کنند و از هرگونه اعمال سلیقه‌های شخصی و کارهای خودسرانه‌ای که خدای ناکرده موجب هتك احترام این اجتماع عظیم می شود خودداری کنند و از درگیری و اهانت وجدال احتراز نمایند. هر چند که زائران محترم با آگاهی کامل، نقشه‌ها و توطئه‌ها را خنثی می کنند ولی چه بسا افرادی به منظور بر هم زدن شکوه و جلوه اجتماعات حج و مخدوش کردن چهره انقلاب به کارهای بدون حساب و خودسرانه دست زنند.

البته بعید به نظر می‌رسد که دولت یا مأمورین عربستان که میزبان زائران خانه خدا و حرم پیغمبر اکرمند از این نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار عملی سیاسی ملت ما که به خاطر سر بلندی جهان اسلام و مسلمین می باشد جلوگیری کنند.

در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ما است و دشمنان انقلاب در صدد دست یافتن به سوژه‌ای ولو مختصر جهت تخریب قداست و اعتبار الهی مردم کشور ما می‌باشند و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنائی با روش و سیره و خصوصیات این ملتی که آوازه نام و نشانش به یاری خداوند در سراسر عالم طنین افکنده است گردیده‌اند و حج بهترین میعاد گاه معارفه ملتهای اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است گردهم می آیند و با کنار گذاردن تشخص‌ها و رنگها و ملیت‌ها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دور نمای تشکل امت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را در سراسر جهان به نمایش می گذارند.

زائران محترم کشور ایران ارزش دستاوردهای معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در برخورد با سایر مسلمانان بهتر درك می کنند و با توجه و اطلاع از گرفتاریها و مشکلاتی که باشکال مختلف بر ملت‌های اسلامی تحمیل شده است به ابعاد عظمت انقلاب و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان ارواحنا فداه به این ملت، بیشتر پی می برند و قدر برکات این انقلاب را بیشتر از گذشته می دانند و از کار و تلاش مسئولین محترم و دولت خدمتگزار که شب و روز خود را وقف خدمت نموده‌اند مطلع می گردند و از تحولی که در جوانان و اقشار دیگر ملت به وجود آمده است و آنان رابه بهشت صلابت وعفت و حیا وشرافت و آزادی و جهاد رهنمون شده‌اند خدا را سپاس می گذارند.

خداوندا این نعمتهای بزرگ را از ما و ملت ما مگیر.

خداوندا ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشنا فرما.

خداوندا بر بندگی ما و خلوص ما و اظهار عجز و ذلت ما در برابر خودت بیفزا.

خداوندا به ما توکل و صبر و مقاومت و رضا و توفیق جلب عنایت خود کرامت فرما و ما را در مسیر خدمت به بندگانت تا مرز قربانی خود و فرزندان و هستیمان همراهی و مدد بنما.

زائران محترم مبادا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها به غرور و عجب گرفتار شوند و خدای نخواسته به اعمال و رفتار مسلمانان به دیده اهانت و تحقیر بنگرند و از همدلی و انس با دوستان خدا در مکه مکرمه محروم شوند. و از شکر این نعم بزرگ الهی که در تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران دینی است غافل بمانند.

در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بیعت‌ها و پیوندهای دوستی و ارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنند و حدیث انقلاب و لطف خدا را به آنان بازگو نمایند و از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهند که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه‌های اسلامی شما است و در هر سنگری علیه متجاوزان در کنار شما ایستاده است و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما انشاءالله دفاع خواهد کرد و به آنان بگوئید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملتهای اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملتهای تحت ستم است و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی (ص) است به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان ارواحنا فداه هموار می کنیم.

و از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه آینه حوادث بزرگ نهضت انبیاء و اسلام و رسالت پیامبر اکرم است. جای جای این سرزمین محل نزول و اجلال انبیاء بزرگ وجبرئیل امین و یادآور رنجها و مصیبتهای چندین ساله‌ای است که پیامبر اکرم (ص) در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور دراین مشاهد مشرفه و امکنه مقدسه و درنظر گرفتن شرایط سخت و طاقت فرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنا می کند، که واقعاً پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم وائمه هدی علیهم‌السلام در چه غربتهائی برای دین حق وامحاء باطل استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمتها و اهانتها و زخم زبانهای ابولهب‌ها و ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب به راه خود ادامه دادند و تسلیم نشدند و سپس باتحمل هجرتها و مرارتها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگهای پیاپی و نابرابر و مبارزه باهزاران توطئه‌ها و کارشکنیها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند دل صخره‌ها و سنگها و بیابانها و کوهها و کوچه و بازارهای مکه و مدینه پراست از هنگامه پیام رسالت آنان، که اگر آنها به زبان و سخن می‌آمدند و از راز و رمز تحقق «فاستقم کماامرت» پرده برمی‌داشتند، زائران بیت الله الحرام در می‌یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان چه کشیده‌اند و مسئولیت پیروان او چقدر سنگین است.

و ملت شهید داده ایران اگر چه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادث دیگر انقلاب مظلومیتها و سختیها و درد و رنجهای فراوان دیده است و جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده است، ولی یقینا وسعت مظلومیتها و سختیهائی که برپیشوایان ما رفته است به مراتب بالاتر از مسایل ما است.

حجاج محترم سلام خالصانه ملت عزیز و مسئولین پرتلاش و خانواده‌های معظم‌شهداء و جانبازان و اسراء و مفقودین را به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله وسلم واهل بیت هدی علیهم السلام ابلاغ کنید وملتمسانه وعاجزانه از آنان تفقد و رحمت بیشتر برای این پیروان صادق خودخواسته و پیروزی ملت ما را در جنگ برکفر جهانی از خدا بخواهند واز این فرصت مناسب در دعا کردن به همه مسلمانان و رفع گرفتاری‌ها استفاده کنند.

خداوندا. اگر هیچکس نداند، تو خود می‌دانی که ما برای برپائی پرچم دین توقیام کرده‌ایم و برای برپائی عدل وداد در پیروی از رسول تو در مقابل شرف و عزت ایستاده‌ایم و در پیمودن این راه لحظه‌ای درنگ نمی کنیم.

خداوندا، تو می‌دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران و مادران خود برای عزت دین تو به شهادت می‌رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی‌انتهای تو بال و پر کشند.

خداوندا، تو می‌دانی که امت رسول تو در این مملکت مواجه با همه توطئه‌هاست وایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمی گذارند و تلاش‌ها هر روز برای در تنگنا و مضیقه قرار دادن این ملت درامور اقتصاد فزون‌تر می شود.

خداوندا، تو می‌دانی مردم ما مشکلات را به جان دل خریده‌اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند وتمام زجرها و دردها راتحمل می کنند همه پیروزیها را از آن تو و به عنایت تو می‌دانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دلهای ملت مارا به نصر و پیروزی خود امیدوارتر ساز و رزمندگان جبهه ما را به مدد غیبی و جنود مخفی خود غالب و پیروزگردان، وتوان صبر و استقامت ما را در تحمل سختیها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست و پیروزی را به ما ارزانی فرما، و دل مردم ما را که برای دین تو شهید و مفقود و مجروح و اسیر داده‌اند وسختی هجران عزیزان را به عشق لقاء و رضای تو تحمل کرده‌اند شادمان فرما و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم وائمه هدی علیهم صلوات الله سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما «انك ولی النعم».

روح الله الموسوی الخمینی

۱/ ذی الحجة الحرام ۱۴۰۷

## وصیتنامه الهی ـ سیاسی امام؛ راز بقاء انقلاب و پویایی راه امام

# آخرین وصایای حضرت امام به امت اسلام

* سرویس سیاسی: وصیت نامه پرشور امام امت، به عنوان سند راهگشا و کلید رستگاری امت اسلام، منتشر شد. با قلبی مالامال از درد ناشی از ضایعه‌ی مولمه‌ی ارتحال امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، متن کامل وصیت نامه‌ی سیاسی ـ الهی امام امت، از نظرتان می گذرد.

وصیت نامه حضرت امام ساعت ۹ و ده دقیقه صبح روز یکشنبه (چهاردهم خردادماه) در محل مجلس شورای اسلامی و در برابر جمعی از خبرگان، نمایندگان مجلس، وزرا و دیگر شخصیتهای سیاسی ـ نظامی کشور توسط آیت الله سید علی خامنه ای (رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران) قرائت شد.

این متن حاوی یك مقدمه شش صفحه ای و یك ضمیمه یك صفحه ای است و جمعا سی و شش صفحه است.

متن وصیت نامه که به دستخط مبارك حضرت امام قدس سره است و در ذیل هر صفحه به امضای آن عزیز، مزین شده است در تاریخ بیست و ششم بهمن ماه ۱۳۶۱ (برابر با اول جمادی الاول ۱۴۰۳) نگارش یافته است.

### □ پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: «انی تارك فیكم الثقلین كتاب الله وعترتی اهل بیتی فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض».

الحمدلله وسبحانك اللهم صل علی محمد وآله مظاهر جمالك وجلالك وخزائن اسرار كتابك الذی تجلی فیه الاحدیه بجمیع اسمائك حتی المستاثر منها الذی لا یعلمه غیرك واللعن علی ظالمیهم اصل الشجره الخبیثه وبعد.

اینجانب مناسب میدانم که شمه کوتاه و قاصر در باب ثقلین تذکر دهم نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در مرتبه ای که عرفانی آن بر تمام دائره وجود از ملك تا ملكوت اعلی و از آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو ناید سنگین و تحمل آن فوق طاقت اگر نگویم ممتنع است و نه از آنچه بر بشریت گذشته است از مهجور بودن از حقایق مقام والای ثقل اکبر و ثقل کبیر که از هرچیز اکبر است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است و نه از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتیان بازیگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست با قصور اطلاع و وقت محدود بلکه مناسب دیدم اشاره ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم شاید جمله لن یفترقا حتی یردا علی الحوض اشاره باشد بر اینکه بعداز وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هرچه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هریك مهجوریت دیگری است تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند و آیا این حوض مقام اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال قطرات در دریا است یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم گذشته بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است و ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و کتب اهل سنت از صحاح ششگانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بطور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر بویژه مسلمانان مذاهب مختلف و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی خبر باشد برای علما مذاهب نیست اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ماترك پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم مسائل اسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد پس از شهادت حضرت علی(ع) شروع شد خودخواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومتهای ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دریافت کرده بودند و ندای انی تارك فیكم الثقلان در گوششان بود با بهانه های مختلف و توطئه های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده و با قرآن در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و است خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند تا کار بجائی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است و هرچه این بنیان کج به جلو آمد کجی ها و انحراف ها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی(ص) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند و این ولیده علم الاسماء را از شر شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاء الله معصومین علیهم صلوات الاولین والاخرین بسپارد تا آنان به هرکه صلاح بشریت است بسپارند چنان از صحنه خارج نمودند که گوئی نقش برای هدایت ندارد و کار بجائی رسید که نقش قرآن بدست حکومتهای جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و مع الاسف بدست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل قرآن این کتاب سرنوشت ساز نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی الله علیه وآله وسلم و قرآن و سنت مشحون آن است سخن می گفت گوئی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی دین شده بود و اکنون نیز است و اخیرا قدرتهای شیطانی بزرگ بوسیله حکومت های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را به دروغ به اسلام بسته از برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرتها قرآن را با خط زیبا طبع می کنند و باطراف می فرستند و با این حیله شیطانی قرآن را از صحنه خارج می کنند ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضاخان پهلوی طبع کرد و عده ای را اغفال کرد و بعضی آخوندهای بی خبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند و می بینیم که ملك فهد هرسال مقدار زیادی از ثروت های بی پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و مجال تبلیغات مذاهب ضدقرآنی می کند و وهابیت این مذهب سراپا بی اساس و خرافاتی را ترویج می کند و مردم و ملت های غافل را سوق بسوی ابرقدرت ها میدهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره برداری می کند ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که میخواهد حقایق قرآن که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می زند از مقبره ها و گورستانها نجات داده و بعنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که برپای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را بسوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می کشاند نجات دهد و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمومنین علی بن ابی طالب این بنده رها شده از تمام قیود مامور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی ها است ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهائی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است از امام معصوم ما است ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان علیهم الاف التحیات والسلام که بقدرت خداوند قادر زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد میخوانند از ائمه معصومین ما است ما بمناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی علیه السلام و صحیفه سجادیه این زبور آل محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است ازما است ما مفتخریم که باقرالعلوم بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مقام او را درك نکرده و نتوانند درك کرد از ما است و ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست و مامفتخریم بهمه ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات الله و سلامه علیهم در راه تعالی دین اسلام در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است در حبس و تبعید بسر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت های جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند و ما امروز مفتخریم که میخواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفه ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت ساز سر از پاشناخته جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می کنند ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنانکه توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیتهائی که توطئه دشمنان و ناآشنائی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود بدست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین بوجود آورده بودند خارج نموده اند و آنانکه توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه بنحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شعف به لرزه درمی آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب میلرزاند اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیها سلام الله فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند باین امر و میدانند آنچه بدست آورده اند بالاتر از جنات نعیم است چه رسد به متاع ناچیز دنیا و ملت ما بلکه ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی کشند و برای رسیدن بریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی شناسند و در راس آنان آمریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را بآتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن بمطامع خود جنایاتی مرتکب میشود که قلمها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند و خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ آنان را بهر جنایتی می کشاند و ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی این جنایت پیشه دوره گرد و حسن و حسنی مبارك هم آخور با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به آمریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملتهای خود روی گردان نیستند و ما مفتخریم که دشمن ما صدام عفلقی است که دوست و دشمن او را به خیانت کاری و نقض حقوق بین المللی و حقوق بشر می شناسند و همه میدانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخ نشینان خلیج کمتر از خیانت به ملت ایران نباشد و ما و ملتهای مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه های گروهی و دستگاههای تبلیغات جهانی ما و همه مظلومان جهان را بهر جنایت و خیانتی که ابرقدرتهای جنایتکار دستور میدهند متهم می کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه آمریکا با همه ادعاهایش و همه ساز و برگهای جنگیش و آنهمه دولتهای سرسپرده اش و بدست داشتن ثروتهای بی پایان ملتهای مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه های گروهی در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله ارواحنالمقدمه الفداء آنچنان وامانده و رسوا شده است که نمی داند به که متوسل شود و رو به هرکس می کند جواب رد می شنود و این نیست جز به مددهای غیبی حضرت باری تعالی جلت عظمة که ملت ها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاهی به نور اسلام هدایت نموده. من اکنون به ملتهای شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پای بند بوده و لحظه ای از شکر این نعمت غفلت نکرده و دستهای ناپاك عمال ابرقدرتها چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی تزلزلی در نیت پاك و اراده آهنین آنان رخنه نکند و بدانند که هرچه رسانه های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اشتلم می زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد. انه ولی النعم و بیده ملكوت كل شی و با كمال جد و عجز از ملتهای مسلمان میخواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی اجتماعی اقتصادی نظامی این بزرگ راه نمایان عالم بشریت بطور شایسته و بجان و دل و جان فشانی و نثار عزیزان پیروی کنند از آنجمله دست از فقه سنتی که بیان کرد مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملتها است چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است ذره ای منحرف نشوند و بوسواس خناسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحرافی مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است و از آنجمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است و از آنجمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحاء بر روح بزرگ حماسی او باد هیچگاه غفلت نکنند و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است تمام فریاد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تاریخ الی الابد و میدانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنت الله علیهم با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است و لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق علیهم سلام الله بطور کوبنده فجایع و ستمگری های ستمگران هر عصر و نسلی یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام بدست آمریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود این خائنین به حرم بزرگ الهی لعنت الله و ملائکه و رسله علیهم است بطور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر علیهم صلوات الله و سلم و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم الشأن ایران ندارد بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب میباشد از خداوند عزوجل عاجزانه خواهانم که لحظه ای ما و ملت ما را بخود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود باین فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه ای دریغ نفرماید.

روح الله الموسوی الخمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیونها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاویدان و آسیب دیدگان عزیز این شهیدان زنده است و مورد امید میلیونها مسلمانان و مستضعفان جهان است بقدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر و برتر است.

اینجانب روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مایوس نیستم و زاد راه پرخطرم همان دلبستگی به کرم کریم مطلق است به عنوان یك نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقاء دستاوردهای آن و به ثمر رسیدن هرچه بیشتر آن دارم به عنوان وصیت به نسل حاضر و نسل های عزیز آینده مطالبی هرچند تکراری عرض مینمایم و از خداوند بخشاینده می خواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید.

ما می دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تائیدات غیبی الهی پیروز گردید اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یك جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنی های بی حساب قلم داران و زبان مردان در مطبوعات و سخنرانی ها و مجالس و محافل ضد اسلامی و ضد ملی به صورت ملیت و آن همه شعرها و بذله گوییها و آن همه مراکز عیاشی و فحشاء و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند بفساد و بی تفاوتی در پیشامدهای خائنانه ای که بدست شاه فاسد و پدر بی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه های قدرتمندان بر ملت تحمیل می شد و از همه بدتر وضع دانشگاه ها و دبیرستان ها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می شد با بکار گرفتن معلمان و استادان غرب زده یا شرق زده صددرصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح با نام ملیت و ملی گرایی گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی توانستند انجام دهند.

و با این همه و ده ها مسائل دیگر از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد الله اکبر و فداکاری های حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را بدست گیرند.

بنابراین شك نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است. هم در پیدایش وهم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام و تردید نیست که این یك تحفه الهی و هدیه غیبی بود که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است.

اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با بکار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تامین می کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگریها و چپاول گریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگزار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن کوشیده است اینك که به توفیق و تایید خداوند جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است بر ملت عظیم الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن بجمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است که انبیاء عظام از آدم علیه السلام تا خاتم النبیین صلی الله علیه و آله وسلم در راه آن کوشش و فداکاری جان فرسا نموده اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام علیهم صلوات الله با کوششهای توان فرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده اند و امروز بر ملت ایران خصوصا و بر جمیع مسلمانان عموما واجب است این امانت الهی را که درایران بطور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی ببار آورده با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقاء آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولتها وملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقدرتهای عالم خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند اینجانب که نفس های آخر عمر را می کشم به حسب وظیفه، شطری از آنچه در حفظ و بقاء این ودیعه الهی دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آن را تهدید می کنند برای نسل حاضر و نسل های آینده عرض می کنم و توفیق و تایید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم.

الف ـ بی تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسل های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. اینجانب به همه نسل های حاضر و آینده وصیت می کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد، دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقاء آن است فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی جهت نیست که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده های بومی آنان تمام توان خود را صرف شایعه ها و دروغ های تفرقه افکن نموده اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می کنند بی انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به منطقه و مع الاسف در بین آنان از سردمداران و حکومتهای بعضی کشورهای اسلامی که جز به منافع شخص خود فکر نمی کنند و چشم و گوش بسته تسلیم آمریکا هستند دیده می شود و بعضی از روحانی نماها نیز بآنان ملحقند امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز است. توصیه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان بویژه درعصر حاضر آن است که در مقابل این توطنه ها عکس العمل نشان داده و بانسجام و وحدت خود به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.

ب ـ از توطئه های مهمی که در قرن اخیر خصوصاً در دهه های معاصر و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا بچشم می خورد تبلیغات دامنه دار با ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملت ها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است نمی تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا اینکه اسلام یك دین ارتجاعی است و با هرنوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و درعصر حاضر نمی شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موذیانه و شیطنت آمیز بگونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترك دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیك و از دنیا دور می کند و حکومت و سیاست و سر رشته داری بر خلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلك انبیاء عظام است و مع الاسف تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را بمشابه یك گناه و فسق می دانستند و شاید بعضی بدانند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا غرضمندانه خود را به بی اطلاعی می زنند زیرا اجراء قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستم گری و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاء و انواع کجرویها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یك جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود این دعوی بمشابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود.

اگر درصدر خلقت عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آنکه اسلام با نوآوریها مخالف است همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع می گفت که اینان می خواهند با چهارپایان بر این عصر سفر کنند یك اتهام ابلهانه بیش نیست زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها اختراعات و ابتکارات و صنعتهای پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه ای می گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشاء حتی همجنس بازی و از این قبیل تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می کنند. و اما طایفه دوم که نقشه موذیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می دانند باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وآله آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام عبادی سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبتها را ببار آورده پیغمبر اسلام(ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومتهای جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی و خلفاء اول اسلامی حکومتهای وسیع داشته اند و حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام نیز با همان انگیزه بطور وسیع تر و گسترده تر از واضحات تاریخ است و پس از آن به تدریج حکومت باسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه وآله بسیارند اینجانب در این وصیت نامه با اشاره می گذرم ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه شناسان و تاریخ نویسان مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند و آنچه گفته شده و می شود که انبیاء علیهم السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته داری دنیائی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می کردند و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه تأسف آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملتهای اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است زیرا آنچه مردود است حکومتهای شیطانی و دیکتاتوری و ستم گری است که برای سلطه جویی و انگیزه های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده اند جمع آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه وآله و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می کردند از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امور لازمه است باید ملت بیدار و هشیار ایران با دید اسلامی این توطئه ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمك ملت برخیزند و دست شیاطین توطنه گر را قطع نمایند.

ج ـ و از همین قماش توطئه ها و شاید موذیانه تر شایعه های وسیع در سطح کشور و در شهرستان ها بیشتر بر این که جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد بیچاره مردم با آن شوق و شعف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت رهایی یابند گرفتار یك رژیم بدتر شدند مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف تر شدند زندان ها پر از جوانان که امید آتیه کشور است می باشند و شکنجه ها از رژیم سابق بدتر و غیرانسانی تر است هر روز عده ای را اعدام می کنند باسم اسلام و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی گذاشتند این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام آور غوطه می خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می کنند اموال مردم مصادره می شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجراء می شود و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هرچند روز یك امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سرزبان ها می افتد در تاکسی ها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می شود ویکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف می شود و مع الاسف بعضی روحانیون که از حیله های شیطانی بی خبرند با تماس یکی دو نفر از عوامل توطئه گمان می کنند مطلب همان است و اساس مسئله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می شنوند و باور می کنند اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاری های عظیم اجتناب ناپذیر آن ندارند چنانچه اطلاع صحیح از تحولاتی که همه بسود اسلام است ندارند و چشم بسته و بی خبر امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد بآنان پیوسته اند اینجانب



توصیه می کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می گذشته است و قبل از توجه به گرفتاری های این کشور طاغوت زده از ناحیه رضاخان و بدتر از آن محمدرضا که در طول چپاولگری هایشان برای این دولت بارث گذاشته اند از وابستگی های عظیم خانمان سوز تا اوضاع وزارتخانه ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عیاشی و مغازه های مسکرات فروش و ایجاد بی بند و باری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستان ها و دانشگاه ها و اوضاع سینماها و عشرتکده ها و وضعیت جوان ها و زنها و وضعیت روحانیون و متدینین و آزادی خواهان متعهد و بانوان عفیف ستمدیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پرونده اعدام شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی به زندان ها و کیفیت عمل کرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه داران و زمین خواران بزرگ و محتکران و گران فروشان و رسیدگی بداد گستری ها و دادگاه های انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضاء دولت و استاندارها و سایر مامورین که در این زمان آمده اند و مقایسه بازمان سابق ورسیدگی بعمل کرد دولت و جهاد سازندگی در روستاهای محروم از همه مواهب حتی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان میلیونی و خانواده های شهداء و آسیب دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر بحصر اقتصادی و توطئه های پی در پی آمریکا و وابستگان خارج و داخلش، اضافه کنید فقدان مبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و قاضی شرع و هرج و مرج هایی که از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتی دوستان نادان در دست اجراء است و ده ها مسائل دیگر تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده ها امروز طفلی تازه پا و ولیده ئی است محفوف بدشمن های خارج و داخل رحم کنید و شما اشکال تراشان بفکر بنشینید که آیا بهتر نیست به جای سرکوبی باصلاح و کمك بکوشید و به جای طرفداری از منافقان و ستم گران و سرمایه داران و محتکران بی انصاف از خدا بی خبر طرفدار مظلومان و ستمدیدگان و محرومان باشید و به جای گروه های آشوب گر و تروریستهای مفسد و طرفداری غیرمستقیم از آنان توجهی به ترور شدگان از روحانیون مظلوم تا خدمت گزاران متعهد مظلوم داشته باشید اینجانب هیچگاه نگفته و نمی گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می شود و اشخاص از روی جهالت و عقده و بی انضباطی برخلاف مقررات آسلام عمل نمی کنند لکن عرض می کنم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می کنند و ملت ده ها میلیونی نیز طرفدار و مدد کار آنان هستند و اگر این اقلیت اشکال تراش و کارشکن به کمك بشتابند تحقق این آمال آسان تر و سریع تر خواهد بود و اگر خدای نخواسته اینان به خود نیایند چون توده میلیونی بیدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است آمال انسانی اسلامی بخواست خداوند متعال جامه عمل بطور چشم گیر خواهد پوشید و کجروان و اشکال تراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما می باشند آل حجاز که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی کردند و با بهانه هایی به جبهه نمی رفتند که خداوند متعال در سوره توبه با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است و آنقدر به ایشان دروغ بستند که بحسب نقل در خبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمومنین آنقدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سرباز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهداء علیه السلام آن شد که شد و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد و ما امروز می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه ها و مردم پشت جبهه ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری ها می کنند و چه حماسه ها می آفرینند و می بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمکهای ارزنده می کنند و می بینیم که بازماندگان شهداء و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبرو می شوند و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان در صورتی که نه در محضر مبارك رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند و نه در محضر امام معصوم صلوات علیه و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندانی تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می باشیم و اینجانب در اینجا یك وصیت باشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می کنند و به جوانان چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده اند می نمایم که بی طرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان و رفتارشان با توده های محروم و گروه ها و دولتهایی که از آنان پشتیبانی کرده و می کنند و گروه ها و اشخاصی که در داخل بآنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضع هایشان در پیشامدهای مختلف را با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی بدست منافقان و منحرفان شهید شدند و ارزیابی کنید بین آنان و دشمنانشان نوارهای این شهیدان تا حدی در دست و نوارهای مخالفان شاید در دست شماها باشد ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند برادران شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی خوانید ممکن است پس از من بخوانید در آن وقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان برای کسب مقام و قدرتی با قلب های جوان شما بازی کنم من برای آنکه شما جوانان شایسته ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید تا سعادت هر دو جهان را دریابید و از خداوند غفور می خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشته ما و شما با رحمت واسعه خود بگذرد شماها نیز در خلوتها از خداوند همین را بخواهید که او هادی و رحمن است و یك وصیت به ملت شریف ایران و سایر ملتهای مبتلابه حکومتهای فاسد و در بند قدرتهای بزرگ می کنم اما به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندتان بدست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می آید نهراسید که «ان تنصرالله ینصرکم و یثبت اقدامکم» و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریك و در رفع آنها کوشا باشید و دولت و مجلس را از خود بدانید و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید و به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصا مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیاء نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره آورد آنان و با فداکاری های آنان تحقق پیدا کرد و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است فروگزار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومتهای طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید البته با اعمال انسانی که شایسته برای یك حکومت اسلامی است و اما به ملتهای اسلامی توصیه می کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومتهای جائر خود را در صورتی که بخواست ملتها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاوردند با تمام قدرت به جای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان حکومتهای وابسته به شرق و غرب می باشند و اکیداً توصیه می کنم که به بوقهای تبلیغاتی مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فرا ندهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه بیرون کنند که منافع ابرقدرتها تامین شود.

د ـ از نقشه های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر که سال های طولانی در دست اجراء است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا (دنباله گیری شد) (با روش های مختلف) به انزوا کشاندن روحانیت است که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتك حرمات و اعدام و امثال آن و در زمان محمدرضا با نقشه و روش های دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد و مع الاسف بواسطه بی خبری هردو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشم گیری گرفته شد از یك طرف از دبستان تا دانشگاه ها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاه ها از بین غرب زدگان یا شرق زدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و بکار گماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را بدست می گیرند از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقا و اسلام به خصوص و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان متنفر باشند و اینان را عمال انگلیس در آن زمان و طرفدار سرمایه داران و زمین خواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعداز آن معرفی می نمودند و ازطرف دیگر با تبلیغات سوء روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی دینی و بی بندوباری و مخالفت با مظاهر اسلام و ادیان متهم می نمودند نتیجه آنکه دولتمردان مخالف ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند و توده های مردم که علاقه به دین و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هرچه متعلق به آن است باشند و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخائر ملت در جیب آنان سرازیر شود چنانچه دیدید بسر این ملت مظلوم چه آمد و می رفت که چه آید اکنون که بخواست خداوند متعال و مجاهدت ملت از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها بند اسارت را پاره و سد قدرت ابرقدرتها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هرچه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم تر و استوارتر سازند و از نقشه ها و توطئه های دشمن غدار غافل نباشند و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود درصدد است بذر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد و نصیحت نمایند و اگر تاثیر نکرد از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می توان گرفت و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می خواهد انحراف ایجاد کند او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است و توطئه ها در دانشگاه ها از عمق ویژه ای برخوردار است و هردو قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب توطئه ها باشند.

هـ ـ از جمله نقشه ها که مع الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تاحد زیادی بجا مانده بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است بطوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را هیچ گرفتند و غرب و شرق دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند و قصه این امر غم انگیز طولانی و ضربه هایی که از آن خورده و اکنون نیز می خوریم کشنده و کوبنده است و غم انگیزتر اینکه آنان ملتهای ستمدیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگهداشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانیشان ترسانده اند که جرئت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را بدست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری بفکر و دانش خود اتکاء نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نمائیم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی فرهنگ آنها را بباد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مأیوس نموده و می نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هرچند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجویی آنها را بخورد ملت ها داده و می دهند فی المثل اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشن فکر به حساب می آورند و از گهواره تا قبر به هرچه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم گذاری شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب و اگر واژه های بومی خودی بکار رود مطرود و کهنه و واپس زده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مفتخر و اگر نام خودی دارند سربزیر و عقب افتاده اند خیابان ها کوچه ها مغازه ها شرکت ها داروخانه ها کتابخانه ها پارچه ها و دیگر متاعها هرچند در داخل تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند فرنگی مآبی از سر تا پا و در تمام نشست و برخاست ها و در معاشرت ها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت و در مقابل آداب و رسوم خودی کهنه پرستی و عقب افتادگی است در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل باید به خارج رفت و دکترها و اطباء دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد رفتن به انگلستان و فرانسه و آمریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه پرستی و عقب ماندگی است بی اعتنائی به آنچه مربوط به مذاهب و معنویات است از نشانه های روشن فکری و تمدن و در مقابل تعهد به این امور نشانه عقب ماندگی و کهنه پرستی است اینجانب نمی گویم ما خود همه چیز داریم معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصا در سده های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصا مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچك دیدنها و یا ناچیزدیدنها ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصا طبقه جوان به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزیینات و تجملات و بازی های کودکانه و بمسابقه کشاندن خانواده ها و مصرفی بار آوردن هرچه بیشتر که خود داستان های غم انگیز دارد و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان ها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشاء و عشرتکده ها و ده ها از این مصائب حساب شده برای عقب نگهداشتن کشورهاست من وصیت دلسوزانه و خادمانه می کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود زیاد و چشم گیری از بسیاری از این دام ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه ها و حتی وسایل پیشرفته هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی رفت متخصصین ایران قادر براه انداختن کارخانه ها و امثال آن باشند و همه دستها را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان اینها را براه اندازند در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمت های ارزان تر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می توانیم. باید هشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند و با اراده مصمم و فعالیت و پشت کار خود به رفع وابستگیها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و

بقیه در صفحه بعد

# آخرین وصایای حضرت امام به امت اسلام

چشم داشت به غیر خود نداشته باشد در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسان های شبیه به اینان به آن رسیده اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال بخداوند تعالی و اتکاء بنفس و قطع وابستگی بدیگران و تحمل سختی ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب و بر دولتها و دست اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمکهای مادی ومعنوی تشویق بکار نمایند و از ورود کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند و از جوانان دختران و پسران می خواهم که استقلال و آزادی و ارزش های انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج فدای تجملات و عشرتها و بی بند و باری ها و حضور در مراکز فحشاء که از طرف غرب و عمال بی وطن بشما عرضه می شود نکنند که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی کنند و می خواهند با این وسائل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح انان نیمه وحشی نگهدارند.

و ـ از توطئه های بزرگ آنان چنانچه اشاره شد و کرارا تذکر داده ام بدست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصا دانشگاه هاست که مقدرات کشورها در دست محصولات آنهاست روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاه ها و دبیرستان ها دارند نقشه آنان برداشتن روحانیون از سر راه و منزوی کردن آنان است یا با سرکوبی و خشونت و هتاکی که در زمان رضاخان عمل شد ولی نتیجه معکوس گرفته شد یا با تبلیغات و تهمتها و نقشه های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیل کرده و باصطلاح روشن فکر که این هم در زمان رضاخان عمل می شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود و در زمان محمدرضا ادامه یافت بدون خشونت ولی موذیانه و اما در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش های خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و برسرنوشت کشورها حکومت دهند تا بدست آنها هرچه می خواهند انجام دهند اینان کشور را به غارت زدگی و غرب زدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست قادر بر جلوگیری نباشد و این بهترین راه است برای عقب نگهداشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه زیرا برای ابرقدرتها بی زحمت و بی خرج و در جوامع ملی بی سر و صدا هرچه است به جیب آنان می ریزد پس اکنون که دانشگاه ها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است بر همه ما لازم است به متصدیان کمك کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاه ها به انحراف کشیده شود و هر جا انحرافی بچشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم و این امر حیاتی باید در مرحله اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاه ها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف نجات کشور و ملت است و اینجانب بهمه نوجوانان و جوانان در مرحله اول و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم و به دولتمردان و روشن فکران دلسوز برای کشور در مرحله بعد وصیت می کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگهمیدارد با جان و دل کوشش کنید و دانشگاه ها را به نسل بعد بسپرید و به همه نسل های مسلسل توصیه می کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم ساز دانشگاه ها را از انحراف و غرب و شرق زدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید خدایتان پشتیبان و نگهدار باد.

ز ـ از مهمات امور تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم انگیزی از مجلس شورای غیرصالح و منحرف از بعداز مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد و چه مصیبتها و خسارتهای جان فرسا از این جنایتکاران بی ارزش و نوکرمآب به کشور و ملت وارد شد در این پنجاه سال یك اکثریت قلابی منحرف در مقابل یك اقلیت مظلوم موجب شد که هرچه انگلستان و شوروی و اخیرا آمریکا خواستند با دست همین منحرفان از خدا بی خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعداز مشروطه هیچگاه تقریبا به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد قبل از رضاخان با تصدی غرب زدگان و مشتی خان و زمین خواران و در زمان رژیم پهلوی بدست آن رژیم سفاك و وابستگان و حلقه بگوشان آن. اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم الشأن سرنوشت کشور بدست مردم افتاد و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند و امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود وصیت اینجانب به ملت درحال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلاء دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالبا بین متوسطین جامعه و محرومین می باشند و غیرمنحرف از صراط مستقیم به سوی غرب یا شرق و بدون گرایش به مکتبهای انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی به مجلس بفرستند. و به جامعه محترم روحانیت خصوصا مراجع معظم وصیت می کنم که خود را در مسائل جامعه خصوصا مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلاء مجلس کنار نکشند و بی تفاوت نباشند همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست بازان پیرو شرق و غرب روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنج ها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را بدست غرب زدگان سپردند و بسر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش به زمان طولانی احتیاج دارد. اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی مسامحه در امر مسلمین است هر کس بمقدار توانش و حیطه نفوذش لازم است در خدمت اسلام و مسلمین باشد و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین المللی هستند با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه و با دست افراد خود ملتها کشورها را بدام استثمار می کشانند باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید خدایتان یار و نگهدار باشد و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می خواهم که اگر خدای نخواسته عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی وکالت خود را به مردم تحمیل نمودند مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یك عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد و به اقلیت های مذهبی رسمی وصیت می کنم که از دوره های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلاء خود را از اشخاص متعهد به مذاهب خود و جمهوری اسلامی و غیروابسته به قدرتهای جهانخوار و بدون گرایش به مکتب های الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلسان خود رفتار و همه کوشا باشند که قوانین خدای نخواسته از اسلام منحرف نباشد.

و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نائل آیید. و از شورای محترم نگهبان می خواهم و توصیه می کنم چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفاء و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجراء شود توجه نمایند و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری باید در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می شود مثلا در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می باشند از این قرار عدم دخالت ملت از مراجع و علماء بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می باشند چه در نسل حاضر و چه در نسل های آتیه و چه بسا که در بعضی مقاطع عدم حضور و مسامحه گناهی باشد که در راس گناهان کبیره است.

پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد والا کار از دست همه خارج خواهد شد و این حقیقتی است که بعداز مشروطه لمس نموده اید و نموده ایم و هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد و در تعیین رئیس جمهور و وکلاء مجلس با طبقه تحصیل کرده متعهد و روشن فکر با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتهار به تقوی و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده و با علماء و روحانیون با تقوی و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلاء مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند نه از سرمایه داران و زمین خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذت و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی توانند بفهمند و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شایسته و متعهد باسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند بسیاری از مشکلات پیش نمی آید و مشکلاتی اگر باشد رفع می شود و همین معنی در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاصی باید در نظر گرفته شود که اگر خبرگان که با انتخاب مدت تعیین می شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علماء بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد به مجلس خبرگان بروند بسیاری از مهمات و مشکلات بواسطهٔ تعیین شایسته ترین و متعهدترین شخصیتها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد یا با شایستگی رفع خواهد شد و با نظر باصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی وظیفه سنگین ملت در تعیین خبرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد که اندك مسامحه در انتخاب چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی خواهد وارد کرد که احتمال آن که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می کند و وصیت اینجانب برهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرتها و وابستگان بآنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند و گمان ننمایند که رهبری فی نفسه برای آنان تحفه ای است و مقام والایی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواسته با هوای نفس باشد ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد از خداوند منان هادی با تضرع و ابتهال می خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناك با روی سفید در حضرت خود به پذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیف تر برای رؤساء جمهور حال و آینده وٌدولت ها و دست اندرکاران به حسب درجات در مسئولیت ها نیز است که باید خدای متعال را حاضر و ناظر وخود را در محضر مبارك او بدانند خداوند متعال راهگشای آنان باشد.

ح ـ از مهمات امور مسئله قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است وصیت اینجانب برهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالی ترین مقام قضایی که در عهده دارند کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه دار و صاحب نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند و از شورای عالی قضایی می خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق بوضع اسفناك و غم انگیزی در آمده بود با جدیت سر و سامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند و با پشتکار و جدیت بتدریج دادگستری را متحول نمایند و قضات دارای شرایطی که انشاءالله با جدیت حوزه های علمیه مخصوصا حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می شوند و معرفی می گردند به جای قضاتی که شرایط مقرره اسلامی را ندارند نصب گردند که انشاءالله تعالی بزودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند و به قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می کنم که با در نظر گرفتن احادیثی که از معصومین صلوات الله علیهم در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه در باره قضاوت بغیر حق وارد شده است این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلش سپرده شود و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سر باز نزنند و باشخاص غیر اهل میدان ندهند و بدانند که همانطور که خطر این مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است و می دانند که تصدی قضا برای اهلش واجب کفایی است.

ط ـ وصیت اینجانب به حوزه های مقدسه علمیه آن است که کراراً عرض نموده ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می نمایند و یکی از راه های با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناك برای اسلام و حوزه های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه های علمیه است که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یك یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلك زدن به حوزه های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می باشد و می دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه ها افرادی به صورتهای مختلف از ملی گراها و روشن فکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب رسان ترند ذخیره دارند که گاهی سی چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا پان ایرانیسم و وطن پرستی و حیله های دیگر با صبر و بردباری در میان ملتها زیست می کنند و در موقع مناسب ماموریت خود را انجام می دهند و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه هایی از قبیل مجاهد خلق و فدایی خلق و توده ای ها و دیگر عناوین دیده اند و لازم است همه با هشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و از همه لازم تر حوزه های علمیه است که تنظیم و تصفیه آن با مدرسین محترم و افاضل سابقه دار است با تائید مراجع وقت و شاید تز نظم در بی نظمی است از القائات شوم همین نقشه ریزان و توطئه گران باشد در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصا در عصر حاضر که نقشه ها و توطئه ها سرعت و قوت گرفته است قیام برای نظام دادن به حوزه ها لازم و ضروری است که علماء و مدرسین و افاضل عظیم الشأن صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند و لازم است علماء و مدرسین محترم نگذارند در درس هایی که مربوط به فقاهت است و حوزه های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد و البته در رشته های دیگر علوم بمناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود و از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است بطور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوك الی الله رزقنا الله وایاکم که جهاد اکبر می باشد.

ی ـ از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوهٔ اجرائیه است گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آن را تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید لکن بدست مجریان غیرصالح که افتاد آن را مسخ کنند و برخلاف مقررات یا با کاغذبازی ها یا پیچ و خمها که به آن عادت کرده اند یا عمداً برای نگران نمودن مردم عمل کنند که بتدریج و مسامحه غائله ایجاد می کنند وصیت اینجانب به وزراء مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه ها بودجه ای که از آن ارتزاق می کنید مال ملت و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصا مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواسته گاهی موجب غضب الهی می شود همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید با پشتیبانی مردم خصوصا طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستم شاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید شماها کنار گذاشته می شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار بجای شما ستم پیشگان پستها را اشغال می نمایند.

بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب نظر ملت بنمائید و از رفتار غیراسلامی انسانی احتراز نمائید و در همین انگیزه به وزراء کشور درطول تاریخ آینده توصیه می کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق متدین متعهد عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند تا آرامش در کشور هرچه بیشتر حکمفرما باشد و باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه ها را در خارج از کشور دارد اینجانب از ابتداء پیروزی به وزراء خارجه راجع به طاغوت زدگی سفارتخانه ها و تحول آنها به سفارتخانه های مناسب با جمهوری اسلامی توصیه هایی نمودم لکن بعضی آنان یا نخواستند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام دهند و اکنون که سه سال از پیروزی می گذرد اگرچه وزیرخارجه کنونی اقدام به این امر نموده است و امید است با پشتکار و صرف وقت این امر مهم انجام گیرد و وصیت من به وزراء خارجه در این زمان و زمان های بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه ها و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند و از هر امری که شائبهٔ وابستگی با همهٔ ابعادی که دارد بطور قاطع احتراز نمائید و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هرچند ممکن است ظاهر فریبنده ای داشته باشد یا منفعت و فائده درحال داشته باشد لکن در نتیجه ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شما است و وصیت من به ملتهای کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی بشما در رسیدن بهدف که آن اسلام وپیاده کردن احکام اسلام است کمك کند خود باید با این امر حیاتی که آزادی واستقلال را تحقق می بخشد قیام کنید و علماء اعلام و خطباء محترم کشورهای اسلامی دولتها را دعوت کنند که از وابستگی بقدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید و نیز ملتها را دعوت بوحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هرنژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده و اگر این برادری ایمانی با همت دولتها و ملتها و با تایید خداوند متعال روزی تحقق یابد خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان رامسلمین تشکیل می دهند.

بامید روزی که باخواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود و وصیت اینجانب بوزارت ارشاد در همه اعصار خصوصا عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل وارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند ما اکنون در این زمان که دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کردیم مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه های گروهی وابسته به قدرتهای بزرگ هستیم چه دروغها و تهمت ها که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرتها باین جمهوری اسلامی نوپا نزده و نمی زنند مع الاسف اکثر دولتهای منطقه اسلامی که بحکم اسلام باید دست اخوت بما دهند بعداوت با ما و اسلام برخاسته اند وهمه در خدمت جهان خواران از هر طرف به ما هجوم آورده اند و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و می دانید که امروز جهان روی تبلیغات می چرخد و با کمال تاسف نویسندگان باصطلاح روشن فکر که بسوی یکی از دو قطب گرایش دارند بجای آنکه در فکر استقلال و آزادی کشور و ملت خود باشند خودخواهی ها و فرصت طلبی ها و انحصارجوئی ها به آنان مجال نمی دهد که لحظه ای تفکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند و مقایسه بین آزادی و استقلال را در این جمهوری با رژیم ستمگر سابق نمایند و زندگی شرافتمندانه ارزنده راتوام با بعضی آنچه را که از دست داده اند که رفاه و عیش زدگی است با آنچه از رژیم ستم شاهی دریافت می کردند توام با وابستگی و نوکرمآبی و ثناجویی و مداحی از جرثومه های فساد و معادن ظلم و فحشاء بسنجند و از تهمتها و ناروا ها به این جمهوری تازه تولد یافته دست بکشند و باملت و دولت در صف واحد برضد طاغوتیان و ستم پیشگان زبان ها و قلمها را بکار بگیرند و مسئله تبلیغ تنها بعهده وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان، خودنمایی نماید اسلام جهان گیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بار و غم انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد و نتوانسته اند این گوهر گران بها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آنست عرضه کنند بلکه خود نیز از آن غافل و بان جاهلند و گاهی از آن فرارمی کنند.

ك ـ از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکستان ها تا دانشگاهها است که بواسطه اهمیت فوق العاده اش تکرار نموده و با اشاره میگذرم باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه بایران و اسلام ضربه مهلك زده است قسمت عمده اش از دانشگاهها بوده است اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه های اسلامی و ملی در راه منافع کشور بتعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمیرفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم غارت زده تحمیل نمیشد و هرگز پای مستشاران خارجی بایران باز نمیشد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنج دیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمیشد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته های به آن اموال ملت را نمیتوانستند بغارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند اگر مجلس و دولت و قوه قضائیه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشمه میگرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود و اگر شخصیتهای پاك دامن با گرایش اسلامی و ملی بمعنای صحیحش نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام میکند از دانشگاهها بمراکز قوای سه گانه راه می یافت امروز ما غیر امروز و میهن ما غیر این میهن و محرومان ما از قید محرومیت رها و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشاء و اعتیاد و عشرتکده ها که هریك برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود درهم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز بملت نرسیده بود دانشگاهها اگر اسلامی انسانی ملی بود میتوانست صدها و هزارها مدرس بجامعه تحویل دهد لکن چه غم انگیز و اسف بار است که دانشگاهها و دبیرستانها بدست کسانی اداره میشد و عزیزان ما بدست کسانی تعلیم و تربیت میدیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غرب زدگان و شرق زدگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاهها کرسی داشتند ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته بابرقدرتها بزرگ شده و بکرسیهای قانون گذاری و حکومت و قضاوت تکیه میکردند و بر وفق دستور آنان یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل میکردند اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی با گرایش بغرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود و وصیت اینجانب بجوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

ل ـ قوای مسلح از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته ها و بسیج و عشایر ویژگی خاص دارند اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی میباشند و نگهبان سرحدات و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش بخشان به ملت میباشند میبایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند و لازم است توجه داشته باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره برداری برای قدرتهای بزرگ و سیاستهای مخرب بیشتر از هرچیز و هر گروهی است قوای مسلح است قوای مسلح است که با بازیهای سیاسی کودتاها و تغییر حکومت ها و رژیمها بدست آنان واقع میشود و سودجویان دغل بعضی سران آنان را میخرند و با دست آنان و توطئه های فرماندهان بازی خورده کشورها را بدست می گیرند و ملت های مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادی را از کشورها سلب میکنند و اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یك کشور پیش نمیاید و یا اگر احیاناً پیش آید بدست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند و در ایران نیز که این معجزه عصر بدست ملت انجام گرفت قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاك و میهن دوست سهم بسزائی داشتند و امروز که جنگ لعنتی و تحمیلی صدام تکریتی بامر و کمك آمریکا و سایر قدرتها پس از نزدیك بدو سال با شکست سیاسی و نظامی ارتش متجاوز بعث و پشتیبانان قدرتمند و وابستگان به آنان روبرو است باز قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاهی و مردمی با پشتیبانی بی دریغ ملت در جبهه ها و پشت جبهه ها این افتخار بزرگ را آفریدند و ایران را سرافراز نمودند و نیز شرارتها و توطئه های داخلی را که بدست عروسکهای وابسته بغرب و شرق برای براندازی جمهوری اسلامی بسیج شده بودند با دست توانای جوانان کمیته ها و پاسداران بسیج و شهربانی و با کمك ملت غیرتمند درهم شکسته شد و این جوانان فداکار عزیزند که شبها بیدارند تا خانواده ها با آرامش استراحت کنند خدایشان یار و مدد کار باد پس وصیت برادرانه من در این قدمهای آخرین عمر بر قوای مسلح بطور عموم آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق میورزید و با عشق لقاءالله بفداکاری در جبهه ها و در سطح کشور بکار ارزشمند خود ادامه میدهید بیدار باشید و هشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه ای غرب و شرق زده و دستهای مرموز جنایتکاران پشت پرده لبه تیز سلاح خیانت و جنایت کارشان از هرسو و بیشتر از هر گروه متوجه بشما عزیزان است و میخواهند از شما عزیزان که با جان فشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند و شما را با اسم اسلام و خدمت بمیهن و ملت از اسلام و ملت جدا کرده بدامن یکی از دو قطب جهانخوار بیندازند و بر زحمات و فداکاریهای شما با حیله های سیاسی و ظاهرهای بصورت اسلامی و ملی خط بطلان بکشند وصیت اکید من بقوای مسلح آن است که همانطور که از مقررات نظام عدم دخول نظامی در احزاب و گروهها و جبهه ها است بدان عمل نمایند و قوای مسلح مطلقا چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها درهیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگهدارند در این صورت میتوانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که بی اشکال به تباهی کشیده میشوند و یا در بازیهای سیاسی وارد شوند از قدم اول با آن مخالفت کنند و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد و من بهمه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی وصیت مشفقانه میکنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادی خواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن بمقام والای انسانی دعوت میکند چنانچه امروز وفادارید در وفاداری استقامت کنید که شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگیها و پیوستگی ها بقدرتهائی که همه شما را جز برای بردگی خویش نمیخواهند و کشور و ملت عزیزتانرا عقب مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم پذیری نگهمیدارند نجات میدهد و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو بامشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید و بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته دست خود را پیش دیگران دراز کنید و بدریوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و بخوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی همانها که از ساختن هرچیز خود را عاجز میدیدند و از راه انداختن کارخانه ها آنان را مأیوس مینمودند افکار خود را بکار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه ها را خود رفع نمودند و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی تحفه ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم اکنون اگر دولت و ارتش خود کالاهای جهانخواران را تحریم کنند و بکوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند امید است که کشور خود کفا شود و از دریوزگی از دشمن نجات یابد و هم در اینجا باید بیفزایم که احتیاج ما پس از اینهمه عقب ماندگی مصنوعی بصنعتهای بزرگ کشورهای خارجی حقیقتی است انکار ناپذیر و این به آن معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته بیکی از دو قطب وابسته شویم دولت و ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان متعهد را در کشورهائی که صنایع بزرگ پیشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر نیستند بفرستند و از فرستادن آمریکا و شوروی و کشورهای دیگر که در مسیر این دو قطب هستند احتراز کنند مگر انشاءالله روزی برسد که این دو قدرت به اشتباه خود پی برند و در مسیر انسانیت و انساندوستی و احترام بحقوق دیگران واقع شوند یا انشاءالله مستضعفان جهان و ملتهای بیدار و مسلمانان متعهد آنان را بجای خود نشانند بامید چنین روزی.

م ـ رادیو تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تآترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملتها خصوصا نسل جوان بوده است در این صد سال اخیر بویژه نیمه دوم آن چه نقشه های بزرگی از این ابزار چه در تبلیغ ضداسلام و ضد روحانیت خدمتگزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده می شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصا تجملی و تزئینی از هر قماش از تقلید در ساختمانها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده گردیده بطوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانمهای مرفه یا نیمه مرفه بود و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و بکار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار بصورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن و برای هم ردیفان نیز مشکل می نمود فیلمهای تلویزیون از فرآورده های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و بسوی بی خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی بهمه چیز خود و کشور خود حتی فرهنگ و ادب و تآتر پر ارزش که بسیاری از آن با دست خیانتکار سودجویان به کتابخانه ها و موزه های غرب و شرق منتقل گردیده است مجله ها با مقاله ها و عکسهای افتضاح بار و اسف انگیز و روزنامه ها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی با افتخار مردم بویژه طبقه جوان مؤثر را بسوی غرب یا شرق هدایت میکردند. اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازیها و مشروبات الکلی بویژه آنچه از غرب وارد میشد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر عروسکها و اسباب بازیها و کالاهای تجملی وارد میشد و صدها چیزهائی که امثال من از آنها بی اطلاع هستیم و اگر خدای نخواسته عمر رژیم سرسپرده وخانمان برانداز پهلوی ادامه پیدا میکرد چیزی نمی گذشت که جوانان برومند ما این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت به آنها است با انواع دسیسه ها و نقشه های شیطانی بدست رژیم فاسد و رسانه های گروهی و روشنفکران غرب و شرق گرا از دست ملت و دامن اسلام رخت برمی بستند یا جوانی خود را در مراکز فساد تباه میکردند و یا به خدمت قدرتهای جهانخوار درآمده و کشور را به تباهی می کشاندند خداوند متعال به ما و آنان منت گذاشت و همه را از شر مفسدین و غارتگران نجات داد اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی درحال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و بشورای نگهبان و شورای قضائی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران میشود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است بطور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول میباشند و مردم و جوانان حزب اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاههای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند خودشان مکلف به جلوگیری هستند خداوند تعالی مدد کار همه باشد.

ن ـ نصیحت و وصیت من به گروهها و گروهکها و اشخاص که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت میکنند اول به سران آنان در خارج و داخل آن است که تجربه طولانی بهر راهی که اقدام کردید و بهر توطئه ای که دست زدید و بهر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید بشماها که خود را عالم و عاقل میدانید باید آموخته باشند که مسیر یك ملت فداکار را نمیشود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ پردازیهای بی سر و پا و غیر حساب شده منحرف کرد و هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمیتوان با این شیوه های غیر انسانی و غیر منطقی ساقط نمود بویژه ملتی مثل ملت ایران را که از بچه های خردسالش تا پیرزنها و پیرمردهای بزرگ سالش در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جان فشانی و فداکاری میکنند شماها که میدانید (و اگر ندانید بسیار ساده لوحانه فکر میکنید) که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند حرکات ناشیانه شما و جنایاتی که با تحریك شما رخ داد آنان را از شما جدا کرد و جز دشمن تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید من وصیت خیرخواهانه در این آخر عمر بشما میکنم که اولا با این ملت طاغوت زدهٔ رنج کشیده که پس از دو هزار و پانصد سال ستمشاهی با فدا دادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایتکارانی همچون رژیم پهلوی و جهانخواران شرق و غرب نجات داده بجنگ و ستیز برخاسته اید چه طور وجدان یك انسان هرچه پلید باشد راضی میشود برای احتمال رسیدن بیك مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچك و بزرگ آنها رحم نکند من بشما نصیحت میکنم دست از این کارهای بی فایده و غیر عاقلانه بردارید و گول جهانخواران را نخورید و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزده اید بمیهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است و جمهوری اسلامی و ملت از شما انشاءالله میگذرند و اگر دست بجنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید و اگر شهامت دارید تن بمجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید والا در هر جا هستید عمر خود را بیش از این هدر ندهید و بکار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است و بعد به هواداران داخلی و خارجی آنان وصیت میکنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهان خوار خدمت میکنند و از نقشه های آنها پیروی میکنند و ندانسته بدام آنها افتاده اند بهدر میدهید و با ملت خود در راه چه کسی جفا میکنید شما بازی خوردگان دست آنها هستید و اگر در ایران هستید بعیان مشاهده میکنید که توده های میلیونی بجمهوری اسلامی وفادار و برای آن فداکارند و بعیان می بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند و آنان که بدروغ ادعای خلقی بودن و مجاهد و فدائی برای خلق میکنند با خلق خدا بدشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده دلرا برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار ببازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار بخوش گذرانی مشغول و یا در داخل بخانه های مجلل تیمی با زندگی اشرافی نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت بجنایت خود ادامه میدهند و شما جوانان را بکام مرگ میفرستند نصیحت مشفقانه من بشما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید و با محرومین جامعه که با جان و دل بجمهوری اسلامی خدمت میکنند متحد شوید و برای ایران مستقل، و آزاد فعالیت نمائید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند و همه با هم بزندگی شرافتمندانه ادامه دهید. تا چه وقت و برای چه گوش بفرمان اشخاصی هستید که جز بنفع شخص خود فکر نمی کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت طلبی خویش مینمایند شما در این سالهای پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است و میدانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهایتان جز بضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه ای ندارد من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم و امید است باین نصیحت که پس از مرگ من بشما میرسد و شائبه قدرت طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید خداوند منان شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را بشما بنماید.

وصیت من بچپ گرایان مثل کمونیستها و چریکهای فدائی خلق و دیگر گروههای متمایل بچپ آن است که شماهابدون بررسی صحیح ازمکتب ها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتبها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شده که دل خود را به چند ایسم که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده اید و شما را چه انگیزه ای وادار کرده که میخواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید و با ملت خود به اسم توده دوستی به جنگ برخاسته یا به توطئه هائی برای نفع اجنبی به ضد کشور خود و توده های ستمدیده دست زدید شما می بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت طلب و انحصارطلب ترین حکومتهای جهان بوده و هستند چه ملت هائی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده ها خورد شدند و از هستی ساقط گردیدند ملت روسیه مسلمانان و غیرمسلمانان تاکنون در زیرفشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پا میزنند و از هرگونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناق های دیکتاتورهای جهان بسر میبرند استالین که یکی از چهره های به اصطلاح درخشان حزب بود ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم اکنون که شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان میدهید مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او و چون افغانستان از ستمگریهای آنان جان میسپارند و آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید بر این خلق محروم در هر جا که دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل که آنان را به غلط طرفدار پر و پا قرص خود معرفی میکردید وعده بسیاری را به فریب به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید چه جنایتها که نکردید و شما طرفدار خلق محروم میخواهید خلق مظلوم و محروم ایران را بدست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خیانتی را با سرپوش فدائی خلق و طرفدار محرومین درحال اجرا هستید منتهی حزب توده و رفقای آن با توطئه و زیر ماسك طرفداری از جمهوری اسلامی و دیگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار.

من به شما احزاب و گروهها چه آنان که به چپ گرائی معروف، گرچه بعضی شواهد و قرائن دلالت دارد که اینان کمونیست آمریکائی هستند و چه آنان که از غرب ارتزاق می کنند و الهام میگیرند و چه آنها که با اسم خودمختاری و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدمتهای فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها میشوند مثل حزب دموکرات و کومله، وصیت میکنم که به ملت بپیوندند و تاکنون تجربه کرده اند که کاری جز بدبخت کردن اهالی آن مناطق نکرده اند و نمی توانند بکنند پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریك مساعی نموده و از یاغی گری و خدمت به بیگانگان و خیانت به میهن خود دست بردارند و به ساختن کشور بپردازند و مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام میدهد. و وصیت من به گروههای مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احیاناً به شرق تمایل نشان میدهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد گاهی طرفداری می کردند و به مخالفان و بدخواهان اسلام از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می کردند و طعن می زدند آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهامت اسلامی به خطاء خود اعتراف و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم صدا و هم مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید و کلام مرحوم مدرس آن روحانی متعهد پاك سیرت و پاك اندیشه را بخاطر بسپرید که در مجلس افسرده آن روز گفت اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می کنم اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیاء عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم و باید به خود به باورانیم که اگر یك ملت بخواهند بدون وابستگی ها زندگی کنند میتوانند و قدرتمندان جهان بر یك ملت نمی توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند از افغانستان عبرت باید گرفت با آنکه دولت غاصب و احزاب چپی با شوروی بوده و هستند تاکنون نتوانسته اند توده های مردم را سرکوب نمایند.

علاوه بر این، اکنون ملتهای محروم جهان بیدار شده اند و طولی نخواهد کشید که این بیداریها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطه ستمگران مستکبر نجات خواهند داد و شما مسلمانان پای بند به ارزشهای اسلامی می بینید که جدائی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان میدهد و مغزهای متفکر بومی بکار افتاده و بسوی خود کفائی پیشروی می کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه میدادند امروز بطور چشمگیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و انشاءالله تعالی در درازمدت انجام خواهد گرفت و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق نیافت و اگر شده بود ایران غارت زده غیر از این ایران بود و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال تراشان و صاحب عقدگان آن است که بجای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هرچه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگوئی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران بکار برید و با این عمل کشور خود را بسوی ابرقدرتها سوق دهید با خدای خود یك شب خلوت کنید و اگر بخداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید و انگیزه باطنی خود را که بسیار میشود خود انسانها از آن بی خبرند بررسی کنید به بینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جبهه ها و در شهرها نادیده می گیرید و با ملتی که میخواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود بدست آورده و با فداکاری میخواهد آن را حفظ کند به جنگ اعصاب برخاسته اید و به اختلاف انگیزی و توطئه های خائنانه دامن میزنید و راه را برای مستکبران و ستمگران باز می کنید آیا بهتر نیست که با فکر و قلم و بیان خود دولت و مجلس و ملت را راهنمائی برای حفظ میهن خود نمائید آیا سزاوار نیست که باین ملت مظلوم محروم کمك کنید و با یاری خود حکومت اسلامی را استقرار دهید آیا این مجلس و رئیس جمهور و دولت و قوه قضائی را از آنچه در زمان رژیم سابق بود بدتر میدانید آیا از یاد برده اید ستم هائی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم و بی پناه روا میداشت آیا نمی دانید که کشور اسلامی در آن زمان یك پایگاه نظامی برای آمریکا بود و با آن عمل یك مستعمره می کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخائر آن چه می کردند آیا اشاعه فحشاء در سراسر کشور و مراکز فساد از عشرتکده ها و قمارخانه ها و میخانه ها و مغازه های مشروب فروشی و سینماها و دیگر مراکز که هریك برای تباه کردن نسل جوان عاملی بزرگ بود در خاطرتان محو شده آیا رسانه های گروهی و مجلات سراسر فسادانگیز و روزنامه های آن رژیم را به دست فراموشی سپرده اید و اکنون که از آن بازارهای فساد اثری نیست برای آنکه در چند دادگاه یا چند جوان که شاید اکثر از گروههای منحرف نفوذ کرده و برای بدنام نمودن اسلام و جمهوری اسلامی کارهای انحرافی انجام میدهند و کشتن عده‌ای که مفسد فی الارض هستند و قیام بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی می کنند شما را به فریاد درآورده و با کسانی که با صراحت اسلام را محکوم می کنند و بر ضد آن قیام مسلحانه یا قیام با قلم و زبان که اسفناکتر از قیام مسلحانه است نموده اند پیوند می کنید و دست برادری میدهید و آنانرا که خداوند مهدورالدم فرموده نور چشم میخوانید و در کنار بازی گرانی که فاجعه ۱۴ اسفند را برپا کردند و جوانان بی گناه را با ضرب و شتم کوبیدند نشسته و تماشاگر معرکه می شوید یك عمل اسلامی و اخلاقی است وعمل دولت و قوه قضائیه که معاندین و منحرفین و ملحدین را به جزای اعمال خویش میرسانند شما را بفریاد درآورده و داد مظلومیت میزنید من برای شما برادران که از سوابقتان تا حدی مطلع و علاقمند به بعضی از شما هستم متاسف هستم نه برای آنان که اشراری بوده اند در لباس خیرخواهی و گرگهائی در پوشش چوپان و بازیگرانی بودند که همه را بباد بازی و مسخره گرفته و درصدد تباه کردن کشور و ملت و خدمتگزاری به یکی از دو قطب چپاولگر بودند آنان که با دست پلید خود جوانان و مردان ارزشمند و علماء مربی جامعه را شهید نمودند و به کودکان مظلوم مسلمانان رحم نکردند خود را در جامعه رسوا و در پیشگاه خداوند قهار مخذول نمودند و راه بازگشت ندارند که شیطان نفس اماره بر آنان حکومت می کند لکن شما برادران مومن با دولت و مجلس که کوشش دارد خدمت به محرومین و مظلومین و برادران سر و پا برهنه و از همه مواهب زندگی محروم نماید چرا کمك نمی کنید و شکایت دارید آیا مقدار خدمت دولت و بنیادهای جمهوری را با این گرفتاریها و نابسامانی ها که لازمه هر انقلاب است و جنگ تحمیلی با آن همه خسارت و میلیونها آواره خارجی و داخلی و کارشکنی های بیرون از حد را در این مدت کوتاه مقایسه با کارهای عمرانی رژیم سابق نموده اید آیا نمی دانید که کارهای عمرانی آن زمان اختصاص داشت تقریبا به شهرها آنهم به محلات مرفه و فقرا و مردمان محروم از آن امور بهره ناچیز داشته یا نداشتند و دولت فعلی و بنیادهای اسلامی برای این طایفه محروم با جان و دل خدمت می کنند شما مومنان هم پشتیبان دولت باشید تا کارها زود انجام گیرد و در محضر پروردگار که خواه ناخواه خواهیدرفت با نشان خدمت گزاری به بندگان او بروید. این مقدار بریده شده را خودم انجام دادم. (لازم به ذکر است که امام خمینی (ره) در آخرین بازبینی وصیت نامه، قسمتی را در این مقطع حذف فرموده بودند که با این عبارت، این نکته را توضیح داده اند).

س ـ یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است آن است که اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است بلکه آنرا بطور جدی در کتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی میداند گرچه بعضی کج فهمان بی اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده اند و باز هم دست برنداشته اند که اسلام طرفدار بی مرز و حد سرمایه داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده اند چهره نورانی اسلام را پوشانده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که باسلام بتازند و آن را رژیمی چون رژیم سرمایه داری غرب مثل رژیم آمریکا و انگلستان و دیگر چپاولگران غرب بحساب آورند و با اتکال بقول و فعل این نادانان با غرضمندانه و یا ابلهانه بدون مراجعه باسلام شناسان واقعی با اسلام به معارضه برخاسته اند و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل باشتراك میباشند با اختلاف زیادی که دوره های قدیم تاکنون حتی اشتراك در زن و هم جنس بازی بوده و یك دیکتاتوری و استبداد کوبنده در برداشته بلکه اسلام یك رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام بآن بنحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر بحق به آن عمل شود چرخ های اقتصاد سالم براه می افتد وعدالت اجتماعی که لازمه یك رژیم سالم است تحقق می یابد در اینجا نیز یکدسته با کج فهمی ها و بی اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با تمسك به بعضی آیات یا جملات نهج البلاغه اسلام را موافق با مکتبهای انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج البلاغه ننموده و سرخود بفهم قاصر خود بپاخاسته و مذاهب اشتراکی را تعقیب می کنند و از کفر و دیکتاتوری و اختناق کوبنده که ارزشهای انسانی را نادیده گرفته و یك حزب اقلیت با توده های انسانی مثل

بقیه در صفحه بعد

# همت کنید تا آخرین رگ و ریشه‌های وابستگی کشور به بیگانگان را قطع نمائید

آقایان خامنه‌ای رئیس جمهوری، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و میرحسین موسوی نخست وزیر در نامه‌ای به محضر امام امت، درمورد حدود اختیارات خود در امر بازسازی کسب تکلیف کردند.

متن نامه روسا سه قوه و آقای نخست وزیر بدین شرح است:

محضر مبارك حضرت ایت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

در شرفیابی هیات دولت در تاریخ هشتم شهریور ماه ۶۷ فرمودید که بازسازی زیر نظر هیاتی از روسای سه قوه و آقای نخست وزیر انجام گیرد اکنون مستدعی است:

۱- محدوده اختیارات هیات مزبور را به طوری که در وظایف دستگاه‌های مختلف برنامه‌ریزی و اجرایی تداخل ایجاد نشود، معین فرمائید.

۲- اجازه فرمائید جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیداحمدآقا نیز عضو هیات مذکور باشند تا علاوه بر تامین ارتباط مستمر با حضرت مستطاب عالی از فکر و نظر ایشان نیز استفاده شود.

امام خمینی رهبر معظم انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به نامه روسای سه قوه و نخست وزیر پیام مهمی به این شرح صادر فرمودند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بر هیچ یك از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمان‌های مقدس و الهی خود دست بردارد. انشاءالله مردم سلحشور ایران کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه‌ها نگه‌داشته و شعله‌های ستم‌سوز آن راعلیه شوروی جنایتکار وآمریکای جهانخوار واذناب آنان به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ، پرچم اسلام ناب محمدی (ص) بر بام همه عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان وارثان زمین گردند. در مساله بازسازی و سازندگی من اطمینان دارم که شخصیت‌های رده بالای نظام و مسئولین محترم و نیز مردم وفادار و انقلابی کشورمان، چون گذشته هرگز قبول نمی کنند که نیل به این هدف به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و یا غرب تمام شود. اخیرا دست‌های پنهان و آشکار غرب و شرق به منظور ایجاد شکاف و اختلاف میان طرفداران انقلاب اسلامی به حیله جدیدی متوسل شده‌اند که مسئولین عزیز و رده بالای کشورمان و نیز شخصیت‌ها و چهره‌هایی از مجلس و دولت و روحانیون را به تفکر و گرایشات وابستگی، و همچنین عدول از مواضع [illegible]

[illegible] مجلس شورای اسلامی که چهره‌های دلسوز و متعهد و مطلع در آنها فراوانند و نیز از مسئولین هر امری استفاده نمایند، چرا که آنان نیز به خوبی دریافته‌اند که بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست و این کشور متعلق به اسلام و همه ملت ایران است و همانگونه که در جنگ همه در کنار هم بودند، در صلح و سازندگی هم باید در کنار یکدیگر باشند که

انشاء الله مراکز علمی ودانشگاهی نیز در این مساله بزرگ سهیم خواهند بود.

لازم به تذکر است که وزیر ویا مسئول مربوطه نیز در تصمیم گیری نهایی سران ونخست وزیر صاحب رای می‌باشند. امکاناتی که در بازسازی وسازندگی توجه به آن ضروری است:

۱- با این که اطمینان داریم که خانواده‌های معظم شهدا وجانبازان واسرا ومفقودین هیچگاه راضی نشده ونمی شوند که در برابر ایثار عزیزانشان که فقط به خاطر خدا ورسیدن به کمال بوده است سخن از رفاه ومادیات به میان آید وهمت آنان بلندتر از این مقوله هاست ولی بر دست اندرکاران نظام است که ذوق واستعداد وتوان خود را در هر چه بهتر رسیدن به امور معنوی ومادی وارزشی وفرهنگی این یادگاران هدایت ونور بکار گیرند واز خدمت بی شائبه وبی منت به آنان دریغ نکنند.

هر چه انقلاب اسلامی ایران دارد از برکت مجاهدت شهداء وایثارگران است.

من می‌دانم که بسیاری از خانواده‌های عزیز شهداء وجانبازان واسراء ومفقودین به خاطر مناعت طبع وبزرگواری واخلاق کریمه خود در مصائب ومشکلات زندگی به مسئولین مراجعه نکرده‌اند ویا مراجعه‌شان به حداقل بوده است وهمه نیز می‌دانیم که اکثریت این قشر ورزمندگان عزیز اسلام، از طبقات محروم وکم در آمد بودند ومرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند. ولی وظیفه ما است که در حد توان ومقدورات قدرشناس زحمات آنان باشیم ومن میل ندارم که این قدرشناسی فقط در حد تعریف وتمجید ظاهری خلاصه شود. بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعی واقتصادی وفرهنگی، به آنان بهاء داده شود وضرورتی نمی‌بینم که به این عزیزان سفارش ونصیحت کنم ورسالت بزرگ حفظ امانت خون‌های مقدس شهیدان را بازگو نمایم. که بحمدالله تا به حال خانواده‌های شهداء واسراء ومفقودین وجانبازان خود حافظ ونگهبان ارزش شهادت وایثار بوده‌اند و بعد از این نیز به یاری خدا پاسداران آن خواهند بود.

۲- با قبول واجرای صلح، کسی تصور نکند که ما از تقویت بنیه دفاعی ونظامی کشور وتوسعه وگسترش صنایع تسلیحاتی بی نیاز شده‌ایم، بلکه توسعه وتکامل صنایع وابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور، از اهداف اصولی واولیه بازسازی است وما باتوجه به ماهیت انقلابمان در هر زمان وهر ساعت، احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرتها ونوکرانشان باید جدی بگیریم.

۳- توجه به بازسازی مراکز صنعتی، نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خود کفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت وتقدم این امر باید محفوظ بماند ومسئولین بیشتر از گذشته خود را مکلف به اجرای ان سازند. ودر امر احیای اراضی ومهار آبها وایجاد سدها وتشویق کشاورزان ودامداران واستفاده هر چه بیشتر از نعمت‌های بیکران الهی در طبیعت تلاش [illegible]

[illegible] مرحمت کند.

احمد به صورت آزاد بهتر می‌تواند به اسلام و مردم کشور خدمت نماید و تنها در جلسات شرکت می کند تا گزارش مسائل سریع‌تر به اینجانب برسد.

والسلام علی من اتبع الهدی

۱۳۶۷/۷/۱۱ - روح‌الله الموسوی الخمینی

---

## □ در پاسخ به سئوالات فقهی حجت‌الاسلام والمسلمین قدیری

## امام: سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس نماها و آخوندهای بیسواد واقع نشوید

● حجت‌الاسلام قدیری یکی از فضلای حوزه علمیه قم، طی نامه‌ای به محضر امام امت، سئوالاتی پیرامون نظرات ایشان در مورد شطرنج و آلات موسیقی که اخیراً در مطبوعات منتشر شده است، مطرح کرد که امام امت به سئوالات وی پاسخ دادند.

متن نامه آقای قدیری به محضر امام امت به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله‌العالی.

با عرض سلام و ادب و احترام، اخیراً دو استفتاء منتشر شده که در یکی، از خرید و فروش آلات لهو سئوال شده و در جواب آمده که خرید و فروش آلات مشترکه بقصد محلله آن اشکال ندارد و در دیگری در سئوال مفروض است که امروز شطرنج بکلی آلت قمار بودن خود را از دست داده و تنها بصورت ورزش فکری درآمده است و در جواب آمده است که برفرض عمل مزبور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد و آقای مورد اعتمادی نقل کردند که در بعضی روزنامه‌ها بر فرض مزبور را ننوشته است.

در اینجا سئوالاتی مطرح است:

۱- خرید و فروش آلات مشترکه مانع ندارد مگر اینکه قصد منفعت حرام دربین باشد.

پس چرا در جواب سئوال اول قصد حلال قید شده است؟

۲- در سئوال دوم سائل محترم از کجا ادعا می کند که امروز شطرنج آلت قمار بودن خود را به کلی از داده و تنها ورزش فکری شده است؟

۳- در روایت معتبره است از سکونی از حضرت صادق علیه‌السلام.

اول - قال: قال رسول‌الله (ص) انهاکم عن الزفن و المزمار و عن‌الکوبات و الکبرات.

دوم - قال: نهی رسول‌الله (ص) عن‌اللعب بالشطرنج و الزو...

رفن، به معنای رقص است (مجمع البحرین) مزمار نامی است که مطلق نی را شامل میشود و نهی حضرت حجت بر تحریم است مگر حجتی برخلاف باشد و هردو دلیل اطلاق دارد.

بنابراین استفاده می‌کنم که نی زدن حرام است چه نی آلت مختصه باشد یا مشترکه و بازی شطرنج حرام است چه آلت قمار را از دست بدهد یا نه. و دعوای انصراف منشاء صحیحی میخواهد که بنظر نمی‌رسد و آنچه ممکن است گفته شود مثل غلبه یا آلیت در آن زمان منشاء صحیحی نیست. و البته درحد خودم در ادله فحص و به مطالب حضرتعالی هم مراجعه نمودم. حجتی برخلاف اطلاق مزبور نیافتم. ادله میسر و لهو و تطبیق بر آلات منافاتی با اطلاق ندارد و علت منصوصه‌ای هم در ادله نیست و در هر صورت اگر ساحت قدس حضرتعالی از اینگونه مسائل بدور باشد، بنظر من بهتر است و ضرورتی در نشر آنها دیده نمیشود. دیگر هرطور صلاح می‌دانید. از جسارت عذر میخواهم و از خداوند متعال دوام سایه بلند پایه آنحضرت را مسئلت دارم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۴ صفرالخیر ۱۴۰۹

محمدحسین قدیری

متن پاسخ امام امت:

بسمه تعالی

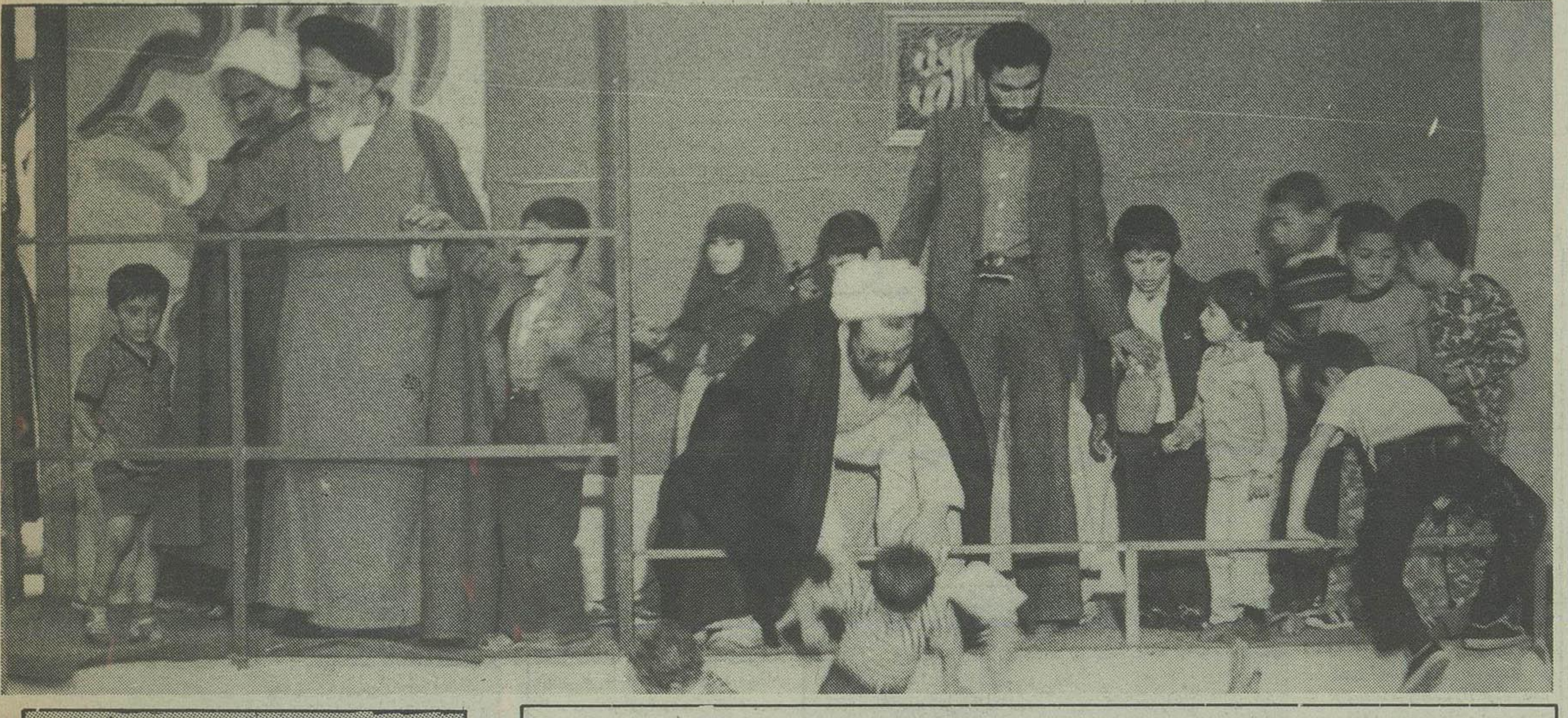
جناب حجةالاسلام آقای قدیری دامت افاضاته. پس از عرض سلام و قبل از پرداختن به دو مورد سئوال و جواب اینجانب، لازم است از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنابر نوشته جنابعالی زکات تنها برای مصارف فقراء و سایر اموری است که ذکرش رفته است و اکنون که مصارف به صدها مقابل آن رسیده است، راهی نیست و رهان در سبق ورمایه مختص است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آن که در جنگ‌های سابق بکار گرفته میشده است و امروز هم تنها در همان موارد است و انفال که بر شیعیان تحلیل شده است، امروز هم شیعیان میتوانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کذائی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیون‌ها انسان را بخطر بیاندازند و هیچکس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد. منازل و مساجدی که در خیابان کشی‌ها برای حل معضل ترافیك و حفظ جان احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند.

و اما راجع به دو سئوال یکی بازی با شطرنج در صورتیکه ازآلت قمار بودن بکلی خارج شده باشد. باید عرض کنم که شما مراجعه کنید به کتاب جامع‌المدارك مرحوم آیت‌الله آقای حاج سیداحمد خونساری که بازی با شطرنج را بدون رهن جایز میداند و در تمام ادله خدشه میکند در صورتی که مقام احتیاط و تقوای ایشان و نیز مقام علمیت و دقت نظرشان معلوم است. اما اینکه نوشته‌اید از کجا سائل بدست آورده که شطرنج بکلی آلت قمار نیست، این از شما عجیب است چون سئوالها و جوابها فرض است و بنابراین آنچه را من جواب داده‌ام در فرض مذکور است که اشکالی متوجه نیست و در صورت عدم احراز باید بازی نکنند. و عجیب‌تر آنکه نوشته‌اید چرا بجای «قصد حرام نباشد»، «قصدحلال» نوشته شده؛ گوئی عمل شخص متوجه و قاصد بدون قصد هم می‌شود. در این صورت قصد حلال مساوق است با نبودن قصد حرام. و اما در قضیه خرید و فروش آلات مشترکه برای مقصد حلال اشتباه بزرگی کرده‌اید که گمان کرده‌اید خرید و فروش برای منفعت حلال یعنی استفاده حرام کردن و این برخلاف آنچه نوشته شده است میباشد. البته در این زمینه‌ها مسائل زیادی است که حال و وقت من اجازه تعقیب آنها را ندارد. از جنابعالی که فرد تحصیل کرده و زحمت کشیده‌ای میباشید، توقع نبود که اینگونه برداشت کرده و آنرا به اسلام نسبت دهید. شما خود میدانید که من به شما علاقه داشته و شما را مفید میدانم ولی شما را نصیحت پدرانه میکنم که سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس نماها و آخوندهای بی‌سواد واقع نشوید، چرا که اگر بنا است با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیتمان نزد مقدس نماهای احمق و آخوندهای بیسواد صدمه‌ای بخورد، بگذارید هرچه بیشتر بخورد. از خداوند متعال توفیق جنابعالی را در خدمت به اسلام و مسلمین چون گذشته خواهانم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

روح‌الله‌الموسوی الخمینی

۶۷/۷/۲



## صورت دارایی‌های امام

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمدخمینی، طی نامه‌ای به رئیس دیوان عالی کشور، ضمن اعلام میزان دارایی‌های حضرت امام خمینی (قدس سره‌الشریف) خواستار انجام مسئولیت دیوان عالی کشور (بدون هیچ گذشتی) در مورد خانواده‌ی حضرت امام شد.

متن نامه‌ی ایشان، به شرح زیر است:

بسمه تعالی

ریاست محترم دیوانعالی کشور حضرت آیت الله آقای موسوی اردبیلی دامت افاضاته

با عرض سلام، در اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است دارایی رهبر یا اعضاء شورای رهبری، رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط دیوانعالی کشور رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

همانگونه که اطلاع دارید حضرت امام در عمل به این اصل صورت دارایی خود را به دیوانعالی کشور فرستادند که عین آنرا می‌آورم.

نام روح الله - نام خانوادگی مصطفوی معروف بخمینی شماره شناسنامه ۲۷۴۴- محل صدور خمین - سمت: روحانی.

۱- دارائی غیرمنقول (با ذکر مشخصات):

۱- یك باب منزل مشتمل بر بیرونی و اندرونی در قم محله باغ قلعه که معروف است.

۲- قطعه زمینی است ارث پدری است و بحسب اطلاع حضرت آقای پسندیده مشاع است بین اینجانب و معظم‌له و ورثه مرحوم اخوی آقای هندی که اجاره سهمیه اینجانب از قرار اطلاع آقای اخوی سالی چهار هزار ریال است که داده نمیشود.

۲- دارائی منقول اعم از نقدی، موجودی یا سپرده بانکی، سهام و اموال غیرمنقول دیگر با ذکر قیمت تقریبی:

۱- وجه مختصری است که در تهران نذورات و هدایای شخصی است.

۲- اثاث منزل ندارم مختصر اثاثی است در قم و تهران ملك همسرم میباشد. دو قطعه قالی در منزل است داده‌اند که اگر خواستم بابت خمس حساب کنم و مال اینجانب و ورثه نیست باید بسادات فقیر بدهند.

چند جلد کتاب بقیه کتبی است که در زمان شاه مخلوع بغارت رفت و نمیدانم چه قدر است و چند جلد کتاب که در مدتی که در تهران هستم از طرف مؤلفین هدیه شده است که قیمت تقریبی آنها را نمی‌دانم، ولی قدر قابلی نیست. اثاثی که در منزل مسکونی فعلی در تهران است، ملك صاحبان منازل است، احمد اطلاع دارد.

۳- کلیه وجوهی که در بانکها یا در منزل یا نزد اشخاص است که آقای پسندیده مطلع هستند، باستثناء وجه مختصری که اشاره شد وجوه شرعیه میباشد و ملك اینجانب نیست و ورثه اینجانب در آنها حقی ندارند و تکلیف آنها را بحسب وصیت تعیین نموده‌ام.

تاریخ ۲۴ دیماه ۱۳۵۹

۷ ربیع الاول ۱۴۰۱

روح‌الله الموسوی الخمینی

فرزندان امام نیز چون امام صورت دارایی خود را برای آن دیوان فرستادند.

از جنابعالی تقاضا می کنم به مسئولیت خود در مورد خانواده حضرت امام رضوان الله تعالی علیه بدون هیچ گذشتی عمل نمائید و شادی روح پرفتوح آن عزیز را فراهم آورید.

از خداوند توفیق آن حضرت را خواستارم.

احمدخمینی ۲۴ خرداد۶۸

## تعیین چارچوب فعالیت‌های شورای تشخیص مصلحت توسط امام

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پیامی خطاب به اعضای مجمع تشخیص مصلحت، چارچوب فعالیت این مجمع را تعیین فرمودند. متن پیام حضرت امام به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

خدمت حضرات آقایان اعضاء محترم مجمع تشخیص مصلحت دامت افاضاتهم.

با سلام و دعا و آرزوی موفقیت برای آن مجمع محترم از آنجا که وضعیت جنگ بصورتی درآمده است که هیچ مسئله‌ای آنچنان فوریتی ندارد که بدون طرح در مجلس و نظارت شورای محترم نگهبان، مستقیما در آن مجمع طرح گردد، لازم دیدم نکاتی را متذکر شوم:

۱- آنچه تاکنون در مجمع تصویب شده است، مادام‌المصلحه بقوت خود باقی است.

۲- آنچه در دست تصویب است، اختیار آن با خود مجمع است که در صورت صلاحدید تصویب مینمایند.

۳- پس از آن تنها در مواقعیکه بین مجلس و شورای نگهبان اختلاف است، بهمان صورتیکه در آئین نامه مصوب آن مجمع طرح شده بود، عمل گردد.

البته ماده ۵ بهمان صورتیکه اصلاح کرده بودم - جلسه با ۷ نفر رسمیت پیدا میکند - باقی باشد و ماده ۱۰ بدین صورت اصلاح گردد: کلمه - مجددا - حذف گردد و بجای آن - تنها یکبار - گذارده شود.

تذکری پدرانه به اعضاء عزیز شورای نگهبان میدهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را درنظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی، نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم گیریها است. حکومت، فلسفه عملی برخورد با شرك و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین میکند و این بحث‌های طلبگی مدارس که در چارچوب تئوریها است، نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن‌بست‌هایی میکشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی میگردد.

شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید، که خلاف شرعی صورت نگیرد - و خدا آنروز را نیاورد - باید تمام سعی خودتان را بنمائید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد. خداوند به همه اعضاء محترم مجمع تشخیص مصلحت توفیق دهد تا هرچه بهتر به اسلام خدمت کنید.

والسلام علیکم و رحمة الله - روح الله الموسوی الخمینی

۶۷/۱۰/۸

## پاسخ حضرت امام به سئوال شورای نگهبان درباره حدود اختیارات دولت

امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به نامه شورای نگهبان مبنی بر تعیین حدود اختیارات دولت در قراردادن شروط الزامی، فرمودند: «دولت می تواند حتی بدون شرط قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است، ندارد.»

متن نامه آیت الله لطف الله صافی دبیر شورای نگهبان و پاسخ حضرت امام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم - محضر شریف حضرت مستطاب رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

با عرض سلام و تحیت و مسئلت طول عمر و سلامت وجود مبارك در ظل عنایات خاصه حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء تصدیع می‌دهد، از فتوای صادره از ناحیه حضرت عالی که دولت میتواند در ازای استفاده از خدمات و امکانات دولتی و عمومی شروط الزامی مقرر نماید، بطور وسیع بعضی اشخاص استظهار نموده اند که دولت میتواند هرگونه نظام اجتماعی، اقتصادی، کار، عائله، بازرگانی، امور شهری، کشاورزی و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصلیه و مستقیم اسلام قرار دهد و خدمات و امکاناتی را که منحصر به او شده است و مردم در استفاده از انها مضطر یا شبه مضطر می باشند، وسیله اعمال سیاست‌های عام و کلی بنماید و افعال و تروك مباحه شرعیه را تحریم یا الزام نماید. بدیهی است در امکاناتی که در انحصار دولت نیست و دولت مانند یك طرف عادی عمل میکند و یا مربوط به مقرر کردن نظام عام در مسایل عامه نیست و یا مربوط به نظام و استفاده از خود آن خدمت است، جواز این شرط مشروع و غیرقابل تردید است، اما در امور عامه و خدماتی که به دولت منحصر شده است، به عنوان شرط مقرر داشتن نظامات مختلف که قابل شمول نسبت به تمام موارد و اقشار و اصناف و اشخاص است، موجب این نگرانی شده است که نظامات اسلام از مزارعه، اجاره، تجارت، عائله و سایر روابط بتدریج عملا منع و در خطر تعویض و تغییر قرار بگیرد و خلاصه استظهار این اشخاص که میخواهند در برقرار کردن هرگونه نظام اجتماعی و اقتصادی این فتوا را مستمسك قرار دهند بنظر آنها، باب عرضه هرنظام را مفتوح نموده است، بدیهی است همانطور که در همه موارد نظر مبارك راهگشای عموم بوده. در این مورد نیز رافع اشتباه خواهد شد.

ایام افاضت و عزت و حراست از اسلام مستدام.

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی.

متن پاسخ امام امت

بسمه تعالی -

دولت میتواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می کنندباشروط اسلامی وحتی بدون شرط قیمت مورداستفاده رااز‌آنان بگیردو این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر کرده است، ندارد. بلکه در انفال که در زمان حکومت اسلامی امرش با حکومت است میتواند بدون شرط یا با شرط الزامی این امر را اجرا کند و حضرات آقایان محترم به شایعاتی که از طرف استفاده جویان بی بند و بار یا مخالفان با نظام جمهوری اسلامی پخش می شود، اعتنایی نکنند که شایعات در هر امری ممکن است.

والسلام علیکم و رحمت الله

روح الله الموسوی الخمینی

## حضرت امام، طلاب انقلابی و مدرسین حوزه علمیه قم را به هم‌آهنگی هرچه بیشتر با یکدیگر فراخواندند

آیت الله مشکینی دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم طی نامه‌ای گزارشی از نحوه برگزاری مرحله اول انتخابات طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم را به محضر حضرت امام تقدیم کرد.

امام امت نیز در پاسخ به دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تأکید فرمودند: «به فرزندان انقلابیم بفرمائید که تندروی عاقبت خوبی ندارد و اگر آنان جذب حضرات آقایان جامعه محترم مدرسین نشوند در آینده گرفتار کسانی خواهند شد که مروج اسلام آمریکایی اند».

متن گزارش آیت‌الله مشکینی و پاسخ حضرت امام به شرح زیر از نظر خوانندگان عزیز می گذرد:

محضر مبارك رهبر عظیم‌الشأن انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

ضمن عرض سلام و آرزوی طول عمر برای آن امام بزرگوار پیرو رهنمودهای اخیر حضرتعالی در پیام مبارکتان خطاب به روحانیون و حوزه‌های علمیه سراسر کشور که جامعه مدرسین را مکلف به شرکت دادن هرچه بهتر طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتك خورده و جبهه رفته در تعیین سرنوشت حوزه و استقبال از طرحها و نظریات آن عزیزان کرده‌اند، ستادی از طرف جامعه تحت عنوان ستاد زمینه‌سازی اجرای فرمان حضرت امام مدظله متشکل از تعدادی از اعضای جامعه مدرسین و طلاب عزیز جبهه رفته تشکیل شد و بهترین راه حضور طلاب در تعیین سرنوشت خود را انتخاب نمایندگان آن عزیزان با شرایط تعیین شده در پیام حضرتعالی از بین خود روحانیون دانست که در این راستا انتخابات طلاب و فضلاء در ۴۱ حوزه مرکب از حدود ۵۰ شهرستان در روزهای پنجشنبه و جمعه ۳۰ و ۲۱ شعبان المعظم مطابق با ۱۰ و ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۸ مقارن با دهمین سالگرد رأی گیری برای جمهوری اسلامی برگزار شد و نمایندگان طلاب همگی از بین برادران فاضل جبهه رفته که نوعاً از خانواده معظم شهداء و یا سیلی‌خوردگان قبل از انقلاب و مسئولین پس از انقلاب، به دور از هرگونه مسائل خطی و باندی انتخاب شدند و در مواردی که تعارض بین دو برادر جبهه رفته فاضل و متعهد واقع می شد، انتخاب روی فردی بود که بیشترین خسارت را در رابطه با جنگ و انقلاب متحمل شده بود.

شاید به نظر برسد که این انتخابات با عجله برگزار شد ولی در پیش بودن تعطیلی ماه مبارك رمضان از یك سو و جلوگیری از توهم اینکه نسبت به دستورات حضرتعالی سهل‌انگاری شده باشد، موجب این عجله شد. از طرفی نزدیکی زمان برگزاری این انتخابات با زمان صدور پیام حضرتعالی باعث شد، روح پیام در بین افراد انتخاب شونده و انتخاب کننده زنده باشد و بطورمحسوس و زنده با مطالب مطرح شده در پیام حضرتعالی برخورد شایسته‌ای صورت گیرد که نتایج انتخابات خود شاهدی گویا بر این مدعا می‌باشد. طلاب حاضر در حوزه بطور رسمی و فعال در این انتخابات شرکت کرده‌اند و شرکت اعضاء محترم جامعه مدرسین و فضلا و افراد مسن و سالخورده به این انتخابات جلوه دیگری می‌بخشید. علیرغم جوسازی‌ها، مرحله اول انتخابات باموفقیت برگزار شد، انشاءالله مرحله بعدی انتخابات روزهای ۱۲ و ۱۳ شوال المکرم به صورت میاندوره‌ای برگزار خواهد شد.

گزارش تفصیلی به همراه اسامی انتخاب شدگان در آینده نزدیك پس از بررسی شکایات به حضور حضرتعالی ارسال خواهد شد. به امید رحمت پروردگار و ارائه رهنمودهای جدید از سوی آن امام بزرگوار.

دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم علی مشکینی اردبیلی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی مشکینی دامت افاضاته

پس از سلام و آرزوی موفقیت انشاءالله موفق و موید باشید. نامه جنابعالی در مورد انتخابات حوزه علمیه قم رسید. از جنابعالی و سایر دست اندرکاران تشکر می‌نمایم. شما از قول من به فرزندان انقلابیم بفرمائید که تندروی عاقبت خوبی ندارد. اگر آنان جذب حضرات آقایان جامعه محترم مدرسین نشوند، در آینده گرفتار کسانی خواهند شد که مروج اسلام آمریکائی‌اند. من باز می گویم اگر طلاب انقلابی و مدرسین طرفدار انقلاب هماهنگ کار نکنند، هر دو شکننده‌اند. باید تمام تلاش را نمود که به این نقطه مهم رسید. آقایان به روشنی دیدند که دشمن از نقاط ضعف چه ضربه‌ای به اسلام و روحانیت زد. مومن از یك سوراخ دوبار نباید گزیده شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۶۸/۲/۷ - روح الله الموسوی الخمینی

# آخرین وصایای حضرت امام به امت اسلام

بقیه از صفحه ۶

حیوانات عمل می کنند، حمایت می کنند وصیت من بـه مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضائی آن است کـه در مقابـل احکام خداوند متعال خاضع بوده و تحت تأثیر تبلیغات بی محتـوای قطب ظالم چپاولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید و بمالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیت‌های سازنده بکار افتند و دولت و کشور را بخود کفائی و صنایع سبك و سنگین برسانند و به ثروتمندان و پول داران مشروع وصیت می کنم کـه ثروت‌های عادلانـه خود را بکار اندازید و بـه فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است و به همـه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعـه است کـه در طول تاریخ ستمشاهی و خان خانی در رنج و زحمت بوده‌اند و چه نیکو است کـه طبقات تمکن‌دار بطور داوطلب برای زاغه و چپرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است و از انصاف بـه دور است که یکی بی خانمان و یکی دارای آپارتمان‌ها باشد.

ع - وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی نماها که بـا انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می نمایند و با مخالفان توطئه‌گر و بازیگران سیاسی کمك و گاهی بطوری که نقل میشود با پولهای گزافی که از سرمایه‌داران بی‌خبر از خدا دریافت برای این مقصد می کنند کمکهای کلان می نمایند آن است کـه شماها طرفی از این غلط کاری‌ها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید بهتر آن است که اگر برای دنیا باین عمل دست زده اید و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم همصدا شوید و از جمهوری اسلامی کـه بـا فداکاریهای ملت بدست آمده حمایت کنید که خیر دنیا و آخرت در آن است گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید و اما به آن دسته کـه از روی بعضی اشتباهات یا بعضی خطاها چه عمدی و چه غیرعمدی کـه از اشخاص مختلف یا گروهها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق و باز توجه نمایند کـه در انقلابهای دنیا هرج و مرج‌ها و غلط روی‌ها و فرصت طلبی‌ها غیر قابل اجتناب است و شما اگر توجه نمائید و گرفتاریهای این جمهوری را در نظر بگیرید از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حمله مسلحانه خارج مرز و داخل و نفوذ غیر قابل اجتناب گروههائی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی بقصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی و تازه کار بودن اکثر یا بسیاری از متصدیان امور و پخش شایعات دروغین از کسانی که از استفاده‌های کلان غیرمشروع بازمانده یا استفاده آنان کم شده و کمبود چشمگیر قضات شرع و گرفتاریهای اقتصادی کمرشکن و اشکالات عظیم در تصفیه و تهذیب متصدیان چند میلیونی و کمبود مردمان صالح کاردان و متخصص و دهها گرفتاری دیگر که تا انسان وارد گود نباشد از آنها بی خبر است و از طرفی اشخاص غرضمند سلطنت طلب سرمایه‌دار هنگفت که با رباخواری و سودجوئی و با اخراج ارز و گران فروشی بحد سرسام آور و قاچاق و احتکار مستمندان و محرومان جامعه را تا حد هلاکت در فشار قرار داده و جامعـه را بفساد مي کشند نزد شما آقایان بشکایت و فریب کاری آمده و گاهی هم برای باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن بعنوان سهم مبلغی میدهند و اشك تمساح می ریزند و شما را عصبانی کرده به مخالفت برمی انگیزانند که بسیاری از آنان با استفاده‌های نامشروع خون مردم را می مکند و اقتصاد کشور را به شکست می کشند اینجانب نصیحت متواضعانه برادرانه می کنم که آقایان محترم تحت تاثیر اینگونه شایعه سازیها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد بجای آن یك رژیم اسلامی دلخواه بقیة‌الله روحی فداه یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد بلکه یك رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت میرسد و محرومان جهان که باسلام و حکومت اسلامی رو آورده و دل باخته اند مایوس میشوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد و شماها روزی از کردار خود پشیمان می شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد و شما آقایان اگر توقع دارید کـه در یك شب همـه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یك اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد. و آن روزی کـه انشاءالله تعالی مصلح کل ظهور نماید گمان نکنید که یك معجزه شود و یك روزه عالم اصلاح شود بلکه با کوششها و فداکاری‌ها ستمکاران سرکوب و منزوی می شوند و اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی‌های منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود فاناالله و اناالیه راجعون

ف - وصیت من بـه همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است کـه شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید کـه حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند ما و شماها حداقل در این صد سال اخیر که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچك باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخ‌های صحیح برای ما بازگو کردند که هیچیك از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملتهای خود نبوده و نیستند بلکه اکثریت قریب باتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هرچه کرده اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش بکار گرفته اند و یاآنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده اند که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هرچه توان داشته اند بکار گرفته و با حیله‌های مختلف کشورها رابازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده اند و ملت‌ها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و ازهیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می کنند از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمت گزار متعهد زمام امور را بدست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و بسوی یك دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن همه مستکبران جهان را بجای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را بامامت و وراثت ارض خواهید رساند بامید آن روز کـه خداوند تعالی وعده فرموده است.

ص - یك مرتبه دیگر در خاتمه این وصیتنامه بـه ملت شریف ایران وصیت می کنم که در جهان حجم تحمل زحمتها و رنج‌ها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است. آنچه را که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپا خاستید و دنبال می کنید و برای ان جان و مال نثار کرده و می کنید والاترین، بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است و آن در مکتب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم بـه تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده و کوشش تمام انبیاء عظام علیهم سلام‌الله و اولیاء معظم سلام‌الله علیهم برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق وجلال و جمال بی نهایت جز با آن میسر نگردد آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل میشود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سر و علن حاصل نشود شما ای ملت مجاهد در زیر پرچمی میروید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است بیابید آن را یا نیابید شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیاء علیهم سلام الله و یکتا راه سعادت مطلق است در این انگیزه است که همه اولیاء شهادت را در راه آن باآغوش می کشند و مرگ سرخ را احلی من العسل میدانند و جوانان شما در جبهه‌ها جرعه‌ای از آن را نوشیده و بوجد آمده اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید بـه حق بگوئیم یالیتنا کنامعکم ففوز فوزا عظیما گوارا باد بر آنان آن نسیم دل آرا و آن جلوه شورانگیز و باید بدانیم که طرفی از این جلوه در کشتزارهای سوزان و در کارخانه‌های توان فرسا و در کارگاهها و در مراکز صنعت و اختراع و ابداع و در ملت بطور اکثریت در بازارها و خیابانها و روستاها و همه کسانی که متصدی این امور برای اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و خود کفایی کشور، به خدمتی اشتغال دارند جلوه گر است و تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر انشاءالله تعالی مصون است و بحمدالله تعالی حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و جوانان عزیز مراکز علم و تربیت از این نفخه الهی غیبی برخوردارند و این مراکز دربست در اختیار آنان است و به امید خدا دست تبهکاران و منحرفان از آنها کوتاه و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال بسوی خودشناسی و خود کفائی و استقلال با همه ابعادش به پیش و بی‌تردید دست خدا با شما است اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی بـه روح تعاون ادامه دهید و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی با عقاب ملت منتقل شود و نسلا بالنسل بر آن افزوده گردد با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد وضمیری امیدوار بـه فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و بسوی جایگاه ابدی سفر می کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمان و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر به پذیرد و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهی ها و قصورو تقصیرها به پذیرند و با قدرت وتصمیم اراده بـه پیش روند و بدانند کـه با رفتن یك خدمتگزار در سد آهنین ملت خللی حاصل نخواهد شد کـه خدمتگزارانی بالا و والاتر در خدمتند و الله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است.

والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین و رحمت‌الله وبرکاته

۲۶بهمن ۱۳۶۱ - ۱ جمادی الاولی ۱۴۰۳ - روح الله الموسوی الخمینی

بسمه تعالی

این وصیت نامه را پس از مرگ من احمد خمینی برای مردم بخواند و درصورت عذر رئیس محترم جمهور یا رئیس محترم شورای اسلامی یا رئیس محترم دیوان عالی کشور این زحمت را بپذیرند و درصورت عذر یکی از فقهای محترم نگهبان این زحمت را قبول نماید.

- روح الله الموسوی الخمینی

بسمه تعالی

۱- در زیر این وصیت نامه ۲۹ صفحه‌ای و مقدمه چند مطلب را تذکر میدهم:

۱- اکنون کـه من حاضرم بعضی نسبتهای بی واقعیت بـه من داده میشود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود لهذا عرض می کنم آنچه به من نسبت داده شده یا میشود مورد تصدیق نیست مگر آنکه صدای من یا خط و امضاء من باشد با تصدیق کارشناسان یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.

۲- اشخاصی درحال حیوة من ادعا نموده اند کـه اعلامیه‌های این جانب را می نوشته اند این مطلب را شدیداً تکذیب می کنم تاکنون هیچ اعلامیه‌ای، ا غیر شخص خودم تهیه نکرده است.

۳- از قرار مذکور بعضی ادعا کرده اند که رفتن من به پاریس بوسیله آنان بوده این دروغ است من پس از برگرداندنم از کویت با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود.

۴- من درطول مدت نهضت و انقلاب بواسطه سالوس و اسلام نمائی بعضی افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده ام کـه بعد فهمیدم از دغل بازی آنان اغفال شده ام آن تمجیدها درحالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می نمایاندند و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود و میزان در هر کس حال فعلی اوست.

روح الله الموسوی الخمینی

# بسیج لشکر مخلص خدا، میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است

امام خمینی در آستانه سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین پیامی به این شرح فرستادند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران، یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد. در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب، خصوصاً جنگ، بودند نهادها و گروههای فراوانی که [illegible] سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهد بود.

بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق میدهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان رشادت و شهادت سر داده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند.

بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکیل آنرا همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضاء نموده‌اند. همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه میخورم و از خدا میخواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام. [illegible] بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند.

چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی‌های لازم رزمی را داشته باشد. خلاصه کلام اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید، والا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. [illegible] حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب میتوان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاریهای شماست و تنها با پشتوانه شماست که [illegible] به تمامی تشنگان حقیقت و [illegible] اثبات کنند که بدون آمریکا و [illegible] می‌شود به زندگی [illegible] توام با صلح و آزادی [illegible] حضور شما در صحنه‌ها موجب [illegible] که ریشه ضدانقلاب در [illegible] از بیخ و بن قطع گردد. من [illegible] شما پیشگامان رهایی را [illegible] و میدانم که اگر مسئولین [illegible] از شما غافل شوند به [illegible] الهی خواهند سوخت.

بار دیگر تاکید میکنم که غفلت از [illegible] بیست میلیونی سقوط در [illegible] قدرت جهانی را به دنبال [illegible]. من از تمامی بسیجیان [illegible] فرماندهان عزیز آن تشکر [illegible] از دعای خیر برای این [illegible] وفای اسلام غفلت نخواهم [illegible] شهدای عزیز و گمنام [illegible] نعمت همجواری اهل بیت [illegible] متنعم و جانبازان عزیز را شفا و اسرا و مفقودین عزیز را سالما به اوطانشان بازگرداند. و هر روز بر عظمت و شوکت این نهاد مقدس مردمی که پیروان اسلام عزیز و حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفداء هستند بیفزاید.

والسلام علیکم و رحمةالله

۶۷/۹/۲ روح‌الله‌الموسوی الخمینی



## حکم امام به مهندس موسوی برای ایجاد تشکیلاتی جهت جانبازان

■ مطمئنم که ملت ایران، یك لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت، ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی‌کند.

امام خمینی در پاسخ به نامه درخواست حجت‌الاسلام والمسلمین آقای کروبی سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی مبنی بر ایجاد تشکیلات جدید برای رسیدگی به امور جانبازان انقلاب اسلامی، طی حکمی ضمن تقدیر و تشکر از مسئولین و دست‌اندر کاران بنیاد شهید، آقای میرحسین موسوی نخست وزیر را به سمت مسئول ایجاد تشکیلات و رسیدگی به امور جانبازان منصوب کردند.

متن حکم امام امت خطاب به نخست وزیر به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر محترم ایدکم الله تعالی از آنجا که چندی قبل جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی طی نامه‌ای درخواست نمودند که برای رسیدگی هرچه بیشتر و بهتر به امور جانبازان و خانواده‌های شهداء، اداره امور جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به نهاد یا تشکیلات دیگری سپرده شود، اینجانب ضمن تقدیر و تشکر فراوان از ایشان و از کلیه مسئولین و دست اندر کاران بنیاد شهید انقلاب اسلامی و مرکز پزشکی بنیاد، خصوصاً سرکار خانم کروبی که در شرائط جنگ کمال ایثار و فداکاری را نسبت به این عزیزان نموده‌اند، جنابعالی را مسئول اداره کلیه امور جانبازان عزیز نمودم که با استفاده از همکاری و تجربیات بنیاد شهید انقلاب اسلامی و جانبازان و نیز اختصاص بهترین امکانات بنیاد مستضعفان، به ایجاد تشکیلات جدیدی در این امر مقدس و بزرگ همت گمارید و امید است با درایت و تقوا و تعهدی که در شما سراغ دارم، به تمامی امور این حماسه سازان و شهیدان زنده انقلاب رسیدگی کامل گردد و بنیاد شهید انقلاب اسلامی نیز همچون گذشته با فراغت و امکانات بیشتر، امور خانواده‌های معظم شهداء، مفقودین و اسراء را دنبال نماید.

از آنجا که ممکن است این روزها، افرادی بخواهند نسبت به دولت خدمتگزار شبهات و القائاتی در اذهان عامه بوجود آورند و زحمات بی‌شائبه و طاقت فرسای شما را خصوصاً در مسئله جنگ خدشه‌دار نمایند، لازم است که این نکته را تذکر دهم که من همچون گذشته شما را فردی لایق و دلسوز برای انقلاب اسلامی می‌دانم و زحمات شما را در دوران جنگ و تجهیز سپاهیان اسلام، فراموش نمی‌کنم و الان نیز شما را تائید و حمایت می‌کنم.

از آنجا که سران کشور و هیأت مشورتی بازسازی کشور در چند روز آینده اصول و سیاست بازسازی را به دولت ابلاغ می‌نمایند، جنابعالی و اعضای محترم هیأت دولت باید با قدرت و قاطعیت و با استقلال کامل به امر بازسازی کشور و ترمیم خرابیها پرداخته و رسیدگی به محرومین را در صدر برنامه‌های خود قرار دهید. و مردم عزیز و شریف ایران نیز که همه چیز خود را در طبق اخلاص و بندگی خدا نهاده‌اند، توجه دارند که تا رسیدن به استقلال واقعی راه طولانی پیش رو دارند و همه می‌دانند که با توجه به حجم عظیم خرابیها نباید انتظار اصلاح و بازسازی سریع امور را داشت ما هنوز در آغاز راه هستیم و سال‌ها وقت لازم است که با همت و تلاش همه دست اندرکاران و مردم عزیز میهن اسلامیمان بازسازی شود و مشکلات برطرف گردد.

چه بسا افراد مغرض و مخالف با انقلاب که از هیچ راهی نتوانسته‌اند به اسلام و انقلاب لطمه‌ای وارد نمایند، امروز در قالب شعارها و بالا بردن سطح توقعات در مردم بخواهند به هدف‌های شوم خود نائل شوند و با انگشت نهادن روی مشکلاتی که نتیجه تحمیل چندین ساله جنگ بوده است، مردم را نسبت به مسئولین بدبین کنند و این طور تبلیغ نمایند که بعداز قبول قطعنامه و نبودن جنگ چرا مشکلات حل نمی‌شود. باید به این افراد گفت: مگر این کار به سادگی امکان پذیر است؟

مگر کشور ما از محاصره‌ها بیرون آمده است؟ مگر همه مراکز آسیب دیده برق و سوخت و کارخانجات را یك روزه می‌توان راه‌اندازی نمود؟ که ما بگوئیم دیروز جنگ بود و عذرها موجه، ولی امروز که جنگ نیست چرا کمبود است؟ البته این سخنها از باب تذکر به مؤمنین است والا مردم وفادار و انقلابی کشورمان برای بدست آوردن استقلال واقعی و رسیدن به خودکفائی خیلی بیش از اینها آماده صبر و فداکاری هستند و من مطمئنم که ملت ایران یك لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمیکند. در خاتمه بار دیگر از زحمات دلسوزانه و مخلصانه دوست خوبم جناب حجت‌الاسلام آقای کروبی تشکر می‌نمایم و امیدوارم تمامی افرادی که در خدمت معلولین جنگ تحمیلی بوده‌اند، با صمیمیت با آقای نخست وزیر همکاری نمایند.

خداوند بزرگ به همه مسئولین و دولت خدمتگزار و مردم شریف ایران توفیق صبر و ایثار در راه اسلام را عنایت فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله

سوم اذرماه ۶۷

روح‌الله الموسوی الخمینی

## امام: همه باید طبق قانون اساسی حرکت کنیم

«مطلبی که نوشته‌اید کاملا درست است. انشاءالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی در آید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است.»

این مطلب را امام امت در جواب نامه جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از ایشان در مورد ادامه کار شورای تشخیص مصلحت استفسار کردند، بیان فرمودند. متن نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و پاسخ رهبر معظم انقلاب به شرح زیر است:

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

باتقدیم درود و سلام و آرزوی طول عمروصحت وسلامت کامل برای رهبر بزرگوار و پیروزی اسلام و مسلمین و با اعتذار از تصدیع، مدتی است برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص کیفیت کار «شورای محترم تشخیص مصلحت» ابهام‌هائی وجود دارد که ضمن طرح آن خواستار رهنمود حضرت مستطابعالی می‌باشیم.

در ابتدای تشکیل هیات مذکور مسیر کار چنین ترسیم شده بود که مصوبه مجلس پس از اظهار نظر منفی شورای نگهبان، برای اصلاح به مجلس برگردد و مجلس پس از نظر مجدد آن را به شورای نگهبان برگرداند، آنگاه چنانچه لازم تشخیص داده شد برای اصلاح نهائی به شورای تشخیص مصلحت ارجاع گردد. ولی هم اکنون بعضا این شورا قانونگذاری نیزمی نماید ومهمتراین که تقدیم لوایح قانونی به این شورا خالی از جمیع مقدمات، مقرراتی است که یك لایحه قانونی از طریق متعارف دارد (طرح لایحه در هیات دولت و تصویب ان توسط آنان و امضای نخست وزیر و وزرای مربوطه وتقدیم آن به مجلس و بحث در کمیسیونها در جلسه علنی در دو شور). طبیعی است که با این روند هر کس (حتی مقامات غیر مسئول) می‌تواند با تقدیم پیشنهادی به شورای تشخیص مصلحت برای کشور قانون جدیدی ایجاد کند و حتی قوانین مصوبه کشور را نقض نماید و این می‌تواند علاوه بربی‌خاصیت شدن مجلس تناقضهای فراوان در قوانین کشور نیز ایجاد نماید و بالجمله وجود مراکز متعدد و موازی قانونگذاری در کشور به نوبه خود مساله‌ای مشکل آفرین و موجب تزلزل نظام سیاسی کشور می‌باشد. لذا بسیار باعث امتنان خواهد بود که نمایندگان مجلس شورای اسلامی را که به تبعیت از مقام معظم رهبری مفتخر و مباهی‌اند، ارشاد فرمائید.

### پاسخ امام امت به نامه نمایندگان مجلس

متن پاسخ امام امت به نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

با سلام، مطلبی که نوشته‌اید، کاملا درست است. انشاءالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی در آید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضاء می کرد تا گره‌های کور قانونی سریعا به نفع مردم و اسلام باز گردد. از تذکرات همه شما سپاسگزارم و به همه شما دعا می کنم.

روح‌الله الموسوی الخمینی

## پاسخ امام به سئوال‌های مسئولین درباره مسائل شرعی فیلم‌ها، سریال‌ها، آهنگ‌ها و برنامه‌های تلویزیونی

بدنبال دو سئوال جداگانه که آقای محمدهاشمی مدیر عامل صدا و سیما و حجت‌الاسلام فردوسی پور عضو شورای سرپرستی صدا و سیما درمورد فیلم‌های خارجی و یاتولید داخلی و سریالهائی مانند پائیز صحرا، آئینه و نفوذ و یا بخش برنامه‌های ورزش کشتی و فوتبال از حضرت امام مدظله نمودند، امام خمینی در پاسخ به هر دو نامه تصریح فرمودند که نظر نمودن به این قبیل فیلمها و نمایشها هیچیك اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنان آموزنده است.

متن نامه آقای محمد هاشمی به محضر امام امت به این شرح است:

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ضمن عرض سلام و تحیات وافره دوام عزت و سلامت و طول عمر پربرکت حضرت مستطاب عالی از درگاه خداوند تبارك و تعالی مسئلت دارد.

همچنانکه استحضار دارند، در برخی از برنامه‌های نمایشی سیمای جمهوری اسلامی ایران نظیر فیلمهای سینمائی و یا سایر برنامه‌های نمایشی اعم از داخلی یا خارجی، زنان نمایشگر حضور دارند که حسب موضوع بعضا از ضوابط کامل پوشش اسلامی در حد چهره و گردن و موی سر برخوردار نیستند و همچنین در پاره‌ای از ورزشهای مرسوم از قبیل کشتی و فوتبال قسمتی از بدن ورزشکاران مرد پوشیده نیست. استدعا دارد جهت روشن شدن موضوع نظر مبارك را در خصوص موارد زیر اعلام فرمایند.

۱ـ پخش برنامه‌های تلویزیونی که در آنها برحسب موضوع زنانی ایفای نقش مینمایند که ضوابط کامل پوشش اسلامی درحد چهره و گردن و موی سر را رعایت ننموده‌اند.

۲ـ پخش برنامه‌های ورزشی نظیر کشتی و فوتبال که در آن قسمتی از بدن مردان ورزشکار پوشیده نیست.

۳ـ نگاه کردن به برنامه‌های فوق الذکر که از تلویزیون پخش می‌شود.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته محمدهاشمی

۶۶/۹/۲۸

متن نامه حجت‌الاسلام فردوسی پور به محضر امام امت نیز به این شرح است:

محترما معروض میدارد: در رابطه با پخش برخی فیلمهای خارجی و یا تولید داخلی و سریالهائی مانند پائیز صحرا، آئینه، نفوذ و غیره و همچنین پخش آهنگهای موسیقی از صدا و سیما، از سوی امت شهید پرور شکایاتی به شورای سرپرستی میرسد، مبنی بر اینکه پخش این فیلمها و سریالها و آهنگها خلاف شرع مقدس اسلام و مخالف اهداف عالی انقلاب بوده، و با نظام جمهوری اسلامی تناسب ندارد و هزینه کردن بودجه برای ساختن آن اسراف محسوب میشود. گواینکه احیانا جنبه‌های آموزنده تفریحی و سرگرم کننده نیز دارد. در انطباق این گونه موارد بافتاوی موجود در رساله‌های عملیه وتحریرالوسیله آن حضرت و احراز وتفکیك مجاز از غیر مجاز، اختلاف نظر وجود دارد و نمیتوان جواب صریح و صحیحی به مستشکلان ارائه نمود. اختلاف سلیقه نیز الی ماشاءالله موجود است و انسان نمی‌داند چه باید بکند و در این شرایط حساس جنگی که از اهم امور است تکلیف چیست؟ نکته دیگر اینکه وقتی شکایات که معمولا از امت مورد توجه امام بزرگوار می‌باشد، به مدیران ومسئولان اجرائی ارجاع میشود می گویند امام مدظله العالی تمام این برنامه‌ها را می‌بینند و آهنگها را گوش میکنند. اگر اشکالی داشته باشد، تذکر میدهند. از آنجا که رسیدگی به شکایات و پاسخ به آنها و اقدام فوری برای رفع نواقص، یکی از وظایف قانونی شورای سرپرستی میباشد، مستدعی است نظر مبارك را نسبت به موارد یاد شده مرقوم فرمایند تا بتوانیم از آغاز دوره جدید، وظیفه خطیر شرعی و قانونی خودرا به خوبی انجام دهیم و در پیشگاه آن امام عظیم‌الشان و امت الهی ایران مسئول نباشیم.

اسماعیل فردوسی پور

پاسخ امام امت

متن پاسخ امام امت به این شرح است:

نظر نمودن به این گونه فیلمها و نمایشنامه‌ها، هیچیك اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد و همینطور فیلم‌های ورزشی و همینطور آهنگها اکثرا بی اشکال است گاهی خلاف بطور نادر دیده می‌شود که باید بیشتر مواظبت کرد. لیکن دو نکته باید مراعات شود، اول آنکه کسانی که گریم میکنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری انجام دهد، دوم آنکه بینندگان از روی شهوت نگاه نکنند.

روح‌الله الموسوی الخمینی

۶۶/۹/۳۰

۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۰۸

## نظر امام امت در مورد انتشار اخبار و اظهار نظرهائی که اصول سیاست خارجی کشور در آنها مراعات نمی‌شود

آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه با ارسال نامه‌ای به محضر حضرت امام، از برخی اظهار نظرها وانتشار اخبار وطرح مسائل مربوط به سیاست خارجی کشور گلایه کردند واینگونه مسائل را تهدیدی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانستند. امام امت در جواب به نامه آقای ولایتی، ضمن ارزش گذاری به تلاش خدمتگزاران این وزارتخانه، اظهار نظرها وانتشار اخباری که اصول سیاست خارجی کشور در آنها رعایت نشود را ایجاد مشکل برای وزارت امور خارجه خواندند.

علاوه بر این تاثیر نامطلوب اینگونه مسائل را در سیاست‌های داخلی کشور ناممکن ندانستند.

درپی، جواب حضرت امام به نامه آقای دکتر ولایتی وبخشی از نامه وزیر امور خارجه کشورمان به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی از نظر خوانندگان می گذرد:

***

امام امت در جواب آقای دکتر ولایتی نامه‌ای خطاب به ایشان مرقوم فرمودند که متن آن بدین شرح است:

***

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر ولایتی وزیر محترم امور خارجه

«من جنابعالی را فردی متدین ودلسوز انقلاب می‌دانم. شما ودوستانتان در وزارت امور خارجه باید تحمل انتقاد را ـ چه حق وچه باطل ـ داشته باشیم. جوباز سیاسی ایران انقلابی، بی‌تجربگی بعضی از مسئولان، سبقت در رساندن سریع هر موضوعی به جامعه گرچه به ضرر مردم باشد، نه تنها کار وزارت امور خارجه را مشکل می کند که در بعضی اوقات روی سیاستهای داخلی هم اثر نامطلوب می گذارد. این جانب به شما وتمامی خادمین به اسلام وایران دعا می کنم. امیدوارم چون گذشته در خدمتتان تنها خدا را منظور دارید. از خداوند متعال توفیق جنابعالی وسایر خدمتگزاران به اسلام را خواستارم».

والسلام علیکم ورحمت الله

۶۷/۱/۲۰

روح الله الموسوی الخمینی

### بخشی از نامه دکتر ولایتی

آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه، طی نامه خود به محضر امام امت، با تاکید بر اینکه سیاست وزارت امور خارجه همواره از سیاست حضرت امام پیروی کرده است، یادآور شد:

«همانطور که استحضار دارند، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توسط سران سه قوه در چهارچوب نظرات اصولی آن مقام معظم تصمیم گیری وبه وسیله وزارت امور خارجه در راستای اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران اجراء می‌شود.

خاطر خطیر آن حضرت بیش از هر کس آگاه است که همکاران ما در وزارت امور خارجه تاکنون نهایت تلاش خویش را در جهت پیشبرد اهداف مقدس جمهوری اسلامی وخنثی کردن توطئه‌های رنگارنگ وروز افزون بکار برده‌اند وبحمدالله در درگاه خداوند متعال ونزد مقام معظم رهبری سربلند هستند».

آقای ولایتی در این نامه می‌افزاید: متاسفانه دیده می‌شود که بدون توجه به مصالح کشور وانقلاب اسلامی مسائلی در رسانه‌های گروهی ومحافل عمومی طرح می‌شود که به هیچ وجه به صلاح کشور نمی‌باشد وبعضا عرصه را در داخل وخارج کشور برای خادمین نظام در وزارت امور خارجه تنگ می‌نماید ساختن روابط خارجی دشوار ونیازمند زمان است وتخریب آن سهل وبه سرعت انجام می‌گیرد.

## امام: مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد

در پی کسب تکلیف آقایان: سیدعلی خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی، احمد خمینی و میرحسین موسوی از امام خمینی در زمینه شیوه اعمال حق حاکم اسلامی در مورد احکام حکومتی در مواردی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان توافق حاصل نشود، امام امت مجمعی را به این منظور تشکیل دادند.

این مجمع مرکب از فقهای شورای نگهبان و حجج اسلام آقایان: خامنه‌ای ـ هاشمی رفسنجانی ـ موسوی اردبیلی ـ توسلی ـ موسوی خوئینی ها ـ آقای موسوی و وزیر مربوطه و حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی خواهد بود.

متن نامه ارسال شده به محضر امام امت بدین شرح است:

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر عظیم‌الشان حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی دامت برکاته وجوده‌الشریف

در سایه اظهارات اخیر آن وجود مبارك، از لحاظ نظری مشکلاتی که در راه قانونگذاری و اداره جامعه اسلامی به چشم می‌خورد برطرف شده و همانگونه که انتظار می‌رفت این راهنمائی‌ها مورد اتفاق نظر صاحب‌نظران قرار گرفت. مسئله‌ای که باقی مانده، شیوه اجرائی اعمال حق حاکم اسلامی درموارد احکام حکومتی است.

در حال حاضر لوایح قانونی ابتدا در وزارتخانه‌های مربوط و سپس در کمیسیون مربوط در دولت و سپس در جلسه هیات دولت مورد شور قرار میگیرد و پس از تصویب در مجلس معمولا دو شور در کمیسیون‌های تخصصی دارد که با حضور کارشناسان دولت و بررسی نظرات متخصصان که معمولا پس از اعلام و انتشار به کمیسیون‌ها میرسد انجام میشود، و معمولا یك لایحه در چند کمیسیون به تناسب مطالب مورد بررسی قرار میگیرد و دو شور هم در جلسه علنی دارد که هم نمایندگان و وزراء یا معاونان وزارتخانه‌های مربوط در آن شرکت می کنند و به تناسب تخصص‌ها اظهار نظر می کنند و پیشنهاد اصلاحی می دهند و اگر بصورت طرح شروع شود، گرچه ابتداء کارشناسی دولت را همراه ندارد، ولی در کمیسیون‌ها و جلسه عمومی، همانند لوایح، کارشناسان مربوط نظرات خود را مطرح می کنند و پس از تصویب نهائی شورای نگهبان هم نظرات خود را در قالب احکام شرعی یا قانون اساسی اعلام می‌دارد. و در مواردی مجلس نظر آنها راتامین می نماید و در مواردی از نظر مجلس قابل تامین نیست که در این صورت مجلس و شورای نگهبان نمی‌توانند توافق کنند و همین جاست که نیاز به دخالت ولایت فقیه و تشخیص موضوع حکم حکومتی پیش می‌آید. گرچه موارد فراوانی از این نمونه‌ها در حقیقت اختلاف ناشی از نظرات کارشناسان است، موضوع احکام اسلام یا کلیات قوانین اساسی را خلق می کند.

اطلاع یافته‌ایم که جنابعالی درصدد تعیین مرجعی هستید که در صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان از نظر شرع مقدس یا قانون اساسی یا تشخیص مصلحت نظام و جامعه، حکم حکومتی را بیان نماید. در صورتی که در این خصوص به تصمیم رسیده باشید، با توجه به اینکه هم اکنون موارد متعددی از مسائل مهم جامعه بلاتکلیف مانده سرعت عمل مطلوب است.

عبدالکریم موسوی ـ سیدعلی خامنه‌ای ـ احمد خمینی ـ میرحسین موسوی ـ اکبر هاشمی رفسنجانی.

متن کامل پاسخ مهم امام امت به سئوال مطرح شده به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

گرچه بنظر اینجانب پس از طی این مراحل زیرنظر کارشناسان که در تشخیص این امور مرجع هستند احتیاج به این مرحله نیست، لکن برای غایت احتیاط در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعا و قانونا توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقها محترم شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام خامنه‌ای ـ هاشمی ـ اردبیلی ـ توسلی ـ موسوی خوئینی‌ها و جناب آقای میرحسین موسوی و وزیر مربوط برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم رای اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد. احمد دراین مجمع شرکت می‌نماید، تا گزارش جلسات به این جانب سریعتر برسد. حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد.

امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پا برهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیك زیر سئوال برد و اسلام آمریکائی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند.

از خدای متعال می‌خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمك فرماید.

به تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۶ / روح‌الله الموسوی الخمینی

## پاسخ امام به نامه شورای مرکزی روحانیون مبارز تهران

اعضای شورای مرکزی «روحانیون مبارز تهران» با ارسال نامه‌ای به محضر امام امت با اشاره به موافقت حضرت امام با این تشکل و فعالیت آنان از کمك مالی ماهانه امام به روحانیون مبارز تشکر کردند.

متن این نامه به قرار زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مبارك رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ادام الله ظله الوارف علی رئوس المسلمین

با تقدیم تحیات وافره و ادعیه خالصانه احتراما معروض می‌دارد: در فضای مبارك آزادی اظهارنظر و بیان عقیده که یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و در سایه حکومت جمهوری اسلامی ایران و در شرائط کنونی کشور و بویژه با توجه به تاکیدات مکرر آن حضرت در جهت لزوم حضور در صحنه و خصوصا با توجه به وظیفه خطیر روحانیون کشور در ارشاد و روشنگری جامعه انقلابی و دخالت صحیح در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و تقویت نظام مقدس اسلامی، اینجانبان امضاء کنندگان ذیل لازم دانستیم که با همکاری و تبادل نظر با یکدیگر در قالب تشکل و نظم جدید به فعالیتهای خود در مسائل سیاسی و غیرسیاسی که در سرنوشت انقلاب و کشور تاثیر فراوان و قطعی دارد، سامان دهیم. تعهد و میثاق جمع ما در این فعالیتها پیروی از اصول و خط مشی انقلاب که از ناحیه مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف درسخنرانیها و پیامها ترسیم و تبیین شده است، می‌باشد. خط مشی ما از اصولی است که به طور جامع در «پیام حج» سال گذشته که به حق «منشور انقلاب» نام گرفت، می‌باشد. خط مشی ای که در نامه‌ها و پیامهای پس از آن به ویژه در تبیین اسلام ناب محمدی صل الله علیه و آله وسلم و بیان مرزها و تفکیك آن از اسلام آمریکائی آمده است، ترسیم فرموده اید و امید و اطمینان داریم که با این میثاق الهی و در این تشکل جدید بهتر به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم و دینی که به انقلاب و اسلام و ملت فداکار و مجاهد ایران و شهداء عزیز داریم ادا نمائیم.

لزوما به استحضار می‌رساند که قبل از هر اقدامی در این باب تلاش فراوانی توسط بعضی از برادران ما برای نزدیك کردن نقطه نظرات درچهارچوب اصول و موازین مورد قبول با دیگر روحانیون محترمی که سالها با آنان فعالیت مشترك داشتند، صورت گرفت که متاسفانه به علت پافشاری آن آقایان بر روی مسائل و مواردی که آنها را برخلاف مصلحت و موازین تشخیص می‌دادیم، به نتیجه نرسید لذا به نظر رسید که جمع ما در تشکل جدید بیشتر و بهتر می‌تواند خدمتگزار انقلاب اسلامی باشد. اما از آنجا که ممکن بود از این انشعاب و ایجاد تشکل و نظم جدید شائبه اختلاف و تفرقه به بعضی اذهان راه پیدا کند و برخی افراد ناآگاه آن را وسیله‌ای برای تبلیغ علیه وحدت که همواره مورد توصیه و تاکید آن حضرت بوده است، قرار دهند لازم دیدیم که موضوع را به استحضار حضرتعالی برسانیم تا چنانچه مصلحت ندانستید اقدامی صورت نپذیرد که از طریق برادر بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد آقا از موافقت و رضایت خاطر مبارك اطلاع حاصل نمودیم و سپس برای انعکاس این موافقت و رضایت در وسائل ارتباط جمعی مجددا کسب اجازه گردید که آن را نیز اجازه فرمودید و مطلب توسط رسانه‌ها اعلام گردید. باردیگر برای اطمینان بیشتر از رضایت حضرت عالی در مورد انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی کسب اجازه شد که نظر موافق نسبت به فعالیت این جمع در ضمن توصیه براین که برای غیرتهران نامزد معرفی نکنید، عنایت فرمودید. پس از طی مراحلی که گذشت این جمع با نام «روحانیون مبارز تهران» اقدامات خود را آغاز کرد و نسبت به انتخابات نیز لیستی از نامزدهای تهران تهیه و به اطلاع مردم شریف تهران رسانید. اکنون با این تجربه موفق و با این اعتقاد که ایجاد تشکل جدید «روحانیون مبارز تهران» از جهات مختلف خصوصا در جهت حفظ ازادی اظهار عقیده برای سایر اقشار مردم مفید و لازم بوده است، در ادامه فعالیتهای دیگر خود خصوصا اقدامات قولی و عملی در تبیین و ابلاغ محتوای پیامهای آن امام بزرگوار به قشرهای مختلف به ویژه اقشار مستضعف که درشان و وظیفه روحانیون است و از آن جمله حفظ و تحکیم هرچه بیشتر پیوند مابین دو قشر عظیم روحانی و دانشگاهی که آن نیز از دست آوردهای رهبری آن حضرت و این انقلاب شکوهمند است. مستدعی است نسبت به انچه معروض گردید چنانچه صلاح می‌دانید نظر مبارك را مرقوم فرمایید.

در اینجا لازم می‌دانیم از صدور دستور کمك مالی ماهانه که قبل از برگزاری انتخابات از اعلام آن در رسانه‌ها خودداری نمودیم، تشکر و سپاسگزاری نماییم.

در خاتمه پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و شکست قطعی دشمن بعثی ـ صهیونیستی و نابودی صدام و سایر دشمنان اسلام، خصوصا آمریکای جهانخوار و طول عمر و سلامت آن امام عزیز و بزرگوار را از خداوند متعال مسئلت می‌نمائیم.

ـ جلالی خمینی، نماینده امام و امام جمعه خمین
ـ سیدمحمود دعایی، نماینده امام و سرپرست روزنامه اطلاعات و نماینده مجلس شورای اسلامی.
ـ سیدمحمدابطحی، مدیر صدای جمهوری اسلامی ایران.
ـ سید سراج الدین موسوی، عضو دفتر حضرت امام، مسئول حفاظت منطقه جماران، نماینده امام و فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی.
ـ محمدحسن رحیمیان، عضو دفتر حضرت امام مسئول مجله «پاسدار اسلام» و استاد دانشگاه.
ـ مهدی کروبی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی و نیز نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
ـ امام جمارانی، نماینده امام و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.
ـ حسن صانعی، عضو و مسئول امور مالی دفتر حضرت امام و نماینده امام و سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد.
ـ محمدعلی انصاری، عضو دفتر حضرت امام و مسئول دفتر سیاسی ـ فرهنگی حضرت امام.
ـ موسوی خوئینی، دادستان کل کشور و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام.
ـ علی اکبر آشتیانی، عضو دفتر حضرت امام، نماینده امام و مسئول عقیدتی ـ سیاسی ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران.
ـ سدحمید روحانی، مورخ و مسئول اسناد انقلاب اسلامی.
ـ موسوی لاری، از اعضای شورای حج.
ـ کیان ارثی، نماینده مجلس شورای اسلامی.
ـ محمدرضا توسلی، عضو دفتر حضرت امام و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه.
ـ مجیدانصاری، رئیس سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، نماینده شورایعالی قضایی.
ـ محمدعلی نظام‌زاده، نماینده حضرت امام در اوقاف و عضو مؤسسه جامعه الزهرا.
ـ سیدمحمدخاتمی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نماینده امام و سرپرست مؤسسه کیهان.
ـ سیدعلی اکبر محتشمی، وزیر کشور، عضو دفتر حضرت امام.
ـ سیدمحمدهاشمی، عضو دفتر حضرت امام و نماینده شورایعالی قضایی در شورای سرپرستی صدا و سیما و دبیر این شورا.
ـ محمدعلی صدوقی، عضو دفتر حضرت امام و معاون شورایعالی قضایی.
ـ سیدتقی درچه ای، امام جماعت در منطقه شهری
ـ اسدالله بیات، نماینده مجلس، عضو هیأت رئیسه و مسئول مؤسسه مسجدجامع نارمك.
ـ هادی غفاری، نماینده مجلس، مسئول مؤسسه الهادی.
ـ محمدعلی رحمانی، عضو دفترحضرت امام و فرمانده بسیج مستضعفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
ـ صادق خلخالی، نماینده مجلس شورای اسلامی.
ـ منتجب نیا، نماینده مجلس شورای اسلامی.
ـ عیسی ولایی، نماینده مجلس شورای اسلامی.

جواب حضرت امام به این شرح است.

بسمه تعالی

حضرات حجج اسلام روحانیون مبارز تهران دامت افاضاتهم. سیر قضیه بهمین صورتی است که در نامه آورده‌اید.

انشعاب از تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و ایجاد تشکیلات جدید به معنای اختلاف نیست.

اختلاف در آن موقعی است که خدای ناکرده هر کس برای پیشبرد نظ ات خود به دیگری پرخاش کند که بحمدالله با شناختی که من از روحانیون دست اندرکار انقلاب دارم، چنین کاری صورت نخواهد گرفت.

من به شما و همه کسانی که دلشان برای اسلام عزیز می‌تپد دعا می کنم و توفیق آقایان را از خداوند متعال خواستارم.

۶۷/۱/۲۵

والسلام علیکم و رحمت‌الله

روح‌الله الموسوی الخمینی

## پیام امام به مجلس سوم

بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ از عنایت و توجه ذات مقدس حق تعالی سپاسگزاریم که بار دیگر ملت شریف و عزیز ایران را به ادای یکی از بزرگترین فرائض سیاسی و اجتماعی خود مفتخر نمود و در اوج شرارت شیطان بزرگ و اذناب پلید او علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، توفیق بیعت مجدد با میثاق های ازلی خود را به آنان کرامت فرمود و به رغم بدخواهان، انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی با صحت و سلامت و در موعد مقرر برگزار گردید که بحمدالله، امروز ما شاهد افتتاح سومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم و من ضرورتی به ذکر حوادث زمان انتخابات و نیز حماسه‌های مردم عزیزمان در این مورد نمی بینم و همچنین اهمیت و نقش مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در نظام کشور اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست و انشاءالله نمایندگان محترم مجلس، سنگینی بار مسئولیت و رسالت خود را در این امر خطیر احساس کرده و می کنند و به خوبی دریافته‌اند که نظام و مردم، از آنان چه انتظاری دارند که باید گفت مجموعه خواسته‌ها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس، رفع گرفتاری‌ها و محرومیت‌ها و دگرگونی در نظام پرپیچ وخم اداری کشور، از انتظارات به حقی است که باید آنها را جدی گرفت و نمایندگان محترم مجلس، قبل از پرداختن به لوایح و تبصره‌ها و مواد غیرضرور، به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و براساس اسلام عزیز، در کمیسیون‌ها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست‌های زیربنایی کشور در امور فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، در راستای کمك به محرومین و رفع استضعاف، مدون و به مورد اجرا درآید و امروز کشور و نظام و مدیریت آن، همچون گذشته، نیاز به شجاعت در حل مسائل دارد و چه بسا وسوسه‌ها ما را از رسیدن به اهداف بزرگتری که در پیش رو درنظر داریم، محروم کند که امیدوارم این مجلس با هماهنگی و همدلی نمایندگان و نیز با همسویی و ارتباط قوی با مدیران و مجریان و کارشناسان و همچنین با استفاده از نظریات و مشورت با شورای محترم نگهبان، بتواند گام‌های بلندی در حل معضلات محرومین و پابرهنه‌ها بردارد و در تنگناها و موانع، از قدرت و قاطعیت و سرعت عمل «مجمع تشخیص مصلحت» که پشتوانه عظیم و با برکت و پرثمری برای کشور ما است، بهره مند شود و اما چیزی که از همه اینها مهمتر است اینکه، چه آنهایی که به مجلس راه یافته‌اند و خادم منتخب شده‌اند و چه آنها که به وظیفه خود عمل نموده‌اند ولی به مجلس راه نیافته‌اند و همچنین طرفداران هر دو گروه، باید بدانند که همه این امور، اعتباری و زودگذر است و همه در محضر حق هستیم و آنچه در صحیفه کردار ما ماندنی است، اعمال و رفتار ما و آنچه موجب سعادت و جاودانگی ما می شود، صفای معنویت و ثمرات خلوص بندگی است و ما هم نباید خلوص عمل و جامعه اسلامی خودمان را به زنگار کدورت‌ها و اختلافات آلوده کنیم و رقابت‌های گذشته انتخاباتی هم هرگز نباید موجبات تفرقه و جدایی را فراهم نماید و من احتمال می‌دهم که عوامل و دستهای ناپاکی بخواهند از رقابتهای انتخاباتی، در رسیدن به آرزوهای خود استفاده کنند و با طرح مسائل پوچ و بی معنی، دلها را از یکدیگر جدا سازند و یا با تردید و ایجاد ذهنیت‌ها، صحت و سلامت انتخابات و نهایتا مشروعیت مجلس را زیر سئوال برند که در این شرایط، همه آحاد ملت ایران و همه روحانیون و دست اندرکاران کشور، باید در کنار هم و دست در دست هم، به راه مقدس خود ادامه دهند و صاحبان قلم و سخن و مطبوعات نیز بطور جد، مواظب نوشته‌ها و گفته‌های خود باشند و نمایندگان مجلس نیز به عدالت و عطوفت با یکدیگر برخورد کنند و به مسائل دامن نزنند و خصوصا در اعتبارنامه‌ها، به مسایل شخصی و گروهی نپردازند و در نطق های قبل از دستور و غیر آن، به شخصیت و اعتبار نمایندگی مجلس توجه کنند و حرمت مجلس و نظام و اخلاق کریمه اسلام را مقدم دارند و خلاصه کلام اینکه، مجلس و نمایندگان باید موید وحدت و انسجام جامعه باشند و مسئولین در کنار مردم و مردم، همراه و پشتیبان مسئولین، به وظیفه خود عمل کنند و از برکات مادی و معنوی جهاد مقدس خود بهره مند شوند و از صحنه‌ها کنار نروند که امروز، شاید گناهی بالاتر از کناره گیری نباشد و هیچ عذر و بهانه‌ای برای ترك صحنه انقلاب پذیرفته نمی شود و مردم عزیز ایران، بعد از فراغت از انتخابات، همچون گذشته، به پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه‌های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند و همه آنان و رزمندگان عزیز، بدانند که در هر صورت، پیروزی با ماست و ما به این مسئله، باتمام وجود معتقدیم و از آغاز جنگ تاکنون، بارها عنایات حق را دیده‌ایم و ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که از آن روزی که در این راه مقدس قدم نهادند، چیزی را از دست ندادند که نگران حادثه باشند و ضرری نکرده‌اند که از آن احساس غبن و پشیمانی کنند.

همه سرمایه‌های آنان در پیشگاه مقدس حق تعالی باقی مانده است. البته، کشوری همانند ایران که درصدد تحقق اهداف بلند اسلامی است ممکن است فرازها و نشیب‌هایی داشته باشد، همان گونه که در صدر اسلام نیز چنین بوده است، ولی برای یك ملت بزرگ، هیچ پیروزی، بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استوار آنان برای رسیدن به حق نیست که بحمدالله، خداوند آن را به مردم و کشور ایران عنایت نموده است و ما به یاری خدا و با همت و اراده پولادین مردم، در برابر همه مشکلات خواهیم ایستاد و همان گونه که به برکت ایمان و توکل مردم و رزمندگان به پیروزی‌های بزرگ و معجزه آسایی رسیده‌ایم و هر روز ما، روز موفقیت و امتحان جدیدی بوده است، بعد از این نیز به راه خود ادامه می‌دهیم.

رزمندگان عزیز و دلاور ما، اعم از: ارتش و سپاه و بسیج، با تکیه بر ایمان و سلاح و امید به نصرت حق و با حمایت بی‌شائبه مردم، به نبرد و دفاع مقدس خود ادامه دهند و عزم‌ها را جزم کنند و بر دشمن زبون بتازند و با همت خود، افتخار نصرت و پیروزی را به ارمغان آورند که سرنوشت جنگ در جبهه‌ها رقم می‌خورد نه در میدان مذاکره‌ها و به یاری خداوند و دعای خیر حضرت بقیه الله ارواحنا فدا، حرف آخرمان را با صدامیان و جهانخواران در صحنه حماسه جهاد و شهادت می‌زنیم و از خداوند نیز صبر و مدد می طلبیم.

خداوند، یار و ناصر مجاهدان و رزمندگان ما باشد.

والسلام علیکم و رحمه الله

۷ خرداد ۶۷

روح‌الله الموسوی الخمینی

## تاکید امام بر ضرورت ترمیم قانون اساسی

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران طی نامه‌ای خطاب به آیت الله خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی ایران هیاتی را برای رفع نقایص قانون اساسی و سپس گذاردن آن به معرض رأی عمومی مردم تعیین فرمودند.

متن نامه حضرت امام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران. دامت افاضاته.

از آنجا که پس از کسب ۱۰ سال تجربه عینی و عملی از اداره کشور، اکثر مسئولین و دست‌اندرکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران براین عقیده‌اند که قانون اساسی با اینکه دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است، دارای نقائص و اشکالاتیست که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرائی جامعه، کمتر به آن توجه شده است، ولی خوشبختانه مسئله ترمیم قانون اساسی پس از یکی دو سال مورد بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقائص آن یك ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه اسلامی و انقلابی ماست، و چه بسا تاخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد و من نیز بنابر احساس تکلیف شرعی و ملی خود از مدت‌ها قبل در فکر حل آن بوده‌ام که جنگ و مسائل دیگر مانع از انجام آن میگردید.

اکنون که به یاری خداوند بزرگ ودعای خیر حضرت بقیه الله روحی له الفداء نظام اسلامی ایران راه سازندگی و رشد وتعالی همه جانبه خود را در پیش گرفته است هیاتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نموده‌ام که پس از بررسی و تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر میشود تائید آنرا به آراء عمومی مردم شریف و عزیز ایران بگذارند.

الف: حضرات حجج اسلام و المسلمین و آقایانی که برای این مهم درنظر گرفته‌ام:

۱ـ آقای مشکینی
۲ـ آقای طاهری خرم آبادی
۳ـ آقای مومن
۴ـ آقای هاشمی رفسنجانی
۵ـ آقای امینی
۶ـ آقای خامنه‌ای
۷ـ آقای موسوی نخست وزیر
۸ـ آقای حسن حبیبی
۹ـ آقای موسوی اردبیلی
۱۰ـ آقای موسوی خوئینی
۱۱ـ آقای محمدی گیلانی
۱۲ـ آقای خزعلی
۱۳ـ آقای یزدی
۱۴ـ آقای امامی کاشانی
۱۵ـ آقای جنتی
۱۶ـ آقای مهدوی کنی
۱۷ـ آقای آذری قمی
۱۸ـ آقای توسلی
۱۹ـ آقای کروبی
۲۰ـ آقای عبدالله نوری

که آقایان محترم از مجلس خبرگان و قوای مقننه و اجرائیه و قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت و افرادی دیگر و نیز پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس انتخاب شده‌اند.

ب ـ محدوده مسائل مورد بحث

۱ـ رهبری
۲ـ تمرکز در مدیریت قوه مجریه
۳ـ تمرکز در مدیریت قوه قضائیه
۴ـ تمرکز در مدیریت صدا و سیما بصورتیکه قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشند.
۵ـ تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی
۶ـ مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری بصورتیکه قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد.
۷ـ راه بازنگری به قانون اساسی
۸ـ تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی

ج ـ مدت برای اینکار حداکثر ۲ ما هست.

توفیق حضرات آقایان را از خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم و رحمةالله وبرکاته

۶۸/۲/۴ روح الله الموسوی الخمینی

# امام: جنایات آل سعود را به حساب آمریکا گذاشته‌ایم و در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید

امام خمینی در پاسخ به پیام حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی، پیامی به این شرح خطاب به زائران بیت‌الله الحرام فرستادند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا اوماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا و ان الله لهو خیرالرازقین.

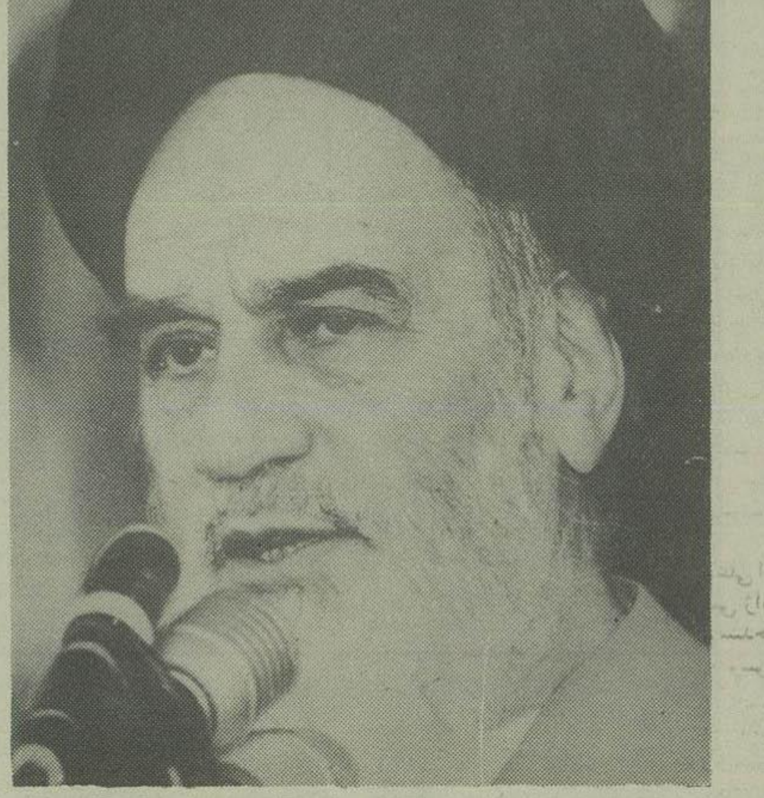
جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی دامت افاضاته: پیام استقامت و مظلومیت شما و زائران عزیزتر از جانمان را از کنار کعبه مظلوم و حرم خون‌آلود خدا شنیدم. سلام خالصانه این جانب و همه ملت ایران را به همه عزیزانی که در کنار خانه خود و حرم امن خدا مورد تهاجم و گستاخی اجیرشدگان شیطان بزرگ، یعنی آمریکای جنایتکار قرار گرفته‌اند، ابلاغ کنید.

این حادثه بزرگ نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را، که یقینا دل همه آزادگان جهان و ملت‌های اسلامی را جریحه‌دار و متالم ساخته است، ولی برای ملت بزرگ و قهرمانی همچون مردم عزیز کشورمان که تجربه چندین ساله انقلاب را دیده‌اند و نقاب از چهره‌ها و نیرنگهای ایادی آمریکا، چون شاه و صدام را در حمله به عزاداران حسینی و آتش زدن قرآن‌ها و مساجد برداشته‌اند، این حوادث غیرمترقبه و شگفت‌آور نیست که دوباره بدست کثیف آمریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین بدر آید و قلب بهترین مسلمانان و عزیزان و میهمانان خدا را نشانه رود و مدعیان سقایت حاج و عمارت مسجدالحرام، خیابان‌ها و کوچه‌های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.

ما در عین حال که شدیدا متاثر و عزادار از این قتل عام بی سابقه امت محمد (ص) و پیروان ابراهیم حنیف و عاملین به قرآن کریم گردیده‌ایم، ولی خداوند بزرگ را سپاس می گذاریم که دشمنان ما و مخالفین سیاست اسلامی ما را از کم عقلان و بی خردان قرار داده است، چرا که خودشان هم درك نمی کنند که حرکتهای کورشان سبب قوت و تبلیغ انقلاب ما و معرف مظلومیت ملت ما گردیده است و در هر مرحله‌ای سبب ارتقاء مکتب و کشورمان را فراهم کرده‌اند که اگر از صدها وسیله تبلیغاتی استفاده می کردیم و اگر هزاران مبلغ و روحانی را به اقطار عالم می فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام آمریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسپردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمی توانستیم و اگر می خواستیم پرده از چهره کریه دست نشاندگان آمریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضا خان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر امریکا هستند و مامور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق طلبانه ملت ها، باز به این زیبایی میسر نمی گردید و همچنین اگر می خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تامین آمریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان برنمی آید، بدین خوبی نمی توانستیم بیان کنیم و اگر می خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سعود، این وهابی های پست بی خبر از خدا، بسان خنجرند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته‌اند، به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی رحمی عمل کرده‌اند، موفق نمی شدیم و حقا که این وارثان ابی سفیان و ابی لهب و این رهروان راه یزید، روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران، الحمدلله در میان زائران خانه حق، از ملیتها و نژادها و کشورها و حتی در خود عربستان، طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است که برای گواه و شهادت حقانیت ما و معرفی ابعاد قتل عام خونبار مسلمانان بدست خادم الحرمین و انتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان، ما را یاری دهند و چه بهتر که بلافاصله و در حالیکه اجساد عزیزان ما بر زمین افتاده‌اند، صدام و حسین اردنی و حسن مراکشی به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی نمایند.

گوئی عربستان سنگر بزرگی را فتح نموده است و در کشتن صدها زن و مرد بی‌دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نائل آمده است که به یکدیگر تبریك می گویند و حال آنکه



جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم شکسته است و چه کسی است که نداند توسل به زور و سرنیزه و لشگرکشی در برابر زائران خانه حق و تهیه آنهمه مقدمات و توسل به بهانه‌های پوچ برای درگیری با زنان و مردان و جانبازان و مادران و همسران شهیدان، چیزی جز استیصال و خشم و ضعف آمریکا و عجز و ناامیدی سرسپردگان آنان نخواهد بود.

یقینا آمریکا و عربستان از شرایط خلع سلاح مسلمانان در حرم خدا و احترام مؤمنین به احکام قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه خدا سوءاستفاده کرده‌اند و با وسائل از پیش فراهم شده و نقشه‌های دقیق روبه صفتانه، به صفوف شیرمردان و شیرزنان ما حمله نموده‌اند و آنان را غافلگیر کرده‌اند.

حکومت سعودی مطمئن باشد که آمریکا لکه ننگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم با آب زمزم و کوثر پاك نمی شود و خوفی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما برسرزمین حجاز جاری شده است، زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملتها و نسل های آینده از آن سیراب و ستمکاران در آن غرق و هلاك می شوند و ما همه این جنایتها را به حساب آمریکا گذاشته ایم و به یاری خدا و در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از نمرودها و شیاطین و قارون‌ها خواهیم گرفت و مجددا تأکید می کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی و اسلام خواهی ما است و اینك از فرصت استفاده کرده، به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می کنم. آنجا که فرموده است: «اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجدالحرام کمن آمن بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستوون عندالله والله لایهدی القوم الظالمین.»

گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت‌الله‌الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است و خداوند تعالی می فرماید: «شما کوردلان آب رسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می کنند، مساوی قرار داده‌اید. حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی کند.»

آیاسعودی‌ها وامثال آنان، در طول تاریخ، ارزش خود را برای تهیه آب در مواقف حج و زرق و برق تعمیرات مسجدالحرام را با ارزش های مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و بانثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی بها خواسته‌اند، مقایسه نکرده‌اند و سعودیهای عصر حاضر پا را فراتر از آن نگذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی کنند و با مجاهدان راه خدا آن نمی کنند که روی آمریکای جهانخوار و ارباب خود را سفید کرده است و جالب توجه این که خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزش های اسلامی و انسانی، مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ارزشها است و آیا خداوند با ذکر «والله لایهدی القوم الظالمین» نمی خواهد بفرماید، خداوند سعودیهای عصر را و تمام اعصار تاریخ را ستمگرانی بیش نمی‌داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی فرماید.

آیا ستمکاری برحق و خلق و رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم (ص) بالاتر از آنچه آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زائران مجاهد آن که همه چیز و همه کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند، می‌توان تصور کرد.

آیا جرم این مجاهدان که به فرمان خداوند تعالی ندای برائت از مشرکین را انجام دادند، جز برائت از خدایان آل سعود و سعودی‌های عصر حاضر و شاه حسین و شاه حسن و مبارك نامبارك و صدام عفلقی است؟

آیا سکوت در مقابل این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است، چیزی جز رضای به این جرم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران است؟

و در هر صورت، ال سعود برای تصدی امور کعبه و حج، لیاقت نداشته و علما و مسلمانان وروشنفکران باید چاره‌ای بیندیشند.

زائران شریف ایرانی، امسال پیام انقلاب وبرائت خود را با خونشان به جهان وبه امت اسلام ابلاغ نمودند و باتقدیم شهدای بزرگ به پیشگاه مقدس حق، از سازندگان و بانیان سیاست نه شرقی و نه غربی کعبه خداوند گشتند و ملت بزرگ ایران نیز، با تجلیل گسترده خود از شهداء و شرکت میلیونی خود در راهپیمائی و اعلان برائت از کفر، خصوصاً آل سعود، به وظیفه انقلابی و الهی خود عمل نموده‌اند که در اینجا لازم است ازحضور گسترده آنان و همه اقشار و خواهران وبرادران تشکر کنم.

اکنون نوبت زائران دیگر کشورها و خصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان است که پیام مظلومیت ما را به جهان ابلاغ کنند. انشاءالله زائران محترم ایرانی، بامقاومت و صبر، بقیه اعمال خود را به اتمام برسانند و با گامهای محکم و دلی آرام و قلبی سرشار از رضایت و لبی خندان، شادی پیروزی خون بر شمشیر و شهادت در کنار خانه خدا را جشن بگیرند و افرادی که به مدینه منوره مشرف میشوند، سلام شهیدان به خون خفته کعبه و مجروحین خانه امن رابه رسول خدا و ائمه هدی علیهماسلام ابلاغ کنند و این موفقیت بزرگ را به محضر ایشان تبریك بگویند و به راه خود با صلابت و اطمینان ادامه دهند و مشکلاتی که آمریکا وعربستان بر آنان تحمیل نموده‌اند، به حساب خدا و دفاع از پیامبر بگذارند، و از اینکه خداوند هدیه‌ها وقربانیان هاجروار و اسماعیل گونه این ملت بزرگ را در کنار خانه خود پذیرفته است، سپاسگزار و شاکر باشند که انشاءالله خداوند شهدای بزرگ ما را با شهدای صدر اسلام محشور و به بازماندگان آنان صبر و اجر و به مصدومین و مجروحین شفا عنایت فرماید و شر متجاوزان را به خودشان بازگرداند و آنان را به عقوبت خود کیفر دهد.

ازخداوند مسئلت می کنم که از این زمان که همه کفر و همه شرك دست به دست هم داده‌اند و تصمیم و عزم خود را برای شکست امت اسلام جزم کرده‌اند و همه ضربه‌ها را بر علیه ما بکار گرفته‌اند، خود ما را درحصار محکم خود و در لوای مرحمت و لطف خود حفاظت فرماید.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

هفتم ذی‌الحجه سال ۱۴۰۷ هجری قمری

روح‌الله الموسوی الخمینی

---

## امام در پیامی به مناسبت روز ارتش

# مسئولین در هیچ شرایطی نباید از تقویت نیروهای مسلح غفلت کنند

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به مناسبت فرارسیدن روز ارتش جمهوری اسلامی، پیامی صادر کردند.

در این پیام، امام خمینی با اشاره به رشادتهای ارتش در طول هشت سال جنگ تحمیلی، از حماسه آفرینی قهرمانان ارتش اسلام در رویارویی با ادوات نظامی و ابزار پیچیده دشمنان در زمین، هوا و دریا تقدیر به عمل آورده و بر پشتیبانی خود از ارتش، سپاه و بسیج تاکید فرموده‌اند.

متن کامل پیام امام خمینی به این شرح در اختیار خبرگزاری جمهوری اسلامی قرار گرفت.

«بسم‌الله الرحمن الرحیم»

بیست و نهم فروردین سالروز ارتش قهرمان و دلاور جمهوری اسلامی ایران بر ملت رشید ایران و بر همه ارتشیان و نیروهای مسلح کشور مبارك باد. افتخار و آفرین بر ارتشی که در اوج تصمیم جاودانه خود، حصار تعبد طاغوت را شکست و برج و باروی رژیم سلطنت وحکومت دو هزار وپانصد ساله شاهنشاهی را به آتش کشید و خود را از قیود حاکمیت ستمگران و مستشاران آمریکایی که با هزاران آمال و آرزو برای منافعشان، از ایران جزیره ثبات ساخته بودند، رهایی بخشید. گرچه سران وابسته و خودفروخته ارتش تا آخرین لحظه حیات ننگین حکومت پهلوی تلاش فراوانی برای نجات تخت و تاج سلطنت نمودند، ولی تصمیم شجاعانه پرسنل شریف ارتش اعم از افسران و درجه‌داران و سربازان آنچنان کوبنده و قاطع بود که مجال تفکر و تصمیم را از دشمنان خدا و خلق گرفت و پیوستن ارتش، خصوصا نیروی هوایی به صفوف الهی ملت، لحظه شادی بندگان خدا و یاس و ناامیدی ستمگران گردید که آن روزها و ساعات شیرین و پرخاطره‌ی عشق ارتش به اسلام و میهن اسلامی، هرگز از یاد ملت ایران نمی رود و حقا نیروی هوایی سهم بیشتری ادا کرده است.

پیوستن ارتش به مردم معرف ارزش واقعی ارتش و موجب کینه توزی جهانخواران گردید. در آغاز پیروزی انقلاب ایادی شرق و غرب و آنها که صداقت و امانت و دینداری و میهنداری ارتشیان را در حماسه پیروزی درك نکرده بودند، کمر به نابودی ارتش بستند و با شعارهای به ظاهر انقلابی و فریبنده، مصمم به انحلال آن و غارت سلاح ها و نابودی امکانات دفاعی کشور شدند و چه بسا ساده لوحان نیز تحت تاثیر القائات آنان راه این هدف شوم را هموار نمودند که خداوند متعال، کشور و انقلاب اسلامی ما را از توطئه شوم آنان رهایی بخشید و ارتش سرافراز ایران اسلامی همچون برق و صاعقه بر سر توطئه گران که در گوشه و کنار مرزها خواب تجزیه ایران را در سر پرورانده بودند، فرود آمد و کردستان و گنبد و ترکمن صحرا، گورستان کوردلان گردید که همه اینها از افتخارات تاریخی و فراموش ناشدنی ارتش قهرمان است و اما مهمتر از همه اینها حماسه ۸ سال دفاع مقدس و مظلومانه ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی و مردمی است که در حقیقت در برابر همه جهانخواران ایستادند و متجاوزانی که بخود وعده فتح سه روزه خوزستان و سقوط تهران را داده بودند، به باتلاق مرگ و هلاکت فرستادند. واقعا ارتش و نیروهای سپاهی و بسیجی‌ها مظلومانه و با کمترین امکانات جنگیدند و برگهای زرین افتخار و کرامت و شرافت و شهادت را به اسلام عزیز هدیه نمودند. شجاعتها و رشادتهای بی نظیر نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان دلاور در نفوذ به اعماق خاك دشمن و رویارویی با مدرن‌ترین امکانات اهدایی استکبار به صدامیان و دفاع از حریم هوایی کشور نشانه تعهد، عشق و ایمان آنان به خدا و اسلام و میهن اسلامی است. مهیا نگهداشتن و تعمیر و بازسازی ادوات و ابزار پیچیده هواپیماها و رادارها و سلاحهای ضدهوایی و موشکها و پدافند از کشور دلیل مهارت و تخصص و ارزشهای علمی بالای این عزیزان است که خداوند بر توان و ایمان آنان بیافزاید.

نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوك پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، به حق چهره راستین و شکست ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای گسترده کشورمان را نشان داد. حضور و آمادگی دفاعی در مرزهای غرب و جنوب و شمال غرب با آن همه خصوصیات جغرافیائی و با سرما و گرمای طاقت‌فرسای مناطق، آنهم با کمبودها و محاصره‌ها، کار آسانی نبوده است که علاوه بر آن، ارتش با هماهنگی سپاه و بسیج در اکثر صحنه های رزم و پیکار توانست پشت سپاهیان کفر را درهم بکشند و سرزمین های مقدس و اشغال شده میهن عزیزمان را از چنگال متجاوزان خارج نماید و در عملیات های بزرگی همچون شکستن «حصر آبادان» و «فتح المبین» و «بیت المقدس» و دهها عملیات افتخارآفرین دیگر دوشادوش و همگام عزیزان سپاه و بسیج به فتوحات و افتخارات بزرگی نائل شود و هم اکنون نیز با کمال قدرت و صلابت از مرزها پاسداری و حراست نماید و در برابر خطرات احتمالی در آمادگی کامل باشد.

نیروی دریائی نیز همچون سایر نیروها بحمدالله در آب های خلیج فارس و مرزهای آبی کشور، در عرصه دفاع مقدس از کشور اسلامیمان، چون نگینی درخشیده است و بر عرشه کشتی افتخار و صلابت خود استوار ایستاده است. رویارویی آنان با نیروی دریایی دشمن و آن همه افتخارات رزم و رشادت و شهادت و نیز کنترل و بازرسی کشتی‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز و مهمتر از همه نبرد قهرمانانه آنان در برابر آمریکای متجاوز و حضور جدی آنان در آبهای بین المللی نشانه اقتدار و اعتبار این نیروی بزرگ و سرافراز است و ملت ایران باید به چنین ارتش مومن و وفاداری افتخار کند و نیروهای مسلح و ارتش بزرگ ایران باید بدانند که همه این افتخارات به برکت ایمان به خدا و دفاع از کشور امام زمان ارواحنا فدا و در سایه وحدت و انسجام و همدلی و برادری با یکدیگر و پشتیبانی مردم بدست آمده است و برای رسیدن به قله این عزت و شوکت اسلامی، سرمایه‌های فراوان و شهداء گرانقدری تقدیم راه خدا گردیده است و باید تا آخر همین رویه و سیاست یعنی ایمان، وحدت، نظم، حفظ و تقویت گردد و نیروهای مسلح کشور اعم از سپاه و ارتش در کنار یکدیگر به سازندگی و رشد و تقویت بنیه‌های دفاعی اسلام و کشور همت بگمارند. من تا آخر پشتیبان ارتش و سپاه و بسیج خواهم بود و تضعیف آنان را حرام می‌دانم. من به عنوان فرمانده کل قوا به مسئولین و تصمیم گیرندگان نیز دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالا بردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصا حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند و این کشور را برای دفاع از ارزشهای اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان، در آمادگی کامل نگهدارند و مبادا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئنا غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایه تحمیل جنگها و توطئه‌ها را بدنبال می‌آورد. ارتش و سایر نیروهای مسلح در دوران بازسازی باید به اصل بازسازی معنوی و اعتقادی نیز توجه کافی داشته باشند، چرا که همه در میدان نبرد و کارزار آموخته و تجربه کرده‌اند که معنویت و ایمان چقدر در پیروزیها و موفقیتها و بالا بردن توان و استقامت نیروها موثر است. من با تشکر از زحمات روحانیون عزیز و مسئولین عقیدتی سیاسی ارتش بخصوص نماینده خود جناب حجت‌الاسلام آقای «صفائی» که از چهره‌های مومن و خوب و صدیق این انقلاب است، تاکید می کنم که به مسئله آموزشهای عقیدتی و اخلاقی بیشتر توجه شود. دوران خدمت نظامی برای جوانان کشور بهترین فرصت و مناسبتی است که نظام و ارتش و مسئولین عقیدتی سیاسی می‌توانند از آن استفاده کنند و جوانان عزیز و غیور را با بهترین روشهای دفاعی اعم از تجربی و علمی یا اعتقادی بارور سازند. که برای همیشه و تا آخر عمر سرباز و مدافع اسلام و میهن اسلامی باشند. در خاتمه ضمن تشکر از همه نیروهای مسلح خصوصا نیروهای عزیز و مومن و فداکار ارتش، افسران، سربازان، درجه‌داران و کادرهای مختلف ستادی و غیر ستادی و فرماندهان عزیز، نمایندگان خود در ارتش و دفاتر مشاورت و همچنین وزارت دفاع و کلیه سازمان‌ها و مراکز تابعه ارتش، از پیشگاه مقدس پروردگار می‌خواهم که هر روز بر قدرت و شوکت و صلابت این مدافعان راستین میهن اسلامی بیافزاید و شهداء گرانقدر آنان را که همه ما در زیرسایه برکات آنان به نعمت امنیت و آزادی واستقلال رسیده‌ایم، با شهداء بزرگوار اسلام محشور فرماید و به جانبازان عزیزشان شفا کرامت نماید و مفقودین و اسراء بزرگوارشان را به اوطان خود برگرداند و به خانواده‌های معظم شهدا، صبر و اجر مرحمت فرماید. در خاتمه توصیه موکد می کنم به همه ملت بزرگ ایران بویژه دست‌اندرکاران در نظام مبارك جمهوری اسلامی کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و اسلام عزیز دلبستگی دارند، که آنچه در این سال‌های طولانی انقلاب پیش آمد از پیروزی‌های معجزه آسا در مقابل همه قدرتها و ابرقدرتها و صاحبان رسانه‌های گروهی جهان که کمر همت به محو جمهوری اسلامی و در حقیقت اسلام بزرگ بسته‌اند و بحمدالله ناکام ماندند، از برکات و عنایات خداوند تعالی و ایمان همه قشرهای متعهد به مبادی اسلام بوده و بی شك از ادعیه مبارکه حضرت بقیة‌الله صلوات‌الله وسلامه علیه و روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء برخوردار بوده و هست و بر همه ماها لازم است با تشکر از این نعمت بزرگ، در حفظ این عنایات کوشا باشیم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۲۸ فروردین ۱۳۶۸ روح‌الله الموسوی الخمینی

---

# امام: فرزندان انقلابی‌ام، فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است خود را بسیج به سلاح ایمان و جهاد کنید

امام خمینی در دیدار با آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران، بیانات مهمی به این شرح ایراد کردند:

بسم الله الرحمن الرحیم،

مسایل سیاسی مربوط به جنگ را وزارت خارجه عهده‌دار است ولی مسایل جبهه‌ها را باید نیروهای نظامی وانتظامی ومردمی زیر نظر ستاد فرماندهی کل قوا بعهده بگیرند.

همانطور که قبلا گفتیم، ما با مردم خود با صداقت صحبت می کنیم. ما در چهار چوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می کنیم واین به هیچ وجه تاکتیك نیست، ولی سلحشوران ارتش اسلام باید خود را آماده کنند که اگر دشمن بست دست به حملاتی زد جواب مناسبی به آن بدهند.

فرزندان انقلابیم، توجه کنید امروز روز حضور گسترده در جبهه‌ها است فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است خود را بسیج به سلاح ایمان وجهاد کنید. بر دشمن غدار رحم جایز نیست واینها تمام حرفهایشان یك فریب است ما خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجامع بین‌المللی نیست وما تا قبول قطعنامه از سوی عراق، جواب دشمنان را در جبهه‌ها خواهیم داد.

---

## امام، در پاسخ به نامه حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی در مورد فاجعه کشتار زوار بیت‌الله‌الحرام

# جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی که دل مسلمانان را آتش زد، چیزی نیست که تا ابد بشود آن را فراموش کرد و یا ساکت ماند

حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در نامه‌ای که به محضر امام امت ارسال کرد در مورد ادامه کار رسیدگی به امور حجاج، کسب تکلیف کرد.

متن نامه به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

محضر رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی و مرجع عالیقدر جهان اسلام، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی.

ضمن عرض سلام و تحیات لازمه، خدمت حضرت مستطاب عالی و تشکر فراوان از حجاج عزیز ایرانی که به عشق اسلام و تبعیت از اوامر مطاع آن رهبر بزرگوار، در طول مراسم حج، خصوصا پس از فاجعه خونین مکه مکرمه که با روحیه‌ای مقاوم و اراده‌ای وصف ناشدنی، ایثارگرانه آماده هرگونه جانبازی در راه صیانت از اسلام و احکام حیات بخش قرآن کریم بوده‌اند و تقدیر از زحمات دست اندرکاران در امور حج که زحمات زیادی در حج امسال متحمل شده‌اند، به استحضار آن امام عزیز می رساند: از آنجا که همه ساله پس از پایان مراسم حج از حضرت عالی جهت ادامه کار کسب اجازه می‌شد، لذا با توجه به اینکه برنامه‌ریزیهای سالانه حج از هم اکنون باید شروع شود، استدعا دارد، اوامر مقتضی را آن رهبر معظم صادر فرمایند. خداوند سبحان وجود پربرکت آن امام بزرگوار را تا حضور امام عصر ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مسلمین و مستضعفین جهان اسلام، به سلامت نگهدارد و مسلمین و مستضعفین را از شر دشمنان اسلام و انسانیت، خصوصا شیطان بزرگ آمریکا نجات دهد.

«مهدی کروبی»

متن پاسخ امام امت به نامه حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی دامت افاضاته.

پس از تشکر از مقاومت اسلامی و وصف ناپذیر حجاج مظلوم و محترم بیت‌الله الحرام در مقابل هجوم آل سعود، این روسیاهان تاریخ و عمال چشم و گوش بسته آمریکای جهانخوار و نیز تشکر از مقاومت متعهدانه و شجاعانه جنابعالی که با وجود گرفتاری در چنگال خون آشام آل سعود، با پیام‌ها و مصاحبه‌های آتشین، پرده از چهره کریه این جنایتکاران تاریخ برداشته و کوس رسوایی فراموش ناشدنی آمریکای جنایتکار و عمال خبیث آن را در عالم بصدا درآوردید، جنابعالی را که بحمدالله در صف اول مجاهدان اسلام بوده و هستید چون سالهای گذشته به نمایندگی از طرف خود به سرپرستی حجاج بیت‌الله الحرام منصوب می نمایم.

جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی که دل مسلمانان متعهد جهان را آتش زد، چیزی نیست که تا ابد بشود آن را فراموش کرد و یا ساکت بود.

در اینجا لازم می‌دانم که از زحمات تمامی دست اندرکاران و مسئولین حج و از جناب حجت‌الاسلام آقای امام جمارانی دامت افاضاته که با تعهد و مقاومت خود، موجب سرافرازی جمهوری اسلامی ایران گردیده‌اند و باعث شادی روح شهدا شده‌اند، تشکر کرده و توفیق هرچه بیشتر همه را در خدمت به اسلام و احکام نورانی آن، از خداوند خواستارم و برای شهدای گرانقدر مکه خونین ما که با اهداء خون خود پرچم سرخ توحید، رسالت و امامت را در آسمان و زمین به اهتزاز درآوردند طلب رحمت و مغفرت نموده و برای بازماندگان آنان که افتخار بزرگی نصیبشان شده است، صبر و اجر مسئلت می نمایم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

هیجدهم شهریور ۶۶ ـ روح‌الله الموسوی الخمینی

---

# امام: مردم برای بازسازی کشور باید هرچه قدرت دارند، تحت نظارت دولت به میدان بیاورند

رئیس جمهوری، نخست وزیر و اعضای هیات دولت به مناسبت هفته دولت با امام امت در حسینیه جماران دیدار کردند.

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در این دیدار تاکید کردند که «دشمن همواره در حال نقشه کشی است و بنابراین مردم باید همواره آماده و مهیای رویارویی با دشمن باشند و نباید از دشمن غفلت کرد. مردم باید جبهه‌ها را پر کنند.»

رهبر انقلاب اسلامی از ملت ایران و هیات دولت به خاطر دفاع ازا سلام در ایام جنگ و علیرغم فشارهای دشمن، تشکر کردند.

در این دیدار، نخست رئیس جمهوری و نخست وزیر گزارشهای جداگانه‌ای پیرامون کیفیت وضع قوه اجرائی ارائه کردند.

آنگاه امام خمینی پیرامون آینده جنگ، لزوم آمادگی مردم درقبال تجاوزات و ترفندهای دشمنان، برنامه‌ریزیهای مربوط به بازسازی ولزوم مشارکت مردم در بازسازی کشور پس از جنگ، بیاناتی به این شرح ایراد فرمودند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ ما اولا تشکر می کنیم از هیات دولت و ملت ایران که در این ایام جنگ با اینکه خیلی تحت فشار بودند، با قدرت و با حفظ عظمت اسلام، کارها را به خوبی انجام دادند تا این خار سدراه شکسته شد. و ما امروز باید بعضی مسائل را عرض کنیم: من جمله اینکه، ما نباید حساب کنیم که جنگ تمام شده است ما باید حساب کنیم که در حال جنگیم. برای اینکه دشمن ما، چه دشمن‌های بزرگ از قبیل آمریکا و شوروی و چه آنهایی که اذناب آنها هستند. از قبیل صدام و امثالهم. چون با اسلام مخالف هستند و دیده‌اند که امروز در دنیا در مقابل آنها، اسلام، قدرت بزرگی شده است، از این جهت آنها دائما مشغول نقشه کشی هستند و ما نباید از این مساله غفلت کنیم. مردم باید مهیا باشند، قوای مسلحه مهیا باشند، مردمی که باید به جبهه بروند و جبهه را پر کنند، این مطلب را تعقیب کنند و سستی نکنند.

دشمن ما، دشمنی است که با نقشه کار میکند. الان ممکن است که در ایران منتشر کنند که خوب دیگر مساله تمام شد و چه شد و مردم را سست کند، حال آنکه مساله تمام نشده است. اینها همیشه دنبال این هستند که کارهای خودشان را انجام دهند، ولو به دست ملتها یا دولتها. در ایران چون نمی توانند این کار را بکنند، نه ملت با آنها است نه دولت، از این جهت دارند راههای دیگری را دنبال می کنند.

لذا ما باید بیدار باشیم، جبهه‌ها باید پر باشند، ماخودمان را درحال جنگ بدانیم. می‌بینید که به هیچ چیز از امور اعتنا ندارند. امروز می گویند جنگ، فردا همان جنگ را صلح می کنند، باز فردا جنگ شروع میکنند. ازاین جهت قوای مسلحه ما و ملت ما باید برای این امر مهیاباشند.

این یك مساله است، مساله دیگر، مساله بازسازی است که بسیار مهم است. در بازسازی اگر بخواهد ملت سر خود کار بکند، فساد ایجاد میشود. اگر بخواهد دولت مستقل اجرا کند، قدرت ندارد. باید مردم همراهی کنند وهر چه قدرت دارند برای این امر مهم به میدان بیاورند، لکن با نظارت دولت، و راجع به اینکه کجا مقدم، کجا موخر باشد، این صحبت بالاخره پیش می آید و صلاح این است که هیات تشخیص مصلحت باشد، مرکب از سران کشور و نخست وزیر و تشخیص مصلحت بدهند، کجا باید اول باشد، کجا باید بعد باشد وصنعتش باید چه جور باشد. مردم نیز خودشان داخل باشند، لکن مستقل نباشند و دولت باید به مردم مجال بدهد به اینکه در کارها داخل بشوند و مردم هم باید به دولت مجال بدهند که با تانی و نقشه کشی این کار مهم را انجام بدهند.

ممکن است، دستهایی در کار باشند که بخواهند در همین مقوله بازسازی هم شلوغ کنند و فساد ایجاد کنند، این را باید خیلی متوجه باشند و همان هیات تشخیص مصلحت که مرکب از سران کشور است، آنها باید در این امور نظارت کنند، لکن مردم را هم شرکت بدهند. چنانچه، حالا که بعد از جنگ است، مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند، لکن با نظارت دولت که یك وقت خدای نخواسته دوباره از آن چیزهایی که از خارج می آوردند و آن چیزهای فاسدی که می آوردند دوباره شروع نکنند.

دولت اجازه بدهد مردم از خارج چیز بیاورند، تجارت کنند، لکن نظارت داشته باشد که فساد ایجاد نشود. اینهم یك مطلبی است که مهم است و باید خیلی درش دقت کرد.

و باز مسائلی هست که تمامش مربوط به این است که ما باید بیدار در این امور باشیم. نباید توهم کنیم که باید همه آن کارها به زودی درست بشود. الان ممکن است که یك عده‌ای بیفتند توی مردم، اشخاصی که مخالف با ما هستند، هستند، زیادند، الان هستند که خوب جنگ تمام شد، یاالله زود تمام کنید، مطلب یك مطلبی نیست که به زودی تمام بشود. مطلبی است که هشت سال کوبیدند، شهرهای ما را از بین بردند، این باید اقلا همانقدری که آنها کردند، ما دنبال کنیم که انشاءالله تا چند سال دیگر بتوانیم این کار را انجام بدهیم.

مردم ننشینند، گوش کنند به حرف اشخاص که زود باید درست بشود. فوراً باید همه چیز درست بشود، نه،نمی تواند. مساله‌ای است که نمی شود. همین در این امر باید خیلی دقیق باشند،هم درمهیا بودن راجع به جنگ، و من امیدوارم که خداوند تائید کند شما راهمانطور که تا حالا تائید کرده است.

ماتاحالا با تائیدات الهی پیش رفته‌ایم، بنابراین همراه ماابن اتکال به خداوند تبارك و تعالی است. تا حالا هر چه شده به دست او بوده است. از حالا هم تا آخر به دست او است و ما هم تابع هستیم که کارهایی که ایشان می گوید، عمل کنیم. شما هم متوجه به این معنا باشید که اتکاتان را به خدا زیاد کنید و توجهتان را به خدا زیاد کنید و ما چیزی نیستیم، ما هیچ هستیم. آنچه هست او است و آن که کار می کند، او است و من هم که وظیفه‌ام دعاست. من دعا می کنم، راجع به همه شما و ازخدای تبارك و تعالی می‌خواهم که به همه شماتوفیق بدهد، به همه شما سلامت، به ملت ایران پیروزی و سلامت بدهد. خداوند دشمنان اسلام را نابود کند.

«والسلام علیکم و رحمة‌الله وبرکاته»

پیش از سخنان امام امت آقای خامنه‌ای طی گزارش کوتاهی گفت که در مقطع کنونی و در برابر وظایف سنگینی که برای ادامه بازسازی کشور در پیش رو داریم، ازهمیشه بیشتر نیاز به کمك و هدایت حضرت امام داریم تا مجموعه خدمتگزاران کشور و اعضای دولت بتوانند وظایف خود را به نحو مطلوب ارائه دهند.

رئیس جمهوری افزود: در دوران هشت ساله جنگ و در حالی که زیر فشار اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی دشمنان از همه طرف قرار داشتیم، خدمتگزاران در دولت با اتکاء به هدایت الهی، همه تلاش خود را بکار بردند.

وی همچنین گفت: به غیر از لطف الهی، دو عامل حمایت حضرت امام و همراهی مردم موجب پیشبرد کارها بوده است و امیدوارم در دوره سازندگی نیز از این سه موهبت بتوانیم کمك بگیریم.

همچنین مهندس موسوی نیز در سخنان کوتاهی خاطرنشان ساخت که هفته دولت را دست اندرکاران دولت، هفته تجدید عهد با راه و پیام شهیدان راه انقلاب تلقی می کنند.

وی افزود: اعضای هیات دولت همواره در مقابل عظمت کارمردم و روح مردم احساس حقارت و کوچکی می کند و بار اصلی کارها همواره به دوش مردم بوده است. مردم ما با کارهای خود قدمهایی بر می‌دارند که اعجاب‌آور است.

وی ابراز امیدواری کرد که دولت باز هم توفیق خدمت به مردم در مقابل ایثار و فداکاری آنان داشته باشد.

---

## امام، در پیام تجلیل از خدمات پرسنل صنعت نفت کشور:

# امروز پدر پیر شما، خمینی، از شما کارگران و صنعتگران و متخصصان می‌خواهد که با تمام قدرت مواظب باشید که دوباره مردم ما گرفتار ابرقدرتها و قدرتها نشوند

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در پاسخ گزارش وزیر نفت، طی پیام مهمی از زحمات و فداکاری کارکنان صنعت نفت و دیگر بخش‌های صنعتی و تولیدی کشور قدردانی و در زمینه سیاست بازسازی کشور رهنمودهایی ارائه فرمودند.

متن پیام امام امت به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ملت بزرگ و شریف ایران در دوران مبارزه و پیروزی انقلاب و نیز از آغاز جنگ تاکنون شاهد صداقت و تلاش و مجاهدات کارگران عزیز و مسئولین محترم صنایع و کارخانجات، خصوصا عزیزان شرکت و صنعت نفت بوده است که به حق در حساس‌ترین شرایط، شایسته‌ترین خدمات را به انقلاب و میهن اسلامی نموده‌اند. ارزش مبارزه آنان با رژیم طاغوتی شاه در اعتصاب و بستن شیرهای نفت به روی بیگانگان و وارد کردن ضربه قاطع بر آنان فراموش نخواهد شد.

امام مهمتر از آن اینکه در طول جنگ تحمیلی، علی رغم احتمال خطرات فراوان و به بمباران‌های مکرر مراکز صنعتی و نفتی، مسئولین و کارگران متعهد و دلسوز انقلاب با تکیه بر ایمان به خدای بزرگ و اعتماد به نفس، هیچگونه سستی به خود راه ندادند و با اراده‌ای محکم آبروی انقلاب را حفظ نموده و اسلام و ایران را سر افراز نموده‌اند. و در سخت‌ترین مواقع و شرایط، تولید و صادرات نفت را در بالاترین حد نیاز حفظ و علاوه برترمیم مراکز آسیب دیده در اعماق آبها و دریاها و بستر زمین‌ها و قلل کوه‌ها، به توسعه این صنعت مهم و اکتشاف ادامه دادند که برای بسیاری از صاحب نظران امور، شگفت آور است.

چرا که در اوج حملات بی وقفه دشمنان، حتی یك روز هم تولید و صادرات نفت این کشور قطع نگردید. این نیست جز عنایت پروردگار و توجه حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه و عشقی که در دل این عزیزان همانند عشق بسیجیان به دفاع مقدس نهفته است.

من موارد متعددی از تلاش و مجاهدات این هنرمندان عاشق را در گزارشات وتصاویر دیده‌ام. اطمینان داریم که اگر عشق به خدا و مکتب نبود، هیچگاه آنان حاضر نمی شدند در مراکز و کارخانجات و پالایشگاه هایی که محاط به انواع خطرها و مملو از مواد آتش زا بوده‌اند. به کار خود ادامه دهند، افرین بر شما کارگران و کارفرمایان و متفکرینی که آتش دنیا را به خاطر جلب رضایت حق بر خود خریدید.

من ضمن تشکر از گردانندگان صنایع کشور، خصوصا صنعت نفت و گاز از همه آنان می‌خواهم که با تلاش خود به دنیا ثابت کنند که می‌توانند با فکر خود چرخ اقتصادی کشور را به حرکت در آورند و انشاءالله آنها با مژده راه اندازی کامل صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در آینده‌ای نه چندان دور، چشم و دل مردم ایران را روشن و شاد خواهند کرد.

شما با تلاش در این امر مقدس به جهانیان ثابت خواهید کرد که فشارهای اقتصادی پس از جنگ، ما را به هیچ کشوری وابسته نخواهد کرد.

ضد انقلاب داخل و خارج و استعمار چپ و راست در تمامی زمینه‌ها تبلیغ می کنند که فشارهای اقتصادی پس از جنگ کمر نظام نوپای اسلامی را خواهد شکست. باید آنها این آرزو را به گور ببرند.

مردمی که در زیر بمباران‌ها و در تمامی مصائب، خود را برای یك مبارزه طولانی آماده کرده‌اند، هرگز حاضر نیستند کوچکترین نرمشی در مقابل جهان استکبار داشته باشند.

این از بدیهیات است که نارسایی‌های پس از جنگ به سرعت بر طرف نمی‌شود و چند سالی وقت لازم است تا کمبودها برطرف شود، عزیزانی که در کارخانه‌های وابسته به صنایع سبك و سنگین و نفت و گاز و معادن و نیرو و پست و تلگراف و تلفن و راه و ترابری و سایر مراکز کار می‌کنند، خدا را در نظر بگیرند و گوش به تبلیغات دشمنان ندهند و استوار و مقاوم در راه اندازی چرخ‌های اقتصادی و صنعتی کشور کوشش نمایند.

امروز دنیا اعمال ما و شما را زیر ذره‌بین گذاشته است تا ببیند چه کاره‌ایم و چقدر توان مقابله با مشکلات را داریم.

امروز، پدر پیر شما، خمینی، از تمامی شما کارگران و صنعتگران و متخصصین می‌خواهد که با تمام قدرت مواظب باشید که دوباره مردم ما گرفتار ابرقدرتها و قدرتها نشوند.

مشکلات پس از جنگ یکی پس از دیگری رخ می‌نمایاند و نظام نوپای ما انشاءالله در مقابل آنها چون کوه ایستاده است و مردم عزیز زیر فشار چرخ‌های زندگی و اقتصادی همانگونه که تا به حال برای خدا و دین او مقاومت کرده‌اند، بعد از این نیز با تمام توان استقامت می کنند، والا همه زحمات این سالیان پر درد و اضطراب و افتخار از بین خواهد رفت، هشیاری مردم در وضع فعلی یکی از عوامل پیروزی آنان بر باطل است و مردم تصور نکنند، ایادی نفوذی استکبار و آمریکا دست از شیطنت برداشته‌اند، در هر جا و در هر مقوله‌ای در احتمال حضور و کارشکنی آنان هست.

باید با دقت مراقب بود که نکند دستی در کار باشد که تبلیغ کند، جنگ تمام شد و وضع کشور فرق نکرد، مگر آثار جنگ ظرف یکی دو سال تمام می شود. من دست و بازوی همه کسانی که بی ادعا و مخلصانه در صدد استقلال و خودکفایی کشورند، می بوسم. باز سفارش می کنم که به خدا متکی باشید و برای همیشه زیر بارشرق و غرب نروید.

مردم باید تصمیم خود را بگیرند یا رفاه و مصرف گرایی، یا تحمل سختی و استقلال و این مساله ممکن است چند سال طول بکشد ولی مردم ما یقینا دومین راه را که استقلال و شرافت و کرامت است انتخاب خواهند کرد. ضرورتی به گوشزد کردن اهمیت نفت در معادلات جهان و اقتصاد بین‌المللی و نیز نقش عظیم صنعت نفت و انرژی را در کشورها و سیاستها نمی بینم.

انشاءالله مسئولین امر با توجه کافی و بصیرت و دقت از این گنج‌ها و ذخایر سیال خدادادی پاسداری نمایند و در توسعه و استفاده هر چه بیشتر و بهتر آنها تلاش نمایند و در تامین نیازهای جامعه و با برهنگان و اولویت دادن به مناطق محروم موفق باشند.

خداوند تعالی این روحیه مقدس سربازی و فداکاری را در کلیه کارگران و کارمندان و متخصصان تا رسیدن به استقلال و خودکفایی کامل حفظ فرماید. خداوند شهدای عزیزشان را غریق الطاف و عنایت خود فرماید و به جانبازان شفا دهد و مفقودین و اسراء را به وطن و آغوش خانواده‌های عزیز خویش برگرداند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله

روح‌الله الموسوی الخمینی ۱۳۶۷/۱۰/۲۰

---

# امام: نظام در اهداف خود جدی است و با هیچکس شوخی ندارد و در صورت به خطر افتادن ارزش‌های اسلامی، با هر کس در هر موقعیت، قاطعانه برخورد می نماید

در پی درخواست اعضای شورای عالی سازمان تبلیغات اسلامی مبنی بر تعیین مستقیم فردی از سوی مقام معظم رهبری به ریاست این سازمان، امام خمینی رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران طی حکمی آیت‌الله جنتی را به مدیریت وریاست سازمان تبلیغات اسلامی منصوب فرمودند.

متن حکم امام امت به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ احمد جنتی دامة افاضاته

به دنبال درخواست اعضای محترم وبزرگوار شورایعالی سازمان تبلیغات، مبنی بر اینکه برای پیشبرد بهتر کار، شخصی از طرف اینجانب به تنهایی مسئول آن سازمان گردد، جنابعالی را به مدیریت وریاست آن سازمان منصوب می نمایم.

روشن است شما که از افراد متدین، خوب وبا سابقه طولانی در مبارزات می‌باشید وعمری را در حوزه‌های علمیه سپری کرده‌اید، می توانید خدمات ارزنده‌ای به اسلام وانقلاب بنمائید.

امیدوارم با تلاش پی گیر وبا استفاده از همه نیروهای مومن به انقلاب واسلام از عهده این مهم برآئید.

تبلیغات که همان شناساندن خوبی‌ها وتشویق به انجام آن وترسیم بدیها ونشان دادن راه گریز ومنع از آن است، ازاصول بسیار مهم اسلام عزیز است انشاءالله در محدوده توانتان نقاط کور ومجهول را برای مردم شریف ایران وجهان اسلام باز وروشن نمائید وچهار چوب اسلام ناب محمدی که در ترسیم قهر وخشم وکینه مقدس وانقلابی علیه سرمایه داری غرب وکمونیزم متجاوز شرق است، ونیز راه مبارزه علیه ریا وحیله وخدعه را به مردم وبخصوص جوانان سلحشورمان نشان دهید. این مسئله که نظام در اهداف خود جدی است وبا هیچکس شوخی ندارد ودر صورت به خطر افتادن ارزشهای اسلامی با هر کس در هر موقعیت قاطعانه، برخورد می نماید، باید به عنوان یك اصل خدشه ناپذیر برای تمام دست اندرکاران ومردم تبلیغ گردد.

توفیق جنابعالی واعضای معزز ومحترم شورایعالی سازمان تبلیغات اسلامی وتمامی افراد این سازمان را از خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

۶۸/۱/۱۴ ـ روح الله الموسوی الخمینی

---

# حکم شرعی امام در مورد نویسنده مرتد کتاب آیات شیطانی

در پی انتشار کتابی بنام «آیات شیطانی» در اروپا وآمریکا که در آن به ساحت مقدس پیامبر عظیم‌الشان اسلام(ص) اسائه ادب شده است، امام خمینی رهبر معظم انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پیامی خطاب به مسلمین جهان صادر فرمودند. متن پیام به این شرح است.

بسمه تعالی

انا لله وانا الیه راجعون

باطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می رسانم مولف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام وپیامبر وقرآن تنظیم وچاپ ومنتشر شده است وهمچنین ناشرین مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام می‌باشند.

از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که انان را یافتند سریعا انها را اعدام نمایند، تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید وهر کس در این راه کشته شود، شهید است. انشاء الله.

ضمنا اگر کسی دسترسی به مولف کتاب دارد، ولی خود قدرت اعدام آنرا ندارد او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته روح الله الموسوی الخمینی

---

# پاسخ حضرت امام به دو استفتاء

امام خمینی رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ دو سئوال طی فتاوی جداگانه‌ای بازی شطرنج را در صورتی که برد و باختی در بین نباشد و تنها به عنوان یك ورزش فکری از آن استفاده شود و نیز خرید و فروش آلات موسیقی را به عنوان استفاده‌های مشروع از آن مجاز اعلام کردند.

متن این سئوال ها و فتاوی امام امت به آنها به قرار زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

خدمت مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

۱ـ از آنجا که آلات لهو ولعب استفاده‌های مشروع از قبیل نواختن سرودها را دارد، آیا خرید و فروش آن بی اشکال است.

پاسخ امام امت:

بسمه تعالی

خرید و فروش آلات مشترکه به قصد منافع محلله آن اشکال ندارد.

۲ـ اگر شطرنج آلت قمار بودن خود را به طور کلی از دست داده باشد و چون امروز تنها به عنوان یك ورزش فکری از آن استفاده گردد، بازی با آن چه صورتی دارد؟

پاسخ امام امت:

بسمه تعالی

بر فرض مذکور، اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکال ندارد.

---

## پاسخ امام به استفتاء شورای نگهبان

# معادن ملی از تبعیت املاك شخصیه خارج است

امام خمینی در پاسخ به سئوال آیت‌الله صافی دبیر شورای نگهبان مبنی بر اینکه آیا معادن نفت به تبع ارض یا احیاء مربوط به مالك خاص است یا از انفال محسوب میشود و در صورت عدم تبعیت تصرف در زمین‌ها جهت استخراج معادن جایز است یا خیر؟ چنین مرقوم فرمودند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حضرات حجج اسلام، آقایان فقهای شورای نگهبان دامت افاضاتهم.

پس از اهداء سلام و تحیت، اصل مسئله تبعیت اعماق زمین و نیز هوا نسبت به املاك شخصی تا حدود احتیاجات عرفی است. مثلا اگر کسی در خارج از محدوده منزل یا زمین شخصی و یا وقفی کانالی زده و از زیر زمین آنها عبور کند و یا تصرف نماید، دارندگان منازل و زمین یا متولیان نمی‌توانند ادعایی بنمایند. یا اگر کسی بالاتر از مقدار متعارف بنایی ایجاد و یا رفت و آمد نماید، هیچیك از مالکین و یا متولیان حق جلوگیری از او را ندارند و بالاخره تبعیت زمین شخصی به مقدار عرفی است و آلات جدیده هیچگونه دخالتی در تعیین مقدار عرفی ندارند، ولی تبعیت کشور مقدار بسیار زیاد است و دولت حق دارد از تصرف بیش از حد عرفی شخص و یا اشخاص جلوگیری نماید.

بنابراین نفت و گاز و معادنی که خارج از حدود عرفی املاك شخصی است تابع املاك نمی‌باشد و اما اگر فرض کنیم معادن نفت و گاز در حدود املاك شخصی است، که فرض بی‌واقعیت است این معادن چون ملی است و متعلق به ملت‌های حال و آینده است که در طول زمان موجود می گردند، از تبعیت املاك شخصیه خارج است و دولت اسلامی می تواند آنها را استخراج نماید، ولی باید قیمت املاك اشخاص و یا اجاره زمین تصرف شده را مانند سایر زمین‌ها بدون محاسبه معادن در قیمت و یا اجاره بپردازد و مالك نمی تواند از این امر جلوگیری نماید.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

انشاءالله موفق و موید باشید ۶۶/۸/۳

روح‌الله الموسوی خمینی

## پیام مهم و تاریخی امام در باره سالروز فاجعه خونین مکه و حج ۶۷

# منشور مقاومت

امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی به مناسبت فرا رسیدن [illegible] سالروز کشتار زائران بی‌گناه ایرانی در مکه معظمه و سالروز قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، پیام مهمی خطاب به ملت ایران فرستادند.

متن پیام به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

لقد صدق‌الله رسوله الرؤیا بالحق لتدخلن المسجدالحرام انشاءالله آمنین [illegible]

آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق [illegible] اذناب آنان برگشته بودند. در مسلخ عشق و در منی رضایت حق جشن گرفتند. و باردیگر آمریکا و آل سعود برخلاف راه و رسم آزادگی از زنان و مردان از مادران و پدران شهید از جانبازان بی‌پناه نیمه جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند؟ انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند؟ انتقام از کسانی که همچون ابراهیم علیه السلام از بت شکنی برمی گشتند؟ شاه را شکسته بودند؟ شوروی و آمریکا را شکسته بودند کفر و نفاق را خرد کرده بودند. هم آنها که پس از طی آنهمه راهها با فریاد: «اذن فی الناس بالحج یاتوك رجالا». پابرهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند و عطش خویش را در زلال مناسك حج برطرف نمایند. و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند. و در سیر و صیرورت ابدی خود نه تنها در میقات حج که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند هم آنها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را برخود حرام و محرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کرده‌اند تا نه تنها بنده زرخرید آمریکا و شوروی نباشند که زیربار هیچکس جز خدا نروند، آمده بودند که دوباره به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به خوبی می‌دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته‌اند و با خود می گویند مگر هنوز لات و هبل در کعبه‌اند؟ آری. خطرناکتر از آن بتها اما در چهره و فریبی نو. آنها می‌دانند که امروز حرم حرم است. اما نه برای ناس که برای آمریکا و کسی که به آمریکا لبیك نگوید و به خدای کعبه روآورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابیشان مناسك ابراهیم را زنده کرده و حقیقتا می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لبیك اللهم لبیك» معطر سازد.

آری در منطق استکبار جهانی هرکه بخواهد برائت از کفر و شرك را پیاده کند، متهم به شرك خواهد شد و مفتی‌ها و مفتی زادگان این نوادگان «بلعم باعورا»ها به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می بایست آن شمشیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی امیه علیهم لعنة‌الله برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام یعنی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و یاوران باوفای او پنهان شده بود مجددا از لباس همان میراث خواران بنی سفیان به درآید و گلوی پاك و مطهر یاوران حسین علیه السلام را در آن هوای گرم در کربلای حجاز و در قتلگاه حرم پاره کند و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را خارجی و ملحد و مشرك و مهدورالدم معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان آورند که انشاءالله ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام آمریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد و با برهانی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.

اما زائران کشورها که یقینا با کنترل و ارعاب دولتها و حکومتهایشان به مکه سفر کرده‌اند جای دوستان و برادران و حامیان و هم سنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل سعود برای پرده پوشی جنایات هولناك سال گذشته خود و هم چنین توجیه «سد عن سبیل الله» و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد و آخوندهای درباری و مفتی های خودفروخته (لعنة‌الله علیهم) در کشورهای اسلامی ـ خصوصا حجاز ـ توسط رسانه‌ها و مطبوعات دست به نمایشها و سخنرانیها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درك فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود و مسلم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است.

بزرگترین درد جوامع اسلامی اینست که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درك نکرده‌اند. و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد، هنوز به صورت یك عبادت خشك و یك حرکت بی حاصل و بی ثمر باقی مانده است. یکی از وظائف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست؟ و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند، چیزی که تابه حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیل گران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است، اینست که حج یك عبادت دسته جمعی و یك سفر زیارتی سیاحتی است، به حج چه که چگونه باید زیست؟ و چطور باید مبارزه کرد؟ و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد؟ به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند؟ به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود؟ به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یك نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند؟ به حج چه که مسلمانان را علیه حکومتهای وابسته بشوراند؟ بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس. و حال آن که حج برای نزدیك شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشك انسان به خدا نمی رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همهٔ صحنه‌های عشق آفرین زندگی انسان و یك جامعهٔ متکامل در دنیاست و مناسك حج، مناسك زندگی است و از آنجا که جامعه امت اسلامی از هر نژاد و ملیتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد (صلی‌الله‌علیه وآله وصلم) پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصهٔ نمایش و آئینهٔ سنجش استعدادها و توان مادی معنوی مسلمانان است. حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می شوند ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیك شدن و فرو رفتن در احکام و سیاستهای اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا، گوهرهای هدایت و رشد و حکمت آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت، ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج به‌سان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاك کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است. و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی‌ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است. سرنوشتی که میلیونها مسلمان هرسال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسمعیل و هاجر می گذارند، ولی هیچ کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد (علیهاالسلام) که بودند؟ و چه کردند؟ هدفشان چه بود؟ از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی شود به همین است. مسلم حج بیروح و بی تحرك و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرك برنیاید، حج نیست. خلاصه همهٔ مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و باز گرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج، همه‌ی بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علماء درباری را به دریا بریزند. اما آنچه زائران عزیز باید بدانند، این که آمریکا و آل سعود حادثه مکه را یك مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یك امپراطوری بزرگ را در سر می پرورانند معرفی می کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهانخواران بی‌خبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملتها در مسیر کسب قدرت سیاسی‌مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ماوهمه اندیشمندان ومحققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند، جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهان اسلام خود را شریك غم و شادی مسلمانان می‌داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند و یا بالاتر از آن زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته‌اند، به لشگرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند و دلیل و مدرك این کار را حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند. آری در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشگری تعجب آور و توطئه انگیز می‌شود. از نظر استکبار مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند. آنها را به حج چه کار؟ دست نشاندگان آمریکا آتش زدن پرچم آمریکا را به حساب آتش زدن حرم و شعار مرگ بر شوروی و آمریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته‌اند و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام، به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده‌اند.

واقعیت اینست که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی عملا جهان را به دوبخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملتها را امری ضروری و کاملا توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد. همه قوانین و مقررات و فرمولها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش، همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها، جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند، و منافع جهانخواران ایجاب می کند که هیچکس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند، ندارد و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبتهایی که حاکمان کشورشان بر آنها تحمیل کرده‌اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصائب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره‌ای بیاندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حرم امن الهی خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان، آزاد ببینند و در یك مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود استفاده نمایند. حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را بعهده گرفته است و اینجاست که با اطمینان می گوئیم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین، تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و انشاءالله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران وجیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند. کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله سلم) است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام ومسلمین دارد. پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست نشانده به خاك مذلت نشسته‌اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را درطول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می کنند؟ مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت درجهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند که از یك طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بی شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران برمظلومین و پابرهنه‌ها و دریك کلمه اسلام آمریکائی را ترویج می کنند و ازطرف دیگر سربر آستان سرور خویش آمریکای جهانخوار میگذارند؟ مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و خادم الحرمین به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی بریم و برای اثبات حرف خود، با ایران قطع رابطه می کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یك جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یك چنین معامله کثیف سیاسی و خود فروشی ووطن فروشی نمی‌شدند. آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچی شدن، گناه و جرم نمی‌باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا به پا خیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یك میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آنهمه فجایع صهیونیستها بگذارند ودوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند. حال مسلمانان باور می کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده‌اند و می‌خواهند کعبه را دزدیده و به قم ببرند؟ اگر مسلمانان جهان باور کرده‌اند که سران آنها دشمنان واقعی آمریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان را هم درمورد ما باور می‌کنند. البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامیمان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام درجهان وکم کردن سلطه جهانخواران بوده وهستیم، حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می گذارند، از آن باك نداریم و استقبال می کنیم. مادر صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم، درجهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند، نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را درجهان استکبار ترویج نمائیم و دیریا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود.

ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران آمریکایی، حتی اگر با مبارزه قهر آمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم. انشاءالله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با آمریکا و شوروی و کفر وشرك نواخته شود. و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنهااز کعبه مسلمین که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ آمریکا و شوروی را به صدا درآوریم. مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است، احساس غرور و آزادی کنند و آوای آزادی و آزادگی را درحیات و سرنوشت خویش سردهند و برزخمهای خود مرهم گذارند که دوران بن بست و ناامیدی و تنفس در منطقه کفر به سرآمده است و گلستان ملتها رخ نموده است و امیدوارم همه مسلمانان، شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده‌ی خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست آمریکا و شوروی برآن تخم مرگ و اسارت پاشیده‌اند به درآئیم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است، روانه شویم و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس آمریکا و آمریکازاده‌ها آلوده شده است با اشك چشم خویش شستشو دهیم.

مسلمانان تمامی کشورهای جهان از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند، استفاده نمائید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهائی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه مبارزه است و اولین گام در مبارزه، اراده است و پس از آن، تصمیم براین که سیادت کفر و شرك جهانی، خصوصاً آمریکا را برخود حرام کنید. ما، در مکه باشیم یا نباشیم، دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینه‌الرسول را بروی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم و خدا را سپاس می گزاریم که در میثاقمان با خدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیراسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند، ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم و همه اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم برنمی‌داریم. جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علیرغم اختناق سیاسی حاکم برآنها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه‌ها و سخنرانیها پرده از اسرار جنایت‌بار آمریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند، تشکر می‌نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان برمنافع آنان مقدم می‌شود. و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می آورند. راستی اگر مسلمانان مسایل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا یك کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاك یکسان کند، چه کسی جلو او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً آمریکا را شکست و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود؛ یا شهادت یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است، که انشاءالله خداوند قدرت شکستن چارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران و نیز جسارت ایجاد داربستهائی برمحور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید. و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را برراهپیمایی برائت از مشرکین، به خوبی درك نکرده بودند و از خود و دیگران سئوال می کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم، چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود؟ و چه بسا افراد ساده‌دلی تصور می کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل این گونه مسایل سیاسی را خواهد داشت که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد و دلیل این مدعی اجازه راهپیمایی هائیست که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می شود، ولی این مسئله باید روشن باشد که آنگونه راهپیمایی‌ها هیچگونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیمایی های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می‌شود و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده‌دلان می‌فهمند که نباید سر برآستان شوروی و آمریکا نهاد. ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشاء تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود. و با این که بیشتر از یکسال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاك شهداء عزیز ما در تمامی جهان، پیچیده و اثرات آن را در اقصی نقاط عالم مشاهده می کنیم. حماسه مردم فلسطین یك پدیدهٔ تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانهٔ صهیونیستها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطن گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خودفروخته است که بر دامن فلسطینیان میوهٔ استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر این چنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران، شاه را و در بیت‌المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سرداد، و مرگ بر امریکا و شوروی و اسرائیل گفت، و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما برآن ریخته شد، او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری فلسطینی، راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد. و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره کوکب دریه فلسطین از شجرهٔ مبارکه «لاشرقیه ولاغربیه» ما برافروخت و امروز به همان گونه که فعالیتهای وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرك در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز بهمان شکل ادامه دارد. و این تنها یك نمونه از پیشرفت انقلاب است و حال آن که معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان روبه فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می کنیم و هم آنهایی که با مرکب خون، طومار حمایت از ما را امضاء می کنند و با سروجان دعوت انقلاب را لبیك می گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بردوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند میبوسم و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می کنم و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم:

خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است و قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است. و شرارهٔ کینه‌ی انقلابیتان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است، البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم‌درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری در تنگنای مسایل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همهٔ مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت، ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همهٔ آنها نیست، اما آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیهای سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است. آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی ـ تبلیغاتی ـ روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشك باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حیله مقدس‌مابان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هریك از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند که خدا را سپاس می گذاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترك نگوید ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند به خوبی دریافته‌اند که مبارزه، با رفاه‌طلبی سازگار نیست و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند آنهائی هم که تصور می کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمك می کنند آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جوئی دو مقوله‌ای است که هرگز باهم جمع نمی شوند و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقراء و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپا دارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنمائیم تا به هرصورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی‌خبر، برای از بین بردن انقلاب هرکس را که بخواهد برای فقراء و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را کمونیست و التقاطی می‌خوانند از این اتهامات نباید ترسید، باید خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمك به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. آمریکا و استکبار، در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند؛ در حوزه‌ها و دانشگاهها مقدس نماهایی را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام و اینان با تزویرشان از درون، محتوای انقلاب و اسلام را نابود می کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب طرفدار دین وولایت،همه را بی دین معرفی می کنند.باید از شر این‌ها به خدا پناه بریم. و هم چنین کسانی دیگر که بدون استثناء به هرچه روحانی و عالم است حمله می کنند و اسلام آنها را، اسلام آمریکایی معرفی می نمایند، راهی بس خطرناك را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقراء در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

امروز جهان تشنه‌ی فرهنگ اسلام ناب محمدی است و مسلمانان در یك تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و هم‌چون همه عاشقان شهادت برای درك شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد.و ما باید در جنگ اعتقادیمان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه‌اندازیم. انشاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می کند و چه شیرینی بالاتر از این که ملت بزرگ ایران مثل یك صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است؟ چه شیرینی بالاتر از این که ملت ایران، سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستم‌شاهی را نظاره کرده است و شیشهٔ حیات آمریکا را در این کشور شکسته است و چه شیرینی بالاتر از این که مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملی گرائی و التقاط را خشکانیده است و انشاءالله شیرینی تمام ناشدنی آنرا در جهان آخرت خواهد چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آنهائی که در پشت جبهه با نگاه محبت باروبا دعای خیر خود، جبهه را تقویت نموده‌اند، از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان، خوشا به حال وارثان حسین علیه‌السلام. اذناب آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت خود اوج بندگی و سیر و سلوك در عالم معلویت است نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوئیم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملی گراهاست و ما هدفمان بالاتر از آنست. ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما میگوئیم تا شرك و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لااله الاالله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی ام و ای نیروهای مردمی هرگز از دست دادن موضعی را با تاثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت. پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهداء و اسراء و مفقودین و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان بدست آورده‌اند، کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسلهای آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است و دیروز خدا آنگونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست، ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خدائیم و به همین دلیل، طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسایل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده‌ایم، ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان، تنها از خود دفاع کرده‌ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است و استکبار از همه کمینگاه‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود، به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملتها نشان داده است، جهانخواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم و حال آن که این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که ای خواب رفتگان، ای غفلت زدگان، بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید، برخیزید که اینجا جای خواب نیست و نیز فریاد کشیم سریعا قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست. امریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست برنخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرات اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) داشت، امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما، اینست که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرائی نمود و اینجانب به نظامهای آمریکائی و اروپایی اخطار می کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرو نرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای شما سرنگون شود که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.

به دولتها و حکومتهای منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می گویم که همه شما در ماجراجویی ها و جنایاتی که آمریکا می‌آفریند شریك جرم خواهید بود ما تا به حال از این که همه منطقه در کام آتش و خون و بی‌ثباتی کامل غوطه‌ور نشود، دست به عملی نزده‌ایم، ولی حرکات جنون‌آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید، بازنده‌اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید. بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران، دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فروریزد. نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، اینست که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی، استقلال وآزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جزعدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهیمان نمی شناسند. به گفته قران کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند، مگر این که شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبیمان را لکه‌دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه‌توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند و با دلسوزیهای بی‌مورد و اعتراضهای کودکانه می گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادیشان افتاده است که چه خوبست این سئوال پاسخ داده شود که ملتهای جهان سوم و مسلمانان و خصوصاً ملت ایران درچه زمانی نزد غربیها و شرقیها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی اعتبار شده‌اند. آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) را با دستهای خود ویران نماید، آنوقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یك ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آنها آقا باشند و ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند، ما ضعیف آنها ولی و قیم باشند، ما جیره خوار و حافظ منافع آنها نه یك ایران با هویت ایرانی ـ اسلامی بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را آمریکا و شوروی صادر کند ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی و شرق و غرب در اینست که نه تنها ملت ایران از تحت‌الحمایگی آنان خارج شده است که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می کند. کنترل و حذف سلاحهای مخرب ازجهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود، خواسته همه ملتهاست ولی این نیز یك فریب قدیمی است و این همان چیزی است که اخیرا از گفته‌های سران آمریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آنها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب بخاطر مهار بیشتر جهان سوم، و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه‌ها و محرومین در جهان مالکیتهای بی‌حد و مرز سرمایه‌داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب جبهه قدرتمند اسلامی ـ انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. و مطمئن باشید قدرتهای شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای ماذیند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی، قابل ذکر نمی‌باشند. من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت درجهان، دعوت نکند و جلو جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید درارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسایل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نمائیم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشورایران به عنوان یك دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تامین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و هم چنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرك آشنا می‌سازد.

و امادر مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، اینست که من تا چند روز قبل، معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم ـ و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد ـ و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور ـ که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم ـ با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی، آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما وعزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارا بود، اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم و مسلم، ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود ومن در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادتها و ایثارها چه شد؟ اینها یقینا از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقاء و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی سازد و ما برای درك کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیمائیم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نمائیم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتداء خواهند نمود و همین تربت پاك شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا بحال آنانکه با شهادت رفتند، خوشا بحال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند. خوشا به حال آنهائیکه این گوهرها را در دامن خود پروراندند. خداوندا این دفتر و کتاب شهادت را همچنان بروی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت، خوشا به حال شما زنان و مردان، خوشا به حال جانبازان و اسراء و مفقودین و خانواده‌های معظم شهداء و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام. و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می کنم و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند، بدا به حال آنهائی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند. آری دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری در پیش رو داریم. آنهائی که در این چندسال مبارزه و جنگ بهر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند، مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آنرا در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همهٔ مردم و مسئولین عرض می کنم که حساب این گونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند و نگذارند این مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوته‌نظر دیروز، به صحنه‌ها برگردند. من در میان شما، باشم و یا نباشم، به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب، به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیش کسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیدا به ملت عزیز ایران سفارش می کنم که هوشیار و مراقب باشید: قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست، با اعلام این تصمیم حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است، ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش بینی نمود و هنوز دشمن از شرارتها دست برنداشته است و چه بسا با بهانه جوییها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. [illegible] کنونی به طور جد، از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه آفرینها دور کنند و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند و باسعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند. دراین روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود، صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند که هر چند این مسئله به خودی خود یك ارزش بسیار زیباست اما اکنون وقت پرداخت به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه گیری کرده بودند وفقط به خاطر سقوط نظام وحکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح وصلح طلبی به ظاهردم می زدند، امروز نیز با همان هدف، سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند وجیره خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند، وملی گراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهداء عزیز ونابودی عزت وافتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که انشاء الله ملت عزیز ما با بصیرت وهوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد. من باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر، کشنده‌تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او، این جرعه را نوشیدم. ونکته‌ای که تذکر آن لازم است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران با اتکاء خود تصمیم گرفته‌اند وکسی وکشوری در این امر مداخله نداشته است. مردم عزیز وشریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم، وشما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم وشما را می شناسم، شما هم مرا می شناسید در شرائط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود، شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون وآخرین نفس بجنگم اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود، وتنها به امید رحمت ورضای او از هر آنچه گفتم گذشتم، واگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کردم، عزیزانم شما میدانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق وراحتی شما مقدم ندارم. خداوندا تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم. خداوندا تو می‌دانی که استکبار وآمریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا در جهان ظلم وستم وبیداد همه تکیه گاه ما، تویی وماتنهای تنهائیم وغیر از تو کسی را نمی شناسیم وغیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم، ما را یاری کن که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا تلخی این روزها را به شرینی فرج حضرت بقیة الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء ورسیدن به خودت، جبران فرما. فرزندان انقلابی ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می گذرد. می دانم که به شما سخت می گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی گذرد؟ می دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست، مگر برای این خادمتان اینگونه نیست، ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض وکینه انقلابیتان را در سینه‌ها نگه دارید. با غضب وخشم بر دشمنانتان بنگرید وبدانید که پیروزی از آن شماست. وباز تاکید می کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ ومسئولان آن نیستم، مسئولین، مورد اعتماد من می‌باشند آنها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت وناگوار بوده است که انشاء الله خداوند همه ما را موفق به خدمت ورضایت خود فرماید.

من دراینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود راپدانید و خودتان را برای یك مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی،آماده کنید و من به همه مسئولین ودست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما راکه تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و یا خدای ناکرده، از پیشرفت و استعداد خارجیها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گداصفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند و به جای این که گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم، به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگهدارند ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آنهمه هنر آفرینی و اختراعات و پیشرفتها داشته باشیم، انشاءالله درشرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. مبارزه علمی برای جوانان، زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها وحقیقتهاست و اما مبارزه عملی آنان دربهترین صحنه‌های زندگی و جهاد وشهادت شکل گرفته است. ونکته دیگری که ازباب نهایت ارادت وعلاقه‌ام به جوانان عرض می کنم اینست که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علماء متعهد اسلام استفاده کنید و هیچگاه و تحت هیچ شرائطی، خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام درطول تاریخ ودر سخت‌ترین شرائط، همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده‌اند، بر بالای دار رفته‌اند و محرومیتها چشیده‌اند، زندانها رفته‌اند و اسارتها و تبعیدها دیده‌اند و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمتها بوده‌اند و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم، دفاع نموده‌اند و هم اکنون نیز در هر سنگری ازخطوط مقدم جبهه گرفته، تا مواضع دیگر، در کنار مردمند و در هر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی، شهداء بزرگواری را تقدیم نموده‌اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی (علیهم السلام) و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات وکینه‌ها گردند و این به خاطر صداقت و امانتداری است که دروجود علماء متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی وسیاسی و نظامی مواجه است، کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ماباید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام وخدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می شناسد و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس دریك کلمه خلاصه می کند. علماء و روحانیون متعهد اسلام، هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمیکنند البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و حجتها هر وقت نام روحانیت را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام مقصودم علماء پاك و متعهد و مبارز است که درهر قشری ناپاك و غیرمتعهد وجود دارد و روحانیون وابسته،ضررشان ازهرفردناپاك دیگربیشتراست وهمیشه این دسته ازروحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس ماب و دین فروش زده‌اند و می زنند و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگها متنفر وگریزان بوده است. من به صراحت می گویم ملی گراها اگر بودند براحتی در مشکلات و سختیها وتنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می کردند و برای این که خود را ازفشارهای روزمره سیاسی برهانند همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می شکستند و به همهٔ میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران رانمی‌دانیم ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند. البته ما مطمئنیم که در چنین شرائط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادتهای خودرا نمی توانند پنهان سازند، آنان را به باد ناسزا گیرند، ولی در هر حال، آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست، سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرك است که اگر بندبند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشمان بسوزانند، اگر زن وفرزندان وهستیمان را در جلو دیدگانمان به اسارت وغارت برند هرگز امان نامه کفر وشرك را امضاء نمی کنیم. علماء وروحانیون انشاء‌الله به همه ابعاد وجوانب مسئولیت خود، آشنا هستند ولی ازباب تذکر وتاکید عرض می کنم امروز که بسیاری از جوانان واندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامیمان احساس می کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات ومسایل مختلف اسلامی بیان دارند باروی گشاده وآغوش باز حرفهای آنان را بشنوید واگر بیراهه میروند با بیانی آکنده از محبت ودوستی، راه راست اسلامی را نشان آنها دهید وباید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف واحساسات معنوی وعرفانی آنان را نادیده گرفت وفوراً انگ التقاط وانحراف بر نوشته‌هاشان زد وهمه را یکباره به وادی تردید وشك انداخت. اینها که امروز اینگونه مسایل را عنوان می کنند مسلماً دلشان برای اسلام وهدایت مسلمانان می‌طپد والا داعی ندارند که خود را با طرح این مسایل به درد سر بیندازند اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همانگونه‌ایست که خود فکر می کنند به جای پرخاش وکنار زدن آنها، با پدری والفت با آنان برخورد کنید، اگر قبول هم نکردند مایوس نشوید در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرالها وملی گراها ویا چپ ومنافقین می‌افتند وگناه این، کمتر از التقاط نیست.

وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور وآینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسایل گوناگون بها دهیم واز اشتباهات وخطاهای کوچك آنان بگذریم وبه همه شیوه‌ها واصولی که منتهی به تعلیم وتربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها ومراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه ولمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری وفلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ وکم کردن فاصله‌ها حوزه ودانشگاه درهم ذوب شوند تا میدان برای گسترش وبسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد.

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیتهای روحانیت ونفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی وزهد آنان می‌دانم وامروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود که‌باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست وهیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد، مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند وگروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه، روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری وسرمایه داران متهم نمایند ودر این شرایط حساس وسرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است وخطر سوء استفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید به شدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها وانجمنها وتشکیلات سیاسی وغیر آنها با ظاهری صد درصد اسلامی، بخواهند به حیثیت واعتبار آنان لطمه وارد سازند وحتی علاوه بر تامین منافع خود، روحانیت را رودر روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند ونباید با تبلیغات دیگران از میدان بدر روند حمایت از محرومین وپابرهنه‌هاست، چرا که هر کسی از آن عدول کند، از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی، خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم ودر تحقق آن، اگر کوتاهی بنمائیم، خیانت به اسلام ومسلمین کرده‌ایم.

در خاتمه از پیشگاه مقدس پروردگار که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر وقدردانی می کنیم واز محضر مقدس بقیة‌الله ارواحنا فداء عاجزانه می خواهیم که ما را در مسیر وهدفمان مدد ورهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده‌های شهداء صبر واجر وبه مجروحین ومعلولین شفا عنایت فرماید واسراء ومفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوندا، از تو می خواهیم آنچه مصلحت اسلام ومسلمین است را برای ما مقدر فرمائی. انك قریب مجیب
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پنجم ذی حجة الحرام ۱۴۰۸ـ روح الله الموسوی الخمینی
۶۷/۴/۲۹

---



---

● علماء و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی کنند.

● امروز روز هدایت نسل های آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است.

● خواست خدا هرچه هست، ما در مقابل آن خاضعیم وما تابع امر خدائیم و به همین دلیل، طالب شهادتیم.

● جهانخواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم.

---

● من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان راتا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.

● بزرگترین درد جوامع اسلامی اینست که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درك نکرده‌اند.

# پیام امام درباره روند نهضت، ضرورت هوشیاری روحانیت در مقابله با مقدس نماها و متحجرین و استراتژی آینده انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات، روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرام و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات دامت برکاتهم.

[illegible]

خورد توده‌ها داده بودند. جمع آوری و نگهداری علوم قرآن و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین علیهم السلام و ثبت و تبویب و تنقیه آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون کتب اربعه و کتاب‌های دیگر متقدمین و متاخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می کنیم. اگر ما نام این همه زحمت و مرارت را «جهاد فی سبیل الله» نگذاریم، چه باید بگذاریم. در بعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی گنجد. بحمدالله حوزه‌ها از نظر منابع و شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی کنم برای بررسی عمیق همه جانبه علوم اسلامی طریقه‌ای مناسب‌تر از شیوه علماء سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار ساله تحقیق و تتبع علماء راستین اسلام گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است. صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که به حق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود، مرارتها و تلخی هایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارتها و تبعیدها، زندانها و اذیت و آزارها و زخم زبانها، شهداء گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند.

شهداء روحانیت منحصر به شهداء مبارزه و جنگ در ایران نیستند. یقیناً رقم شهداء گمنام حوزه‌ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی، به دست مزدوران و نامردمان غریبانه جان باخته‌اند، زیاد است. در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علماء اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبینشان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگ فرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده‌اند. در پانزده خرداد و در حوادث قبل و بعداز پیروزی، شهداء اولین، از کدام قشر بوده‌اند. خدا را سپاس می گذاریم که از دیوارهای «فیضیه» گرفته تا سلولهای مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میادین مین، خون پاک شهداء حوزه و روحانیت افق فقاهت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهداء و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینیه در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است. امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی(ص) رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چند گاه شاهد انفجار خشم جهانخواران علیه یک روحانی پاک باخته است.

علماء اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه داران و پول پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است و خداوند کسانی را که اینگونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می کنند، نمی بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سر آشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوی و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا، زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علماء سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پر فتوت آنان برای کسب معارف می کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند. در ترویج روحانیت و فقاهت نه زور سرنیزه بوده است، نه سرمایه پول پرستان و ثروتمندان. بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند. مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط آمیز کنند. علماء راستین از بس که دروغ و فریب از جهانخواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود. لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها می دادند.

آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران وسائلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی نمود؟

به هرحال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرتها و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از این که روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاهت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است. راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با این همه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی کند، ساده اندیشی نیست؟ مسأله کتاب «آیات شیطانی» کاری حساب شده برای زدن ریشه دین و دینداری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً اگر جهانخواران می توانستند ریشه و نام روحانیت را می سوختند. ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و انشاءالله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آنکه حیله و مکر و فریب جهانخواران را بشناسیم. البته این بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند. اینها مروج اسلام آمریکائیند و دشمن رسول الله، آیا در مقابل این افعی‌ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود.

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود: یکی راه ارعاب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ. در قرن معاصر وقتی حربه ارعاب و تهدید چندان کارگر نشد، راههای نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت، القاء شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌یی کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می آورد.

یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ، بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افتراء بی دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز، ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست. در شروع مبارزات اسلامی اگر می خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می شنیدی که شاه شیعه است. عده‌ای مقدس نمای واپس گرا همه چیز را حرام می دانستند و هیچکس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قدعلم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است. وقتی شعار جدائی دین از سیاست جا افتاد و فقاهت در منطق ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش ببارد، والا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می رفت، متدین‌تر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک به شمار می رفت. در مدرسه «فیضیه» فرزند خردسالم مرحوم «مصطفی» از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند. چرا که من فلسفه می گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها وضع کلیساهای قرون وسطی می شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود. علماء دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی مان نشأت گرفته از همین بارقه است. البته هنوز حوزه‌ها به هردو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند ویکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده لوحان بی سواد، عده‌ای کمر همت بستند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشتند. اوضاع مثل امروز نبود. هرکس صددرصد معتقد به مبارزه نبود، زیر فشارها و تهدیدهای مقدس نماها از میدان بدر می رفت. ترویج تفکر شاه سایه خداست و یا با گوشت و پوست نمی توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه کننده «حکومت قبل از ظهور امام زمان علیه السلام باطل است» و هزاران ان قلت دیگر، مشکلات بزرگ و جان فرسایی بودند که نمی شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلو آنها را گرفت.

تنها راه حل، مبارزه و ایثار و خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علماء و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می شد، آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند. اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای پانزده خرداد رقم خورد. در پانزده خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود، مقابله را آسان می نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی، گلوله حیله و مقدس مآبی و تحجر بود. گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می سوخت و می درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد. ایادی پنهان و آشکار آمریکا و شاه، به شایعات و تهمت‌ها متوسل شدند. حتی نسبت تارک الصلوة و کمونیست و عامل انگلیس به افراده‌ای که هدایت مبارزه را به عهده داشتند، می دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می گریست که چگونه آمریکا و نوکرش پهلوی می خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره شان بعداز پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می نمودند. آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین علیه السلام که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائله قم و تبریز با هماهنگی چپی‌ها و سلطنت طلبان و تجزیه طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند، ولی دست برنداشتند و از کودتای «نوژه» سر برآوردند. باز خدا رسوایشان ساخت. دسته‌ای دیگر از روحانی نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می دانستند و سر به آستانه دربار می سائیدند، یک مرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آن همه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند، تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند. دیروز مقدس نماهای بی شعور می گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند. تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه را مفید و راهگشا می دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای، خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می دهند. دیروز «حجتیه‌ای‌ها» مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات، تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند. ولایتیهای دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت بر ایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند.

راستی اتهام آمریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرامها و حرام کردن حلالها، اتهام کشتن زنان آبستن و حلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می شود؟ از آدمهای لا مذهب یا از مقدس نماهای متحجر و بی شعور؟ فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به مسخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعنها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذرم که حرف بسیار است. همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است. از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و ازطرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه‌ای به دست دشمنان کار آسانی نیست. با اینکه در کشور ما، در اجرای عدالت بین روحانی و غیر آن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بدسابقه برخوردشرعی و قانونی و جدی می شود، فوراً باندها فریاد می زنند که چه نشسته‌اید، جمهوری اسلامی می خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود تبلیغ می کنند که نظام به روحانیت امتیاز بیجا می دهد.

مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوء استفاده نکنند و با موج آفرینی و تبلیغات، اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین ننمایند. و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچکس قائل نیست و خدا می داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم - اگر تخلفی از من هم سر زند، مهیای مؤاخذه‌ام - حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها، چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است، ولی چاره چیست. باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود وگرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هائل.

امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشتها و حتی ضعف مدیریتها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علماء متعهد گردد. ممکن است هر کس درفضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریتها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعابیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرتها که همه مشکلات و نارسائی‌ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسایل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعف‌ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیرمنصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوت‌ها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می کند. من امروز بر این عقیده‌ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آن همه توطئه‌ها و خصومتها و جنگ افروزیهایی که در جهان علیه انقلاب اسلامی اهلت، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می آوردند. در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب، خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ درهیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم. حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارات، چیزی بدست نیاوردند. البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم، در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می نگریستیم و می رسیدیم، ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود، مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم، ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم. ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم. ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامیمان را محکم کردیم. ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردممان بارور کردیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می توان مبارزه کرد. جنگ ما کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت. جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت. جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند. جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت. تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه اینها مهمتر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت. همه اینها از برکت خونهای پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت. جنگ ما، جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما، جنگ فقر و غنا بود. جنگ ما، جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوته نظرند آنهایی که خیال می کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خود گذشتگی و صلابت بی فایده است، درحالی که صدای اسلام خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ما است، علاقه به اسلام شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا، یعنی در کل جهان، از جنگ هشت ساله ما است. من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیلهای غلط این روزها رسماً معذرت می خواهم و از خداوند می خواهم مرا در کنار شهدا جنگ تحمیلی بپذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند. آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است. آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است، نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خودفروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده‌ها، بگونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کنند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولیش عدول می کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی شود؟ تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور باداء تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیاء و معصومین علیهم السلام در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند. و از اهداف کلی و بلندمدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است، ذکری به میان آورند. درحالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است، به موفقیت نائل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار «مرگ بر آمریکا» را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمانمان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده‌ایم، البته معترفیم که در مسیر عمل موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روشها و تاکتیک‌ها را عوض نمائیم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین کشورمان را دست کم بگیریم و همه عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم. من به طلاب عزیز هشدار می دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائات روحانی نماها و مقدس مآبها باشند، از تجربه تلخ روی کارآمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلا قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند، عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزی‌های بی مورد و ساده اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود. من امروز بعداز ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی، همچون گذشته اعتراف می کنم که بعض تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی رود، گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم، ولی با صلاحدید و تائید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب در تمامی اصول و حرکت به سوی آمریکای جهانخوار قناعت نمی کنند، درحالیکه در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا، هنری ندارند.

امروز هیچ تأسفی نمی خوریم که آنان در کنار ما نیستند، چرا که از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرالها می خوریم. آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند، گشوده است، ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول که چرا «مرگ بر آمریکا» گفتید؟ چرا جنگ کردید؟ چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم؟ و صدها چرای دیگر و نکته مهم در این رابطه اینکه، نباید تحت تأثیر ترحمهای بی جا و بی مورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام به گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سئوال بروند. من بعض از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی دانم، که معتقدم دشمنان از آن بهره می برند. من به آنهایی که دستشان به رادیو و تلویزیون و مطبوعات می رسد و چه بسا حرفهای دیگران را می زنند، صریحاً اعلام می کنم تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرالها بیافتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست ایادی آمریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می کنم.

و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول، همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند که علاوه بر دهها و صدها صحنه اعلام حضور و آمادگی خود، امسال نیز در راهپیمایی بیست و دو بهمن حقیقت آمادگی کامل خویش را به جهانیان نشان دادند و واقعاً دشمنان انقلاب را شگفت زده کردند که تا کجا حاضر به فداکارند. من در اینجا خود را شرمنده و کوچکتر از آن می دانم که زبان به وصف و تقدیر از آنان بگشایم خداوند پاداش عظیم این همه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد. ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به روی گردانی از اصول و انقلاب و روحانیت می کنند، سفارش و نصیحت می کنم که در گفتار و کلمات و نوشته‌ها، با دقت و مطالعه، عمل کنند و برداشت‌ها و تصورات نا به جای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند.

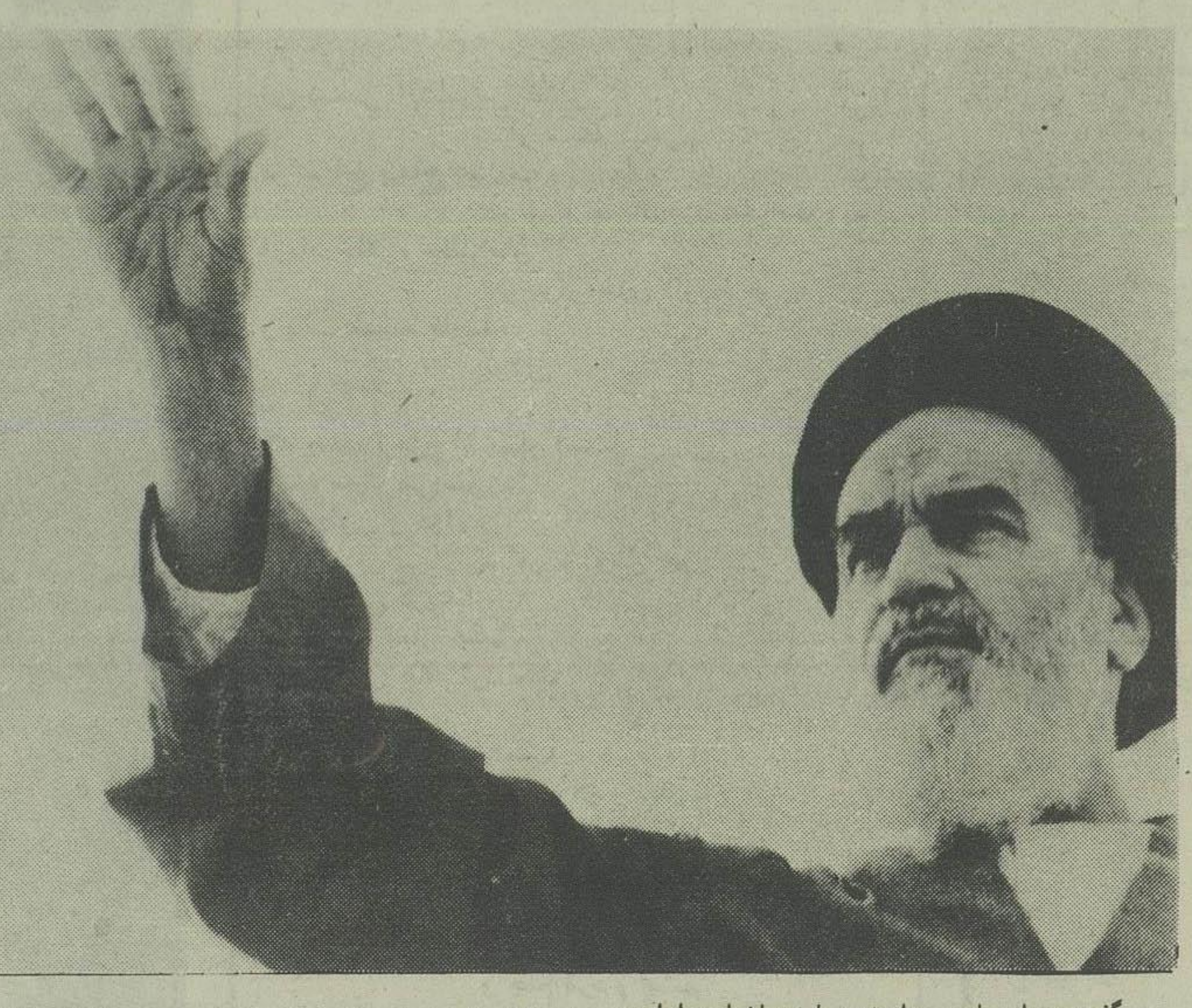
مسأله دیگر اینکه امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده‌اند. غفلت از آنان همه چیز را برباد می دهد، حال اختلاف به هرشکلی باشد: بدبینی شدید نسبت به مسئولین بالاباشد، یا مرزبندی فقه سنتی و پویا و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هم آهنگ نباشند، نمی توان پیش بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی نماها و متحجرین گردد، روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می دهد. انشاءالله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد برسر چیست برسر اصول یا برسر سلیقه‌ها. آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های علمیه بوده‌اند، نعوذبالله به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند. مگر همانها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همانها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی ننمودند؟ اگرخدای ناکرده اینها شکسته شوند، چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت و آیا ایادی استکبار، روحانی نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، یا فرد دیگری را بر حوزه‌ها حاکم نمی کنند؟ و آیا آنها که در طوفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعداز انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند، می توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟ راستی شکست هر جناحی از علماء و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و جریانی را تضمین می کند؟ جناحی که پیروز شود، یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهدبود. جبهه بندی نهایتاً، معارضه پیش می آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود، واژه و شعاری انتخاب می کند. یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی می شود که من برای حفظ اعتدال جناح ها، همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می دانم. البته هیچگاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام، ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مومن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق بزن گردد. نتیجه می گیریم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند، ابرقدرتها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می دهند. جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرح‌ها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی عرضه و فرصت طلب و نق بزن ید واحده باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده‌تر کنند. حال جامعه و مردم طالب حقیقت باشند - مثل زمان ما که حقاً مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می کنیم، وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود - یا نباشند، مثل زمان معصومین علیهم السلام. اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می پذیرد، به منظور نابودی روحانیت انقلاب است. ایادی شیطان در تنگناها و سختی‌ها به سراغ مردم می روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارسائی هاست آنهم کدام روحانی، روحانی بی‌درد و بی مسئولیت؟ نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است.

کسی مدعی آن نیست که مردم و پابرهنه‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می شود و کمبودها و نیازها رخ می نماید. ولی من با یقین شهادت می دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند، امروز جز ننگ ذلت و عار در برابر آمریکا و جهان خواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی، چیزی برایمان نمانده بود. لازم به یادآوریست که ذکر شمه‌ای از وقایع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته حرکت تند و انقلابی بنمایند، بلکه هدف، علم و آگاهی به نکته هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرها و گذرها و کمینگاهها را بهتر بشناسند. اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است، حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهارنظر نمی کنم. آشنایی به روش برخورد با حیله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم، که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوی و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسأله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان را بوجود آورد، راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علماء، در مورد یک مزدور بیگانه این قدر جهان خواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند. غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخورد عملی مسلمانان در شناخت و مبارزه با توطئه‌های شوم آنان، به هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پرحماسه می دانند و از اینکه فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی توانند علیه مقدسات قلم فرسایی کنند، مضطرب شده‌اند، من قبلاً نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهان خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جوابگوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود، از آنان مجوز بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم واقعاً باید به سمتی حرکت نمائیم که انشاءالله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود. استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد، ما در جا می زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر می نمائیم. خیلی جالب و شگفت انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهرآگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان و مسلمان را جریحه دار می کند و عده‌ای در رابطه با آن شهید می شوند، برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دمکراسی و تمدن است. اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می آید، نوحه رافت و انسان دوستی سر می دهند، ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاهت از همین نکته‌ها بدست می آوریم. قضیه آنان، قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضداسلامی و ضد ارزشی است که بنگاههای صهیونیستی و انگلیسی و آمریکایی به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله خود را روبروی همه جهان اسلام قرار داده‌اند. البته باید ببینیم که بعض دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی چگونه با این فاجعه بزرگ برخورد می کنند. اینکه دیگر مسأله عرب و عجم و فارس و ایران نیست، بلکه اهانت به مقدسات مسلمانان از صدر اسلام تاکنون و از امروز تا همیشه تاریخ است و نتیجه نفوذ بیگانگان در فرهنگ مکتب اسلام است که اگر غفلت کنیم، این اول ماجراست و استعمار از این مارهای خطرناک و قلم به دستان اجیر شده در آستین فراوان دارد. ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقمند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می گذریم.

آنان که هنوز بر این باورند وتحلیل می کنند که باید درسیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدیدنظر نمائیم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می گذارند، این یک نمونه‌ایست که خدا می خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز «آیات شیطانی» در این زمان اتفاق بیافتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه اش با اسلام برملا سازد، تا ما از ساده اندیشی به درآئیم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسأله اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهانخواران به نابودی اسلام و مسلمین است، و اما مسأله فردی «سلمان رشدی» آنقدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیست‌ها و استکبار پشت سر او قرار بگیرند. روحانیون و مردم عزیز حزب الله و خانواده محترم شهداء حواسشان را جمع کنند که با این تحلیلها و افکار نادرست، خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من اینست که تحلیل گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام «سلمان رشدی» مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است، یا خیر. و نتیجه گیری کننده که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم. خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حیله گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، درصدد تحقق فقه عملی اسلامی برآئیم والا مادامی که فقه در کتابها و سینه علماء مستور بماند، ضرری متوجه جهان خواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات، حضور فعال نداشته باشد، نمی تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه دردست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم درسالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علماء بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.

نکته آخری که توجه بآن لازم است، اینکه روحانیون و علماء و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که درحوزه ننشسته‌اند بلکه برای اجراء حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد ویا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می شود و هرگز عذر او موجه نیست. ما اگر امروز به نظام خدمت کنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرائط بهتر از این را نخواهیم داشت. امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمتگزار حقیر خود دلگیر نشده باشیدو درمظان استجابت دعا با انفاس قدسیه و با دلهای منور خود برایم دعا و طلب مغفرت نمائید. منهم از یاد و دعای خیر برای روحانیت اصیل وحوزه‌های علمیه غفلت نمی کنم خداوندا توان علماء و روحانیت را در خدمت به دین خود افزون نما. خداوندا حوزه‌های علمیه، این سنگرهای پاسداری از فقاهت و اسلام ناب را تا ابد پا برجا بدار. خداوندا شهداء روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بیکران و رزق حضور خویش بهره مند فرما. خداوندا به جانبازانشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهداءشان صبرو اجر، مرحمت فرما. مفقودین و اسراءشان را هرچه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما. «انک ولی النعم».

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
۳ اسفند ۶۷ - روح الله الموسوی الخمینی



# متن پیام مهم و تاریخی رهبر معظم انقلاب به رهبر شوروی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای گورباچف صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی با امید خوشبختی و سعادت برای شما و ملت شوروی

از آنجا که پس از روی کار آمدن شما چنین احساس می شود که جنابعالی در تحلیل حوادث سیاسی جهان خصوصاً در رابطه با مسائل شوروی، در دور جدیدی از بازنگری و تحول و برخورد قرار گرفته‌اید و جسارت و گستاخی شما در برخورد با واقعیات جهان، چه بسا منشاء تحولات و موجب به هم خوردن معادلات فعلی حاکم بر جهان گردد، لازم دیدم نکاتی را یادآور شوم.

هرچند ممکن است، حیطه تفکر و تصمیمات جدید شما، تنها روشی برای حل معضلات حزبی و در کنار آن حل پاره‌ای از مشکلات مردمتان باشد، ولی به همین اندازه هم شهامت تجدیدنظر در مورد مکتبی که سالیان سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین، زندانی نموده بود، قابل ستایش است. و اگر به فراتر از این مقدار فکر می کنید اولین مساله‌ای که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد، این است که در سیاست اسلاف خود، دائر بر خدازدائی و دین‌زدائی از جامعه که تحقیقاً بزرگترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد کرده است، تجدیدنظر نمائید و بدانید که برخورد واقعی با قضایای جهان جز از این طریق میسر نیست.

البته ممکن است از شیوه‌های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینه اقتصاد، باغ سبز دنیای غرب رخ بنماید، ولی حقیقت جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند. چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل البته به شکل دیگر و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.

جناب آقای گورباچف!

باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مساله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خدا است، همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبداء هستی و آفرینش است.

جناب آقای گورباچف!

برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد. چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست، چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به در آورد.

حضرت آقای گورباچف!

ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از این پس هم در مصاحبه‌ها اعتقاد کامل خودتان را به آن ابراز کنید، ولی خود می دانید که ثبوتاً این گونه نیست. رهبر چین اولین ضربه را به کمونیسم زد و شما دومین و علی الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید.

امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتاد سال کژی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزدائید. امروز دیگر دولتهای همسو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می طپد، هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع زیرزمینی و روزمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم که صدای شکستن استخوانهایش هم به گوش فرزندانشان رسیده است - مصرف کنند.

آقای گورباچف!

وقتی از گلدسته‌های مساجد بعضی از جمهوریهای شما پس از هفتاد سال، بانگ الله اکبر و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم به گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی (ص) را ازشوق به گریه انداخت. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان بینی مادی و الهی بیاندیشید.

مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که محسوس نباشد، از قلمرو علم بیرون می دانند و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد، موجود نمی دانند. قهراً جهان غیب مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یکسره افسانه می‌دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از «حس و عقل» می باشد و چیزی که معقول باشد، داخل در قلمرو علم می باشد گرچه محسوس نباشد، لذا هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می تواند موجود باشد. و همانطور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است. قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می کند و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست و گرنه دیده می شد «لن نومن لك حتی نری الله جهرة» می فرماید: «لاتدرکه الابصار و هو یدرك الابصار و هواللطیف الخبیر» از قرآن عزیز و کریم و استدلالات آن در موارد وحی و نبوت و قیامت بگذریم که از نظر شما اول بحث است. اصولا میل نداشتم شما را در پیچ و تاب مسائل فلاسفه، بخصوص فلاسفه اسلامی بیندازم. فقط به یکی دومثال ساده و فطری و وجدانی که سیاسیون هم می توانند از آن بهره‌ای ببرند، بسنده می کنم:

این از بدیهیات است که ماده و جسم، هرچه باشد، ازخود بی خبر است، یك مجسمه سنگی یا مجسمه مادی انسان، هرطرف آن از طرف دیگرش محجوب است. در صورتی که به عیان می بینیم که انسان و حیوان، از همه اطراف خود آگاه است. می داند کجاست، در محیطش چه می گذرد، در جهان چه غوغایی است، پس در حیوان و انسان، چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی میرد و باقی است.

انسان در فطرت خود هرکمالی را به طورمطلق می خواهد، و شما خوب می دانید که انسان می خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است، دل نبسته است. اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود: جهان دیگری هم است، فطرتا مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد. انسان هراندازه دانشمند باشد و گفته شود: علوم دیگری هم است، فطرتا مایل است آن علوم را هم بیاموزد، پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد.

آن خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم، گرچه خودندانیم.

انسان می خواهد به «حق مطلق» برسد تا فانی در خدا شود، اصولا اشتیاق به زندگی ابدی در نهاد هرانسانی، نشانه وجود جهان جاوید و مصون از مرگ است.

اگر جنابعالی میل داشته باشید در این زمینه‌ها تحقیق کنید، می توانید دستور دهید که صاحبان این گونه علوم، علاوه بر کتب فلاسفه غرب، در این زمینه به نوشته‌های فارابی و بوعلی سینا رحمت الله علیهما در حکمت مشاء مراجعه کنند تا روشن شود که: قانون علیت و معلولیت که هرگونه شناختی بر آن استوار است، معقول است نه محسوس، و ادراك معانی کلی و نیز قوانین کلی که هرگونه استدلال بر آن تکیه دارد، معقول است نه محسوس، و نیز به کتابهای سهروردی رحمت الله علیه در حکمت اشراق مراجعه نموده و برای جنابعالی شرح کنند که: جسم و هر موجود مادی دیگر به نور صرف که منزه ازحس می باشد، نیازمند است، و ادراك شهودی ذات انسان از حقیقت خویش، مبرا از پدیده حسی است. و از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیه صدرالمتالهین رضوان الله تعالی علیه و حشره الله مع النبیین و الصالحین مراجعه نمایند تا معلوم گردد که: حقیقت علم، همانا وجودی است که مجرد ازماده و هرگونه اندیشه ازماده منزه است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد.

دیگر شما را خسته نمی کنم و از کتب عرفا، بخصوص محی الدین ابن عربی نام نمی برم، که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید، تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در این گونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید تا پس از چندسالی با توکل به خدا، از عمق لطیف باریکتر از موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد.

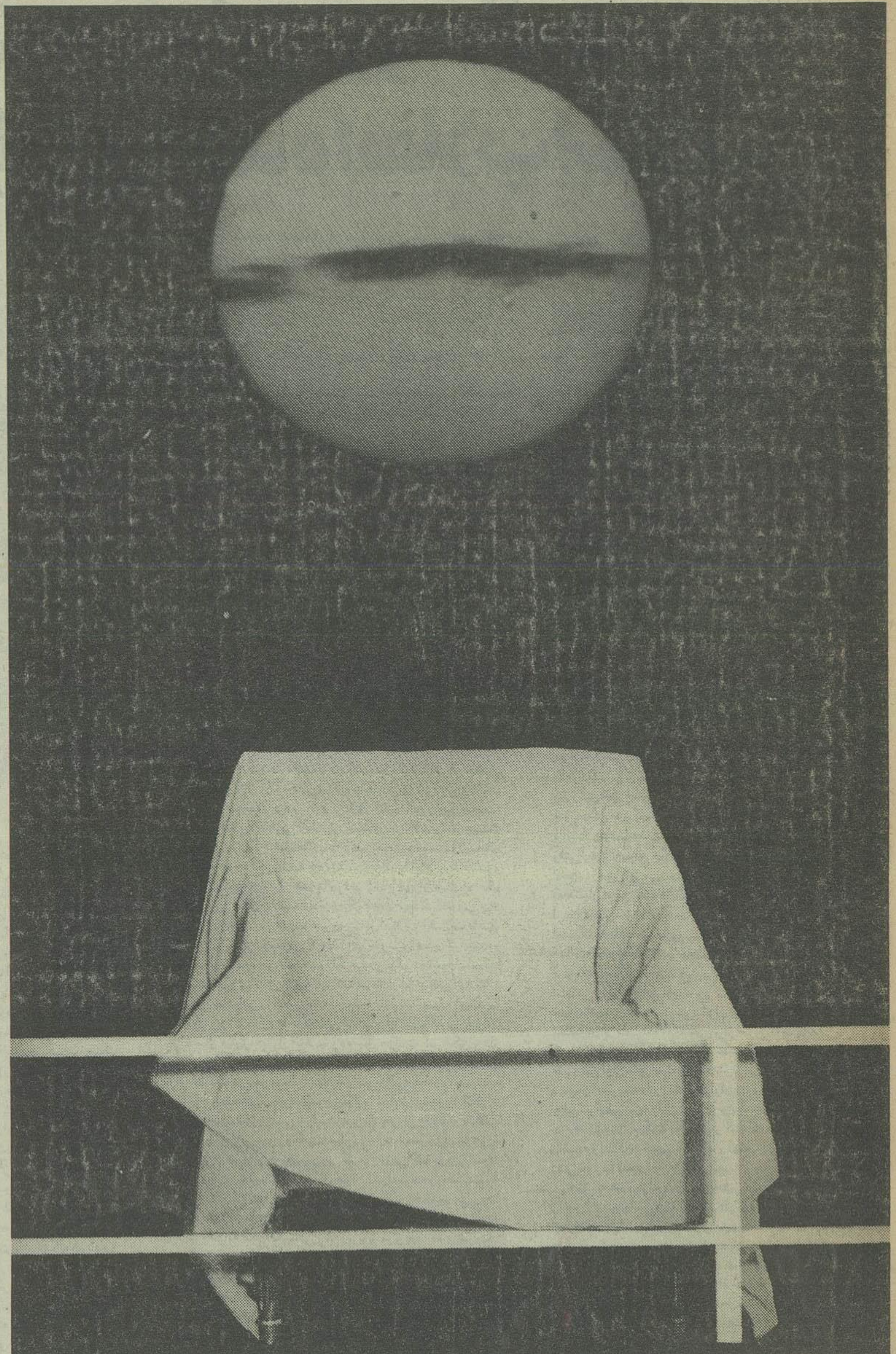
جناب آقای گورباچف!

اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می خواهم در باره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزشهای والا و جهانشمول اسلام است که می‌تواند وسیله راحتی ونجات همه ملتها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز نماید. نگرش جدی به اسلام ممکن است شمارابرای همیشه ازمساله افغانستان و مسائلی از این قبیل درجهان نجات دهد، ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریك می دانیم.

با آزادی نسبی مراسم مذهبی در بعضی از جمهوری‌های شوروی، نشان دادید که دیگر این گونه فکر نمی کنید که مذهب مخدر جامعه است. راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه، استوار کرده است، مخدر جامعه است؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت درجهان، و خواهان آزادی انسان از قیود مادی و معنوی است، مخدر جامعه است؟ آری مذهبی که وسیله شود تا سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، در اختیار ابرقدرتها و قدرتها قرار گیرد و برسر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا است، مخدر جامعه است، ولی این دیگر، مذهب واقعی نیست، بلکه مذهبی است که مردم ما آن را مذهب آمریکائی می نامند.

در خاتمه صریحاً اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام به راحتی می تواند خلاء اعتقادی نظام شما را پر نماید. و در هرصورت کشور ما همچون گذشته به حسن همجواری و روابط متقابل معتقد است و آن را محترم می شمارد.

والسلام علی من اتبع الهدی - روح الله الموسوی الخمینی
۶۷/۱۰/۱۱



# انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی به جانشینی فرماندهی کل قوا از سوی امام

* سرویس سیاسی: حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور طی نامه‌ای از امام خمینی رهبر معظم انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران درخواست کرد تا آقای هاشمی رفسنجانی را به عنوان فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب فرمایند.

در نامه رئیس جمهور آمده است: پیشنهاد مشخص اینجانب که قبلا نیز کتبا و شفاها معروض گردیده، این است که:

۱ـ کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، ژاندارمری اعم از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوض و محول گردد.

۲ـ شخص مزبور از سوی حضرت عالی موظف گردد که امور را از نزدیك و با قاطعیت تمشیت کند.

۳ـ دادگاه نیروهای مسلح موظف گردد که در تعقیب قضائی متهمین و اجرای محکومیت‌ها بطور کامل از نظر و دستور وی تبعیت کند. با توجه به همه جوانب، بنظر اینجانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی است.

در پاسخ به درخواست رئیس جمهور این حکم از سوی امام امت خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی صادر شد:

«بسم الله الرحمن الرحیم»

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی دامه افاضاته

با توجه به درگیری و رویارویی آمریکای جنایتکار علیه اسلام و ایران و هماهنگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام، به پیشنهاد رئیس جمهور محترم جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای دامه افاضاته، جنابعالی را با تمام اختیارات، به جانشینی فرمانده کل قوا منصوب می نمایم و جنابعالی موظف به اجرای دستورات ذیل می باشید:

۱ـ ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل.

۲ـ هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج. و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس. اسلام، بدیهی است انسجام و ادغام مورد قبول و صحیح ادارات و سازمان‌های مربوطه و پشتیبانی کننده، در هماهنگی نیروهای مسلح، نقش اساسی را دارا خواهند بود.

۳ـ تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدسمان و انسجام امکانات تعمیراتی و پشتیبانی، فنی و مهندسی رزمی و آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل.

۴ـ سعی در استفاده هرچه بهتر از امکانات و نیروها و جلوگیری از بکارگرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری و در همین راستا حذف و یا ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیرضروری.

۵ـ تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها.

۶ـ استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده.

۷ـ بهره برداری صحیح از کمك های مردمی در تمامی زمینه ها.

قوای مقننه و اجرائیه و قضائیه موظفند تمامی امکانات و سیاست‌های خود را در جهت نیازهای جنگ بکارگیرند.

از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می خواهم تا با صبر و شکیبائی انقلابی و با قدرت و استقامت، در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است.

جهان امروز غرق در نامردمی ها و حیله‌ها است و شما یاران اسلام در اوج قدآست و شرافت می باشید. من به همه شما دعا می کنم. خداوند یارو پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جنابعالی را از خدای تعالی مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

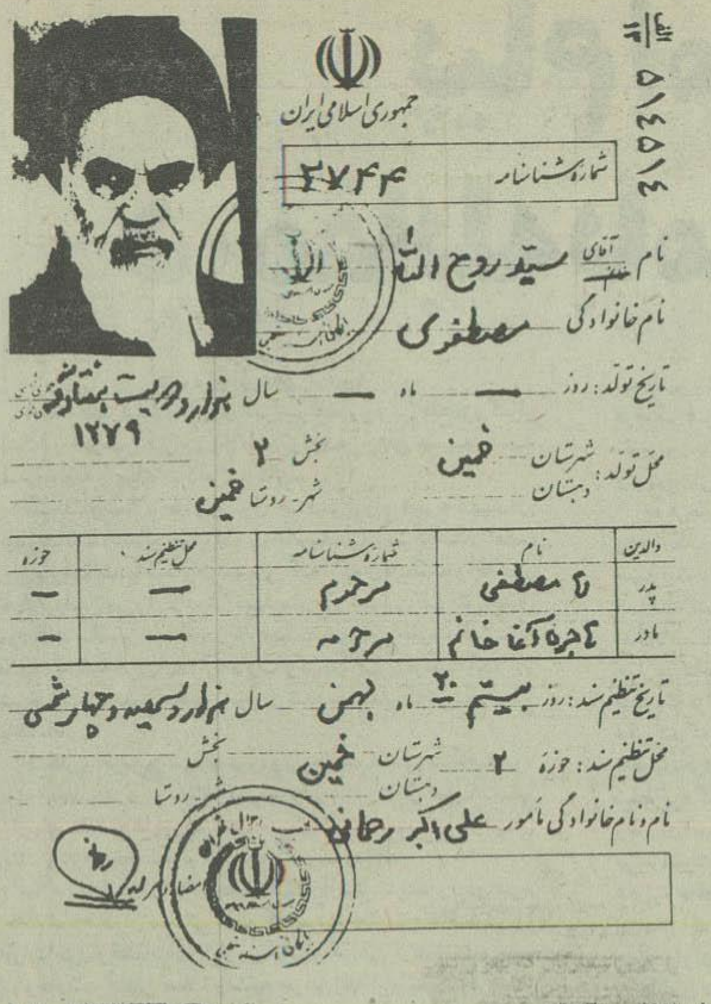
روح‌الله الموسوی الخمینی ۱۳۶۷/۳/۱۲

# باز آی!

□ از: محمدرضا رفیع‌زاده ـ تربت حیدریه

باز آی!
ای شمس الشموس عشق
ـ از سینه سحر ـ
تو سراج وهاج هدایت
در سرا چه اندیشه‌های حق پوی
فریاد حلقوم مظلومان
در هزاره‌های تاریخ
و باب مدینه فاضله
بودی
باز آی!
که چشم زمزم اشکبار است
سینه سینا می‌سوزد
کوه طور و حراء
ـ سر بردوش هم ـ
سنگ می گریند!
اینك مهر نماز عشق
در آغوش خاك تو است
و فصل
فصل فرا خوان ما است
ـ بهر راز و نیاز ـ
با جماعت پروانگان
باز آی!
که بی تو
دل یتیم است
و جام مردم چشم
لبریز از می سرشك است
دیگر در کوی مغان
بوی صفای تو نیست
خرقه و جام می
رنگ همیشگی را ندارند
پیر کحال کوی ما
سرگرم ساختن است
توتیایی نو وعجیب
از خاك بسترت!

# شناسنامه‌ی انقلاب


جمهوری اسلامی ایران
شماره شناسنامه ۲۷۴۴
نام آقای سید روح الله
نام خانوادگی مصطفوی
۱۲۷۹
خمین

نام: آقای روح‌الله ـ نام خانوادگی: مصطفوی
تاریخ تولد: سال ۱۲۷۹ ـ محل تولد: شهرستان خمین
نام پدر: مرحوم آقامصطفی ـ نام مادر: مرحومه هاجره آغاخانم
تاریخ وفات...

این برگ، شناسنامه‌ی روح انقلاب خمینی عظیم است. او که انقلاب، از وجود عزیزش آغاز شد و با وصیت نامه پربارش، جانی تازه گرفت.

انقلاب اسلامی، انقلاب روح خدا بود، امام در تمام مراحل رهبری انقلاب تنها بود و همزمان، در حالی که شرق و غرب استکبار را آماج حملات مردانه و مومنانه‌ی خود کرده بود، حصارهای خرافه و جهالت را درهم شکست و متحجران و مرفهان بی‌درد و نقش و اثر آنان را از ساحت مقدس اسلام ناب محمدی (ص) زدود.

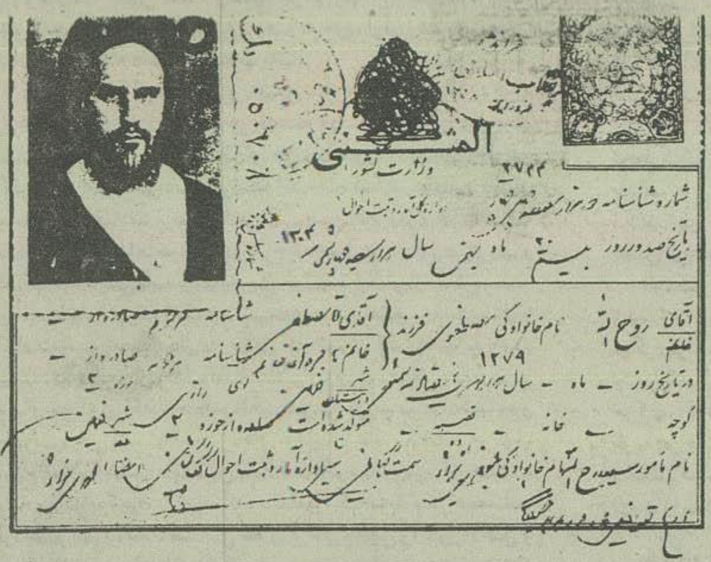
امام، در این تنهایی، اما تنها نماند. امام، معلم عشق بود و این پیر صومعه‌ی عشق، در تنهایی، چونان شمعی سوخت و پروانگان عاشق را به گرداگرد خویش کشاند.

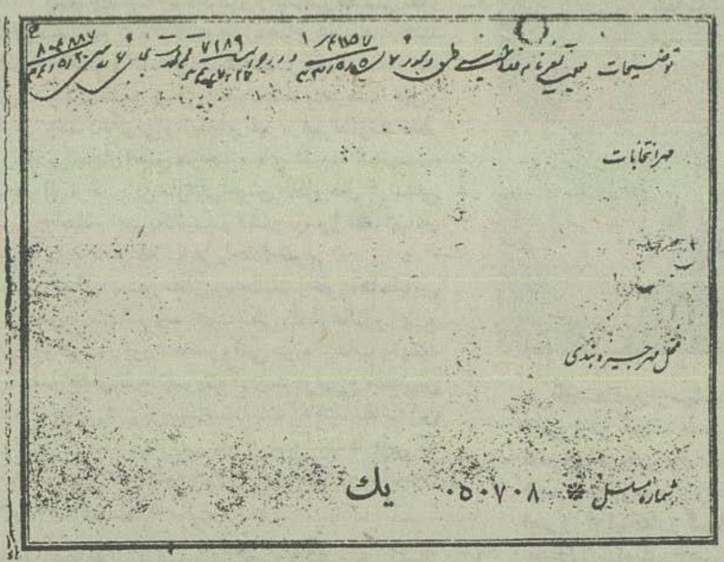
امام عاشقان، مصلح کل بود، سرآمد همه‌ی آنها که در خدا ذوب می‌شوند، می‌سوزند و روحشان، با روح خدا یکی می‌شود، تو گویی که عاشق اینجا از جنس معشوق است و عاشق، همان معشوق و این رابطه را تو گویی که شاگردان این پیر، با مرادشان برقرار کرده بودند.

امام، به خاطر همین ویژگی بود که از خمین کوچك، ظهور کرد و منجی اسلام و مسلمین شد، آنقدر وجودش گسترد تا در گستره‌ی وجودش همه‌ی قلب‌های مستضعفان جهان، جای گرفتند. آنقدر بزرگ شد که دیگر قلب هر مومنی را که می شکافتی بر روی آن نام خمینی را می‌یافتی...

و شناسنامه‌ی امام، شناسنامه‌ی انقلاب شد، امام، همه چیز انقلاب بود.

امام، همه چیز انقلاب بود و همه چیز خود را در وجود شاگردانش به ودیعت نهاد تا راه انقلاب، در پرتو شناسنامه انقلاب و حیات پایان ناپذیر روح خدا و روح انقلاب خمینی بزرگ، هرگز به بن بست نرسد.




توضیحات
مهر انتخابات
محل مهر جیره بندی
شماره مسلسل ۰۵۰۷۰۸ یك

# امام خمینی، پدر، بانی، معلم و رهبر بزرگترین حماسه روزگار ما است

بقیه از صفحه اول

در چهارده قرن گذشته، جویندگان حق و عدالت، صدها بار علیه ظلم و کفر و استکبار قیام کرده‌اند. اما قسمت اعظم این قیامها یا توسط زورمندان و ستمگران سرکوب، یا بوسیله‌ی منافقان و معاندان از مسیر خود منحرف و یا توسط تاریخ‌نگاران سر سپرده و مزدبگیر حکام سلطه‌جو، تحریف شده است.

دشمنان انقلاب اسلامی ایران از بدو شروع انقلاب تا امروز این هر سه آفت را در مقابله با انقلاب، بارها آزموده‌اند و پس از این نیز خواهند آزمود.

ائمه‌ی کفر که در زمان ما بصورت دو ابرقدرت شرق و غرب و عوامل و اذناب آنان جلوه کرده‌اند، اگر نتوانند انقلابی را که بهیچ قدرت بیگانه متکی نیست، سرکوب و نابود کنند؛ از آن دو راه دیگر وارد خواهند شد.

نخست می کوشند تا انقلاب را از مسیر خویش منحرف کنند. و چنانکه می‌دانیم عمال بیگانه در به انحراف کشاندن این انقلاب از هیچ سعی و تلاش فروگذار نکرده‌اند و از این پس نیز دست از توطئه بر نخواهند داشت.

در مجموعه‌ی پیامهای امام، موارد زیادی وجود دارد که نقشه‌ی این عوامل، کشف و افشا و راه خنثی سازی آن، نشان داده شده است. این خط باید برای آیندگان محفوظ و مضبوط بماند.

اما اگر این رهنمودها با هوشیاری امت درآمیزد و راه انحراف را به تمام و کمال سد کند؛ آنگاه دشمنان، راه تحریف تاریخ انقلاب اسلامی را در پیش خواهند گرفت.

آنها، تاریخ نگاران مزدور را مأمور خواهند کرد تا حقایق و واقعیات تاریخی انقلاب اسلامی را به گل و لای دروغ و تحریف بیالایند و با غبار جعل، سطح این آئینه‌ی شفاف را کدر کنند. این کار را غربزدگان و شرق زدگان در همین قرن با نهضت مشروطه‌ی مشروعه کرده و مردم را از دستیابی به سرچشمه‌ی واقعیات تاریخی این قیام صددرصد اسلامی که از همان آغاز به انحراف کشیده شد، محروم ساخته‌اند.

قیام علویان، قیام سربداران، قیام سید جمال الدین، قیام تنباکو، قیام جنگل و حتی نهضت ملی و بسیاری از قیامها و جنبشهای اسلامی و ایرانی دیگر از سرکوب، انحراف و تحریف توسط دشمنان مصون نمانده است.

***

مجموعه‌ی پیامهای امام، صحیفه‌ی انقلاب ما است. این مجموعه، خط سیر انقلابی مردم مسلمان ایران را از آغاز تا پیروزی و از پیروزی تا امروز، ترسیم می کند. این مجموعه، جهت حرکت آینده‌ی ملت ما را نشان می‌دهد و محتوای آن، تکلیف و وظیفه‌ی ما را در فاصله‌ی دو قیام بزرگ ـ قیام سید الشهدا علیه السلام و قیام مهدی موعود ارواحناله الفدا ـ یادآور می‌شود.

***

اینك مجموعه‌ی پیامهای امام، در برابر تاریخ گشوده است. هر جمله‌ی این کتاب عظیم، عصاره‌ی رنج محرومان است. آکنون شما مورخان، شاعران، نویسندگان، نقاشان و هنرمندان متعهد و مسئول قادرید رنجنامه‌ی ملت‌تان را با استفاده از آن، برای آیندگان بنگارید. شما اکنون بخشی از اصیل‌ترین و صریح‌ترین منبع یك حماسه‌ی عظیم دوران را در اختیار دارید. این فرصت مغتنمی است که نباید آسان از دستش داد.

و اکنون شما ای ملت بزرگ و شما ای خدمتگزاران اسلام و مسلمین، آئینه‌ی تمام نمای آرمانها، هدفها، آرزوها و خواستهای خود را در برابر دارید. نگاه مستمر بر این آئینه‌ی پاك را فریضه و رهنمودهای درس فراموش نشدنی انقلاب خود بدانید.

ملت ایران باید ناظر همیشه بیدار تك تك جملات هستی ساز این پیامها باشد و انحراف از آنرا بر کسی مجاز نشمرد چرا که استقلال را، آزادی را و جمهوری اسلامی را از این پیامها دارد.

***

با اینهمه، این مجموعه، تاریخ کامل انقلاب اسلامی نیست. برای تدوین تاریخ کامل انقلاب اسلامی ایران باید: وصیت نامه‌ی شهیدان، تصویر جانبازان، آثار شکنجه‌ی طاغوت بر پیکر مبارزان و لحظه لحظه‌ی خاطرات دوران اختناق و نیز تداوم همان مبارزات با سرکردگان استکبار جهانی پس از پیروزی و ایثار بیدریغ همه‌ی مردم مسلمان و انقلابی ایران، به این مجموعه‌ی عظیم اسلامی و انسانی افزوده شود. این، کاری است که انجام آن از همت مورخان، شاعران، نویسندگان، گویندگان، نقاشان و همه‌ی هنرمندان متعهد و مسئول انتظار میرود.

***

من به سهم خود و به عنوان نماینده‌ی ملت ایران از همه‌ی دست اندر کاران که تدوین این مجموعه، حاصل زحمات صادقانه‌ی آنان است، تشکر می کنم و ترجمه‌ی آنرابه زبانهای زنده‌ی جهان ـ بویژه زبانهای رایج درمنطقه‌ی اسلامی ـ موکدا توصیه می کنم و زمانی را انتظار می کشم که پیروان خط امام خمینی و عاشقان انقلاب اسلامی ایران، در سراسر جهان، بتوانند این رهنمودها را به زبان خود مطالعه کنند. انشاء الله.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
سید علی خامنه‌ای
رئیس جمهوری اسلامی ایران

# حکم حضرت امام به حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینی برای تنظیم و تدوین اسناد و پیام‌های معظم‌له

همواره در تاریخ، رهبران و پیشوایانی را شاهد بوده‌ایم که به دلیل نفوذ و موقعیت معنوی آنان در میان مردم، هر کلام، هر پیامشان حتی در حد یك جمله یا کلمه می‌توانسته است ملتی را به حرکت وادارد. هم رهبران معصوم و هم رهبران غیر معصوم، البته با توجه به اختلاف درجات و مراتبی که داشته‌اند، این قدرت را داشته‌اند که با سخن و نوشته منشاء تحولات کوچك و بزرگ و باعث تغییرات و تاثیرات تعیین کننده در جامعه بشری باشند.

عدم توجه کافی به نقش و اهمیت مترتب بر این امر مهم غالبا موجب آن می شده است که آثار بجای مانده از رهبران و پیشوایان تدریجا دستخوش تغییرات و اختلافات متعدد شده و متعاقب آن وسیله بروز و ظهور تفسیرهای گوناگون و گاه متضاد گردد. در مورد معصومین می‌توان گفت که ضرورت تدوین احادیث و روایات منقول از آن بزرگواران، از همین جا ناشی شده است و متاسفانه از همان آغاز در صدر اسلام کسانی با این ضرورت به مخالفت برخاستند و نتیجتا موجبات بروز و توسعه اشتباهات و اختلافات بسیاری را در تاریخ فراهم آوردند.

هر چند میان معصوم و غیر معصوم تفاوت از زمین تا آسمان است، اما به لحاظ تاثیراتی که اشاره شد، باید گفت که همان ضرورت در این مورد نیز صادق است و به همین دلیل نیز دیری است که ضرورت مورد نظر در مورد پیام‌ها و سخنان و نوشته‌های امام خمینی توسط اهل درد و درك، احساس می شود. طبیعی است که فرزند امام بیش از هر کس دیگر می‌بایست این درد و این درك را دارا بوده. و از این ناحیه، بیش و پیش از دیگران احساس خطر کند و نیز طبیعی است که نسبت به هر کس دیگر در این درك و احساس، اولی واحق باشد.

حجت الاسلام حاج احمد خمینی که به تصریح و تصدیق امام، در «تمامی فراز و نشیبها» در کنار پدر و مراد خود بوده و امور سیاسی و اجتماعی آن بزرگوار را با «صداقت و کیاست» تصدی نموده و می‌نماید، اخیرا با تقدیم نامه‌ای به محضر امام، در مورد چگونگی تدوین کامل و جامع اثار ایشان اعم از گفتار و نوشتار و نیز آنچه مربوط به ایشان است، کسب تکلیف کرده است. امام در پاسخ، ضمن تصدیق و تایید، این مسئولیت خطیر و مهم را بر عهده فرزند خویش نهاده و انجام این مهم را از او خواسته‌اند. بدون شك باز هم وسائل ارتباط جمعی بیگانه و نیز آنان که با رسانه‌های گروهی غرب و شرق، بی‌مزد و با مزد همصدا هستند، تلاش خواهند کرد که این امر مهم ولی طبیعی و معمولی را محل نزاع و محمل بحث و مستمسکی برای ارائه تفسیرهای دلخواه قرار دهند و چنانکه قبلا نیز در مورد وصیتنامه حضرت امام و انجام تغییراتی در متن وصیتنامه توسط ایشان تا توانستند باب تفسیر به رای را توسعه دادند و هر چه خواستند گفتند، این بار هم احتمال تکرار آن تفسیرها وجود دارد. اما همانطور که در گذشته، تفسیرها و خبرسازی‌های آنان برای گویندگان و سازندگانش رسوایی ببار آورد، اکنون نیز چنین خواهد شد.

اصولا این اصل در مورد آثار همه بزرگان اعم از رهبران و متفکران و نویسندگان و هنرمندان و محققان صادق بوده و هست که پراکندگی و از هم گسیختگی آثار آنان و عدم تدوین و تطبیق و تصحیح کامل و جامع آنها بوسیله فرد یا جمع صاحبنظر و معتبر و مورد اعتماد، موجب می‌شود که اهل تحقیق و مطالعه نتوانند متون و آثار منسوب به آن بزرگان را بطور کامل و جدی و با اطمینان کافی، ماخذ و منبع مطالعه و پژوهش خویش قرار دهند و به آنها جزء به جزء استناد کنند. وقتی کلمه «محرم» (بروزن معظم)، در متن فتوا، محرم (بروزن مرکز) نوشته و خوانده شود، موجب تغییر معنا و تاثیرات مهم در جامعه می شود. همین کلمه در نطق سال ۴۳ حضرت امام، در متن یکی از کتب تاریخی، «مجرم» (بروزن مشکل) نوشته شده و توضیحات مطلب هم نشان می دهد که اشتباه چاپی نبوده است. تکرار این اشتباهات که بعضا بوسیله اهل دانش و تحقیق هم رخ داده است، از میزان اعتبار و صحت مطالب چاپ شده می کاهد.

بنابراین امید و انتظار اینست که فرزند عزیز امام باصداقت وکیاست، این وظیفه خطیر و مهم را تکفل و تصدی نموده و مجمعی که تحت نظر ایشان تشکیل می شود تمامی اثار حضرت امام را در همه زمینه هایی که درمتن نامه اشاره شده است، بانظر و تایید امام گردآوری کرده و در مجلدات معین و مسلسل با چاپ و فرم مشخص و یکنواخت عرضه نماید و برغنا و قوت این میراث معنوی و علمی درجامعه اسلامی بیفزاید.

اکنون، نامه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی و پاسخ حضرت امام را می‌خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحیم

پدر عزیز و مراد بزرگوارم، پس از عرض سلام:

۱ـ یکی از مسائل بسیار مهم که بعد از جنابعالی (خدا آنروز را نیاورد) موجب موضعگیریهای مختلف فرزندان انقلاب و افراد گوناگون و محققین و احیاناً اختلاف آنها میگردد برداشتهای گوناگون سیاسی و غیرسیاسی آنان از یك متن است و از این بسیار گسترده‌تر، از اختلاف بین متون منتشر شده حضرتعالی با آنچه به عنوان اسناد سیاسی و غیره از صدا و فیلم و متنهای دستنویس جنابعالی که منتشر نشده و در اختیار ماست سرچشمه میگیرد، شما بهتر از هرکس میدانید که بعلل گوناگون گاهی توسط خود شما شخصاً و گاهی از سوی اینجانب و یامسئولین و حتی بعض افراد معمولی پیشنهاد حذف یك قسمت و یا قسمتهائی از سخنرانیها، یا حذف و تغییر و اضافه جمله و یا جملاتی بسیار در اعلامیه‌ها مطرح شده است که حضرتعالی گاهی قبول نمی‌فرمایند و گاهی هم پس از دقت دستور حذف و یا تغییر و اضافه را بدانصورت که مایل باشید صادر می‌فرمائید که انجام میگیرد. حال اگر روزی تصمیم براین گردد ـ و حتماً می گردد ـ که متن سخنرانیها و یا اعلامیه‌ها و چیزهائی از این قبیل که با صدا و خط حضرتعالی است منتشر گردد مسلما متن دستخط و یامتن اصلی صدا و فیلم بعنوان سند خدشه ناپذیر اصل قرار میگیرد و آنچه از زیاد و کم بدان ـ صورتی که گذشت ولو بسیار هم مهم باشد یا کنار گذاشته میشود و یا تحت الشعاع خط و یا متن اصلی سخنرانی قرار میگیرد و این از مسائلی است که باید جدا برای آن فکری کرد.

۲ـ یکی دیگر از مسائلی که خوب است حضرتعالی برای ان فکری کنید این است که آنچه از حضرتعالی منتشر شده است در جرائد و صدا و سیما و حتی در بولتنها بیك صورت نیست گاهی دیده شده در روزنامه‌ای و یا مجله‌ای بعلل مختلف چه سیاسی و چه غیرسیاسی و یا سهوا جمله و یا جملاتی از لابلای اعلامیه‌ها و یا سخنرانیها در روزنامه‌ای آورده شده و در روزنامه دیگر نیامده است آیا کدام را باید اصل قرار داد آن متنی که این جمله را دارد و یا متنی که فاقد آن جمله است؟ بدیهی است این تردید در جایی است که دسترسی به صدا و خط حضرتعالی نیست و اینهم بسیار است چرا که خیلی وقتها است که صحبتهای جنابعالی رامن و یا یکی دیگر از دوستان می‌نویسیم و بعد از تصویب شما به مطبوعات و غیره می‌دهیم چه کسی باید تشخیص دهد ان جمله از حضرتعالی است یا نه؟ روشن است که گاهی تغییر و یا حذف و یا اضافه کلمه‌ای بطور کلی معنای جمله را تغییر میدهد.

۳ـ مسئله دیگر این است که تکلیف نامه‌ها و نوشته‌ها و پیامها و فیلم‌ها و نوارها و اشعارتان که بطور کلی منتشر نشده است و در بایگانی دفتر موجود است را هم روشن بفرمائید.

۴ـ پرونده‌های حضرتعالی در ساواك که الان در اختیار وزارت اطلاعات میباشد و یك نسخه از آن را اینجانب در اختیار دارد موضوع بسیار مهمی است که باید تکلیفش روشن گردد. لازم است به اطلاع حضرتعالی برسانم که تنها پرونده‌های جنابعالی در سازمان امنیت شاه در تهران ۴۸ جلد است که تقریبا هر جلد حدود ۵۰۰ صفحه میباشد که انتشار آن بدون شك پرده از مسائل بسیاری برمیدارد و طبیعی است که یکی از گرانقدرترین اسناد انقلاب اسلامی است.

۵ـ باید تکلیف کتابها و نوشته‌های که صرفا علمی و یا اخلاقی است و از ارزشمندترین کتبی است که می‌تواند زیربنای انقلاب فقهی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی و اصولی باشد را نیز روشن بفرمائید.

۶ـ از موضوعات دیگر بهره‌برداری و تحقیق و تحلیل و نیز انتشار اسناد و نامه‌ها و بولتنهائی است که قبل و بعد از انقلاب به عنوان حضرتعالی و یا دفتر ارسال گردیده و هم اکنون نیز در اختیار دفتر می‌باشد.

دو سه نمونه از مواردی که باعث نوشتن این نامه شد بعنوان ضمیمه و استشهاد تقدیم می گردد.

خدا یارو نگه دارتان باد
فرزند شما احمد

متن حکم امام امت:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

فرزند عزیزم احمد حفظ‌الله تعالی و ایده.

از آنجا که شما را بحمدالله تعالی در مسائل سیاسی و اجتماعی صاحب‌نظر میدانم و در تمامی فراز و نشیب‌ها در کنارم بوده‌ای و هستی و با صداقت و کیاست امور سیاسی و اجتماعی اینجانب را متصدی هستی، لهذا شما را برای تنظیم و تدوین کلیه مسائل مربوط بخود که بعضا در رسانه‌های گروهی اختلافات و اشتباهاتی رخ داده است انتخاب می نمایم و از خداوند متعال که حاضر و ناظر است توفیقات شما را خواستارم. امید است با صرف وقت و دقت نظر این امر را به پایان برسانی. والسلام علیکم

روح‌الله‌الموسوی‌الخمینی

پنجشنبه ۱۷ شهریور ۶۷ـ۲۶ محرم الحرام ۱۴۰۹

پیام امام به مناسبت ارتحال آیت‌الله خاتمی:

# اسلام و ایران، یکی از پرفروغ‌ترین چهره‌های تقوی، اخلاص و ایمان خود را از دست داد

بسم‌الله الرحمن الرحیم
اناالله و اناالیه راجعون

اسلام و ایران یکی از پرفروغ‌ترین چهره‌های تقوی و خلوص و ایمان خود را از دست داد. برادر عزیزم «خاتمی» زنده دل، چهره تابناك مبارزات خستگی ناپذیر روحانیت روشن ضمیر، در دهه‌های اخیر این مرز و بوم بود. او روشنفکری متدین و مجتهدی بزرگوار و از خوبان امینی بود که اگر نتوان گفت بی نظیر، مسلما کم نظیر بود. او با گوشت و پوست خود مبارزه را می فهمید و سختی های آن را چون شربتی گوارا می نوشید. او یار و پناه محرومان بود. او یك عمر با تحجر و واپس گرائی جنگید و یکی از طرفداران بی بدیل اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم در عصر فریب و خودپرستی بود. او پاك زیست و پاك مرد و پاك در جوار رحمت ربش آرمید.

این ضایعه دردناك را به مردم ایران، خصوصا به اهالی متدین استان یزد و به خانواده مکرمش و فرزندان متدینش و فرزند فاضل با تقوی و متعهدمان جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدمحمد خاتمی وزیر محترم ارشاد اسلامی تسلیت عرض می نمایم. خداوند اورا غریق رحمت خویش گرداند.

□ جمعه ۶۷/۸/۶ ـ روح‌الله الموسوی الخمینی.

# پاسخ امام به استفتاء وزیر کار در زمینه برقراری شروط الزامی برای استفاده کنندگان از امکانات و خدمات دولتی

آقای سرحدی‌زاده وزیر کار و امور اجتماعی با تقدیم نامه‌ای به محضر امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه در زمینه برقراری شروط الزامی در مورد واحدهائی که از امکانات و خدمات دولتی و عمومی به نحوی از انحاء استفاده می کنند استفسار کرد.

متن نامه وزیر کار و امور اجتماعی بدین شرح ا ست:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

محضر مبارك رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله‌العالی.

با آرزوی سلامتی و طول عمر برای آن وجود شریف و امید پیروزی هرچه سریعتر رزمندگان اسلام علیه کفر جهانی، استدعا دارد با توجه به کیفیت و نوع کار این وزارتخانه در ارتباط با واحدهای تولیدی و خدماتی بخش خصوصی در مورد سئوال زیر این وزارتخانه را ارشاد و راهنمائی فرمائید:

آیا می‌توان برای واحدهائی که از امکانات و خدمات دولتی و عمومی مانند آب، برق، تلفن، سوخت، ارز، مواد اولیه، بندر، جاده، اسکله، سیستم اداری، سیستم بانکی و غیره به نحوی از انحاء استفاده می‌نمایند اعم از اینکه این استفاده از گذشته بوده و استمرار داشته باشد یا بتازگی بعمل آید در ازای این استفاده شروط الزامی را مقرر نمود؟

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته
ابوالقاسم سرحدی‌زاده ـ وزیر کار و امور اجتماعی
جواب حضرت امام امت بدین شرح است:
بسمه تعالی

در هر دو صورت چه گذشته و چه حال دولت می‌تواند شروط الزامی را مقرر نماید.

روح‌الله‌الموسوی‌الخمینی
شانزدهم آذرماه شصت و شش

# آیه‌های زمینی

بقیهٔ سخن روز

دگرگونی پذیرفته و می‌پذیرد، که آنچه او هنگام ظهور ارائه می‌کند، دین جدید تلقی می‌شود و کتاب جدید.

... ما به منظور یادآوری این فتح باب بزرگ و به خاطر ارائه نمونه‌هایی چند از کارنامه عظیم امام خمینی ـ اعلی‌الله مقامه‌الشریف ـ این مجموعه را هر چند کامل نیست فراهم آورده‌ایم تا یادآوری وتذکری باشد و انگیزه‌ای برای استمرار و تداوم راهی که او شجاعانه در برابر ما گشوده است. آکنون در اربعین عزای او این هدیه را به رسم یادگار به دوستان وعاشقان و یارانش تقدیم می کنیم تا اشارتی باشد به آنچه پس از این باید بشود و انجام آن در این مجال اندك میسر نیست.

# امام: باید حصارهای جهل و خرافه را بشکنیم تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی برسیم

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قدیری در نامه جدیدی به محضر امام امت ضمن قدردانی و تشکر از جواب معظم‌له به نامه وی و تبیین مسائل از اینکه ممکن است افرادی برخلاف مقصود حضرت امام از آن سوء استفاده کنند از معظم‌له درخواست کرد که نظرشان را نسبت به شخص ایشان بیان فرمایند.

متن پاسخ حضرت امام به این درخواست بشرح زیراست:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای قدیری دامت افاضاته ـ با سلام و دعای خیر و آرزوی موفقیت برای شما در پیاده کردن احکام اسلام نامه اول شما و جواب من درحال و هوای مدرسه و درس و بحث بود والا من شما را مجتهد و صاحب نظر در فقه میدانم و همیشه از خدا خواسته‌ام که شما جوانان بتوانید معضلات کشور در زمینه‌های مختلف راحل کنید. من شما را یکی از دوستان قدیمی و خوب خود میدانم و زحمات شما را در درس و بحث و کمك‌های شما را در تمام زمینه‌ها فراموش نمی کنم. ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا بسرچشمه زلال اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله برسیم و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی میخواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم. خداوند جنابعالی را تایید فرماید.

والسلام علیکم و رحمة‌الله
روح‌الله‌الموسوی الخمینی
۶۷/۷/۱۲

# امام: فرزندان شهدا باید مبارزینی سرسخت علیه اسلام آمریکایی باشند و باچراغ علم و عمل و تقوی، ظلمت نفاق، کج فکریها، تحجرها و مقدس مآبی‌ها را از دامن اسلام بزدایند

امام خمینی در پاسخ به نامه و گزارش مشروح آقای کروبی نماینده ایشان و سرپرست بنیاد شهید درزمینه عملکرد ستاد فرهنگی فرزندان شاهد که در کوتاه‌ترین مدت به موفقیت‌های چشمگیر برای تاسیس مدارس شاهد و نیز پیشرفت تحصیلی فرزندان شهداء، اسراء، مفقودین و جانبازان در سطوح مختلف ابتدایی تا دانشگاه که به پرورش استعدادهای نمونه و ممتازی در بین فرزندان شاهد منجر شده است، پیامی برای فرزندان شاهد فرستادند. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی دامت افاضاته

گزارش مشروح مسائل فرهنگی و تحصیلی فرزندان عزیز شاهد واصل گردید. از تلاش مسئولین و صاحبنظرانی که به این امر مهم اهتمام نموده و در راه بارور شدن و شکوفایی استعدادهای سرشار نونهالان و جوانان برنامه ریزی کرده‌اند، تشکر می‌نمایم.

از اینکه نوشته‌اید فرزندان عزیز شهداء و مفقودین و جانبازان و اسراء با جدیت و عشق و علاقه درس می‌خوانند، موجب غرور و شادمانی است. سلام گرم و محبت خالصانه‌ام را به این سرمایه‌های گرانبهای انقلاب، این یادگاران معلمین جاوید دانشگاه عشق و شهادت ابلاغ نمایید. و از قول من به آنان بگویید که من با تمام وجود به شما عشق می‌ورزم و شما را از دل و جان دوست دارم و علاقمندم که فرد فرد شما عالم و متخصص متعهد برای اسلام ناب محمدی (ص) و مبارزی سرسخت علیه اسلام آمریکایی و مرفهین و پرچمدار وفاداری برای ایثارگران و شهیدان خود باشید و بتوانید با چراغ علم و عمل و تقوا، ظلمت نفاق و کج فکری‌ها و تحجرها و مقدس مآبی‌ها را از دامن اسلام بزدایید. کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما، گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیل معنوی آنان است که با مهر رضایت خدا امضاء شده است و اما کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شما است.

زندگی در دنیای امروز، زندگی در مدرسه اراده است و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می‌خورد.

اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه‌های عمر و استعدادهای جوانی استفاده کنید، با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید که زندگی زیرچتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها انقدر خاطره آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامیهای دیگر را از یاد می برد. بشریت با همه پیشرفتهایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت دانش است و تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است. امیدوارم ملتهای اسلامی و ملت بزرگ ایران با یك تحرك فرهنگی گسترده بتوانند مسلمانان را از فقر و تنگنای علمی درآورند. توصیه مجدد و اکید من به همه دست اندرکاران و مسئولین کشور این است که بیشتر از گذشته به امور فرهنگی این عزیزان توجه نمایند.

من هدیه‌ای جز دعای خیر برای فرزندان شاهدان همیشه تاریخ، خصوصا آنهائی که در تحصیل جزء شاگردان ممتاز شناخته شدند، ندارم. امیدوارم خداوند عطش علم آموزی را درآنان زیاد و سینه هاشان را از دریای معارف خود گرداند و تعهد عمل را به آنان کرامت نماید.

والسلام علیکم و رحمة الله ـ به تاریخ ۱۳۶۷/۶/۲۸ روح‌الله‌الموسوی الخمینی